ایران

• پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۴
• ۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
• ۲ اکتبر ۲۰۲۵
• سال سی‌ویکم
• شماره ۸۸۴۹
• ۲۰ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

لیلی رشیدی کارگردان تئاتر
«باغ بی‌آلبالو» در گفت‌وگو با «ایران»:

تفاوت نسلی نه تنها آزاردهنده نیست جذاب هم هست

۱۵

عکس: رضا معطریان / ایران

«CFT آخرین لایحه مرتبط با FATF» در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد

کلید وفاق در قفل ۱۲ ساله

براساس آخرین بیانیه گروه اقدام مالی، با تصویب دو کنوانسیون پالرمو و CFT اقدامات تقابلی علیه ایران تعلیق می‌شود

۳

رئیس جمهوری
در هیأت وزیران تأکید کرد

متخصصین را به دلایل واهی طرد نکنیم

استراتژی دشمن این است که نیروهای تأثیرگذار و توانمند مورد بی‌مهری قرار گیرند و ناراضی شوند لذا ما نباید با دست خودمان به پیشبرد این هدف کمک کنیم

President.ir

۲

سید جلال دهقانی فیروزآبادی
در گفت‌وگو با «ایران» بررسی کرد

چگونه تهران ابتکار عمل را حفظ کند

از ابهام هسته‌ای تا مقاومت فعال اهرم‌سازی ایران در برابر آمریکا

عکس: حسین نقی‌زاده / ایران

۴

با وجود اعمال فشارها و محدودیت‌های زیاد رقم خورد

ارتقای رتبه جهانی کشتیرانی ایران

در سال گذشته ۲۷ میلیون تن کالا توسط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران جابه‌جا شده است

۸

دولت ترامپ در تعطیلات

«ایران» تاریخچه توقف فعالیت دولت‌های فدرال از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۲۵ را بررسی می‌کند

۵

رئیس سازمان خصوصی‌سازی به «ایران» گفت

شفافیت مالی استقلال و پرسپولیس حق مردم است

یک استاد دانشگاه و کارشناس تخصصی دادگستری در ورزش تشریح کرد «عمومی‌سازی» به جای «خصوصی‌سازی صوری»

۱۲

«ایران» از افزایش طلاق در بین میانسالان و سالمندان گزارش می‌دهد

جدایی خاکستری با انبوهی خاکستر

۱۸

یادداشت یک

فرزانه صادق
وزیر راه و شهرسازی

ایران دریایی؛ میراثی که آینده می‌سازد

روز جهانی دریانوردی فرصتی ارزشمند برای پاسداشت تلاش‌های دریانوردان و بازاندیشی در جایگاه حیاتی صنعت دریایی در اقتصاد جهانی و امنیت ملی کشورهاست. این روز، نه تنها یادآور نقش بی‌بدیل دریاها در پیوند ملت‌ها و حرکت چرخ‌های تجارت بین‌المللی است، بلکه بستری برای تقدیر از مردان و زنانی است که با تعهد عمیق در خط مقدم حمل‌ونقل دریایی ایستاده‌اند.

امسال، جامعه جهانی دریایی با شعار «اقیانوس ما، تعهد ما، فرصت ما» این روز را گرامی می‌دارد؛ شعاری که بار دیگر نشان می‌دهد حفاظت از اقیانوس‌ها، یک وظیفه اخلاقی و در عین حال یک فرصت راهبردی برای توسعه پایدار است.

موتور محرک تجارت جهانی

صنعت دریانوردی همچنان قلب تپنده تجارت بین‌المللی است. بیش از ۸۵درصد کالاهای جهان از طریق دریا جابه‌جا می‌شود. با وجود چالش‌هایی چون همه‌گیری کرونا، جنگ اوکراین و محدودیت‌های تجاری، این صنعت همچنان مسیر رشد خود را حفظ کرده و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۷ با رشد متوسط ۳/۳درصدی روبه‌رو باشد.

امروز بیش از ۵۵ هزار کشتی تجاری در دنیا فعال هستند و ظرفیت حمل بار جهانی به بیش از ۲ میلیارد و ۱۸۰ میلیون تن رسیده است. قدرت‌های بزرگ دریایی همچون یونان، چین و ژاپن در صدر این صنعت ایستاده‌اند و کشورهای منطقه‌ای نظیر ترکیه و هند نیز جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند.

ایران؛ سرزمین گره‌خورده با دریا

ایران با داشتن ۵ هزار و ۸۰۰ کیلومتر ساحل و بیش از ۹۰ درصد تجارت خارجی دریامحور، همواره با دریا عجین بوده است. ناوگان ملی با حدود ۴۰۰ کشتی و ظرفیتی نزدیک به ۱۷ میلیون تن بار، ایران را در رتبه بیستم جهان قرار داده است. بیش از ۱۴۶ هزار دریانورد ایرانی در این صنعت فعالیت دارند و حضور زنان دریانورد با داشتن نزدیک به ۸۷۰ گواهینامه شایستگی، افق تازه‌ای را برای این حوزه ترسیم کرده است. همچنین تثبیت جایگاه ایران در فهرست سفید سازمان بین‌المللی دریانوردی برای پنج سال آینده، گواهی بر همسویی کشورمان با استانداردهای جهانی و پذیرش این همسویی از سوی نهادهای بین‌المللی است.

موقعیت ایران در تنگه هرمز، توسعه بندر چابهار، توان ساخت و تعمیر کشتی و سرمایه‌گذاری در کشتی‌های سبز از مهم‌ترین ظرفیت‌هایی است که کشورمان را به یک قطب ترانزیتی بدل می‌سازد.

دیجیتال‌سازی بنادر و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های نوین نیز می‌تواند جایگاه ایران را در زنجیره جهانی حمل‌ونقل ارتقا بخشد و سیاست‌های اقتصاد دریا محور را محقق کند.

عبور از موج چالش‌ها

تحریم‌های بین‌المللی، فرسودگی ناوگان، کمبود نیروی متخصص، هزینه‌های بالای سوخت و الزامات زیست‌محیطی از مهم‌ترین چالش‌های دریانوردی ایران به شمار می‌روند. غلبه بر این موانع مستلزم نوسازی ناوگان، توسعه منابع انسانی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین است.

دریانوردان ایرانی سربازان خط مقدم اقتصاد کشورند. آنان با شجاعت و صبوری، استمرار تجارت ملی را تضمین می‌کنند. پاسداشت آنان، پاسداشت امنیت و حیات اقتصادی کشور است.

آینده‌ای روشن در افق ایران دریایی

روز جهانی دریانوردی سال ۲۰۲۵ بار دیگر بر مسئولیت مشترک همه ما در حفاظت از اقیانوس‌ها و بهره‌برداری پایدار تأکید می‌کند. برای ایران، این روز فرصتی است برای تجدید عهد در مسیر توسعه دریا محور. با اتکا به توان دریانوردان و برنامه‌ریزی‌های راهبردی، آینده‌ای روشن در انتظار ایران دریایی خواهد بود.

معاون اول رئیس جمهور در دیدار مسئولان و اعضای تیم ملی وزنه‌برداری:

هیچ حکومتی نمی‌تواند کوچک‌ترین نظری به مردم ما تحمیل کند

رئیس و کادر فنی فدراسیون وزنه‌برداری و اعضای تیم ملی این رشته ورزشی در آستانه اعزام به مسابقات جهانی وزنه‌برداری نروژ با معاون اول رئیس جمهور دیدار کردند.

به گزارش ایرنا، معاون اول رئیس جمهور در این دیدار با تأکید بر اهمیت توجه به روحیه پهلوانی در ورزش قهرمانی، با بیان اینکه «دولت نگاه یک بُعدی به ورزش ندارد»، گفت: «ما هیچ‌گاه صرفاً دنبال قهرمان‌پروری نبوده‌ایم بلکه پهلوانی یعنی اخلاق‌مداری در ورزش برای ما اهمیت داشته است. در فرهنگ اصیل ایرانی، پهلوان جایگاه خاصی در جامعه داشته و مأمن مردم و الگوی جوانان بوده است.»

محمدرضا عارف با قدردانی از روحیه پهلوانی کشتی‌گیران کشورمان در مسابقات اخیر جهانی افزود: «در برخی مواقع حتی رقیب با سر به صورت ورزشکار ما ضربه زد، ولی ورزشکار ما هیچ عکس‌العملی نشان نداد. ما باید به این جوانان ورزشکار خود افتخار کنیم زیرا آنها به دنیا نشان دادند که یک ایرانی چه شخصیتی دارد و اخلاق را فدای پیروزی‌های مقطعی نکرده و در موضع قدرت هم اخلاق را رها نمی‌کند.»

وی گفت: «اصل «ما می‌توانیم» یک باور در میان جوانان ورزشکار و دانشمند کشورمان بوده است. ورزشکاران بر جامعه اثرگذار بوده و به آن نشاط می‌دهند. وقتی یک وزنه‌بردار با ذکر «یاعلی» وزنه را به بالای سر می‌برد، یک پیروزی معنوی برای کشورمان حاصل کرده است. این پیروزی‌ها حتی در زمینه‌های علمی هم اثرگذار است و دانشجوی نخبه ما هم با دیدن این صحنه‌ها، روحیه گرفته و متوجه می‌شود مانعی برای پیشرفت وجود ندارد.»

عارف اضافه کرد: «ورزشکاران ما نماینده مردمی با فرهنگ، معتقد به اخلاق و پایبند به اصولی هستند که نتیجه آن آزادی و استقلال برای کشور است. ما افتخار می‌کنیم که آزادترین و مستقل‌ترین کشور هستیم و هیچ مقامی و هیچ حکومتی نمی‌تواند کوچکترین نظریه را به مردم ما دیکته یا تحمیل کند. البته اهل مذاکره و گفت‌وگو هستیم.»

معاون اول رئیس جمهور ادامه داد: «ورزشکاران ما باید بدانند که در مسابقات جهانی نماینده همه مردم ایران هستند. بنابراین رفتار، منش و چگونگی حضور آنان در مسابقات بین‌المللی اهمیت دارد و نشان‌دهنده اخلاق و رفتار مردم ایران به دیگران است.» وی با تأکید بر لزوم حمایت بیشتر از رشته‌های مدال‌آور از جمله کشتی، وزنه‌برداری و تکواندو، بیان کرد: «دولت برای المپیک ۲۰۲۸ برنامه‌های خوبی تدارک دیده است. من از روزهای ابتدایی روی کار آمدن دولت چهاردهم از وزیر ورزش خواستم برنامه دولت برای المپیک ۲۰۲۸ را ارائه کند.»

عارف با تأکید بر اینکه «دولت تأمین نیازهای ورزش کشور از جمله رشته وزنه‌برداری را دنبال می‌کند»، گفت: «ما در چهارچوب قوانین و مقررات حامی ورزشکاران بوده و تلاش می‌کنیم نیازهای این رشته را رفع کنیم.»

وزیر ورزش و جوانان نیز با اشاره به در پیش بودن مسابقات جهانی و آسیایی وزنه‌برداری از جمله مسابقات جهانی در نروژ گفت: «رشته وزنه‌برداری بعد از کشتی بیشترین مدال‌ها را در المپیک بدست آورده و از ۲۷ مدال طلای تاریخ المپیک کشورمان، ۹ مدال طلا حاصل تلاش وزنه‌برداران بوده است. اکنون نیز تلاش ما این است که در المپیک ۲۰۲۸ وزنه‌برداری سهم قابل‌توجهی از مدال‌های کاروان ورزش کشورمان را بدست بیاورد.»

احمد دنیامالی افزود: «ورزشکاران سه رشته کشتی، تکواندو و وزنه‌برداری در مسابقات مختلف برای کشورمان مدال کسب می‌کنند. البته ما بجز حمایت از این رشته‌ها در حال اقدامات ویژه برای رشته‌های تیراندازی و دو و میدانی هستیم چون در این رشته‌ها هم ظرفیت خوبی داریم. ما این رشته‌ها را در اولویت قرار داده‌ایم.»

سجاد انوشیروانی رئیس فدراسیون وزنه‌برداری نیز گفت: «ما در این رشته پوست‌اندازی کرده‌ایم. میانگین سنی تیم بزرگسالان ما ۲۱ سال است و با تدوین یک برنامه دنبال پشتوانه‌سازی برای رشته وزنه‌برداری برای چند المپیک آینده هستیم تا کشور دغدغه‌ای برای این رشته نداشته باشد.»

وی همچنین خواستار کمک دولت برای رفع مشکلات این رشته ورزشی از جمله بهبود زیرساخت‌ها، تأمین بودجه، حل مشکلات شخصی وزنه‌برداران و تأمین حامی مالی برای این رشته ورزشی شد.

جنگ یا آتش بس؟

بدون روتوش

محمدمحسن فایضی
کارشناس خاورمیانه

در کنار اخبار و گمانه‌زنی‌ها حول طرح ترامپ برای غزه، اما کاتس وزیر جنگ از رسیدن و تسلط دوباره ارتش اسرائیل به محور نتزاریم و اعلام بسته شدن مسیر عبور از این محور بین جنوب و شمال نوارغزه خبر داد.

این درحالی است که هنوز بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر از ۱.۲ میلیون فلسطینی در شهر غزه مانده‌اند و قصد خروج تاکنون نداشته‌اند. جالب است که دلیل این انسداد جلوگیری از بازگشت به شمال در روزها و هفته‌های آتی هنگام نبرد زمینی ذکر شده است.

سؤال اینجاست که اکنون سناریو تداوم جنگ زمینی است یا آتش بس؟ آن هم آتش بسی که دیگر در آن خبری از کوچ اجباری نیست؟

پاسخ این سؤال را ناچان براون در اندیشکده آمریکایی کارنگی با پاسخ به مسأله‌ای عمیق‌تر داده است. او می‌نویسد:

«هنگامی که اسرائیل حمله خود را به غزه دو سال پیش آغاز کرد، از همان ابتدا باید برای ناظران گیج روشن می‌شد که برنامه‌ریزی پس از جنگ و حکمرانی غزه دغدغه‌های رسمی نبودند! عدم برنامه‌ریزی برای فردای پس از جنگ ناشی از حواس‌پرتی یا تعلل نبود، بلکه ناشی از درکی بود که اسرائیل داشت که در حال حاضر در یک جنگ ابدی در آن جبهه قرار دارد و فلسطینی‌ها دیگر قرار نیست توسط نهادهای ملی اداره شوند، بلکه تنها توسط ترتیبات محلی موقت در صورت لزوم اداره خواهند شد. از این منظر، اسرائیل چاره‌ای جز تبدیل قابلیت‌های نظامی و اطلاعاتی خود به سلطه استراتژیک مداوم نداشت.»

این اندیشمند آمریکایی معتقد است انتخاب نتانیاهو برای تداوم جنگ، ناشی از نبود گزینه دیگری پیش روی اسرائیلی‌هاست. آنها اجباراً وارد یک جنگ ناتمام در غزه و به تبع آن در منطقه شده‌اند که دلیل آن هم نه تعلل، بلکه نبود هیچ گزینه واقعی پیش رویشان برای کنترل نوارغزه پس از دو سال جنگ است.

البته این چالش با مشکلات دیگری چون فشار دیگر بازیگران، پایان صبر ترامپ از عدم حل و فصل بحران و همچنین بحران مشروعیت جهانی همراه است و این سؤال را ایجاد می‌کند که تا کجا جنگ قرار است تداوم یابد؟

برای اولین بار از سال ۱۹۹۸ نظرسنجی‌های «تایمز» از رأی‌دهندگان نشان داد که تعداد بیشتری از رأی‌دهندگان با فلسطینیان نسبت به اسرائیلی‌ها احساس همدردی می‌کنند.

در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، رأی‌دهندگان آمریکایی به طور گسترده با اسرائیلی‌ها همدردی می‌کردند، به طوری که ۴۷ درصد طرف اسرائیل و تنها ۲۰ درصد طرف فلسطینیان را می‌گرفتند. در نظرسنجی جدید، ۳۴ درصد گفتند که طرف اسرائیل و ۳۵ درصد طرف فلسطینیان هستند. ۳۱ درصد نیز گفتند مطمئن نیستند یا به طور مساوی از هر دو حمایت می‌کنند.

سؤال اینجاست که نتانیاهو تا کجا جنگ را ادامه خواهد داد؟ به نظرم تا جایی که احساس تردید در ممکن بودن موفقیت در تداوم مسیر نداشته باشد.

یادداشت

محمدرضا باهنر
عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

کفه استدلال چگونه به نفع تصویب CFT شد؟

مجمع تشخیص مصلحت نظام روز گذشته به مسئولیت قانونی و ملی خود عمل کرد. این مسئولیت، قبل از هر چیز «بررسی لایحه پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون CFT» بود که بنا به خواست رئیس‌جمهوری محترم و موافقت رهبر معظم انقلاب به این نهاد سپرده شده بود. در جریان این بررسی که البته دومین بررسی مجمع تشخیص مصلحت نظام در این باره بود، این بار اعضای مجمع به نظر و جمع‌بندی دیگری رسیدند که این نظر، تصویب پیوستن جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون بود. آنچه باید به آن توجه شود، این حقیقت است که در هر دو مقطع و در هر بررسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام همواره چند مسأله مهم را مدنظر داشته است. مهم‌ترین آنها که در فلسفه تأسیس و فعالیت مجمع هم مندرج است، «تشخیص مصلحت نظام» است. یعنی تعیین اینکه هنگام بروز اختلاف نظر میان مجلس شورای اسلامی و شورای محترم نگهبان، برای داوری بین نظر شرع و عرف، امر به این نهاد سپرده می‌شود. مسأله مهم دیگر، استدلال‌هایی است که در هر بررسی، چه از سوی کارشناسان سازمان‌های مسئول و مرتبط با موضوع بررسی و چه از سوی اعضا در صحن مجمع ارائه می‌شود. درخلال بررسی‌های اخیر اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام به این جمع‌بندی رسیدند که استدلال‌ها برای رد این لوایح و تصویب نکردن آن، ضعیف‌تر از استدلال‌ها برای تصویب آن است. طبیعی است که اعضای مجمع در تشخیص مصلحت یا تعیین اولویت میان رویکردهای مختلف، همواره بر استدلال‌ها و نظرات کارشناسی تکیه دارند. یعنی مواردی که به صورت روشن می‌تواند برای کشور و مردم یا حوزه‌های مرتبط با آنها مفید یا مضر باشد. این نکته نیز لازم به ذکر است که در جریان بحث و گفت‌وگوها درباره این کنوانسیون و لایحه مرتبط با آن، رئیس جمهوری محترم، وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی و وزیر محترم امور خارجه استدلال‌های خوبی داشتند که اعضای مجمع نیز این استدلال‌ها را پذیرفتند. از سوی دیگر تجربه چند سال اخیر بویژه پس از تصویب نشدن لوایح پالرمو و CFT نشان داد استدلال‌هایی که در مخالفت آنها ارائه می‌شد از قوت چندانی برخوردار نبود. خروج پرونده ایران از فهرست خاکستری این نهاد و رفتن به فهرست سیاه پیامدهای منفی مهمی برای بخش‌های اقتصادی کشور به دنبال داشت. این پیامدهای منفی برای بخش‌های اقتصادی غیردولتی یا خصوصی ما به همان اندازه زیاد بود که برای بخش دولتی. این تجربه‌ها و شواهد دیگری از این دست در نهایت توانست کفه استدلال‌ها به نفع تصویب این لوایح را سنگین‌تر کند.

مخالفان تصویب این لایحه در مجمع تشخیص مصلحت نظام، این طور استدلال می‌کردند که تصویب لایحه پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون CFT کمکی به رفع تحریم‌ها نخواهد کرد. در مقابل، موافقان تصویب این لایحه در مجمع تشخیص مصحلت نظام هیچ گاه نمی‌گفتند تصویب CFT به رفع تحریم‌ها کمک می‌کند. بلکه استدلال موافقان در مجمع این بود که ما در جهان دوستانی داریم که می‌خواهند با ما همکاری داشته باشند. اما سخن این کشورهای دوست با ما این است که نپیوستن ایران و تصویب نشدن این لوایح، می‌تواند کار آنها را در حفظ و برقراری ارتباط پولی و بانکی با ایران سخت‌تر کند.

همچنین برخی این‌طور عنوان کردند که با توجه به بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت، نمی‌بایست لایحه CFT تصویب شود. درحالی که این استدلال درست نیست. زیرا تحریم‌ها، امری متفاوت و کاملاً مجزا از CFT است. تحریم‌ها می‌تواند با تصمیم‌های سیاسی متوقف شود یا حتی احیا شود، مانند اجرای «اسنپ‌بک» که تصمیم سیاسی اروپایی‌ها برای فشار به ایران بود. اما CFT امر و نهادی مجزاست که سازوکارهای مشخص آن مانع اثرگذاری غیراصولی دیگر کشورها در پرونده کشورهای رقیب یا متخاصم می‌شود. به هر صورت از هرگامی که باعث شود گره‌ای از مشکلات کشور باز کند، نباید اجتناب کرد و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز همواره تلاش دارد تا نهادی گره‌گشا برای ملت بزرگ ایران باشد.

رئیس‌جمهوری در هیأت وزیران تأکید کرد

متخصصین را به دلایل واهی طرد نکنیم

دولت

رئیس‌جمهوری در جلسه روز گذشته هیأت وزیران، بخشی از سخنانش را به نکوهش رویکردهای مذموم نسبت به چهره‌های علمی اختصاص داد، رویکردهایی که افراد علمی، اعم از متخصصان و دانشمندان یا دانشجویان را به خاطر اظهارنظر یا تفاوت دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی از حضور در مراکز علمی محروم می‌کند.

مسعود پزشکیان در این باره در دولت گفت: «نباید نیروهای علمی، متخصصین و صاحب‌نظران و کارشناسان را به دلایل واهی از جمله اینکه فلان کارشناس در مقطعی اظهارنظری کرده، از حضور در مراکز علمی و تخصصی محروم کنیم.»

رئیس‌جمهوری چرایی نکوهیده بودن و مذموم بودن این رویکرد را اینطور تشریح کرد: «استراتژی دشمن این است که نیروهای تأثیرگذار و توانمند مورد بی‌مهری قرار گیرند و ناراضی شوند، لذا ما نباید با دست خودمان به پیشبرد این هدف کمک کنیم.»

بخشی از این تأکید مسعود پزشکیان ناظر بر الزامات اجتماعی و سیاسی است، به این معنی که شهروندان حق دارند نظر منتقد یا مخالف با مدیر ارشد خود داشته باشند. اما در کنار این حق شهروندی که در قانون اساسی هم بر آن تأکید شده است، الزام دیگر سخنان رئیس‌جمهوری ناظر بر جنگی است که چند ماه پیش به کشور تحمیل شد. زیرا در این جنگ مشخص شد که دستیابی به فناوری و برخورداری از یافته‌های علمی، به منزله برتری در جنگ هم هست. از این رو، از دست دادن نیروهای علمی و کنارگذاشتن آنان از مراکز علمی و دانشگاهی و پژوهشی، به منزله خالی کردن دست کشور از ابزارهای دفاعی نوین است.

معنای این اظهارنظر رئیس‌جمهوری زمانی بیشتر درک می‌شود که پس از جنگ اخیر، تقریباً همه چهره‌های سیاسی و مدیریتی کشور بر ضرورت پیشرفت علمی برای مقابله با دشمن مسلط به فناوری پیشرفته غرب تأکید کردند.

درکنار این، حل سایر مسائل کشور، از آب و انرژی تا معضلات اجتماعی، در گرو برخورداری از دانش‌های مرتبط علوم اجتماعی و فرهنگی است که به اندازه دانش‌های مهندسی و علوم پایه اهمیت دارد.

بنابراین می‌توان سخنان رئیس‌جمهوری را اینطور خلاصه یا جمع‌بندی کرد که ایران برای ایستادگی و پایداری همه‌جانبه در همه حوزه‌ها، نیازمند دانش و تخصص است و برخورداری از دانش و تخصص، نیازمند این است که با دانشمندان با مدارا برخورد شود یا به قول رئیس‌جمهوری، «نباید نیروهای علمی، متخصصین و صاحب‌نظران و کارشناسان را به دلایل واهی از جمله اینکه فلان کارشناس در مقطعی اظهارنظری کرده، از حضور در مراکز علمی و تخصصی محروم کنیم.»

عکس: president.ir

> استراتژی دشمن این است که نیروهای تأثیرگذار و توانمند مورد بی‌مهری قرار گیرند و ناراضی شوند، لذا ما نباید با دست خودمان به پیشبرد این هدف کمک کنیم

توقف تولید به بهانه نبود انرژی ممنوع

رئیس‌جمهوری در بخش دیگری از اظهارات خود در نشست دیروز هیأت وزیران، پس از گزارش وزیر نیرو با تأکید بر اینکه «فعالیت صنایع و کارخانجات تولیدی به هیچ‌وجه نباید به خاطر کمبود برق و گاز متوقف شود»، بر ضرورت کاهش و بهینه کردن هزینه‌های دستگاه‌های اجرایی نیز تأکید کرد.

وی افزود: «صرفه‌جویی، مصرف صحیح و افزایش بهره‌وری را باید از خودمان شروع کنیم. همچنین تأمین و تسهیل معیشت مردم باید مهم‌ترین دستورالعمل ما باشد و تحت هیچ شرایطی این موضوع نباید مورد بی‌توجهی یا حتی کم‌توجهی قرار گیرد.»

رئیس‌جمهوری همچنین با تأکید بر اهمیت تسهیل و روان‌سازی امور در دستگاه‌هایی مثل گمرک با ایجاد هماهنگی و رفع تعدد سلایق دستگاه‌ها گفت: «باید با ایجاد فرماندهی واحد کار مردم و تجار تا حد امکان با سهولت و سرعت انجام شود. در این صورت است که می‌شود تاب‌آوری جامعه را ارتقا داد.»

کارشکنی آمریکا در مذاکرات

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه نیز با ارائه گزارشی از دیدارها و مذاکرات با کشورهای اروپایی و طرف آمریکایی، قبل و حین سفر به نیویورک تصریح کرد: «تمام رایزنی‌ها و انعطاف‌های لازم و ضروری به منظور اتمام حجت با این طرف‌ها صورت گرفت، اما همانگونه که از قبل هم پیش‌بینی می‌شد، این مسیر با کارشکنی‌های آمریکایی‌ها به سرانجام نرسید.»

در مسیر عادلانه کردن حقوق

معاون اجرایی رئیس‌جمهور و دبیر کارگروه نظام پرداخت مبتنی بر عملکرد نیز در این جلسه، گزارشی از اقدامات و پیگیری‌های صورت گرفته برای عملیاتی کردن برنامه بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد ارائه کرد.

رئیس‌جمهوری با قدردانی از تلاش‌های انجام شده گفت: «اکنون مبنای پرداخت حقوق عادلانه نیست و دولت از یک سو هزینه‌های کلانی برای پرداخت حقوق و مزایا دارد و از سوی دیگر همین پرداخت‌ها هم به دلیل پایین بودن کارآمدی و بهره‌وری دستگاه‌ها به ایجاد نارضایتی برای مراجعان منجر می‌شود و هم بین حقوق بگیران نارضایتی ایجاد می‌کند؛ لذا ضرورت دارد هر چه سریع‌تر نظام بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد و به تبع آن پرداخت بر اساس عملکرد، نهایی و اجرا شود.»

«ایران» از متن و حاشیه صدوپانزدهمین جلسه هیأت وزیران گزارش می‌دهد

هشت دهک زیر چتر حمایت معیشتی دولت

گزارش

صد و پانزدهمین جلسه هیأت دولت روز گذشته در حالی برگزار شد که شرایط کشور به دلیل بازگشت قطعنامه‌ها و تلاش برخی کشورها برای اعمال فشار اقتصادی بر دولت و ملت، متفاوت از گذشته است. به همین منظور، هیأت وزیران در جلسه روز گذشته خود کوشید ضمن ارائه تصویری روشن از برنامه‌های حمایتی خود برای اقشار مختلف جامعه، این پیام را به همه ایرانیان منتقل کند که با وجود دشواری‌ها، دولت تدابیر لازم را برای حمایت از معیشت مردم و اداره کشور در شرایط جدید اندیشیده است. متن و حاشیه جلسه روز گذشته هیأت وزیران نشان می‌دهد دغدغه اصلی دولت همچنان حمایت و تأمین سفره مردم و افزایش تاب‌آوری اجتماعی در برابر فشارهای اقتصادی خارجی است. از طرح‌هایی چون اختصاص بسته‌های حمایتی جدید برای ۸ دهک درآمدی که دبیر هیأت دولت خبرداد، تا تفویض اختیارات به استانداران، اصلاح نظام بودجه‌ریزی و شتاب دادن به طرح‌های مسکن ملی، همگی نشان از آن دارد که دولت تلاش دارد با «آرایش جدید» برای مقابله با شرایط جدید آماده شود. قرار گرفتن راهبردهای اجتماعی و فرهنگی در کنار این تصمیمات اقتصادی، موید این سخن است.

عکس: ایرنا

تقوی‌نژاد: بسته معیشتی برای ۸ دهک درآمدی

دبیر هیأت دولت دیروز در پایان نشست هیأت وزیران، به میان خبرنگاران آمد و در توضیحی برای اینکه برنامه‌های تازه دولت برای حمایت از معیشت مردم چیست، اظهار کرد: «در شرایط فعلی نمی‌توان فقط به حمایت اقتصادی از معیشت چهار دهک پایین درآمدی اکتفا کرد.»

سیدکامل تقوی نژاد خبر داد که «برهمین اساس دولت تصمیم گرفته است بسته‌ای معیشتی طراحی کند که نه تنها چهار دهک نخست، بلکه تا ۸ دهک درآمدی جامعه را دربر بگیرد.»

به گفته دبیر هیأت دولت، «این بسته‌ها به صورت ماهانه در اختیار خانوارها قرار خواهد گرفت و مردم می‌توانند کالاهای اساسی خود را با قیمت ثابت تأمین کنند.» تقوی‌نژاد یادآور شد که «تاکنون ۴۰ درصد مصوبات دولت مستقیماً به معیشت مردم اختصاص داشته و بسته جدید نیز ادامه همین روند دولت است.»

تقوی‌نژاد درباره تفویض اختیار استانداران نیز با بیان اینکه این امر «در سه سطح انجام می‌شود»، گفت: «بخشی از اختیارات مستقیماً از سوی دولت به استانداران واگذار شده است، بخشی دیگر از اختیارات برای تفویض باید از سران قوا مجوز دریافت کند و دسته سومی از اختیارات هم هستند که تفویض آنها نیازمند تصویب قوانین است که لوایح لازم در حال تنظیم است.»

به گفته دبیر دولت، «صنعت، معدن، گمرکات، راه، املاک و محیط زیست از حوزه‌هایی هستند که زین پس استانداران اختیار بیشتری برای تصمیم‌گیری در آنها خواهند داشت. این رویکرد می‌تواند ضمن افزایش سرعت تصمیم‌گیری، مدیریت استان‌ها را کارآمدتر و با شرایط محلی متناسب‌تر کند.» تقوی‌نژاد درباره بودجه‌ریزی عملیاتی که رئیس جمهوری به آن تأکید کرده بود و سرنوشت آن در لایحه بودجه ۱۴۰۵ گفت: «بودجه‌ریزی دیگر بر مبنای سابق یعنی چانه‌زنی نخواهد بود. امسال در چند دستگاه اجرایی بودجه عملیاتی تدوین می‌شود و این آغاز مسیری است که می‌تواند شفافیت مالی و کارآمدی دستگاه‌ها را افزایش دهد.»

> به گفته دبیر هیأت دولت، «این بسته‌ها به صورت ماهانه در اختیار خانوارها قرار خواهد گرفت و مردم می‌توانند کالاهای اساسی خود را با قیمت ثابت تأمین کنند»

مهاجرانی: تعهد دولت به تأمین معیشت مردم

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت نیز با تأکید بر اینکه «دولت خود را موظف به تأمین معیشت مردم می‌داند»، گفت: «روز یکشنبه آینده برنامه اقتصادی دولت با آرایش جدید مطرح و پس از تصویب و مشخص شدن وظیفه هر وزارتخانه، این برنامه اعلام خواهد شد.»

وی درباره تغییر ساعت کاری اداره‌ها نیز گفت: «تغییر ساعت کار همچنان در بستر دورکاری که یک ظرفیت قانونی است، جزو اختیار سازمان‌ها و استانداران است، درباره تعطیلی پنجشنبه‌ها نیز چنانچه به موضوع ساعت کاری قانونی اشکال وارد نکند، در اختیار استانداران است.»

مهاجرانی درباره اخراج برخی از ایرانیان خارج از کشور و ادعای آمریکا درباره توافق با ایران در این باره، اظهارکرد: «۱۲۰ نفر از هموطنان از آمریکا بازگشتند، طبیعتاً همیشه آغوش میهن برای فرزندانش باز است، اگر هم بررسی امنیتی نیاز باشد دستگاه‌های مربوطه انجام خواهند داد.» وی اضافه کرد: «این ایرانیان قرار است از آمریکا به قطر و از قطر به ایران منتقل شوند.»

سخنگوی دولت درباره حضور بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ایران گفت: «همه تلاش دولت و دستگاه دیپلماسی این بود که بتواند جلوی فشار را بگیرد تا فشار بیشتری بر اقتصاد وارد نشود، اما موضوع اسنپ‌بک به جای بررسی به عنوان یک مسأله حقوقی، به مسیر دیگری منتقل و به ابزار سیاسی و اهرم فشار تبدیل شد. در هر صورت، همه اقداماتی که ایران با آژانس دنبال می‌کند، در راستای منافع ملی است و حضور یا عدم حضور بازرسان نیز در همین راستاست.»

ظفرقندی: توزیع یک و نیم میلیون دوز واکسن آنفلوانزا

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از توزیع یک و نیم میلیون دوز واکسن آنفلوانزا تاکنون خبر داد و گفت: «برنامه دولت این بود که سه و نیم میلیون دوز توزیع شود که تاکنون یک و نیم میلیون دوز آن توزیع شده و توزیع بقیه آن در دستور کار قرار دارد.»

محمدرضا ظفرقندی درباره تأمین شیر خشک نیز اظهار کرد: «برای تأمین شیر خشک معمولی مشکلی نداریم و صرفاً در تأمین شیر خشک رژیمی گاهی مشکل ایجاد می‌شود که با برنامه‌ریزی‌ها این مشکل مقطعی نیز رفع می‌شود.» وی درباره وجود گرانی در بخش درمان، گفت: «اگر منظور از گرانی درمان در بخش دولتی است، این مسأله واقعیت ندارد، زیرا تحت پوشش بیمه‌هاست، اما اگر کسی خدمات خاصی از بخش خصوصی می‌گیرد، طبیعی است که تابعی از تورم و حجم ارز در بخش خصوصی است.»

صالحی امیری: افتتاح ۸۶۱ پروژه از سال گذشته

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی از اجرای ۸۶۱ پروژه به ارزش ۴۴ هزار میلیارد تومان در یک سال گذشته خبر داد. رضا صالحی امیری با اشاره به گزارش فعالیت‌های وزارت که در هیأت دولت ارائه کرد، گفت: «با حمایت شخص رئیس‌جمهوری و دولت در یکسال گذشته ۸۶۱ پروژه با اعتباری معادل ۴۴ هزار میلیارد تومان بهره‌برداری شده است.»

دنیامالی: برنامه برای افزایش مبلغ وام ازدواج

احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان گفت: «تاکنون پرداخت وام ازدواج طبق قانون و تکلیف ما انجام شده و همین روند ادامه دارد، اما درحال برنامه‌ریزی هستیم تا بتوانیم صف متقاضیان را کاهش داده و وام‌ها را پرداخت کنیم.» وی افزود: «برای سال آینده هم در تلاش هستیم تا با در نظر گرفتن میزان تورم، مبلغ وام ازدواج را تا حد قابل قبول و در حد ممکن افزایش دهیم.»

برش

قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور:

جنگ اتفاق نمی‌افتد و بعید می‌دانم دشمن اشتباه خود را تکرار کند

معاون اجرایی رئیس‌جمهور دیروز پس از نشست هیأت وزیران، به این سؤال خبرنگاران پاسخ داد که «آیا دوباره جنگی رخ خواهد داد؟» این سؤالی است که این روزها برخی در جامعه تکرار می‌کنند یا برخی با بسامد دادن به اخبار نظامی جهان، سعی می‌کنند خطر وقوع جنگ را در جامعه تازه نگه دارند. محمدجعفر قائم‌پناه در پاسخ به این سؤال، با بیان اینکه «در صورت وقوع جنگ دوباره آمادگی کاملی داریم»، تأکید کرد: «نیروهای نظامی و دولت آمادگی کامل برای دفاع از تمامیت ارضی ایران دارند و باکی از دشمن نداریم.»

وی تصریح کرد: «مردم در جنگ اخیر همبستگی کاملی داشتند و کماکان نیز انسجام فکری و وحدت خود را حفظ می‌کنند. ان‌شاءالله جنگ اتفاق نخواهد افتاد. بعید می‌دانم دشمن اشتباه خود را تکرار کند.»

معاون اجرایی رئیس‌جمهور بخش دیگر سخنان خود را به تشریح آنچه در سفر رئیس‌جمهوری به نیویورک رخ داد، اختصاص داد و گفت: «رئیس‌جمهوری در سخنرانی خود در سازمان ملل بر مظلومیت ایران و حمله ددمنشانه اسرائیل که منجر به کشتن مردم بی‌گناه ایران شد اعلام موضع کرد تا این مظلومیت به گوش جهانیان برسد.» وی افزود: «همچنین در این سخنان موضع عزتمندانه ایران در مقابل قدرت‌های جهانی هم اعلام شد. این اصلی‌ترین هدف سفر رئیس‌جمهوری به نیویورک بود تا دیدگاه‌های نظام جمهوری اسلامی را بیان کند و به نمایندگی از گفتمان ملی این کار را انجام دهد که با موفقیت انجام شد.»

معاون اجرایی رئیس‌جمهور یادآور شد: «در زمینه مذاکرات طبیعی است که ما در چهارچوب منافع ملی توافق می‌کنیم و چون خواسته‌های آنان چه آمریکا و چه اروپا در چهارچوب منافع ملی ما نبود، نباید توافق می‌کردیم.»

قائم‌پناه در پاسخ به پرسشی درباره اظهارات برخی نمایندگان مجلس در زمینه اخراج سفرای تروئیکای اروپایی از ایران به دلیل فعال شدن اسنپ‌بک، تصریح کرد: «دولت در چهارچوب منافع ملی و راهبرد سیاست خارجی که در شورای عالی امنیت ملی تدوین می‌شود و به تأیید رهبری انقلاب می‌رسد، عمل می‌کند.» وی یادآور شد: «هر کسی چه از نمایندگان مجلس و چه افرادی خارج از دولت و حاکمیت می‌توانند با رعایت منافع ملی اظهارنظر کنند، اما رویکرد دولت در زمینه سیاست خارجی همان روندی است که توضیح دادم.»

قائم‌پناه با بیان اینکه «هرچه مجلس کمتر در امور اجرایی مداخله کند دولت بیشتر می‌تواند به کار اصلی خود مشغول باشد»، اظهار کرد: «مجلس هم چهارچوب‌های قانونی خودش را دارد و نظرهای خودش را اظهار می‌کند. ما نمی‌توانیم برای مجلس تعیین تکلیف کنیم. امیدوارم این هماهنگی بیشتر باشد. البته در جلسات سران قوا، رئیس مجلس و نیز بیشتر نمایندگان مجلس با دولت همراهی و هماهنگی دارند.»

تولید و بازنشر اخبار جعلی و بزرگ‌نمایی رویدادها، جنگ را در حوزه روایت تداوم داده است

ضرورت مقابله با عملیات روانی

گزارش

در سه ماه گذشته پس از توقف جنگ تحمیلی اسرائیل علیه ایران، برخی جریان‌های رسانه‌ای که عمدتاً از شبکه‌های خارجی فارسی‌زبان و کانال‌های خبری خارج از ایران تشکیل شده‌اند، پیوسته و روزانه به موضوعاتی چون احتمال وقوع حمله نظامی مجدد به ایران، ضعف دفاعی کشور و برتری نظامی رژیم صهیونیستی پرداخته‌اند. این جریان رسانه‌ای با انتشار اخبار جعلی، بزرگ‌نمایی اخبار کم‌اهمیت و تحریف واقعیت‌ها تلاش کرده تصویری از قریب‌الوقوع بودن یک حمله نظامی دیگر به ایران را ترسیم کند. به عنوان مثال، خبر اعزام هواپیماهای سوخت‌رسان آمریکا به غرب آسیا، از سوی این جریان به‌عنوان نشانه‌ای از تدارک حمله جدید برجسته شد، در حالی که بررسی منابع نشان می‌دهد این جابه‌جایی‌ها عمدتاً بخشی از برنامه‌های سالانه ناتو است و ارتباطی با کشور دیگری ندارد.

به رغم این، این اخبار ابتدا از سوی پایگاه‌های خبری دست‌چندم و کم‌اعتبار خارجی، مانند وبلاگ‌های نظامی یا رسانه‌های حاشیه‌ای منتشر شده و سپس از سوی شبکه‌های فارسی‌زبان خارجی و حتی برخی رسانه‌های داخلی، بدون تحلیل یا بررسی صحت، بازنشر شده و ضریب داده می‌شوند. در مثالی دیگر، انتشار گزارش‌هایی درباره جابه‌جایی تجهیزات نظامی در پایگاه‌های آمریکا در منطقه به‌عنوان «آماده‌سازی برای حمله به ایران» تفسیر می‌شود، در حالی که این جابه‌جایی معمولاً بخشی از چرخه‌های معمول لجستیکی یا تقویت حضور نظامی هستند.

همچنین سخنرانی‌های مقامات اسرائیلی و آمریکایی، به‌طور مشخص بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ که اغلب با لحن تهدیدآمیز، خودستایانه و به اصطلاح کری‌خوانی برای ایران همراه است، با آب و تاب و گاه تحریف پوشش داده می‌شود.

در یک نگاه واقع‌گرایانه، جملگی این اقدامات بخشی از یک عملیات روانی است که با هدف تأثیرگذاری بر افکار، احساسات و رفتار ایرانیان طراحی شده و از طریق انتشار اطلاعات گزینشی، تحریف شده یا جعلی اجرا شده و یا بسامد داده می‌شود.

این عملیات روانی با بمباران خبری مداوم، تلاش دارد ذهنیت جامعه را به سمت پیش‌بینی بدترین سناریوها، مانند وقوع جنگی تمام‌عیار سوق دهد، اعتماد عمومی به توان دفاعی و مدیریت بحران در ایران را تضعیف کند و در نهایت حسی از ناامنی مداوم، اضطراب مداوم و بی‌ثباتی ذهنی مداوم را میان مردم القا کند. این فشار روانی در صورت تداوم، می‌تواند اثراتی بر انسجام اجتماعی، بهره‌وری اقتصادی، روابط بین‌فردی و حتی سلامت روان جامعه داشته باشد، به‌گونه‌ای که افراد به‌جای تمرکز بر زندگی روزمره، درگیر اضطراب ناشی از انتظار برای یک تهدید احتمالی شوند.

باید تأکید کرد که تهدیدات نظامی نه تنها علیه ایران، بلکه به‌طور بالقوه برای هر کشوری وجود دارد. به همین دلیل قریب به اتفاق کشورها، تمرکز ویژه‌ای روی توانمندی نظامی خود دارند. البته با توجه به حضور رژیم صهیونیستی در غرب آسیا و تجربه جنگ ۱۲ روزه، این تهدید برای ایران جدی‌تر است. اما این تهدیدات به معنای تجویز نسخه خودکشی، به دلیل ترس از احتمال وقوع جنگ نیست.

احتمال وقوع جنگ نباید به قیمت فلج کردن جامعه، کاهش اعتماد به نفس ملی یا تسلیم در برابر فشارهای روانی خارجی تمام شود. بویژه اینکه جامعه ایران با تکیه بر تجربه‌های تاریخی و معاصر خود، از جمله جنگ تحمیلی هشت ساله رژیم بعث و حالا ۱۲ روز جنگ با اسرائیل، درک ملموسی از مفهوم جنگ، پیامدهای آن و چگونگی مدیریت بحران‌ها دارد.

جنگ اخیر به رغم شدت آن، نقاط ضعف و قوت سازمان دفاعی کشور را آشکار کرد و فرصت‌هایی برای بهبود استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و فناوری‌های دفاعی فراهم آورد. از این رو، آگاهی و تجربه نیروهای مسلح ایران در برابر اسرائیل، نه تنها نسبت به پیش از ۲۳ خرداد کاهش نیافته، بلکه با تکیه بر درس‌های ۱۲ روز جنگ تمام عیار به‌طور قابل‌توجهی تقویت هم شده است. با اینکه بنا بر تأکیدات فرماندهان عالیرتبه نظامی، نقاط ضعف و آسیب‌پذیر در حوزه‌های آفندی و پدافندی نیز روند ترمیم خود را با سرعت خوبی پشت سر می‌گذارند.

به رغم این آمادگی نظامی، برای مقابله با این عملیات روانی که در تمام سه ماه گذشته در جریان بوده و نیز برای کاهش تأثیرات آن، اقداماتی چندجانبه ضروری است.

حساسیت همگانی اعم از رسانه‌ها، مردم و دستگاه‌های نظارتی نسبت به انتشار اخبار جعلی، شناسایی تهدیدهای واقعی و تفکیک آن از تهدیدات وهمی، تبیین واقعی ظرفیت‌های دفاعی کشور و درنهایت تقویت انسجام ملی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

جلسه ۲۴ اردیبهشت ماه مجمع تشخیص که با حضور رئیس جمهوری پزشکیان برگزار شد

«CFT آخرین لایحه مرتبط با FATF» در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد

کلید وفاق در قفل ۱۲ ساله

گزارش

مهراوه خوارزمی
گروه سیاسی

یک مباحثه حدود ۱۰ ساله در کشور درباره اینکه بالاخره نسبت نظام مالی ایران با نظام مالی جهان چیست، روز گذشته پایان یافت. دیروز مجمع تشخیص مصلحت نظام با پیوستن ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) به صورت مشروط موافقت کرد. با اتخاذ این تصمیم آخرین مانع از سر راه پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کارگروه اقدام ویژه مالی (FATF) برداشته شد. تصمیم دیروز مجمع تشخیص مصلحت نظام و رأی اکثریت اعضای آن به تصویب لایحه پیوستن ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم به صورت مشروط و پیش‌تر تصویب مشروط لایحه پالرمو، نشان‌دهنده تلاش برای به وجود آوردن توازن میان نیاز به اتصال مالی و اقتصادی بین‌المللی و حفظ منافع سیاست داخلی است. چه اینکه لایحه با تأکید بر رعایت قوانین داخلی و اصول قانون اساسی ایران، به گونه‌ای تدوین شده است تا در عین پذیرش استانداردهای جهانی، ملاحظات امنیت ملی و سیاست‌های حاکمیتی کشور حفظ شود.

بر اساس تشریح محسن دهنوی، سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، شرطی که در لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم گنجانده شده، این است که جمهوری اسلامی در چهارچوب قانون اساسی و قوانین داخلی خودش به این کنوانسیون عمل خواهد کرد. بر این اساس اگرمفادی از این کنوانسیون با قوانین داخلی جمهوری اسلامی تعارض داشته باشد، آنچه ملاک عمل خواهد بود، قوانین داخلی جمهوری اسلامی است. دهنوی درباره ارتباط پیوستن ایران به CFT و حل شدن مسأله ایران با FATF نیز گفت: «برای اینکه FATF ایران را از فهرست سیاه خود خارج کند، بیش از ۴۰ اقدام را از ایران خواسته بود که پیوستن ایران به CFT و پالرمو دو اقدام در این زمینه بود. لذا با توجه به مصوبات اخیر مجمع باید مسئولان مربوطه با FATF وارد مذاکره شوند و مسأله را پیگیری کنند.»

خودتحریمی به زیان کشور است

گام اول برای شکستن این قفل در روزهای پایانی اردیبهشت ماه و با رأی موافق اعضای مجمع به تصویب لایحه پیوستن به «کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی» یا اصطلاحاً «پالرمو» برداشته شده بود. تصمیم‌گیری درباره CFT هم از جلسه ۷ خرداد مجمع آغاز شده بود، اما وقوع جنگ تحمیلی سبب توقف روند بررسی‌ها شد. تا اینکه اواسط شهریورماه، محسن دهنوی سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به سؤالاتی که پیرامون سرنوشت دومین لایحه مرتبط با FATF مطرح بود، اعلام کرد «مجوزی که مقام معظم رهبری در پاسخ به درخواست رئیس‌جمهوری برای بررسی مجدد لوایح پالرمو و CFT در مجمع صادر کردند، قید و محدودیت زمانی ندارد و این بررسی همچنان در دستور کار مجمع است.» همین اعلام سبب شد موج جدیدی از فضاسازی‌های سلبی و مخالفت‌های تکراری برای جلوگیری از رأی مثبت اعضای مجمع به این لایحه شکل بگیرد.» در متن این فضاسازی‌ها هم بدون اشاره به کمترین استدلال فنی، سعی شد تا علاوه بر متهم کردن موافقان پیوستن به کنوانسیون CFT به غربگرایی، رویدادهایی چون تحمیل جنگ ۱۲ روزه از سوی رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا و اقدام سه کشور اروپایی برای فعال کردن قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل علیه ایران به عنوان دلایل جدید مخالفت با تصویب این لایحه مطرح شوند. اما واقعیت مسأله این بود که در تمام این سال‌ها استدلال قوی‌تری از سوی طیف گسترده‌ای از کارشناسان مطرح می‌شد که نباید با مانع‌تراشی بر سر راه تعامل با نهادهای مالی بین‌المللی بهانه دیگری برای افزایش فشارهای اقتصادی ایجاد کرد و به نوعی خودتحریمی دست زد. در نهایت نیز خروجی جلسه عصر دیروز مجمع پس از برگزاری چهارجلسه در صحن و چندین نشست کمیسیون‌های تخصصی تصمیمی متفاوت از خواست جریان سیاسی مخالف پیوستن به FATF بود.

سابقه‌ای از قفل ۱۲ ساله

لوایح چهارگانه مرتبط با FATF اولین بار در سال ۱۳۹۲ به مجلس ارائه شدند. اما نگرانی‌ها و چالش‌های سیاسی روند بررسی طولانی و پیچیده را در برابرشان قرار داد. حاصل چندین رفت‌وآمد لوایح میان مجلس و شورای نگهبان، سپرده شدن سرنوشت این لوایح به مجمع تشخیص مصلحت بود. روندی که در عمل با برخی فشارهای سیاسی جناحی مواجه بود که پس از سال‌ها جزئیات آن در مناظره‌های انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ روایت شد.»

این در حالی بود که ایران از سال ۱۳۹۵ با برخی اصلاحات قانونی از جمله تصویب لایحه اصلاح قانون مبارزه با پولشویی و لایحه اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم از فهرست سیاه خارج شده و به لیست خاکستری منتقل شده بود. اما در سال ۱۳۹۸ و پس از تصویب نشدن دو لایحه کلیدی دیگر یعنی لوایح پیوستن به پالرمو و CFT به لیست سیاه بازگشت و محدودیت‌ها و فشارهای مالی و اقتصادی علیه ایران افزایش یافت. پس از آن هم بررسی لوایح چنان مسکوت ماند که عملاً مهلت قانونی بررسی لوایح به پایان رسید.

در اوج ناامیدی از تعیین سرنوشت این لوایح بود که سلسله رویدادها به انتخاب مسعود پزشکیان به ریاست جمهوری منتهی شد. کسب مجوز از مقام معظم رهبری برای بررسی مجدد لوایح در مجمع یکی از اقدامات مهمی بود که از سوی او رقم خورد. دولت چهاردهم اما سعی کرد که با عبور از آن چهارچوب سیاسی - جناحی که به موضوع تحمیل شده بود، کلید وفاق را در قفل لوایح بچرخاند. سیاست‌زدایی از لوایح، تلاش برای برگزاری جلسات مشترکی که در آن وزرای اقتصاد و امور خارجه به نگرانی‌های اعضای مجمع تشخیص مصلحت و ان قلت‌هایی که از سوی مخالفان مطرح شده بود پاسخ بگویند فرآیندی بود که مسیر تصمیم‌گیری را تسهیل کرد.

تصویب این لوایح حالا اگر چه ممکن است نتیجه‌ای دیرهنگام به نظر برسد با این حال همچنان فارغ از ایجاد تأثیرات مثبت بر اقتصاد کشور نخواهد بود و با وجود همه تحریم‌ها می‌تواند دست‌کم موانعی را که به دلیل توصیه‌های گروه اقدام ویژه بر تعاملات تجاری و اقتصادی میان ایران و کشورهای دیگر وجود دارد بردارد. چه اینکه برخی کشورهایی که رسماً اعلام کرده‌اند از تحریم‌های ناشی از فعال‌سازی مکانیسم ماشه پیروی نخواهند کرد در تمام این سال‌ها به دلیل حضور ایران در لیست سیاه FATF از تعاملات بانکی با ایران خودداری کرده‌اند. از این حیث تصمیم دیروز مجمع را باید تصمیمی اثرگذار در مناسبات اقتصادی ایران و جهان ارزیابی کرد.

> دولت چهاردهم سعی کرد که با عبور از چهارچوب سیاسی که به موضوع تحمیل شده بود، کلید وفاق را در قفل لوایح بچرخاند. سیاست‌زدایی از لوایح، تلاش برای برگزاری جلسات مشترکی که در آن وزرای اقتصاد و امور خارجه به نگرانی‌های اعضای مجمع تشخیص مصلحت و ان قلت‌هایی که از سوی مخالفان مطرح شده بود پاسخ بگویند فرآیندی بود که مسیر تصمیم‌گیری را تسهیل کرد

و سرانجام تصویب CFT

سیدمحمدهادی موسوی
تحلیلگر

مسأله الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) طی سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین مباحث سیاست‌گذاری اقتصادی و حقوقی کشور بدل شده است. این کنوانسیون به‌عنوان یکی از اسناد کلیدی گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، شرط لازم جهت خروج کشورها از فهرست سیاه این نهاد محسوب می‌شود. در ایران، روند بررسی این موضوع از مجلس و شورای نگهبان گذشته و نهایتاً در اختیار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفته است. نهایتاً دیروز این کنوانسیون به صورت مشروط در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد. از منظر پرونده ایران در FATF، تصویب CFT می‌تواند پیامدهای مهمی در پی داشته باشد. در حال حاضر، ایران در کنار کره شمالی در فهرست کشورهای غیرهمکار و پرریسک FATF قرار دارد. این جایگاه به معنای محدودیت شدید در دسترسی به نظام مالی و بانکی بین‌المللی است. بانک‌ها و مؤسسات مالی جهانی به دلیل ریسک‌های ناشی از تعامل با ایران، از هرگونه همکاری رسمی پرهیز می‌کنند. تصویب CFT به‌عنوان یکی از چهار لایحه الزامی (به همراه پالرمو و اصلاح قوانین داخلی مرتبط) می‌تواند سیگنالی مثبت برای جامعه بین‌المللی باشد و نشان دهد ایران در مسیر همگرایی با استانداردهای ضدپولشویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم گام برمی‌دارد. این امر می‌تواند در میان‌مدت به کاهش ریسک تعامل با ایران و گشودن دریچه‌هایی محدود اما مؤثر در نظام بانکی جهانی منجر شود. مضافاً آنکه براساس آخرین بیانیه رسمی این نهاد با تصویب دو کنوانسیون پالرمو و CFT اقدامات تقابلی ایران را «تعلیق» می‌کند. تعلیق اقدامات تقابلی، فرصتی به ایران جهت اجرای مابقی بندهای «برنامه اقدام» است.

گرچه همین اقدام کوچک می‌تواند گشایش‌هایی جهت ایرانیان خارج از کشور و یا حتی حساسیت کشورها در رصد روش‌های دور زدن تحریم را به وجود آورد که با اجرای اسنپ بک، بسیار مهم می‌نماید. با این حال، تصویب CFT تنها نقطه آغاز است. ایران پس از الحاق به این کنوانسیون باید اقدامات عملی متعددی انجام دهد. اولین گام، اصلاح و تقویت قوانین داخلی در حوزه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم است. این شامل شفاف‌سازی تعریف «گروه‌های تروریستی»، تقویت نهادهای نظارتی، و افزایش اختیارات قوه قضائیه و بانک مرکزی در ردیابی جریان‌های مشکوک مالی می‌شود. دومین اقدام، ایجاد سامانه‌های جامع اطلاعاتی و مالی است که امکان تبادل داده‌ها با نهادهای بین‌المللی را فراهم آورد. سوم، ارتقای آموزش و توانمندسازی بانک‌ها و مؤسسات مالی داخلی برای شناسایی و گزارش‌دهی تراکنش‌های پرریسک ضروری خواهد بود. همچنین، ایران باید به‌طور دوره‌ای گزارش‌های پیشرفت خود را به FATF ارائه دهد و نشان دهد که تعهداتش صرفاً روی کاغذ باقی نمانده است. از منظر اقتصادی، اجرای CFT می‌تواند زمینه‌ساز افزایش اعتماد در همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شود. سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به بازار ایران نیازمند اطمینان از شفافیت و انطباق ایران با قواعد مالی جهان هستند.

در صورت الحاق، حتی در شرایط تداوم تحریم‌های آمریکا، امکان گسترش روابط بانکی با برخی کشورهای همسایه، آسیایی و حتی اروپایی تسهیل خواهد شد. البته مخالفان داخلی نگران‌اند که اجرای CFT منجر به محدودیت‌های سیاسی و امنیتی برای ایران شود، بویژه در تعریف گروه‌های مقاومت منطقه‌ای که برخی کشورها آنها را تروریستی تلقی می‌کنند.

این دغدغه واقعی است و می‌بایست در قالب حق‌شرط‌های حقوقی و تفسیرهای داخلی از کنوانسیون مورد توجه قرار گیرد. در مجموع، تصویب CFT در مجمع تشخیص مصلحت نظام، اگر با برنامه‌ریزی دقیق و ملاحظات حقوقی همراه شود، می‌تواند یک گام مهم در بهبود موقعیت ایران در FATF و کاهش بخشی از فشارهای اقتصادی بین‌المللی باشد. این امر نه تنها جنبه حقوقی دارد، بلکه به‌عنوان یک ابزار راهبردی در سیاست خارجی و اقتصادی کشور باید دیده شود.

سخنگوی دولت پاسخ داد

اخلال گر نیویورک چه کسی بود؟

گزارش

مرتضی گلپور
دبیر گروه سیاسی

سخنگوی دولت روز گذشته روایت تازه‌ای از جزئیات پیام‌های رد و بدل شده میان ایران و طرف‌های غربی در جریان سفر رئیس‌جمهوری به سازمان ملل در نیویورک و پیش از اجرای مکانیسم ماشه از سوی کشورهای اروپایی ارائه کرد که نشان می‌دهد آن که از گفت‌وگو اجتناب کرده است، غرب به مدیریت دولت آمریکا بوده است. روایت دیروز فاطمه مهاجرانی چند واقعیت را بار دیگر روشن می‌کند. اول اینکه دولت مسعود پزشکیان از هیچ تلاشی برای جلوگیری از بازگشت قطعنامه‌ها خودداری نکرده است. دوم اینکه دولت چهاردهم این تلاش‌ها را برای تأمین حقوق ملت و جلوگیری از واردشدن فشارهای ظالمانه و غیرقانونی به ملت ایران دنبال کرده است.

سوم اینکه گویا غرب، همان‌طور که ابتدا رهبر انقلاب و سپس رئیس‌جمهوری تأکید کردند، تنها به دنبال تسلیم ایران بود، نه حل مسأله از طریق گفت‌وگوی برابر و عادلانه. در نهایت آنچه اتفاق افتاد، بازگشت قطعنامه‌های سازمان ملل و به دنبال آن تحریم‌هایی بود که اکنون دو کشور روسیه و چین آنها را غیرقانونی می‌دانند، آن هم به این دلیل که دولت از تسلیم و سرخم کردن در برابر طرف مقابل خودداری کرده است.

اما این ایستادگی دولت هم ناشی از خیره‌سری یا چیزی شبیه به این نبود. بلکه ناشی از این بود که اساساً استدلال‌ها یا خواسته‌های طرف مقابل غیرقابل تحقق و غیرمسموع بوده است.

روایت سخنگوی دولت که روز گذشته در حیاط دولت و در جمع خبرنگاران عنوان شد، همه این واقعیت‌های چندگانه را روشن می‌کند. به گزارش ایرنا، دیروز خبرنگاران از فاطمه مهاجرانی درباره چرایی فعال شدن مکانیسم ماشه پرسیدند و اینکه برنامه دولت برای ادامه همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چیست؟

سخنگوی دولت ابتدا درباره همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توضیح داد و گفت: «این موضوعی است که در شورای عالی امنیت ملی درباره آن تصمیم‌گیری می‌شود و قطعاً هر تصمیمی که گرفته شود، با توجه به منافع ملی تصمیمات لازم اتخاذ و اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

اما وقتی مهاجرانی خواست درباره سایر برنامه‌های دولت برای مقابله با شرایط جدید توضیح دهد، ابتدا به خبرنگاران و به طریق اولی به مردم توضیح داد که چه شد و چگونه شد که مکانیسم ماشه اجرا شد؟ آیا مشکل در فرآیندهای دیپلماتیک و خودداری ایران از گفت‌وگو بود، یا اینکه طرف مقابل چیزی بیش از گفت‌وگو می‌خواست و مکانیسم ماشه را به اهرم فشاری برای رسیدن به خواسته‌های خود تبدیل کرده بود؟ سخنگوی دولت با اشاره به گزارش وزیر امور خارجه از آنچه در سفر وی و هیأت عالی رتبه ایرانی در نیویورک گذشت، ابتدا تأکید کرد که «این روایت جدی است و نیازمند بررسی و بحث است.» «روایت جدی» که مهاجرانی از قول سیدعباس عراقچی بیان کرد، این بود: «ایران اعلام آمادگی کرد که با حضور سه کشور اروپایی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آقای ویتکاف نماینده آمریکا، جلسه‌ای برگزار کند، اما این درخواست از سوی آنان پذیرفته نشد یا در جلسات حاضر نشدند.»

چرا این کشورها در مذاکرات حاضر نشدند و حاضر به گفت‌وگو با ایران نشدند؟ سخنگوی دولت اینطور تشریح کرد: «ابتدا قرار بود درباره ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی ایران و موضوع اسنپ‌بک گفت‌وگو شود. درخواست ایران حذف کامل مکانیسم ماشه بود، اما طرف مقابل آن را نپذیرفت. در ابتدا، آنها بر محدودیت زمانی حدود ۶ ماه درباره مکانیسم ماشه تأکید داشتند که آقای ویتکاف نیز بر آن پافشاری می‌کرد. اما وزیر امور خارجه کشورمان اعلام کردند اینکه با چنین جمع‌بندی (یعنی با چنین نتیجه مشخصی) وارد گفت‌وگو شدیم، دیگر نمی‌توان آن را مذاکره نامید.»

مهاجرانی ادامه داد: «تأکید آمریکا روی ۶ ماه تعلیق (مکانیسم ماشه) بود، اما با توجه به منافع ملی کشور حتی در شب آخر پیشنهاد ۴۵ روز تعویق از سوی ایران مطرح شد که در نهایت با فشار لابی صهیونیستی مورد پذیرش قرار نگرفت.» سخنگوی دولت پس از این توضیحات، تصریح کرد: «مردم بدانند که دستگاه دیپلماسی تمام تلاش خود را به کار گرفت که اسنپ‌بک را به تعویق بیندازد یا تعلیق کند، اما فشار لابی صهیونیستی در تصمیم‌گیری اروپا و آمریکا بسیار مؤثر است.»

معنای توضیحات سخنگوی دولت

معاون اجرایی رئیس‌جمهور هم دیروز در حیاط دولت اشاره کرد: «دکتر پزشکیان در چهارچوب منافع ملی گفت‌وگو و توافق می‌کند، اما خواسته‌های آمریکا و اروپا در چهارچوب منافع ملی ما نبود، بنابراین نباید توافق می‌کردیم، چون در چهارچوب منافع ما نبود.»

این امر به علاوه توضیحات مهاجرانی، سخنگوی دولت، نشان می‌دهد که چرا سفر رئیس‌جمهوری به نیویورک و مذاکرات پیگیر وزیر امور خارجه در آنجا منجر به نتیجه برای توقف اسنپ‌بک نشد و غرب درنهایت اجرای آن را دنبال کرد. زیرا این گزارش‌ها نشان می‌دهد که اروپا، براساس مدیریت عالیه آمریکا، آش مذاکرات را با جایش می‌خواست؛ یعنی اورانیوم ۶۰ درصد به طور کامل در ازای فقط تعلیق اجرای اسنپ‌بک آن هم برای ۶ ماه که البته معلوم نبود در صورت خروج این مواد از ایران، آمریکا به عهد خود وفادار بماند. زیرا آمریکا کشوری است که در میانه مذاکرات، با حمله رژیم اسرائیل به ایران موافقت کرد، حالا چطور می‌شد به ادعای تعلیق اسنپ‌بک، آن هم نه رفع کامل آن، در ازای خروج اورانیوم ۶۰ درصد ایران، اعتماد کرد؟

رئیس‌جمهوری درباره معنا و اهداف پنهان این پیشنهاد غرب در همان نیویورک توضیح داد. مسعود پزشکیان در گفت‌وگو با شبکه «العربی» قطر در جریان سفر، گفت: «پیشنهادی که آنها (اروپا و آمریکا) مطرح کرده بودند واقعاً کارآمد نبود. می‌گفتند اورانیوم غنی‌شده خود را به ما تحویل بدهید، بعد ما به شما سه ماه وقت می‌دهیم تا درباره بقیه مسائل گفت‌وگو کنیم. اما چرا باید اورانیوم غنی‌شده خود را به آنها بدهیم؟ به چه دلیلی؟ اگر قرار است گفت‌وگویی صورت گیرد، باید درباره کل موضوع باشد، نه اینکه ما دارایی خود را واگذار کنیم و بعد منتظر بمانیم.»

توضیح بیشتر رئیس‌جمهوری درباره محتوای گفت‌وگوها و پیغام‌ها و اینکه چرا به توقف اجرای اسنپ‌بک منتهی نشد، در همان نیویورک یک‌بار دیگر هم تکرار شد.

پزشکیان در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی NBC در پاسخ به اینکه «چرا اجازه نمی‌دهید بازرسان سازمان ملل از همه تأسیسات هسته‌ای بمباران‌شده بازدید کنند؟» گفت: «این خبری است که به شما می‌گویند. ما توافقی با آژانس داشتیم و قرار شد طبق همان توافق عمل کنیم. در چهارچوب‌هایی که قرار بود تروئیکای اروپا با هم گفت‌وگو کنند، ما هم ارتباط خود را با آژانس اصلاح کنیم.

آژانس بتواند بیاید بازدید کند و هم‌زمان درباره مسائل موجود با آمریکا گفت‌وگو داشته باشیم. همچنین قرار بود به مواد غنی‌شده دسترسی پیدا کنند. در همه این موارد ما آماده بودیم که در چهارچوب توافق عمل کنیم. این آمریکاست که نمی‌خواهد و علاقه‌ای ندارد مسیر با صلح و آرامش پیش برود؛ همان‌طور که پیش از این هم برجام را پاره کرد.»

رئیس‌جمهوری با بیان اینکه «مشکل این است که آن گفت‌وگو را قبول نکردند و می‌خواهند روند را به سمت اسنپ‌بک ادامه دهند»، اظهار کرد: «با ترامپ و تروئیکای اروپایی نیز تفاهماتی انجام شد تا بتوانند بازدید کنند و گفت‌وگوها ادامه یابد. درباره آن ۴۰۰ کیلو اورانیوم غنی‌شده هم قرار بود در فرصتی که داده می‌شود، مشکل حل و در نهایت تعیین شود که آیا اسنپ‌بک ادامه پیدا کند یا مسأله حل شود. ما آماده بودیم که با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این کار را انجام دهیم.»

با این توضیحات مسعود پزشکیان به شبکه آمریکایی، مبنی بر اینکه ایران آماده مذاکره و حل مسائل از طریق گفت‌وگو بود، پس چرا مسائل حل نشد و گفت‌وگو به توقف اسنپ‌بک منجر نشد؟ باز هم پزشکیان پاسخ داد: «آنچه مشخص است این که روند توافق شکل گرفته بود، اما رئیس‌جمهوری ترامپ آن را پاره کرد.»

در چنین شرایطی چه واکنشی باید نشان داد؟ این واکنش، چیزی است که رئیس‌جمهوری در دیدار کشتی‌گیران و قهرمانان کشور عنوان کرد. پزشکیان گفت: «اکنون دنیا ما را تحت فشار قرار داده تا تسلیم شویم، اما تسلیم شدن در وجود ما نیست و تا پای جان برای ایران خواهیم ماند و سر فرود نخواهیم آورد.»

> روایت دیروز فاطمه مهاجرانی چند واقعیت را بار دیگر روشن می‌کند. اول اینکه دولت مسعود پزشکیان از هیچ تلاشی برای جلوگیری از بازگشت قطعنامه‌ها خودداری نکرده است. دوم اینکه دولت چهاردهم این تلاش‌ها را برای تأمین حقوق ملت و جلوگیری از واردشدن فشارهای ظالمانه و غیرقانونی به ملت ایران دنبال کرده است

حضور رئیس جمهوری در مجمع عمومی سازمان ملل

یادداشت

محمدذاکری
رئیس امور برنامه‌ریزی و نوآوری اداری سازمان اداری و استخدامی

فرصتی برای بازمعماری دولت و ترویج بهره‌وری

هفته دولت فرصتی برای تجلیل از دولتمردان و کارکنان دولت و رونمایی و افتتاح دستاوردهای کشور و پروژه‌های عمرانی و خدماتی بود. اما در هفته دولت امسال به رغم برگزاری آیین‌های همه‌ساله، کشور در شرایط دشوار و متفاوتی قرار داشت که ضرورت بازاندیشی در شیوه اداره و حکمرانی کشور را دوچندان برجسته می‌کند. در نگاه مثبت، مقاومت مردم و نیروهای مسلح در برابر حملات دشمن و مدیریت مؤثر دولت، به نحوی که با تداوم خدمات‌رسانی دستگاه‌های اجرایی و مدیریت منابع کشور، آن ۱۲ روز دشوار جنگ پشت سر گذاشته شد و مردم و دولت ایران از آزمونی سخت سربلند بیرون آمدند، جای تقدیر دارد. در جشنواره شهیدرجایی امسال هم از کارکنان دولت که سنگر خدمت‌رسانی به مردم را در شرایط سخت جنگی حفظ کرده بودند تجلیل شد. اما به رغم گذشتن از آزمون دشوار جنگ تحمیلی، دشواری‌های دیگر همچنان پیش روست. در داخل کشور برخی منتظرند تا ببینند روند تحولات به چه سمتی پیش خواهد رفت و با وجود اینکه آرامش نسبی بر فضای عمومی حاکم شده، اما فضای اقتصادی همچنان متأثر از شرایط پس از جنگ است.

چه باید کرد؟

یک راه، مسیری است که برخی از جریان‌های سیاسی منتقد دولت در پیش گرفته و هجمه‌های سیاسی و رسانه‌ای را به نام انتقاد، اما با هدف تخریب دولت به سوی آن نشانه رفته‌اند. فضاسازی‌های این جریان‌های پرسروصدا در بسیاری موارد تصمیم‌گیری و اقدام درست را برای مدیران ارشد سخت و پرهزینه می‌سازد. احتمالاً در آینده متهم کردن‌ها نیز شدت خواهد گرفت.

راه دوم، مسیر جریان‌های ضدانقلاب و دشمنان خارجی است که کار ایران را تمام شده می‌دانند. ترویج ترس از آینده مبهم و بی‌عملی به واسطه روشن نبودن آینده، در کنار تلاش برای افزایش نارضایتی عمومی در دستور کار این جریان است. اما راه سوم، راهی است که باید از خود ما آغاز شود که بخشی از آن متوجه مردم و بخشی متوجه دولت و نظام حکمرانی است. باید پذیرفت منابع کشور امروز محدودتر از هر زمانی است و به دشواری تأمین می‌شود. کمبودها، از برق و آب تا بودجه، ناشی از تقدیر باشد یا مدیریت بد، واقعیت پیش روی ماست. فرهنگ بهره‌وری منابع باید بیش از هر زمانی در کشور جاری شده و جایگزین فرهنگ مصرف‌گرایی افراطی و ارزان پنداشتن منابع شود. این نهضت را باید از خانه و محل کار آغاز کنیم. مسئولیت دولت و حکمرانی در این عرصه پررنگ‌تر است. سند بودجه همه‌ساله با کسری قابل توجهی بسته می‌شود که بار تورمی بیشتری بر جامعه تحمیل می‌کند. بخش مهمی از این کسری ناشی از نامتوازن بودن ساختار بوروکراسی است. اولاً نهادها و سازمان‌های مختلفی ایجاد شده‌اند که اکنون فلسفه وجودی آنها محل تردید است. بیشتر آنها مدعی فعالیت در حوزه فرهنگ هستند، اما برونداد مثبتی از آنها مشاهده نمی‌شود. بخش قابل توجهی از بودجه عمومی به مجموعه‌هایی اختصاص می‌یابد که کمتر کسی می‌داند فایده آنها چیست و این امر اعتراض رئیس‌جمهوری را هم درپی داشته است.

ثانیاً، ساختار خود دولت و بدنه بوروکراسی به بازطراحی و بازمعماری نیاز دارد. در زمان‌هایی دستگاه‌هایی برای مأموریت‌های خاصی شکل گرفته‌اند اما امروز ضرورتی در ادامه فعالیت‌شان نیست یا حداقل نیاز نیست با ساختار گذشته فعالیت کنند. مأموریت‌ها و ساختارهای موازی و غیرضرور در مجموعه دولت به وفور وجود دارد و نه تنها بخش از بودجه را مصروف خود می‌کند بلکه به خاطر تداخل در وظایف و مأموریت‌ها، گاه کار اصلی روی زمین می‌ماند و خدمت‌گیرنده هم نمی‌داند با کدام سازمان طرف است. نمایندگان و ذینفعان محلی هم در گسترش ساختار دولت در حوزه‌های استحفاظی خود نقش دارند و در مواردی بدون نیاز واقعی، برای ایجاد واحدهای سازمانی در سطوح مختلف تقسیمات کشوری فشار می‌آورند. در این دوره، در اجرای احکام و تکالیف فصل ۲۳ قانون برنامه هفتم پیشرفت و اجرای برنامه اصلاح نظام اداری دولت چهاردهم، سازمان اداری و استخدامی کشور تلاش کرده نسبت به بازشناسی و ساماندهی ساختار و معماری دستگاه‌های اجرایی و منطقی‌سازی و متناسب‌سازی اندازه، ساختار و تشکیلات آنها اقدام کند. در اولین مورد طرح جدید ساختار وزارت جهاد کشاورزی که محصول چندین جلسه مشترک در سطوح کارشناسی و عالی بود به تصویب شورای عالی اداری رسید. اما اکنون در مرحله اجرا با مقاومت‌های زیادی مواجه شده و بیم آن می‌رود که اجرای آن عملاً میسر نشود. اصلاح این وزارتخانه معبر ورود به اصلاح سایر دستگاه‌های اجرایی و بهینه‌سازی اندازه و ساختار دولت است که اگر متوقف بماند، فرصتی طلایی برای تحقق این هدف مهم و افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و نظام مدیریت کشور از دست خواهد رفت. شایسته است همه ارکان نظام از این قبیل اصلاحات اساسی و کارشناسی حمایت کرده و زمینه گذار پایدار از شرایط کنونی را فراهم کنند.

سید جلال دهقانی فیروزآبادی نظریه پرداز و استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه در گفت‌وگو با «ایران» بررسی کرد

چگونه تهران ابتکار عمل را حفظ می‌کند؟

از ابهام هسته‌ای تا مقاومت فعال، اهرم سازی ایران در برابر آمریکا

سیاست خارجی

رضا عدالتی پور - گروه دیپلماسی/ «ایران پس از فعال شدن «اسنپ بک» و جنگ ۱۲ روزه، با تهدیدها و فرصت‌های تازه‌ای مواجه است.» این جمله را دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی در گفت‌وگو با «ایران» مطرح می‌کند و معتقد است تحت‌تأثیر متغیرهای جدید و شرایط پیش رو، سیاست خارجی کشور در کوتاه‌مدت رویکرد امنیت‌محور خواهد داشت و تمرکز بر مقابله با تهدیدات اسرائیل و فشار آمریکا بوده، اما در میان‌مدت و با عبور از شرایط بحران، ماهیت سیاست خارجی ما به سمت «استقلال مثبت» و مدیریت بحران با اروپا و توسعه و سیاست متوازن با روسیه و چین حرکت می‌کند. به گفته وی، در حال حاضر اصلاحات نظام‌مند در سیاست خارجی ضروری است و شورای عالی امنیت ملی باید در رویکرد جدید، به سیاست‌گذار کلان تبدیل شود و وزارت امور خارجه جایگاه تصمیم‌سازی و اجرایی خود را تقویت کند تا هم‌افزایی میان میدان و دیپلماسی افزایش یابد. در برابر فشار بین‌المللی، ایران با اهرم‌سازی، مسیر محتمل «مقاومت فعال» را دنبال خواهد کرد.

فعال شدن «اسنپ بک» و بازگشت شرایط به دوران پیشابرجام، در پرتو سه متغیر مهم یعنی نقش‌آفرینی ویژه ترامپ، جنگ اوکراین و شکاف روسیه و غرب و همچنین جنگ ۱۲ روزه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، چه پیامدی برای سیاست خارجی ایران دارد؟

همان‌طور که اشاره کردید شرایط تغییر کرده و وضعیت جدیدی برای ما به وجود آمده است. اول باید بگویم که مجموعه‌ای از تحولات نوظهور رخ داده؛ از جمله تشدید شکاف میان روسیه و چین با دیگر اعضای دائم شورای امنیت و همچنین حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران. این رخدادها درواقع اعتبار بین‌المللی و منطق دیپلماتیک ایران را تقویت کرده است. زمانی کشورهای منطقه با مواضع ایران مخالفت می‌کردند، اما اکنون موافق توافق هسته ای ایران هستند و به نوعی موافق‌اند که مسائل موجود حل‌وفصل شود. در عین حال، چالش‌های تازه‌ای نیز پدید آمده است؛ از جمله بازگشت ترامپ به عرصه سیاسی آمریکا، تحولات اسرائیل، تضعیف محور مقاومت و همچنین از دست رفتن ظرفیت‌های راهبردی سوریه. این عوامل همه شرایط را دگرگون کرده و فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای ما رقم زده است. به نظر من این وضعیت، پیش از هر چیز طبیعتاً موجب تشدید «امنیت‌محوری در سیاست خارجی ایران» خواهد شد؛ به بیان دیگر، درصد «امنیتی شدن» شرایط کشور و منطقه بالا می‌رود. بویژه پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه»، منطقاً سیاست خارجی ایران بیش از پیش معطوف به مقابله با تهدیدات، بویژه تهدیدات اسرائیل، خواهد شد. در این چهارچوب، تقویت سیاست نگاه به شرق به معنای ایجابی و در عین حال بحرانی‌تر شدن روابط با اروپا نیز در کوتاه مدت قابل پیش‌بینی است.

در کوتاه‌مدت همچنین، تشدید تخاصم با آمریکا محتمل است؛ اما به نظر می‌رسد در میان‌مدت و بلندمدت این روند منجر به شکل‌گیری سیاست خارجی متوازن شود. چنین سیاستی می‌تواند در قالب «استقلال مثبت» و «مدیریت بحران» با اروپا و مدیریت تخاصم با آمریکا تعریف شود. ضمن اینکه ما بعد از این دوره شاهد روابط مشخصی با چین و روسیه خواهیم بود که پیگیری نوعی خودمختاری راهبردی بر پایه تنوع‌بخشی به گزینه‌های سیاست خارجی را دنبال می‌کند.

منظور از دوره بلندمدت چیست؟ آیا ما در مورد یک دهه صحبت می‌کنیم؟

خیر، منظور از بلندمدت نهایتاً یک بازه زمانی سه ساله است که تحت تأثیر تحولات جاری در سیاست داخلی آمریکا از جمله انتخابات میان دوره ای کنگره یا پایان دوره ریاست‌جمهوری ترامپ است که می‌تواند مؤثر باشد.

باید به تحولات کلان نظام بین‌الملل هم توجه شود. به هر حال آمریکا این نگرانی را دارد که ایران در اثر این اتفاقات خود را در مجموعه جهان شرق و چهارچوب شریک استراتژیک آن تعریف کند که در این صورت نظاره‌گر بازیگری مؤثر چین در این منطقه خواهد بود. از این رو مقامات کاخ سفید در ملاحظات خود به این موضوعات نیز توجه دارند. به همین دلیل این احتمال وجود دارد که بعد از فروکش کردن بحران فعلی، در آینده سه ساله شاهد این باشیم که سیاست خارجی ما به سمت روندی که توضیح دادم حرکت کند.

این سه متغیر چگونه بر موازنه قدرت در سطح منطقه‌ای و جهانی در رابطه با ایران اثر می‌گذارند؟

در کوتاه‌مدت، ما شاهد تقویت همکاری‌ها و شراکت راهبردی دوجانبه ایران با روسیه و چین خواهیم بود. در عین حال ما شاهد یک شراکت سه‌جانبه راهبردی میان ایران، روسیه و چین هستیم که می‌تواند آثار مهمی بر موازنه قدرت بگذارد.

از سوی دیگر، با توجه به حملات اسرائیل به قطر و به رغم تشدید حمایت امنیتی آمریکا از دوحه، ما شاهد تقویت ائتلاف‌های عربی خواهیم بود؛ چه در قالب دفاع مشترک عربی در چهارچوب شورای همکاری خلیج‌فارس و چه از طریق شکل‌گیری اتحادهای نظامی میان اعراب و سایر قدرت‌های منطقه‌ای. نمونه بارز آن پیمان دفاعی عربستان و پاکستان است و حتی زمزمه‌هایی مبنی بر پیوستن ترکیه نیز شنیده شده بود. ایران نیز علاقه‌مندی خود را برای حضور در چنین سازوکارهایی ابراز کرده است، هرچند میزان تحقق آن جای بحث دارد. به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، با توجه به تحولات در مواضع کشورهای عربی، نوعی همگرایی میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس شکل گیرد؛ البته نه به معنای اتحاد و ائتلاف، بلکه بیشتر در قالب ایفای یک نقش توازن‌بخش برای اعراب در مواجهه با اسرائیل. بویژه اگر روابط اعراب با اسرائیل عادی شود، اعراب برای حفظ موازنه احتمالاً به ایران نیز گرایش‌هایی نشان خواهند داد. همزمان براساس حمایت بی دریغ آمریکا، قدرت اسرائیل در حال تقویت است و این امر موازنه را به نفع این رژیم تغییر می دهد و آمریکا و اسرائیل به دنبال تثبیت آن هستند. در این شرایط به‌طور طبیعی، وقتی کشوری موازنه را بر هم می‌زند، گرایش به ائتلاف‌سازی و موازنه‌سازی در برابر آن شکل می‌گیرد. همین وضعیت موجب افزایش ارزش و اهمیت راهبردی ایران برای کشورهای عربی و حتی برای ترکیه خواهد شد؛ زیرا آنها به این نتیجه می‌رسند که برای حفظ موازنه در مقابل اسرائیل، وزنه ژئوپلیتیکی ایران حیاتی است. در سطح نظام بین‌الملل نیز همین منطق برقرار است. ارزش و جایگاه ایران در موازنه قدرت میان روسیه، چین و آمریکا حائزاهمیت است. همان‌طور که شما اشاره کردید، رقابتی میان آمریکا و چین بر سر حفظ توازن در منطقه در جریان است. این شرایط می‌تواند ایران را در موقعیتی قرار دهد که نه‌تنها در سطح منطقه‌ای، بلکه حتی در سطح بین‌المللی نقش توازن‌بخش ایفا کند.

چگونه موضوع «مهار برنامه هسته‌ای ایران» به نقطه اتصال مشترک میان آمریکا، اروپا و اسرائیل بدل شده و این ائتلاف چه تفاوت‌هایی با مراحل قبلی پروژه مهار ایران دارد؟

طی سال‌های گذشته عموماً در راهبردهای سه بازیگر- آمریکا، اروپا و اسرائیل ـ درباره نحوه مواجهه با ایران اختلاف وجود داشت. حتی اگر فرض کنیم که در سطح اهداف راهبردی نوعی اتفاق نظر میان آنها برقرار بود، در روش‌ها و شیوه‌های رسیدن به آن اهداف تفاوت جدی دیده می‌شد. برای نمونه، آمریکا بیشتر بر سیاست «مهار از طریق تحریم و فشار اقتصادی» تأکید داشت، آن هم بدون توسل مستقیم به زور؛ اروپا مهار ایران را از مسیر «تعامل» دنبال می‌کرد؛ به عبارت دیگر، سیاست اروپایی‌ها بیشتر مبتنی بر گفت‌وگو و دیپلماسی بود که البته برای ایران نیز وضعیت مطلوب‌تری محسوب می‌شد. در این میان، اسرائیل از ابتدا نگاه متفاوتی داشت؛ راهبرد اصلی تل‌آویو همواره «مهار از طریق قدرت و زور» بود. اسرائیل اساساً مخالف دیپلماسی با ایران بوده و همواره بر برخورد نظامی تأکید داشته است. از زمان برجام نیز تلاش کرد روند دیپلماتیک را ناکام بگذارد. اما در دوره کنونی شرایط تغییر کرده است. روی کار آمدن ترامپ، تحولات جهانی و بویژه جنگ اوکراین موجب شد که این سه رویکرد تا حد زیادی در قالب یک راهبرد کلی ادغام شوند. اکنون شاهد نوعی الگوی «پله‌ای یا پلکانی» هستیم: ابتدا مذاکره و تعامل، در صورت ناکامی، فشار و تحریم اقتصادی، و در نهایت، توسل به زور و اقدام نظامی. به این ترتیب، مثلثی شکل گرفته که در آن، آمریکا عمدتاً پیگیر فشار اقتصادی و تحریم‌هاست، اروپا همچنان بر تعامل قهرآمیز تأکید دارد اما آن را نیز در چهارچوب مهار تعریف می‌کند، و اسرائیل به‌طور سنتی بر گزینه نظامی پای می‌فشارد. بنابراین، تحول مهمی که رخ داده، همگرایی این سه مسیر در قالب یک استراتژی ترکیبی است که در عمل جبهه واحدی علیه ایران پدید آورده است.

> جایگاه وزارت خارجه در ساختار سیاست خارجی باید تقویت شود؛ هم جایگاه تخصصی و اجرایی آن و هم توانایی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن

ایران چه سناریوهایی را می‌تواند در برابر این همگرایی دنبال کند؟

سناریوی فرضی اول شفافیت حداکثری همراه با پذیرش مذاکرات جامع است؛ یعنی ایران همه‌جانبه در موضوعات هسته‌ای، منطقه‌ای و موشکی وارد مذاکره شود. این سناریو در واقع به معنای تسلیم کامل است و به نظر من از دید جمهوری اسلامی بسیار نامحتمل و تقریباً منتفی به‌شمار می‌آید.

سناریوی دوم به نوعی ادامه وضعیت موجود است؛ تلاش برای توافق محدود و موضوعی هسته ای. یعنی شفافیت حداکثری با مذاکره فقط در حوزه هسته‌ای و مذاکره برای «حفظ غنی‌سازی» است که به‌نظر من نتیجه این مسیر ادامه و تشدید تحریم‌ها خواهد بود؛ در این سناریو ایران تلاش می‌کند تحریم‌ها را خنثی کند یا مشروعیت اجرای مکانیسم «اسنپ‌بک» را زیر سؤال ببرد و با توجه به مواضع روسیه و چین در عمل آن را با مشکل روبه‌رو سازد.

سناریوی فرضی سوم شفافیت حداکثری و پذیرش «غنی‌سازی صفر» است اما بدون مذاکره در حوزه موشکی و منطقه‌ای؛ این گزینه نیز برای ایران نامحتمل به‌نظر می‌رسد و همانند سناریوی دوم متضمن ادامه تحریم‌هاست. چون موضع اعلامی و اعمالی آمریکا اصرار بر مذاکره و توافق جامع با ایران است.

سناریوی چهارم شفافیت حداقلی (دسترسی محدود آژانس) همراه با پافشاری بر غنی‌سازی و همزمان تداوم دیپلماسی با غرب است؛ در این رویکرد، ایران دسترسی‌های آژانس را محدود می‌کند اما همزمان بر حق غنی‌سازی خود اصرار دارد و از کانال‌های دیپلماتیک با اروپا و دیگر بازیگران برای خنثی‌سازی تحریم‌ها تلاش می‌کند. همچنین یکی از محورهای این سیاست، زیر سؤال بردن مشروعیت و وجاهت قانونی «اسنپ‌بک» خواهد بود. به‌نظر من این گزینه محتمل‌ترین مسیر برای سیاست خارجی ایران است و احتمالاً تهران آن را در پیش خواهد گرفت. علاوه بر این چهار سناریو، دو سناریو ترکیبی وجود دارد که مبنای آن «ابهام هسته‌ای» است. در این سناریو ما شاهد تغییر دکترین هسته‌ای بر پایه ابهام هسته‌ای خواهیم بود. این سناریو می‌تواند شامل قطع همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تعلیق عضویت یا حتی خروج از معاهده NPT باشد، اما بدون حرکت عملی به سوی ساخت سلاح هسته‌ای. این حالت نوعی «ابهام هسته‌ای حداقلی» به شمار می‌آید. در سوی دیگر این سناریو یعنی «سناریوی ابهام هسته‌ای بیشینه» افزون بر تعلیق عضویت یا خروج از NPT و ادامه غنی‌سازی، می‌تواند با تلاش ایران برای تولید سلاح هسته‌ای همراه باشد. به نظر من این سناریو نه‌تنها بسیار نامحتمل بلکه تقریباً ناممکن است. در مجموع، به باور من محتمل‌ترین گزینه برای ایران همان «شفافیت حداقلی» همراه با «دیپلماسی حداکثری» خواهد بود؛ مسیری که می‌توان آن را نوعی «دیپلماسی اجبار» نامید. در این چارچوب، ایران می‌کوشد در قالب یک سه-ضلعی راهبردی مقاومت-میدان-مذاکره گزینه تسلیم را به توافق تبدیل کند و به سمت مقاومت منفعلانه نخواهد رفت؛ و یک مقاومت فعال را درپیش خواهد گرفت.

ابهام هسته‌ای، بویژه اگر بدون حرکت به سمت بمب باشد، در واقع نوعی مقاومت منفعل تلقی می‌شود و اگر با برنامه دیپلماتیک همراه نباشد حتی می‌تواند احتمال جنگ را افزایش دهد. بنابراین، ایران به‌جای آن باید به سمت «مقاومت فعال» بر پایه دیپلماسی اجبار حرکت کند. مقاومت فعال هم سه بخش دارد که شامل «دیپلماسی اجبار» در جهت مدیریت بحران با اروپا و مدیریت تخاصم با آمریکا (که طبیعتاً شامل رژیم صهیونیستی نیز می‌شود)، تقویت تاب‌آوری ملی و قدرت مردمی؛ به‌عنوان پشتوانه سیاست خارجی و در نهایت افزایش توان دفاعی و بازدارنده ایران برای کاستن از تهدیدات نظامی است. بر این اساس، می‌توان گفت گزینه محتمل جمهوری اسلامی ایران، نوعی مقاومت فعال است که یک ضلع آن مقاومت فعال سیاسی و امنیتی، ضلع دیگر آن تقویت تاب‌آوری داخلی و قدرت دفاعی، و ضلع سوم آن دیپلماسی حداکثری مبتنی بر مدیریت بحران و تخاصم خواهد بود.

> باید نقش‌ها روشن و مکمل باشند، نه متقابل و متضاد. شورای عالی امنیت ملی باید از نهاد صرفاً هماهنگ‌گر تبدیل به سیاست‌گذار و راهبردپرداز ملی شود؛ بویژه در موقعیت‌های بحرانی که نیاز به جهت‌گیری کلان وجود دارد. در همان حال، وزارت خارجه نباید به یک مجری صرف تقلیل یابد

منظور از اعمال «دیپلماسی اجبار» از سوی ایران چیست؟

منظور من از دیپلماسی اجبار در واقع همان سناریوی «شفافیت حداقلی» است. باید به این امر توجه داشت که ما در سیاست خارجی خود نیازمند «اهرم سازی» هستیم. به باور من، سیاست خارجی ایران نیازمند یک تغییر اساسی است تا از وضعیت موجود به شرایطی تازه منتقل شود و بتواند از اهرم‌هایی که در اختیار دارد بهره‌برداری کند. برای نمونه، یکی از پیشنهادها این است که ایران به‌طور همزمان دو اقدام انجام دهد؛ نخست ارائه یادداشت خروج از توافق یا معاهده و دوم پیشنهاد مذاکرات هسته‌ای است. چنین اقدامی، خود نوعی اهرم‌سازی است. بنابراین، جنبه «اجبار» در این نوع دیپلماسی بیش از هر چیز به محدودیت در همکاری‌های گسترده با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برمی‌گردد. ایران از این طریق می‌تواند فشار متقابل ایجاد کند و طرف مقابل را به سمت پذیرش مذاکره و توافقی متوازن‌تر سوق دهد.

در این شرایط که شاهد اسنپ بک هستیم، اهداف اصلی بازیگران کلیدی (آمریکا، اروپا، روسیه و چین) در قبال ایران چیست؟

باید توجه داشت که هر یک از این بازیگران اهداف متفاوتی دارند. البته معمولاً باید آمریکا و اسرائیل را در یک سمت این صحنه قرار داد. به نظر من، هدف اصلی آمریکا، تسلیم ایران است؛ تسلیم بی‌قید و شرط یا تسلیم با قید و شرط. منظور از تسلیم با قید و شرط، توافقی است که ممکن است تحریم‌ها را کاهش دهد اما توانمندی‌های هسته‌ای و موشکی و منطقه‌ای را بگیرد و یک توافق نامتوازن با ایران برقرار کند. اما مهم این است که آمریکا تلاش می‌کند این اهداف را بدون توسل به گزینه نظامی محقق سازد، شبیه روند مذاکرات مسقط. در مقابل، اسرائیل بر استفاده از گزینه نظامی اصرار دارد و آن را بخش جدایی‌ناپذیر راهبرد خود می‌داند.

هدف دوم آمریکا، «امنیتی کردن» ایران است؛ یعنی ایران باید به‌شدت تحت فشار امنیتی قرار گیرد تا موضوع آن به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی برجسته شود و در نهایت، زمینه برای اعمال فشار یا حتی زور علیه ایران فراهم گردد. چنانچه اسنپ بک و بازگشت ایران به ذیل فصل ۷ منشور ملل متحد تا حدی این زمینه را برای آنها فراهم کرده است. می‌تواند تا حدی این زمینه را برای آن‌ها فراهم کند. در این میان، اروپا نیز تلاش می‌کند ایران را از مسیر سیاسی و اقتصادی تحت فشار قرار دهد و همزمان از اقدام نظامی علیه ایران حمایت کند، شبیه موضعی که در جریان جنگ ۱۲ روزه اتخاذ کرد. در عین حال، اروپا به دنبال کاهش نزدیکی ایران به روسیه در پرونده اوکراین است تا ایران کم‌کم از روسیه فاصله بگیرد. در مقابل هدف روسیه تقویت شراکت راهبردی نظامی با ایران در سطح حداقلی است و در سطح حداکثری آن تبدیل این شراکت در حد ائتلاف راهبردی است که ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی داشته باشد. در مورد چین، به نظر من رویکرد این کشور تفاوت ماهوی با روسیه دارد، چین درصدد رویارویی ژئوپلیتیکی با آمریکا نیست بلکه بیشتر مبتنی بر رقابت اقتصادی در حوزه ژئواکونومیک است.

چین با نظامی شدن روابط در کل منطقه مخالف است، زیرا این وضعیت امنیت انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری‌های آنها را به خطر می‌اندازد. ایران برای چین شریک تجاری مهمی است. بنابراین، در شرایط تحریم، چین تمایل دارد روابط اقتصادی خود با ایران را حفظ کند و احتمالاً با ایران به عنوان پایگاهی ژئواستراتژیک در منطقه همکاری کند. این امر نقش مستقیمی در قدرت‌یابی منطقه‌ای چین ایفا خواهدکرد. باز هم یادآور می‌شوم که اگر ایران به سمت غرب گرایش پیدا کند، این تعادل برای چین به‌هم می‌خورد و توانایی رقابت بین‌المللی آنها با آمریکا تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در واقع ایران برای آمریکا و چین ارزش و اهمیت استراتژیک در رقابت نظم بین المللی دارد.

ایران علاوه بر سناریوهایی که در عرصه هسته‌ای عنوان کردید در شکل کلان سیاست خارجی چه ظرفیت‌هایی در همکاری با قدرت‌های غیرغربی دارد؟

واقعیت این است که سبد سیاست خارجی باید متنوع باشد و این تنوع محدود به یک دوره زمانی یا شرایط خاص نیست. در سیاست خارجی، مناطق و کشورها باید جایگاه تعریف‌شده خود را داشته باشند و سیاست خارجی متوازنی دنبال شود. در شرایط فعلی، همان‌طور که اشاره کردم، نگاه به شرق و گسترش روابط با قدرت‌های غیرغربی به‌طور طبیعی تقویت می‌شود و ظرفیت‌های مناسبی در این حوزه وجود دارد. برای مثال، در روابط اقتصادی، می‌توان از این ظرفیت برای خنثی کردن تحریم‌ها بهره برد. چین اکنون بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران است و بر اساس اخبار، همکاری‌های دفاعی میان ایران و چین نیز در حال تقویت است. به این ترتیب، روابط با شرق نه‌تنها ظرفیت بالقوه دارد بلکه به‌عنوان یک ضرورت برای سیاست خارجی ایران مطرح است. با این حال، برای رسیدن به یک سیاست خارجی متوازن و دستیابی به «خودمختاری راهبردی»، لازم است سهم مشخصی از روابط سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی ایران به همکاری با قدرت‌های غیرغربی اختصاص یابد. همزمان در صورت پذیرش موجودیت، هویت، و منفعت ملی ایران، تعامل و رابطه متعادل مبتنی بر منافع و احترام متقابل با غرب نیز لازم است.

این تنوع در سبد سیاست خارجی شامل موضوعات هم می‌شود؟ شما در ابتدای صحبت‌هایتان عنوان کردید که سیاست خارجی ما امنیت‌محور خواهد شد. آیا این امر به موضوعات دیگر سنگینی نمی‌کند؟

در واقع، یکی از نتایج شرایط جدید این است که سیاست خارجی ایران رویکرد امنیت‌محور خواهد داشت نه اینکه امنیت محوری و نظامی گری در دستور کار قرار گیرد. این دو با هم متفاوت است. طبیعی است که چنین رویکردی برخی نتایج مشخص به همراه دارد اما سیاست خارجی نباید محدود به مسائل هسته‌ای باشد. به بیان شفاف‌تر، حوزه‌های موضوعی متعددی وجود دارد که باید مورد مدیریت قرار گیرند و از آنها بهره‌برداری شود. من معتقدم که سیاست خارجی امنیت‌محور و توسعه‌محور هر یک به تنهایی کافی نیستند و لازم است توازن و تعادلی میان این دو برقرار شود. سیاست خارجی امنیت‌محور با سیاست خارجی توسعه‌محور منافاتی ندارد و بالعکس. بنابراین، نه جایگزینی یکی با دیگری ضرورت دارد و نه حذف هر یک از آنها؛ بلکه ایجاد تعادل و توازن میان این رویکردها، شرط رسیدن به سیاست خارجی متوازن و مؤثر است. به ویژه همراستایی، هماهنگی و هم افزایی این دو یک ضرورت راهبردی است.

به نظر شما به طور مصداقی سیاست خارجی ما نیازمند چه اصلاحاتی است؟

به نظر من، نخستین اصلاح مورد نیاز، ایجاد تعادل و همراستایی میان سند راهبردی سیاست خارجی و الگوی توسعه اقتصادی کشور است. فراتر از صرفاً ایجاد توازن، لازم است این دو در جهت‌گیری راهبردی با یکدیگر همراستا شوند. گاهی به نظر می‌رسد که رابطه یا نسبت میان این دو بسیار محدود است، بنابراین باید تلاش کنیم هم تعادل و توازن برقرار شود و هم همراستایی میان آنها ایجاد گردد. نکته دوم این است که وزارت امور خارجه باید نقش فعال‌تری در سیاست خارجی ایفا کند؛ یعنی از وضعیتی که صرفاً مجری سیاست‌هاست به جایگاهی برسد که در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نیز اثرگذار باشد. گاهی احساس می‌شود وزارت خارجه بیشتر به مدیریت دیپلماسی محدود شده و نقش تصمیم‌گیری آن ضعیف است. بنابراین، جایگاه وزارت خارجه در ساختار سیاست خارجی باید تقویت شود؛ هم جایگاه تخصصی و اجرایی آن و هم توانایی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن.

علاوه بر این با توجه به شرایط تحریم‌ها و اسنپ‌بک، نیاز به تغییر نهادی و رویکردی در وزارت خارجه بیش از پیش احساس می‌شود، هم در زمینه دیپلماسی اقتصادی و هم در عرصه دیپلماسی حقوقی. هرچند اخیراً یک معاونت دیپلماسی اقتصادی در وزارت خارجه ایجاد شده، اما به نظر من دیپلماسی حقوقی فعال نیز ضروری است. به ویژه در شرایط تحریم که هم ابعاد اقتصادی و هم ابعاد حقوقی دارد و باید با جدیت در وزارت خارجه پیگیری شود. به عبارت دیگر، وزارت خارجه نیازمند یک پایه قوی در دیپلماسی حقوقی و عملکردی چابک است تا بتواند به شکل مؤثر در برابر چالش‌های بین‌المللی عمل کند.

مضاف بر اینها، ما نیازمند تقویت وحدت ساختاری و ایجاد یک تقسیم کار ملی میان سازمان‌های ذی‌ربط در روابط خارجی هستیم. به‌عنوان مثال، وزارتخانه‌های اقتصاد، نفت، وزارت امور خارجه و سازمان انرژی اتمی همگی نیازمند هماهنگی و مشارکت بیشتر هستند تا یک تقسیم کار ملی مؤثر شکل گیرد. علاوه بر این، تقویت هماهنگی و هم‌افزایی میان میدان و دیپلماسی یک ضرورت اساسی است. من بر این باورم که جنگ به معنای سنتی آن پایان نیافته است؛ چرا که از فاز نظامی مستقیم به فاز خاکستری، شامل جنگ نرم، شناختی و اقتصادی منتقل شده است. بنابراین بیش از هر زمان دیگری، هم‌افزایی و هم‌راستایی میان دستگاه‌ها و نهادهای مختلف لازم و ضروری است. در این میان، نقش فعال شورای عالی امنیت ملی، به ویژه پس از انتصاب آقای دکتر لاریجانی به عنوان دبیر شورا، اهمیت ویژه‌ای یافته است. همه انتظار دارند که این شورا نقشی فعال‌تر ایفا کند، دیپلماسی را تقویت و متنوع سازد و از یک نهاد صرفاً هماهنگ‌کننده به یک نهاد سیاست‌گذار و راهبردپرداز تبدیل شود.

افزایش نقش شورا یا وزارت خارجه منجر به موازی کاری نمی‌شود؟

باید نقش‌ها روشن، مکمل، هم‌راستا و هم‌افزا باشند، نه متقابل و متضاد. شورای عالی امنیت ملی باید از نهاد صرفاً هماهنگ‌گر تبدیل به سیاست‌گذار و راهبردپرداز ملی شود؛ بویژه در موقعیت‌های بحرانی که نیاز به جهت‌گیری کلان وجود دارد. در همان حال، وزارت خارجه نباید به یک مجری صرف تقلیل یابد؛ بلکه باید توان تصمیم‌سازی و نقش فعال در تصمیم‌سازی و اجرای برنامه‌های راهبردی را هم داشته باشد. به‌عبارت دیگر، ارتقای نقش شورا و تقویت ظرفیت وزارت خارجه با هم قابل جمع‌اند؛ شورا جهت گیری، راهبرد و اولویت‌های کلان را تعیین کند و وزارت خارجه با استقلال حرفه‌ای و توان اجرایی، سیاست‌ها و مأموریت‌های دیپلماتیک را طراحی و پیاده کند.

با توجه به شرایط جاری، چگونه می‌توانیم از این دوره بحرانی عبور کنیم تا از تصاعد بحران یا تقابل نظامی جلوگیری شود؟

عبور از بحران نیازمند راهبرد چندوجهی، محتاط و پلکانی است؛ راه‌حل‌های فشرده و رادیکالی هیجانی، خطر تشدید درگیری را افزایش می‌دهد. از این رو گام‌های ضروری عبارتند از اجرای «دیپلماسی اجبارِ هوشمند» مدیریت شده و تمرکز بر «جلوگیری از تشدید و تصاعد بحران» در ماه‌های حساس پیش‌رو با پرهیز از اقدامات افزایش‌دهنده تنش و سیاست‌های هیجانی. در عین حال بهره‌برداری حداکثری از روابط با روسیه، چین و سایر شرکای غیرغربی برای خنثی‌سازی تحریم‌ها و پروژه‌های اقتصادی جایگزین با تقویت دیپلماسی اقتصادی و توجه ویژه به دیپلماسی حقوقی برای مقابله حقوقی با تحریم‌ها و مشروعیت‌زدایی از مکانیسم‌هایی چون «اسنپ‌بک». در کنار این موارد، افزایش تاب‌آوری داخلی و توان بازدارنده دفاعی بویژه پدافند ضدهوایی به‌منظور بالا بردن هزینه هرگزینه نظامی علیه ایران باید مورد توجه باشد. باید امکان ضربه دوم را تقویت و تشدید کرد. اگر این اقدامات هم‌زمان و هماهنگ اجرا شوند می‌توان شانس عبور از بحران فعلی را بالا برد و امکان تبدیل تهدیدها به فضاهای دیپلماتیک و اقتصادی را فراهم ساخت. همچنین، گزینه تسلیم مطلوب آمریکا را به گزینه توافق مقبول ایران تبدیل کرد. من نسبت به آینده خوشبین هستم.

تاریخچه تعطیلی دولت

از سال ۱۹۸۱ تاکنون، آمریکا ۱۹ تعطیلی کوتاه‌مدت سه روزه یا کمتر داشته و برخی تعطیلی‌های طولانی‌تر تأثیر جدی بر عملکرد دولت فدرال گذاشته‌اند. رونالد ریگان در دوران ریاست‌جمهوری خود هشت تعطیلی را تجربه کرد که طولانی‌ترین آن سه روز ادامه داشت. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ سه بار توقف بودجه رخ داد و پس از آن تا سال ۲۰۱۳ چنین وقفه‌ای وجود نداشت. در ادامه، مروری بر تعطیلی‌های بودجه دولت آمریکا طی چهار دهه گذشته آمده است:

۲۰ نوامبر ۱۹۸۱

مجلس سنا قانونی تصویب کرد که کمتر از میزان کاهش هزینه‌های مدنظر ریگان بود. چون لایحه با نسخه مجلس نمایندگان متفاوت بود، بودجه در نیمه‌شب پایان یافت. اما چون ۲۱ نوامبر مصادف با شنبه بود، اثرات آن فوری حس نشد. ریگان روز دوشنبه طرح را وتو کرد و دستور تعطیلی داد. حدود ۲۵۰ هزار کارمند فدرال به مرخصی اجباری رفتند، اما یک لایحه موقت تصویب شد و کارکنان روز بعد بازگشتند.

۳۰ سپتامبر ۱۹۸۲

تعطیلی ناشی از اختلاف عمیق نبود، بلکه به دلیل تعهدات اجتماعی اعضای کنگره رخ داد.

۱۷ دسامبر ۱۹۸۲

اختلاف بر سر بودجه برنامه ایجاد اشتغال و بودجه موشکی بود. در نهایت، کنگره بودجه مشاوره حقوقی برای فقرا را تصویب کرد و ریگان با امضای قانون، به تعطیلی دولت پایان داد.

۱۰ نوامبر ۱۹۸۳

دموکرات‌ها یک میلیارد دلار به بودجه آموزش اضافه کردند و کمک‌های خارجی را کاهش دادند. سرانجام با کاهش به ۱۰۰ میلیون دلار بین دولت ریگان و دموکرات‌ها مصالحه شد.

۳۰ سپتامبر ۱۹۸۴

دولت فدرال به مدت ۲ روز بابت اختلاف بر سر لایحه جرم‌انگاری و پروژه‌های آبی تعطیل شد.

۱۳ اکتبر ۱۹۸۴

لایحه موقت کافی نبود و تعطیلی دوباره رخ داد.

با عدم توافق دوحزب بر سر بودجه موقت؛ در کنگره اتفاق افتاد

دولت ترامپ در تعطیلات

گزارش

دولت فدرال آمریکا به دلیل ناکامی کنگره در تصویب بودجه موقت، از بامداد چهارشنبه اول اکتبر تعطیل شد. این اتفاق، ناشی از اختلافات میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان بر سر بودجه و سیاست‌های مرتبط با خدمات درمانی و اجتماعی رخ داده است. پس از آن که ترامپ و جمهوری‌خواهان کنگره که با دموکرات‌ها بر سر مسیر پیش رو اختلاف داشتند، نتوانستند از توقف بودجه فدرال جلوگیری کنند، دولت فدرال وارد تعطیلی شد که مدت آن معلوم نیست. دولت ایالات متحده به دلیل بن‌بست بر سر بودجه میان رئیس‌جمهوری و دموکرات‌های کنگره تعطیل شد؛ تعطیلی‌ای که خدمات فدرال را مختل می‌کند و بسیاری از کارکنان دولت فدرال را به مرخصی اجباری بدون حقوق می‌فرستد.

این نخستین تعطیلی دولت فدرال از سال ۲۰۱۹ است، زمانی که بخشی از دولت به مدت ۳۵ روز در جریان رویارویی میان دموکرات‌های کنگره و ترامپ بر سر درخواست رئیس جمهوری برای تأمین بودجه ساخت دیوار در مرز جنوبی بسته شد. این بار، مناقشه بر سر خواست دموکرات‌ها برای وادار کردن رئیس جمهوری به پذیرش تمدید یارانه‌های درمانی در حال انقضا و بازگرداندن بودجه Medicaid - بیمه درمانی دولتی برای افراد کم‌درآمد- است که تابستان گذشته در چهارچوب قانون شاخص کاهش مالیات و سیاست داخلی ترامپ کاهش یافته بود.

به نوشته نیویورک تایمز، تعطیلی دولت عملاً از شامگاه سه‌شنبه اجتناب‌ناپذیر شد، زمانی که دموکرات‌های سنا تنها چند ساعت پیش از مهلت نیمه‌شب با رأی خود، طرح جمهوری‌خواهان برای تداوم تأمین مالی دولت فدرال را مسدود کردند.

دولت تا پایان ۳۰ سپتامبر برای تأمین بودجه نیاز به توافق کنگره داشت، اما مذاکرات به نتیجه نرسید. جمهوری‌خواهان در مجلس نمایندگان لایحه‌ای را تصویب کردند که بودجه را تا ۲۱ نوامبر تمدید می‌کرد و هزینه‌ها را در سطح سال ۲۰۲۵ نگه می‌داشت. اما دموکرات‌ها در سنا که خواستار بازنگری در کاهش بودجه برنامه‌هایی مثل بیمه درمانی کم‌درآمدها بودند، با آن مخالفت کردند. در نهایت دیدار رئیس جمهوری با رهبران کنگره در روز دوشنبه نیز نتیجه‌ای نداشت. دونالد ترامپ روز دوشنبه با جان تون رهبر اکثریت سنا، چاک شومر رهبر اقلیت سنا، مایک جانسون رئیس مجلس نمایندگان و حکیم جفریز رهبر اقلیت مجلس در کاخ سفید دیدار کرد، اما این نشست بدون دستاورد پایان یافت.

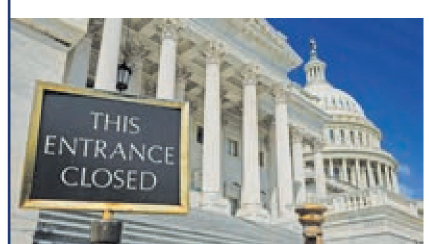

ترامپ پیش از این ملاقات، دیدار با رهبران جمهوری‌خواه و دموکرات کنگره که برای هفته گذشته برنامه‌ریزی شده بود را لغو کرد و درخواست‌های آنها را «غیرجدی و مضحک» خواند.

جمهوری‌خواهان در حال حاضر هر دو مجلس کنگره ایالات متحده را کنترل می‌کنند، اما برای تصویب لایحه تأمین مالی دولت در سنا به ۶۰ رأی نیاز داشتند.

با این حال، حزب حاکم در حال حاضر ۵۳ کرسی دارد. تعطیلی دولت زمانی رخ می‌دهد که کنگره نتواند بودجه آژانس‌های فدرال را تصویب کند. تا سال ۱۹۸۰، آنها با این فرض که در نهایت کنگره در این باره اقدام خواهد کرد به فعالیت خود ادامه می‌دادند اما از سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱، بنجامین سیویلتی، دادستان کل وقت مجموعه‌ای از نظرات حقوقی صادر کرد که طبق آن آژانس‌های دولتی در صورت توقف بودجه، در کنگره اختیار ادامه فعالیت نخواهند داشت.

با تعطیلی دولت چه اتفاقی می‌افتد؟

دفتر بودجه کاخ سفید برای افزایش فشار بر دموکرات‌ها جهت همراهی با طرح بودجه جمهوری‌خواهان، هفته گذشته یادداشتی به آژانس‌های فدرال ارسال کرد و از آنها خواست برای اخراج گسترده برخی کارکنان فدرال در طول تعطیلی آماده شوند.

تعطیلی دولت باعث می‌شود بسیاری از کارکنان فدرال به مرخصی بدون حقوق بروند یا ناچار به ادامه کار بدون دریافت حقوق شوند، این در حالی است که بخشی دیگر از کارمندان تا زمان تصویب بودجه جدید در مرخصی اجباری قرار می‌گیرند. هر نهاد فدرال نیز برنامه مشخصی برای تعطیلی دارد که در آن تعیین می‌شود وجود کدام کارکنان ضروری است.

پایگاه شبکه تلویزیونی abc نوشت: «حدود ۴ میلیون کارمند فدرال، از جمله ۲ میلیون نیروی نظامی، ممکن است بدون حقوق بمانند؛ کارکنان ضروری مانند مأموران امنیت فرودگاه، کنترل‌کنندگان ترافیک هوایی و اعضای نیروهای مسلح مجبورند بدون حقوق به کار ادامه دهند.» بنا بر برآورد دفتر مدیریت و بودجه کنگره که نهادی غیرحزبی است، در پی تعطیلی دولت، روزانه حدود ۷۵۰ هزار کارمند فدرال به مرخصی اجباری فرستاده می‌شوند و پرداخت حدود ۴۰۰ میلیون دلار دستمزد روزانه معوق می‌ماند. سایر کارکنان ناچار خواهند بود بدون حقوق به کار ادامه دهند. این اولین تعطیلی دولت آمریکا از سال ۲۰۱۸ است و باعث می‌شود نیروهای غیرضروری به مرخصی بدون حقوق فرستاده شوند. تحلیلگران برآورد می‌کنند که این بار تعطیلی می‌تواند به ازای هر هفته حدود یک تا دو دهم درصد از رشد اقتصادی بکاهد. این کشمکش همچنین در زمانی رخ می‌دهد که اقتصاد تحت فشار تغییراتی مانند تعرفه‌ها و هوش مصنوعی قرار دارد و احتمالاً انتشار داده‌های کلیدی مانند آمار اقتصادی به تعویق خواهد افتاد. ترامپ تهدید کرده برخی کارکنان را اخراج کند، نه فقط به مرخصی اجباری بفرستد، که این امر می‌تواند اثر ماندگارتری داشته باشد. در همین حال، دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده روز سه‌شنبه گفت که تعطیلی دولت «آخرین چیزی» است که می‌خواهد ببیند. ترامپ در دفتر بیضی شکل کاخ سفید به خبرنگاران گفت: «خب، دموکرات‌ها می‌خواهند دولت را تعطیل کنند، بنابراین وقتی آن را تعطیل می‌کنید، باید اخراج کنید، بنابراین ما افراد زیادی را که بسیار تحت تأثیر قرار می‌گیرند، اخراج خواهیم کرد... آنها دموکرات خواهند بود.»

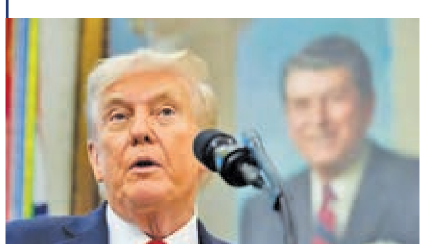

۱۶ اکتبر ۱۹۸۶

دموکرات‌ها خواستار بودجه گسترش رفاه بودند و بعد از اینکه کنار کشیدند، دولت یک روز تعطیل شد.

۱۸ دسامبر ۱۹۸۷

اختلاف بر سر کمک به کنتراها در نیکاراگوئه و بازگرداندن «اصل انصاف» در رسانه‌ها

۱۵ اکتبر ۱۹۹۰

جرج هربرت واکر بوش تهدید به وتوی بودجه کرد مگر اینکه طرح کاهش کسری اضافه شود. بعد از تعطیلی ۳ روزه دولت در نهایت توافق حاصل شد.

۱۳ نوامبر ۱۹۹۵

اختلاف بر سر توازن بودجه و مالیات‌ها. بیل کلینتون با وتوی خود باعث تعطیلی ۵ روزه دولت شد.

۱۵ دسامبر ۱۹۹۵

مذاکرات دولت دموکرات کلینتون با جمهوری‌خواهان شکست خورد و تعطیلی تا ژانویه ۱۹۹۶ به مدت ۲۱ روز ادامه یافت. سرانجام جمهوری‌خواهان عقب‌نشینی کردند.

۳۰ سپتامبر ۲۰۱۳

جمهوری‌خواهان مخالف قانون بیمه درمانی اوباما مشهور به اوباماکر بودند و بودجه را مشروط به تعویق اجرای آن تصویب کردند. اوباما مخالفت کرد و دولت فدرال برای ۱۶ روز تعطیل شد.

۱۹ ژانویه ۲۰۱۸

اختلاف بر سر مهاجران موسوم به «دریمرها». سرانجام دموکرات‌ها در برابر دولت دونالد ترامپ عقب‌نشینی کردند.

۲۱ دسامبر ۲۰۱۸

اختلاف بر سر بودجه ۵.۷ میلیارد دلاری برای دیوار مرزی با مکزیک باعث طولانی‌ترین تعطیلی تاریخ دولت آمریکا شد. بعد از ۳۴ روز تعطیل شدن دولت، با عقب‌نشینی ترامپ، لایحه‌ای بدون بودجه دیوار امضا شد.

مناقصه عمومی
شماره ۴۰۴۴۱

شرکت روغنکشی خرمشهر (کارخانه روغنکشی خرمشهر) در نظر دارد **تأمین ۱۰۰۰ تن مکمل غذایی (بنتونیت فرآوری شده) واحد تولید** خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به تأمین‌کنندگان و شرکت‌های واجد صلاحیت واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه حداکثر به مدت ۵ روز پس از نشر این آگهی به نشانی کارخانه مراجعه و یا با تلفن‌های ۰۹۱۶۳۰۸۲۶۶۴- ۰۹۱۶۵۰۳۶۰۸۲- ۰۹۱۶۳۳۰۳۹۴۷ تماس حاصل نمایند.

● نشانی کارخانه: خوزستان- خرمشهر- کیلومتر۷ جاده امام جعفرصادق(ع) ناحیه صنعتی آزاد اروند- صندوق پستی ۴۴۳- واحد بازرگانی
● تاریخ آخرین مهلت دریافت مدارک اسناد مناقصه: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶
● تاریخ آخرین مهلت ارسال پاکات: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰
● تاریخ بازگشایی پاکات: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ ساعت ۱۵:۰۰
● هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

مناقصه عمومی
شماره ۴۰۴۴۰

شرکت روغنکشی خرمشهر (کارخانه روغنکشی خرمشهر) در نظر دارد **تأمین قطعات یدکی دستگاه بلت آیزر model:m26-sw واحد تولید** خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به تأمین‌کنندگان و شرکت‌های واجد صلاحیت واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه حداکثر به مدت ۷ روز پس از نشر این آگهی به نشانی کارخانه مراجعه و یا با تلفن‌های ۰۹۱۶۳۲۲۲۷۵۱- ۰۹۱۶۵۰۳۶۰۸۲ تماس حاصل نمایند.

● نشانی کارخانه: خوزستان- خرمشهر- کیلومتر۷ جاده امام جعفرصادق(ع) ناحیه صنعتی آزاد اروند- صندوق پستی ۴۴۳- واحد بازرگانی
● تاریخ آخرین مهلت دریافت مدارک اسناد مناقصه: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶
● تاریخ آخرین مهلت ارسال پاکات: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰
● تاریخ بازگشایی پاکات: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ ساعت ۱۵:۰۰
● هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

آگهی مزایده عمومی فروش سهام شرکت پتروشیمی تبریز (سهامی عام)
شماره ۱۴۰۴/۰۱
نوبت دوم

شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس در نظر دارد نسبت به‌فروش **۴.۵ درصد از سهام شرکت پتروشیمی تبریز (سهامی عام) به تعداد ۲۲۴,۲۵۲,۴۴۳ سهم به ارزش ۱۶,۸۱۸,۹۳۳,۲۲۵,۰۰۰ ریال از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح اقدام نماید.** متقاضیان خرید سهام مزبور می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) در ساعات اداری به شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس، به آدرس: تهران، میدان شیخ بهایی، خیابان اوستا، خیابان ده ونک، ساختمان سینا، پلاک ۳، طبقه۶ مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند.
(شماره‌های تماس: ۰۲۱۸۸۶۲۱۴۴۸ - ۰۲۱۸۸۶۲۹۰۰۱).

شرایط شرکت در مزایده:

۱- ارزش پایه معامله و شرایط پرداخت ثمن معامله به‌شرح جدول ذیل به‌اطلاع متقاضیان می‌رسد.

مبالغ به ریال

نام شرکت	پتروشیمی تبریز (سهامی عام)
سرمایه ثبت شده	۴,۹۸۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
تعداد سهام قابل واگذاری	۲۲۴,۲۵۲,۴۴۳
قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری	۱۶,۸۱۸,۹۳۳,۲۲۵,۰۰۰
مبلغ سپرده شرکت در مزایده	۱۶۸,۱۸۹,۳۳۲,۲۵۰
شرایط واگذاری[1]	تماماً نقد و یکجا

[1] قیمت اعلامی، قیمت پایه بوده و اولویت واگذاری با خریدارانی است که قیمتی بالاتر را برای کل بلوک سهام قابل واگذاری پیشنهاد نمایند.

۲- سپرده شرکت در مزایده معادل ۱ درصد ارزش کل سهام قابل واگذاری می‌باشد که می‌بایستی به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب شماره ۲۹۹۱۲۶۲۰ به‌نام شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس نزد بانک رفاه شعبه دادمان یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر، غیر از بانک رفاه کارگران با اعتبار سه ماهه به‌صورت عندالمطالبه قابل تمدید و بی‌قید و شرط ارائه گردد. حق فروشنده جهت بررسی، قبول یا رد و درخواست اصلاح متن ضمانت‌نامه در مهلت محدود، محفوظ و متقاضی مکلف به رعایت آن است.
۳- متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را نسبت به کل سهام عرضه شده، حداکثر تا پایان وقت اداری **روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۶** به نشانی اعلام شده فوق تحویل و رسید دریافت نمایند. بدیهی است به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۴- شرکت در مزایده به معنی اطلاع و آگاهی کامل متقاضی نسبت به شرایط شرکت بوده و خریدار با شرکت در مزایده کلیه اختیارات خصوصا خیار غبن ولو فاحش را از سوی خود سلب و اسقاط می‌نماید.
۵- چنانچه برنده مزایده ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ توسط مزایده‌گزار نسبت به امضای قرارداد تدوین شده توسط حوزه حقوقی شرکت و پرداخت کامل ثمن معامله اقدام ننماید، هیچ‌گونه ادعایی نسبت به سپرده شرکت در مزایده نخواهد داشت و مزایده‌گزار می‌تواند ضمانت‌نامه بانکی ارائه شده را به نفع خود ضبط نماید.
۶- پاکت‌های مزایده در **ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۳** در سالن جلسات شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس در آدرس مذکور مفتوح خواهد گردید. حضور پیشنهاد دهندگان یا نماینده قانونی آنان در جلسه با ارائه مدارک شناسایی یا معرفی‌نامه معتبر، مجاز می‌باشد. در جلسه مزبور صرفاً خریداران حائز رتبه‌های اول و دوم معرفی گردیده و برنده نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.
۷- استرداد سپرده شرکت در مزایده برنده دوم (وجه نقد/ضمانت‌نامه بانکی معتبر-وفق بند ۲) منوط به انعقاد قرارداد و تسویه کامل ثمن معامله توسط برنده اول مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده سایر مزایده‌گران پس از برگزاری جلسه مزایده مسترد می‌گردد.
۸- فروشنده در رد یا قبول هر یک از/ کلیه پیشنهادات واصله مختار است.

آگهی اصلاحیه

پیرو چاپ آگهی فراخوان مناقصه تأمین غذای تیم‌های ملی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران در روزنامه ایران مورخ ۸و۱۴۰۴/۷/۹ مهلت دریافت اسناد تا مورخ ۱۴۰۴/۷/۱۲ساعت۱۶ و مهلت ثبت اسناد در سامانه تا مورخ ۱۴۰۴/۷/۲۲ ساعت۱۶ می‌باشد.

فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران

آگهی مناقصه

شهر فرودگاهی امام خمینی IKAC

نوبت دوم
تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای فشرده شماره ۱۴۰۴/۰۶-IKAC

موضوع: خرید خدمات عمومی نظیر دبیرخانه، تایپ، تکثیر و ... شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره)

شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره)(سهامی خاص) در نظر دارد نسبت به برگزاری تجدید مناقصه با موضوع «خرید خدمات عمومی نظیر دبیرخانه، تایپ، تکثیر و ... شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره)» از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به‌شرح زیر اقدام نماید. کلیه مراحل برگزاری تجدید مناقصه از مرحله دریافت اسناد ارزیابی پیمانکاران و اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد قیمت و بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه مذکور به نشانی www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت در سامانه ستاد، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی در سامانه یاد شده جهت شرکت در مناقصه اقدام نمایند.

۱- نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره) (سهامی خاص)-معاونت توسعه مدیریت و منابع
نشانی: تهران، بزرگراه خلیج‌فارس، کیلومتر ۳۰، شرکت شهر فرودگاهی امام‌خمینی(ره)(سهامی خاص)
۲-شرایط متقاضی: دارا بودن گواهی‌نامه تعیین صلاحیت و رتبه بندی شرکت‌های خدماتی و پشتیبانی کد (۶) رتبه (۵) از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دارای حداقل سه ماه اعتبار و سایر شرایط ذکر شده در اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه.
۳-نحوه دریافت و تحویل اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه:
• تاریخ‌های چاپ آگهی: نوبت اول (۱۴۰۴/۰۷/۰۹) - نوبت دوم (۱۴۰۴/۰۷/۱۰)
• شماره فراخوان در سامانه ستاد: ۲۰۰۴۰۰۱۶۲۱۰۰۰۰۱۴
• مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد: پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۰ لغایت یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۳
• مهلت ثبت اسناد در سامانه ستاد و تحویل اصل پاکت «الف»: تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۷
• محل تحویل اصل پاکت «الف»: دبیرخانه شرکت به نشانی مندرج در بند ۱
۴- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۴۳.۱۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال (چهل و سه میلیارد و یکصد و پنجاه میلیون ریال)
بدیهی است ثبت مدارک فوق‌الذکر در سامانه مذکور هیچ‌گونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.
درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با تلفن ۵۱۰۰۸۸۴۵ با اداره کل پیمان و امور قراردادها تماس حاصل نمایند.
شماره تماس مرکز راهبری و پشتیبانی سامانه: ۰۲۱-۱۴۵۶

شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره) (سهامی خاص)

نوبت دوم
از مجموعه‌های دولتی
آگهی مناقصه عمومی
(یک مرحله‌ای)

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه
۱	۶۸۲۰/۲/۵/۱۴۰۴/۱۶۵	طراحی و تولید یک نمونه ایربگ لاستیکی منجیددار	۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال معادل پانصد میلیون تومان

شرایط اختصاصی:
کلیه متقاضیان می‌بایست : ۱- دارای جایگاه حقوقی بوده و تأیید صلاحیت مربوطه را داشته باشند.۲- دارای توانایی مالی و فنی باشند. ۳- دارای حسن سابقه مرتبط باشند.

محل و مهلت فروش و نحوه دریافت و عودت اسناد مناقصه:
از تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۸ تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ غیر از ایام تعطیل رسمی از ساعت ۸ صبح تا پایان وقت اداری از طریق مراجعه حضوری به آدرس مناقصه‌گزار
آدرس و شماره تلفن مناقصه‌گزار: خوزستان، شهرستان خرمشهر، کوتشیخ، جنب کلانتری ۱۳، صنایع دریایی شهید موسوی، تلفکس: ۰۶۱-۵۳۵۶۱۵۳۸

مهلت عودت و تحویل پیشنهادات: از زمان دریافت اسناد تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۷ ساعت ۱۶:۰۰

مبلغ فروش اسناد مناقصه:
مبلغ ۳،۳۰۰،۰۰۰ ریال واریز به حساب جاری ۱۱۷۷۸۰۰۵۲۴۷۲۰ و شبای IR۰۴۰۱۵۰۰۰۰۰۰۱۱۷۷۸۰۰۵۲۴۷۲۰ با شماره شناسه واریز ۱۱۱۳۸۷۱۶۶۸۵ به‌نام معاونت مالی و امور اقتصادی ص د.
- سایر شرایط و استانداردها و گواهی‌نامه‌های لازم در اسناد مناقصه اعلام شده است.
- پرداخت هزینه آگهی به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.

گزارش

آغاز طرح آموزش مدیریت بحران سالمندی با همکاری سازمان ملل و سه کشور آسیایی

روند سالمندی در ایران رو به زنانه شدن است

گروه اجتماعی- مراسم روز جهانی سالمند با حضور رئیس سازمان بهزیستی، اعضای شورای ملی سالمندان، سفرای چین، ژاپن و کره‌جنوبی و نماینده صندوق جمعیت ملل متحد برگزار شد. در این مراسم که فرصتی بود برای بازنگری در سیاست‌ها و تقویت نگاه انسانی و فرهنگی به سالمندی، بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، علمی و اجتماعی برای مواجهه هوشمندانه با پدیده سالمندی و ارتقای جایگاه سالمندان در جامعه ایرانی تأکید شد.

رئیس سازمان بهزیستی کشور در این مراسم از اجرای طرح آموزش مدیریت بحران سالمندی با مشارکت سازمان ملل و همکاری سه کشور چین، ژاپن و کره‌جنوبی خبر داد و گفت:«این طرح بر اساس «مثلث طلایی» شامل تمامیت، کفایت و عدالت طراحی شده است، به گونه‌ای که همه افراد از خدمات به صورت شایسته و استاندارد بهره‌مند شوند و گروه‌ها و مناطق اولویت‌دار در دریافت خدمات در صدر قرار گیرند.»

سید جواد حسینی درباره طرح «سلام» نیز توضیح داد:«پاتوق‌های سالمندی در سراسر کشور توسعه خواهند یافت. طرح «سلام» با محوریت سلامت اجتماعی و محله‌محور نیز در ۱۵ استان کشور در حال اجراست که در آن از ظرفیت ساعات غیرآموزشی ۱۱۵ هزار مدرسه برای آموزش‌های اجتماعی بهره گرفته می‌شود.»

حسینی با اعلام اینکه در حال حاضر ۶۷۵ مرکز سالمندان در کشور فعال هستند، گفت:«۱۰۲ مرکز ویزیت در منزل، ۱۰۱ مرکز مراقبت، ۱۵۷ مرکز روزانه و ۴۶ خانه حمایتی سالمندان در حال ارائه خدمات هستند. علاوه بر این، تربیت ۳۰۰۰ مشاور سالمند آغاز شده است و ایجاد دهکده سالمندان نیز در دستور کار قرار دارد.»

او با تأکید بر ضرورت توجه به پدیده تنهایی سالمندان، از اجرای طرح شناسایی زنان سالمند فقط در ۱۸ استان کشور خبر داد که تاکنون ۵۱ هزار نفر شناسایی شده‌اند.

سید ضیا هاشمی، معاون فرهنگی و اجتماعی معاون اول رئیس‌جمهور نیز در این مراسم گفت:«در فرهنگ ایرانی، سالمندی ضدارزش نیست، بلکه نشانه‌ای از تجربه، خرد و جایگاه والای اجتماعی است. سالمندان در جامعه ما سرمایه‌هایی با احترام و اعتماد بیشتر نسبت به نسل جوان محسوب می‌شوند و جوانان نیز حرمت آنان را پاس می‌دارند.»

وی با اشاره به اشتراکات فرهنگی ایران با جوامع شرقی تأکید کرد:«نگاه به سالمندی باید فراتر از چالش‌های جمعیتی و مبتنی بر ارزش‌های دینی و سنت‌های ملی باشد.»

وی با اینکه خواستار طراحی سیاست‌هایی متناسب با فرهنگ ایرانی ـ شرقی شد با ابراز امیدواری بر اینکه ایران بتواند الگویی موفق در مواجهه با پدیده سالمندی ارائه دهد، گفت:«دبیرخانه شورای ملی سالمندان، سازمان بهزیستی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دانشگاه‌ها با ظرفیت علمی موجود، در تلاش‌اند با برنامه‌ریزی دقیق، سالمندی را به فرصت تبدیل کنند.»

دکتر رهنما از اعضای تیم تحقیقاتی دانشگاه علوم توانبخشی و رفاه اجتماعی نیز با اشاره به روند زنانه شدن سالمندی در ایران، هشدار داد و گفت:«جمعیت زنان سالمند تنها، رو به افزایش است. هم‌اکنون حدود یک میلیون و ۱۲۰ هزار سالمند تنها در کشور زندگی می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود این رقم تا سال ۱۴۳۰ به سه‌ونیم میلیون نفر برسد. زنان سالمند تنها، پس از فوت همسر با کاهش درآمد، وابستگی اقتصادی و مشکلات معیشتی مواجه‌اند. موانع فرهنگی مانند انگ اجتماعی، تبعیض جنسیتی و تابوی ازدواج مجدد نیز انزوای آنان را تشدید می‌کند. بیشتر این زنان در دهک‌های پایین درآمدی قرار دارند، دارای سطح سواد پایینی بوده و از حمایت‌های کافی برخوردار نیستند.»

رهنما با تأکید بر اینکه اگر زیرساخت‌های حمایتی فراهم نشود، مشکلاتی مانند فقر، بحران مسکن و کاهش حمایت خانوادگی شدت خواهد یافت، گفت:«برای بهبود وضعیت این گروه، بازنگری در قوانین، توسعه بیمه و خدمات حمایتی، تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد و تغییر نگرش فرهنگی ضروری است.»

او با اعلام اینکه در حال حاضر ۷.۱ درصد از این زنان هیچ درآمدی ندارند و به حمایت‌های غیررسمی وابسته هستند، توضیح داد:«با وجود چالش‌های اجتماعی، سبک زندگی آنان در آینده به سمت استقلال، افزایش اعتمادبه‌نفس و ارتقای مهارت‌ها حرکت خواهد کرد. همچنین پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۳۰ نرخ باسوادی در میان آنان افزایش چشمگیری داشته باشد.»

این محقق خواستار توجه جدی به موضوع سالمندی در نظام برنامه‌ریزی و بودجه شد و پیشنهاد داد تبعیض‌های مثبت در ارائه خدمات توانبخشی و حمایتی برای زنان سالمند تنها در نظر گرفته شود تا نابرابری‌ها کاهش یابد و حقوق آنان حفظ شود.

عکس: سجاد صفری/ ایران

دبیر ستاد ملی جمعیت از ابعاد برنامه جدید دولت و پرداخت هدیه ۲ میلیونی به تازه مادرها گفت

مشوق‌ها نبودند وضعیت وخیم‌تری داشتیم

گزارش خبری

سمیه افشین‌فر
گروه اجتماعی

جمعیت رو به کاهش است. مواجهه ایران با ابربحران جمعیت این‌قدر جدی است که به گفته مرضیه وحید دستجردی دبیر ستاد ملی جمعیت اگر آن را حل نکنیم تا ۹۵ سال دیگر ایران تنها ۳۱ میلیون نفر و کشور عربستان ۳۰۰ میلیون و پاکستان ۹۰۰ میلیون جمعیت خواهند داشت. به همین دلیل مشوق‌ها و سیاست‌هایی که به افزایش جمعیتی منجر شود از اهمیت بسیاری برخوردار است. از جمله طرح‌های تشویقی که توسط دولت در حال اجرا است، می‌توان به اعطای تسهیلات بانکی، اعطای زمین و فروش خودرو به مادران، اعطای خانه سازمانی و بیمه رایگان به مادران دارای ۳ فرزند اشاره کرد، اما مشوق‌های فرزندآوری به همین موارد محدود نمی‌شود. روز گذشته مرضیه وحید دستجردی دبیر ستاد ملی جمعیت از ارائه کارت «امید مادر» با شارژ ماهیانه مبلغ دو میلیون تومان خبر داد. طرحی نو که قرار است از فروردین ماه سال ۱۴۰۵ اجرایی شود.

دبیر ستاد ملی جمعیت به تشریح طرح جدید دولت پرداخت و گفت: «همه مادرانی که از فروردین ماه ۱۴۰۵ فرزندشان متولد می‌شود کارت امید مادر دریافت می‌کنند و تا ۲۴ ماه، ماهیانه دو میلیون تومان در کارتشان شارژ خواهد شد.» دبیر ستاد ملی جمعیت با اشاره به استفاده از تجربه‌های کشورهایی مانند روسیه، اسکاندیناوی و نروژ در مورد سیاست‌های فرزندآوری گفت: «در شورای اندیشه‌ورزی جمعیت به این نتیجه رسیدیم که باتوجه به مشکلات اقتصادی مردم و هزینه‌های شیر خشک و پوشک، فکری برای هزینه‌های زندگی کنیم. به همین دلیل به دنبال کارت امید مادر رفتیم که البته تجربه اجرای این کارت را از مدل سایر کشورها الگو گرفته‌ایم. این کارت در کشورهایی مانند روسیه، اسکاندیناوی و نروژ وجود دارد و تجربه موفقی هم بوده است.»

کارتی برای همه مادران

به گفته وحید دستجردی مقوله جمعیت چند وجهی است و وجوه مختلف اجتماعی و اقتصادی و... دارد و باید برای آن راه‌حل داشته باشیم: «نمی‌توان یک راه را برای فرزندآوری در نظر گرفت بلکه باید راه‌های مختلف را مدنظر قرار داد. برای همین هدف کارت امید مادر را باید یک حمایت مالی هدفمند و زمان‌بندی شده از مادر و کودک دانست.

این کارت برای همه فرزندان و به همه مادران بدون محدودیت محل سکونت تعلق می‌گیرد و یک اقدام عدالت محور، برای کاهش دغدغه اقتصادی خانواده‌ها در دو سال اول زندگی است تا ملزومات موردنیاز اساسی کودک را تأمین کنند. در طرح کارت امید مادرتقسیم بندی‌های دهک‌ها و آزمون وسع برداشته شده و این طرح به همه مادران تعلق می‌گیرد.» به گفته دبیر ستاد ملی جمعیت، پیام این کارت این است که دولت چهاردهم می‌خواهد بگوید که ما در کنار مادران و کودکان آنها هستیم.

وحید دستجردی با اشاره به جزئیات این کارت گفت: «کارت امید مادر به عنوان یکی از پیشنهادها ارائه شد که براساس آن ماهیانه دو میلیون تومان به مادران از تولد نوزاد تا پایان دو سالگی پرداخت شود. باتوجه به بحث بودجه‌ای قرار شد این کارت در سال آینده لحاظ شود و مراحل کار در سازمان برنامه و بودجه در حال انجام است.»

> کارت امید مادر برای همه فرزندان و به همه مادران بدون محدودیت محل سکونت تعلق می‌گیرد و یک اقدام عدالت محور، برای کاهش دغدغه اقتصادی خانواده‌ها در دو سال اول زندگی است تا ملزومات موردنیاز اساسی کودک را تأمین کنند. در طرح کارت امید مادر تقسیم بندی‌های دهک‌ها و آزمون وسع برداشته شده و این طرح به همه مادران تعلق می‌گیرد

مشوق‌ها مؤثر بوده است

دبیر ستاد ملی جمعیت در پاسخ به سؤال «ایران» مبنی بر اینکه سیاست‌های تشویقی فرزندآوری که تاکنون انجام شده است چه قدر موفق بوده‌اند، گفت: «حتماً در نشستی دیگر در مورد پیمایش‌ها و بررسی‌های انجام شده در مورد این برنامه‌ها خواهم گفت، اما در نظر داشته باشید که اگر همین مشوق‌ها و تسهیلات هم نبود امروز از نظر جمعیتی در وضعیت وخیم‌تری قرار داشتیم. بنابراین به نظرم مشوق‌ها مؤثر بوده است البته ایده‌آل‌هایی در نظر داریم که هنوز به آن نرسیده‌ایم.

یکی از این ایده‌آل‌ها رساندن نرخ جایگزینی به ۲٫۱ است که هنوز حاصل نشده است با این اوصاف هدف ما این است که سرعت سیر نزولی را کند کنیم.» به گفته مسئولان بهداشتی نرخ باروری در زمان حاضر ۱٫۴۸ است که نرخ پایینی محسوب می‌شود؛ این در حالی است که نرخ باروری تا سال ۱۴۰۷ باید به ۲٫۵ برسد.

نرخ باروری «جایگزینی» برای جمعیت یک کشور معمولاً ۲٫۱ است. این عدد به معنای آن است که اگر هر زن به طور میانگین ۲٫۱ فرزند داشته باشد، جمعیت یک کشور در بلندمدت کاهش و افزایش پیدا نمی‌کند و ثابت می‌ماند.

بنابراین زمانی که نرخ باروری در یک کشور به صورت پایدار کمتر از ۲٫۱ باشد، جمعیت آن کشور به‌مرور پیر شده و سپس کاهش می‌یابد.

دستجردی با تأکید بر اینکه با ابربحران جمعیت مواجه هستیم، گفت: «تا سال ۱۴۳۰ حدود ۲۶٫۵ درصد جمعیت کشورمان را سالمندان تشکیل می‌دهند و سالمندترین کشور منطقه خواهیم بود. بنابراین باید بتوانیم این شیب سالمندی را مدیریت کنیم.»

برش

غربالگری مادران باردار انجام می‌شود

موضوع غربالگری سلامت جنین و ممنوعیت اجرای غربالگری بر اساس قانون جوانی جمعیت، موضوع دیگری بود که دستجردی به آن اشاره کرد. او با تأکید بر این نکته که غربالگری مادران باردار به هیچ وجه ممنوع نشده است،گفت: «غربالگری در دو مرحله و هفته ۱۲ و ۴۰ بارداری انجام می‌شود.» دبیر ستاد ملی جمعیت که متخصص زنان و زایمان نیز هست، در بخش دیگری از این نشست درباره توقف اجرای غربالگری در دوران بارداری گفت: «به غلط در جامعه باب شده که می‌گویند غربالگری ممنوع شده است. غربالگری اکنون در دو مرحله اجرا می‌شود و مرتب برای بیماران نسخه می‌شود.

غربالگری مرحله اول در هفته ۱۲ بارداری و مرحله دوم در هفته ۴۰ بارداری انجام می‌شود. بنابراین اکنون هیچ محدودیت و ممانعتی برای غربالگری وجود ندارد.» او با بیان اینکه در موارد مشکوک فرد را به آزمایشگاه‌های معتبر می‌فرستیم توضیح داد: «وقتی زنی آزمایش و سونوگرافی انجام می‌دهد، اکثراً جواب آزمایش‌ها خوب است، اما گاهی ممکن است جواب آزمایش مشکوک باشد و نیازمند آزمایش دقیق‌تری باشد، فرد را به آزمایشگاه‌های معتبر می‌فرستیم.

در مواردی ممکن است آزمایش نشان بدهد که جنین دچار سندروم داون است که اگر تأیید شود قانون پیش‌بینی کرده که زن به سازمان پزشکی قانونی مراجعه کند و بعد از تأیید توسط متخصص مربوطه در کمیسیون با بررسی مدارک و صحت آن، اجازه سقط درمانی به علت اندیکاسیون جنینی داده می‌شود.»

مشاور وزیر آموزش و پرورش در تحقق عدالت آموزشی:

بیش از ۹۰۰ هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل داریم

گزارش

غزل رضایی‌ثانی
گروه اجتماعی

چند روز پیش خبری درباره دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل منتشر شد و اینکه حدود ۷۵۰ هزار دانش‌آموز گذشته از باقی بازماندگان، تنها به دلیل فقر از تحصیل بازمانده‌اند. با اینکه همیشه اعداد و ارقام ضد و نقیضی از دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل منتشر می‌شود، اما طبق گفته مشاور وزیر آموزش و پرورش در تحقق عدالت آموزشی و تضمین کیفیت یادگیری، به طور کلی آمار بازماندگان از تحصیل بیش از ۹۰۰ هزار نفر است که تاکنون فقط علت ترک تحصیل ۶۰ هزار نفر آنها احصا شده است. علی زرافشان در گفت‌وگو با «ایران» درباره آمار دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل و دلایل آن می‌گوید:«بازماندگی یا ترک تحصیل کلی دلایل مختلفی دارد، اما همه این آمار ۷۵۰ هزار نفر که در خبرها آمده به دلیل فقر نیست. از دلایل بازماندگی از تحصیل می‌توان به بحران‌های ساختاری، فقر و نابرابری، مهاجرت، حاشیه نشینی، کسری بودجه برای توسعه زیرساخت‌های آموزشی، وضعیت فرهنگی خانواده، اشتغال کودک، آموزش ناپذیر بودن کودکان استثنایی، ضعیف بودن جثه کودک، بیماری صعب العلاج، کودک بد سرپرست و کودکانی که در سن مدرسه هستند ولی در پیش دبستانی درس می‌خوانند، اشاره کرد.»

او درباره دانش‌آموزانی که باید در مدرسه باشند اما اکنون در پیش دبستانی هستند می‌گوید:«ما ۹ هزار دانش‌آموز در پیش دبستان‌ها داریم که طبق سن قانونی باید در مدرسه باشند، اما به تشخیص خانواده‌ها اگر آمادگی شروع تحصیل را ندارند می‌توانند در پیش دبستانی ثبت‌نام کنند. از این آمار ۵۴۲۰ نفر آنها پسر و ۳۶۹۹ نفر آنها دختر هستند. این تعداد قبلاً ذیل بازماندگان از تحصیل محسوب می‌شد.»

بیش از ۱۲ هزار دانش‌آموز ابتدایی مهاجرت کرده‌اند

مهاجرت یکی دیگر از عوامل بالا بردن آمار دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل است. زرافشان با اشاره به تأثیر مهاجرت بر افزایش آمار بازماندگان از تحصیل می‌گوید:«مهاجرت به خارج از کشور باعث افزایش آمار بازماندگان از تحصیل شده، چون فقط در مقطع ابتدایی ۱۲ هزار و ۹۳۰ دانش‌آموز به همراه خانواده‌هایشان از کشور مهاجرت کرده‌اند. طبیعتاً این دانش‌آموزان در کشورهای مقصد به تحصیل خود ادامه می‌دهند. ما با کمک وزارت امور خارجه موفق شدیم تعداد دانش‌آموزانی که همراه والدین خود به خارج از کشور رفته‌اند، شناسایی و از آمار جمعیت بازماندگان دوره ابتدایی کم کنیم.»

بیشتر آمار بازماندگان از تحصیل به دوره متوسطه دوم مربوط می‌شود، مشاور وزیر آموزش و پرورش در این باره می‌گوید: «آخرین آمار بازماندگی تحصیلی در دوره ابتدایی ۱۵۱ هزار و ۵۸۹ دانش‌آموز، دوره اول متوسطه ۱۸۰ هزار و ۳۰۹ دانش‌آموز و در دوره دوم متوسطه ۵۸۷ هزار و ۹۵۷ دانش‌آموز هستند. میزان آمار ترک تحصیلی‌ها در مقطع متوسطه دوم به این دلیل که این مقطع جزو تحصیلات اجباری نیست، بیشتر است. در نهایت مجموع کل بازماندگان از تحصیل ۹۱۹ هزار و ۸۵۵ نفر می‌شود.»

به گفته زرافشان از میان همه دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل، فقط دلایل ۶۰ هزار و ۲۹۷ نفر از آنها بررسی شده است، او می‌گوید: «طبق نتایجی که به دست آوردیم از این ۶۰ هزار نفر، ۱۵۰۰ نفر به دلیل فقر مالی و وضعیت بد معیشتی ترک تحصیل کرده‌اند. به بیان دقیق‌تر میزان دانش‌آموزانی که به دلیل فقر مالی و وضعیت نامطلوب معیشتی ترک تحصیل کردند هزار و ۵۴۸ نفر است. از این آمار ۸۲۸ نفر از آنها پسر و ۷۲۰ نفر هم دختر هستند. آمار دانش‌آموزانی که به دلیل فقر مالی از تحصیل جاماندند نسبت به دانش‌آموزانی که اکنون باید در مدرسه باشند، اما در پیش دبستانی مشغول تحصیل هستند، آمار زیادی نیست.»

اشتغال به کار کودکان نیز یکی از شاخص‌های مهم بازماندگی از تحصیل است. زرافشان با اشاره به آمار دانش‌آموزان شاغل که مجبور شده‌اند مدرسه را برای تأمین هزینه خانواده ترک کنند، می‌گوید: «در مقطع ابتدایی ۳۹۳ دانش‌آموز داریم که به دلیل اشتغال نمی‌توانند در مدرسه حاضر باشند. همچنین در مقطع متوسطه اول سه هزار و ۵۳۵ نفر و در مقطع متوسطه دوم ۱۰ هزار و ۴۳۵ نفر دانش‌آموز شاغل هستند که مجموع آنها به ۱۴ هزار و ۳۶۳ نفر می‌رسد.»

اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که آموزش و پرورش برنامه مشخصی برای برگرداندن این دانش‌آموزان به چرخه آموزشی کشور دارد؟ او می‌گوید: «طبق آخرین تصمیم گیری‌ها در شورای عالی آموزش و پرورش و بر اساس طرح شهید محمودوند که با هدف برگرداندن بازماندگان از تحصیل راه‌اندازی شده است، فهرست اسامی کل کودکان بازمانده از تحصیل را استخراج کرده و آن را به استان‌ها و مناطقی که دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در آنجا زندگی می‌کنند ارسال می‌کنیم. در مرحله بعد مناطق موظف هستند با مراجعه حضوری به منازل این کودکان دلایل عدم حضورشان به مدرسه را بررسی و در مذاکره با خانواده، آنها را جذب کنند.»

مشاور وزیر آموزش و پرورش در تحقق عدالت آموزشی با بیان تأثیر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در کاهش جمعیت بازماندگان از تحصیل می‌گوید: «در سال ۱۳۹۹ قانونی تحت عنوان قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به تصویب رسیده است. این قانون دستگاه‌هایی را که در بحث بازماندگی و علل بازماندگی نقش دارند، مکلف کرده با آموزش و پرورش همکاری یا خودشان اقدام به جذب بازماندگان کنند. به عنوان مثال اداره ثبت احوال موظف شده قبل از شروع سال تحصیلی فهرست کودکان ۶ تا ۱۷ساله را به آموزش و پرورش بدهد، سپس آموزش و پرورش این اسامی را با فهرست کسانی که سال گذشته دانش‌آموز بودند تطبیق بدهد و از تفاوت این آمار، تعداد کودکان بازمانده از تحصیل را استخراج کند.»

او درباره تعامل آموزش و پرورش با دستگاه‌ها برای کاهش آمار بازماندگان از تحصیل می‌گوید: «جلسه‌ای با حضور دکتر کاظمی وزیر آموزش و پرورش داشتیم. درآن جلسه برای دستگاه‌هایی که طبق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان برای آنها تکلیفی معین شده، وظایفی در نظر گرفتیم. ما تمام گزارش‌های خود درباره آمار و دلایل بازماندگی دانش‌آموزان را به این دستگاه‌ها ارائه و وظایف دستگاه‌ها برای جذب کودکان بازمانده را به آنها یادآوری کردیم. انشاءالله در این هفته یا هفته آینده این وظایف با امضای وزیر آموزش و پرورش به بالاترین مقام دستگاه ارسال و از آنها خواسته می‌شود که همکاری لازم را با آموزش و پرورش داشته باشند.»

> آخرین آمار بازماندگی تحصیلی در دوره ابتدایی ۱۵۱ هزار و ۵۸۹ دانش‌آموز، دوره اول متوسطه ۱۸۰ هزار و ۳۰۹ دانش‌آموز و در دوره دوم متوسطه ۵۸۷ هزار و ۹۵۷ دانش‌آموز هستند. میزان آمار ترک تحصیلی‌ها در مقطع متوسطه دوم به این دلیل که این مقطع جزو تحصیلات اجباری نیست، بیشتر است

ادامه سیاست فعلی، تولید ملی و امنیت غذایی را تهدید می کند

قیمت‌گذاری گندم؛ معادله‌ای با چند متغیر پرهزینه

گزارش

حدیث حدادی
گروه اقتصادی

بر اساس آمار اعلامی از سوی مرکز آمار متوسط قیمت یک کیلوگرم گندم در فصل بهار سال جاری ۲۰ هزار و ۳۹۸ تومان بوده و نرخ خرید تضمینی هر کیلوگرم گندم نیز برای امسال ۲۵ هزار تومان اعلام شده است. در حالی که بررسی‌های خبرنگار روزنامه ایران نشان می‌دهد هزینه تمام شده تولید هر کیلوگرم گندم ۲۹ هزار و ۵۰۰ تومان است که به این مبلغ باید ۲۰ درصد سود نیز اضافه شود.

براساس برآوردهای صورت گرفته؛ بخش عمده‌ای از هزینه‌ها به نهاده‌های اساسی مانند آب، کود و سموم اختصاص دارد. به طور مثال، هزینه «آب بها» با ۷,۶۵۰,۰۰۰ تومان و هزینه انواع کودهای شیمیایی و زیستی حدود ۸ میلیون تومان است که سهم قابل توجهی از مجموع هزینه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. این موضوع نشان‌دهنده وابستگی شدید هزینه تولید به قیمت این نهاده‌هاست.

هزینه‌های انجام عملیات مکانیزه نیز بخش دیگری از بار مالی را تشکیل می‌دهد. مواردی همچون شخم، دیسک، سمپاشی و برداشت، جمعاً بیش از ۱۶ میلیون تومان هزینه در برداشته است. این ارقام اهمیت ماشین‌آلات کشاورزی و تأثیر مستقیم هزینه‌های استهلاک و سوخت را در اقتصاد تولید گندم نشان می‌دهد.

با مقایسه قیمت تمام شده نهایی (۲۹,۵۷۶ تومان) و قیمت تضمینی فعلی خرید گندم از کشاورزان (که عموماً بسیار پایین‌تر است)، شکاف قابل توجهی مشاهده می‌شود. این شکاف نه تنها سودآوری کشاورز را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه به عنوان یک تهدید برای امنیت غذایی پایدار کشور محسوب می‌شود. بنابراین، بازنگری در سیاست‌های قیمت‌گذاری بر اساس واقعیت‌های اقتصادی و هزینه‌هایی که می‌شود، یک ضرورت انکارناپذیر است.

عوامل تأثیرگذار بر قیمت گندم

در همین راستا مدیرعامل بنیاد ملی گندم‌کاران کشور در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه ایران عنوان کرد: «در حال حاضر تنها حمایتی که از گندم‌کاران می‌شود این است که مقدار محدودی کود در اختیار کشاورز قرار می‌گیرد که قیمت آن نیز امسال از ۳۵ تا ۷۴ درصد افزایش داشته است. بنابراین می‌توان گفت حمایت چندانی از کشاورزان گندمکار نمی‌شود.»

علی‌قلی ایمانی افزود: «کشاورز برای تأمین سایر کالاهای مورد نیاز خود به بازار آزاد مراجعه می‌کند که قیمت آن با نرخ دولتی تفاوت قابل توجهی دارد. به طوری که قبل از افزایش قیمت هر کیلو کود دولتی ۳۹۵ هزار تومان بود، ولی کشاورز از بازار آزاد با قیمت کیلویی یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان تهیه می‌کرد. همین امر منجر به افزایش هزینه تولید می‌شود اما در زمان قیمت‌گذاری دولت هزینه تمام شده هر کیلو گندم را بر مبنای قیمت مواد اولیه دولتی تعیین می‌کند.»

وی اظهار کرد: «از سوی دیگر سموم داخلی کیفیت لازم را ندارد و کشاورز مجبور است از برندهای تحت لیسانس خارجی استفاده کند که قیمت بالاتری دارد. همچنین زمانی که نرخ دلار افزایش می‌یابد قیمت تراکتور نیز صعودی می‌شود. به طور مثال درسال جاری قیمت تراکتور ۴۰ درصد افزایش داشته و شنیده‌ها حاکی از آن است که ۲۰ درصد دیگر نیز تا پایان سال قیمت این ماشین‌آلات گران‌تر خواهد شد. بنابراین زمانی که قیمت تراکتور افزایش می‌یابد نرخ ادوات نیز بالا رفته و بخش‌هایی همچون لوازم یدکی، دستمزدها و... نیز افزایش چشمگیری می‌یابد.»

ایمانی تأکید کرد: «یکی از دلایل افزایش قیمت دستمزد کارگران به علت خروج کارگران افغانستانی از کشور است زیرا کار کشاورزی کار پرمشقتی بوده و اغلب کارگران تمایلی به حضور و فعالیت در این عرصه را ندارند. از سوی دیگر کارگران عنوان می‌کنند این کار درآمد کمی دارد و ما می‌توانیم با مسافرکشی درآمدی بیشتر از این داشته باشیم. از همین رو در حال حاضر میانگین سن کشاورز کشور ۵۶ سال شده است. زیرا این شغل سودآوری لازم را برای افراد به همراه ندارد.»

وی تصریح کرد: «یکی از دلایل افزایش قیمت تمام شده گندم افزایش هزینه آب و برق در کشور است. در واقع در فصل بهار دولت آب بها را ۳۵ درصد افزایش داده است. زیرا سال گذشته برای ۹۰ روز تابستان ۳ میلیون تومان هزینه آب پرداخت کردیم، اما امسال قبض ۲۷ روزه ۴ میلیون تومان شده است.»

قیمت واقعی هر کیلو گندم چند؟

ایمانی گفت: «ما به عنوان بنیاد ملی گندم کاران کشور، از تمام استان‌ها هزینه‌ها را استعلام گرفته و برآورد کرده‌ایم که هزینه تمام شده یک کیلو گندم ۲۹ هزار و ۵۰۰ تومان به اضافه ۲۰ درصد سود برای کشاورز است. قانونگذار هم گفته هزینه‌های تولید به اضافه سود متعارف برای کشاورز باید لحاظ شود.»

وی یکی از مشکلات کشاورزان را عدم پرداخت بموقع مطالبات دانست و بیان کرد: «به علت همین عدم پرداخت بموقع کشاورزان به بخش‌های مختلف کود فروش، سم فروش و دیگران بدهکار می‌شوند که بابت این بدهی ماهانه ۶ درصد سود پرداخت می‌کنند. اینها هزینه‌های پنهانی است که در بخش گندم وجود دارد.»

ایمانی تأکید کرد: «قیمت جهانی گندم روی قیمت داخلی تأثیرگذار است. زیرا در قانون قید شده است قیمت محصول مشابه در خارج از کشور به اضافه هزینه‌های مرتبط مثل تخلیه بارگیری، حفظ نباتات، استاندارد، حمل داخلی و غیره نیز باید در این قیمت‌گذاری لحاظ شود. اما متأسفانه گفته می‌شود که با دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی گندم وارد می‌شود؛ در حالی که تمام هزینه‌های تولید این بخش با دلار ۱۰۰ هزار تومانی محاسبه می‌شود.»

> براساس برآوردهای صورت گرفته؛ بخش عمده‌ای از هزینه‌ها به نهاده‌های اساسی مانند آب، کود و سموم اختصاص دارد که سهم قابل توجهی از مجموع هزینه‌ها را تشکیل می‌دهد. این موضوع نشان‌دهنده وابستگی شدید هزینه تولید به قیمت این نهاده‌ها است

قیمت تضمینی گندم خلاف قانون تعیین می‌شود

ایمانی افزود: «براساس قانون نرخ تضمینی گندم باید براساس هزینه‌های تولید و سود متعارف تعیین شود. از سوی دیگر قیمت محصولات تضمینی باید طوری اعلام شود که از نرخ تورم پایین‌تر نباشد. مثلاً در سال گذشته با وجود اینکه نرخ تورم ۳۶ درصد بوده اما قیمت گندم را ۱۷ درصد افزایش داده‌اند. این امر خلاف قانون است.»

آماده رأی‌گیری برای تعیین قیمت منصفانه هستیم

همچنین عضو اصلی شورای قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «ایران» عنوان کرد: «قیمت‌گذاری گندم یعنی نرخ تضمینی، سال‌ها پشت درهای بسته شورای اقتصاد تعیین می‌شد و کشاورز هیچ نقشی در آن نداشت. اما از سال ۱۳۹۹ مجلس شورای اسلامی قانونی تصویب کرد که بر اساس آن شورای قیمت‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های حمایتی تشکیل شد. این شورا شامل سه عضو دولتی یعنی وزیر جهاد کشاورزی (رئیس شورا)، وزیر امور اقتصادی و دارایی و معاون رئیس جمهوری در سازمان برنامه و بودجه است. همچنین شش عضو غیردولتی شامل بنیاد ملی گندم کاران، سازمان نظام مهندسی کشاورزی، اتاق اصناف کشاورزی، اتحادیه تعاونی‌های روستایی سراسر کشور و دو کشاورز خبره در آن حضور دارند.»

عطاالله هاشمی نعمتی افزود: «این شورا بر پایه منافع کشاورز و منافع ملی حرکت می‌کند و تصمیمات آن بر اساس منطق، علم، تجربه، وضعیت کشور و شرایط بین‌المللی محصولات کشاورزی اتخاذ می‌شود. اما سال گذشته قیمت گندم را بسیار پایین در نظر گرفتند به طوری که نرخ تضمینی آن ۲۰ هزار و ۵۰۰ تومان قیمت‌گذاری شد و پس از آن یک تورم سنگین بر بخش تولید وارد شد زیرا قیمت‌ها منصفانه و متناسب نبود.»

وی گفت: «علت پایین بودن نرخ تضمینی گندم این است که خرید گندم نوعی کمک بلاعوض به کشاورز دیده می‌شود، در حالی که این طور نیست. نهاد رگولاتور محصولات کشاورزی، محصول را می‌خرد و پولش را می‌دهد. اما چون نمی‌تواند ضرر ناشی از فرآیند تبدیل گندم به آرد و نان را مدیریت کند، بخشی از این ضرر را از کشاورز تأمین می‌کند.»

هاشمی نعمتی تأکید کرد: «در هر کیلو گرم گندم، دولت به طور متوسط ۱۹ هزار تومان ضرر می‌دهد. زیرا نمی‌تواند این ضرر را جبران کند، قیمت خرید را پایین نگه می‌دارد تا بخشی از بار مالی را از کشاورز بگیرد. اما این دیدگاه اشتباه است و حمایت از کشاورز باید در اولویت قرار گیرد. اما امسال ما مصمم هستیم که قیمت را از هزینه تولید به اضافه سود متعارف پایین‌تر قیمت‌گذاری نکنیم. حتی اگر مجبور شویم رأی‌گیری کنیم، چون منافع کشاورز در خطر است.»

عکس: ایسنا

آنالیز قیمت تمام شده یک کیلو گندم

نوع عملیات	مقدار/ تعداد	هزینه کل(تومان)
شخم	یکبار	۳,۰۰۰,۰۰۰
دیسک	سه بار	۴,۵۰۰,۰۰۰
سایر عملیات	یکبار	۱,۰۰۰,۰۰۰
بذر و ضد عفونی	۱۸۰کیلوگرم	۵,۴۹۰,۰۰۰
بذرکاری	یکبار	۱,۰۰۰,۰۰۰
کود شیمیایی اوره	۳۰۰ کیلو گرم	۲,۳۷۰,۰۰۰
کود شیمیایی فسفات	۱۰۰کیلوگرم	۱,۴۳۰,۰۰۰
کود شیمیایی پتاس	۱۰۰ کیلوگرم	۱,۶۲۵,۰۰۰
کودهای زیستی و ریزمغذی	۵ کیلوگرم	۲,۵۰۰,۰۰۰
حمل کود و بذر	۶۸۵ کیلوگرم	۸۸۴,۳۳۵
کود پاشی	چهار بار	۲,۸۰۰,۰۰۰
سم قارچ کش	یک لیتر	۳,۳۸۰,۰۰۰
سم علف کش	۳ لیتر	۴,۰۲۰,۰۰۰
سمپاشی و اجاره سمپاش	چهار بار	۲,۸۰۰,۰۰۰
آب بها	۴,۵۰۰ متر مکعب	۷,۶۵۰,۰۰۰
آبیاری	دو بار	۲,۰۰۰,۰۰۰
برداشت و جمع آوری	یکبار	۳,۰۰۰,۰۰۰
هزینه حمل تا مراکز تحویل	۴,۰۰۰ کیلوگرم	۲,۲۰۰,۰۰۰
بیمه محصول سهم زارع	یک هکتار	۱,۲۰۰,۰۰۰
جمع هزینه ها		۵۲,۸۴۹,۳۳۵
هزینه های متفرقه	۵ درصد	۲,۶۴۲,۴۶۶
جمع کل هزینه تولید		۵۵,۴۹۱,۸۰۱
سود سرمایه در گردش	۲۳ درصد	۱۲,۷۶۳,۱۱۴
جمع کل هزینه		۶۸,۲۵۴,۹۱۶
کسر می شود ارزش کاه	یک هکتار	۳,۰۰۰,۰۰۰
خالص هزینه ها		۶۵,۲۵۴,۹۱۶
عملکرد در هکتار	۴,۰۰۰ کیلوگرم	۸۲,۰۰۰,۰۰۰
هزینه تمام شده هر کیلو		۱۶,۳۱۳
سود تولید کننده	۲۰ درصد	۱۳,۰۵۰,۹۸۳
هزینه تمام شده با سود		۷۸,۳۰۵,۸۹۹
ارزش اجاره ای زمین	یک هکتار	۴۰,۰۰۰,۰۰۰
قیمت تمام شده هر کیلو گندم آبی		۲۹,۵۷۶

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۷۳۱۷۳ و به‌شماره ثبت ۱۲۰۷۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹ به تصویب رسید سازمان حسابرسی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به سمت بازرس اصلی تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند روزنامه کثیرالانتشار ایران جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

شناسه ۲۰۱۵۳۶۹

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی تمدید مناقصه عمومی

سایپاپرس

شرکت سایپا پرس (سهامی خاص) در نظر دارد تأمین مفتول و براکت مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به تأمین‌کننده واجد شرایط واگذار نماید. لذا از عموم متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت به‌عمل می‌آید تا مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ با مراجعه به سایت www.saipapress.net اسناد مناقصه را رؤیت، دریافت و به دبیرخانه حراست تسلیم نمایند.

تلفن پاسخگویی: ۵۱۰۲۲۸۱۵ - ۵۱۰۲۲۸۴۹

آگهی تمدید مناقصه عمومی

سایپاپرس

شرکت سایپاپرس (سهامی خاص) در نظر دارد تأمین پیچ و مهره جوشی مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به تأمین‌کننده واجد شرایط واگذار نماید. لذا از عموم متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت به‌عمل می‌آید تا مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ با مراجعه به سایت www.saipapress.net اسناد مناقصه را رؤیت، دریافت و به دبیرخانه حراست تسلیم نمایند.

تلفن پاسخگویی: ۵۱۰۲۲۸۱۵ - ۵۱۰۲۲۸۴۹

الوفاق

پذیرش آگهی های الوفاق

۱۸۷۷

www.al.vefagh.com

مناقصه عمومی و یک مرحله‌ای نوبت دوم

مرحله‌ای تأمین خدمات حمل و نقل (خودروهای سبک) ستاد هلدینگ خلیج فارس

شماره: PZD-T-1404-485

شرکت عملیات غیرصنعتی پازارگاد در نظر دارد تأمین خدمات حمل و نقل (خودروهای سبک) ستاد هلدینگ خلیج فارس را به صورت مناقصه عمومی و یک مرحله‌ای، به شرکت‌های واجد صلاحیت واگذار کند.

۱ مشخصات مناقصه‌گزار: ۱ نشانی و تلفن: عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، سایت مثلثی، شرکت عملیات غیرصنعتی پازارگاد، تلفن: ۳۲۵۵۰۰۰۰-۰۷۷ و ۳۲۵۵۳۲۶۱-۴۶-۰۷۷ ۲ پست الکترونیکی: tenders@pazargad.ir ۳ سامانه الکترونیکی: www.pazargad.org قسمت مناقصه‌ها و مزایده‌ها

۲ تاریخ نشر آگهی: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹ و ۱۴۰۴/۰۷/۱۰ ۳ مدت پیمان: یک سال خورشیدی (دوازده ماه)

۴ مبلغ برآورد: ۲۶۵,۰۶۶,۳۵۳,۴۰۴ ریال (سیصد و شصت و پنج میلیارد و شصت و شش میلیون و سیصد و پنجاه و سه هزار و چهارصد و چهار ریال)

۵ تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه معتبر بانکی یا واریز نقدی به حساب شرکت به مبلغ ۱۸,۲۵۳,۰۰۰,۰۰۰ (هجده میلیارد و دویست و پنجاه و چهار میلیون ریال)

۶ مهلت و شرایط دریافت فرم‌های استعلام ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه و تاریخ تشکیل جلسه توجیهی: ۱ آخرین مهلت: ساعت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۵ است. ۲ مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد: معرفی‌نامه معتبر (دربردارنده شماره اقتصادی، شماره ثبت، شناسه ملی، کد پستی، ۱۰ رقمی، شماره تلفن و تمبر) به همراه مهر شرکت. ● فیش بانکی پرداختی به مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال بابت خرید اسناد به حساب شماره ۲۶۴۳۴۵۰۰۵۷ بانک تجارت شعبه عسلویه بنام شرکت عملیات غیرصنعتی پازارگاد. (شماره شبا: IR۳۵ ۰۱۸۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۲۶۴۳ ۴۵۰۰ ۵۷) ۳ مراجعه به آدرس مناقصه‌گزار (دبیرخانه کمیسیون معاملات) ۴ جلسه توجیهی جهت رفع ابهام، رأس ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز یکشنبه ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ در سایت مثلثی، سالن جلسات روابط عمومی شرکت پازارگاد برگزار می‌گردد.

۷ تحویل فرم های استعلام ارزیابی کیفی، مستندات مربوط و پاکت های «الف»، «ب» و «ج»: ۱ آخرین مهلت: ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه ۱۴۰۴/۰۷/۲۷ ۲ مکان: آدرس مناقصه‌گزار، دبیرخانه کمیسیون معاملات

۸ گشایش پاکت های «الف» و «ج»: زمان: رأس ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ مکان: آدرس مناقصه‌گزار، ساختمان مدیریت، سالن جلسات

۹ طبق تبصره ماده ۳ آیین نامه معاملات هلدینگ خلیج فارس و شرکت‌های تابعه، اشخاص حقیقی و حقوقی که به تشخیص کمیسیون معاملات و تأیید مدیرعامل شرکت، در ایفای تعهدات قبلی خود تعلل ورزیده و کالا، خدمت یا حقوق موضوع مناقصه را به نحو مطلوب تهیه، تدارک، انجام و یا تحویل نداده باشند و به تأیید هیئت مدیره پازارگاد رسیده باشد، از حضور در این مناقصه محروم می‌باشند.

۱۰ جهت کسب اطلاعات بیشتر مراجعه به آدرس www.pazargad.org و یا تلفن: ۳۲۵۵۰۰۰۰-۰۷۷ و ۳۲۵۵۳۲۶۱-۴۶-۰۷۷

۱۱ سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه، در اسناد مناقصه آمده است.

روابط عمومی شرکت عملیات غیرصنعتی پازارگاد

آگهی دعوت سهامداران به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت کارخانجات گچ آذربایجان (سهامی عام)

به شماره ثبت ۶۹۲-۴۷۵ و شناسه ملی ۱۰۰۰۲۰۰۰۵۱۷۱۱۶

بدین‌وسیله از کلیه سهامداران شرکت کارخانجات گچ آذربایجان دعوت به‌عمل می‌آید رأس ساعت ۱۱ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ جهت شرکت در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده در دفتر مرکزی شرکت واقع در تبریز- قره‌باغی‌ها- کوچه فیضی- بلوار علامه طباطبایی جنوبی- روبه‌روی شهرداری منطقه یک- پلاک ۱۴- ساختمان گچ آذربایجان حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱- ارائه گزارش مدیر عامل مربوط به سال مالی منتهی به ۱۴۰۳
۲- ارائه گزارش هیأت مدیره و بازرسان در مورد صورت‌های مالی منتهی به سال مالی ۱۴۰۳
۳- بررسی و تصویب صورت‌های مالی منتهی به سال مالی ۱۴۰۳
۴- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت
۵- انتخاب بازرسان شرکت برای سال مالی ۱۴۰۴
۶- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.

هیأت‌مدیره شرکت کارخانجات گچ آذربایجان

دعوت به شرکت در مناقصه

اجاره ۲ دستگاه لیفتراک (نوبت اول)

شرکت پارس بازرگان در نظر دارد نسبت به اجاره ۲ دستگاه لیفتراک ۳ تن (گازسوز) قابل ارتقا، تا ۴ دستگاه جهت بهره‌برداری در سایت تولیدی واقع در شهرک صنعتی اشتهارد از طریق مناقصه محدود به پیمانکار واجد شرایط به مدت یکسال اقدام نماید.

لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود از تاریخ درج آگهی تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ نسبت به دریافت، تکمیل اسناد مناقصه و تحویل پاکات پیشنهاد قیمت، رزومه‌کاری و رسید واریز وجه شرکت در مناقصه (در ۳ پاکت جداگانه) به دبیرخانه محرمانه کمیسیون معاملات این شرکت به نشانی: تهران، خیابان وحید دستجردی (ظفر)، پلاک ۱۴۳، طبقه ششم، واحد حراست اقدام نمایند.

● دریافت اسناد مناقصه از طریق وبگاه زیر به آدرس: http://WWW.parsoilco/fa/tender.html امکان‌پذیر می‌باشد.
● واگذاری مشروط بر حصول شرایط قانونی، بر مبنای اسناد انجام خواهد شد.
● به پیشنهادهای فاقد امضا، مهر، مشروط، مبهم و پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر در اسناد مناقصه واصل شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
● این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقصه می‌باشد و بدیهی است شرکت پارس بازرگان در رد یا قبول یک و یا کلیه پیشنهادها مختار است.

نبض تهران با برق می‌زند بهینه مصرف کنیم

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای نوبت دوم

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ (سهامی خاص)

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ منطقه برق قدس در نظر دارد اجرای عملیات توسعه، احداث، اصلاح و بهینه‌سازی شبکه‌های توزیع نیروی برق (تجدید) خود را به پیمانکار واجد شرایط از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت واگذار نماید.

شرح مختصری از کار:

شماره مناقصه سامانه ستاد	۲۰۰۴۰۹۵۳۰۵۰۰۰۰۸	۲۰۰۴۰۹۵۳۰۵۰۰۰۰۷
شماره مرجع مناقصه	۱۴۰۴۴۱۳۱۰۷۹	۱۴۰۴۴۱۲۱۰۷۶
موضوع مناقصه	اجرای عملیات توسعه، احداث، اصلاح و بهینه‌سازی شبکه‌های توزیع نیروی برق (تجدید)	
محدوده عملیاتی	منطقه برق قدس	
برآورد انجام کار (ریال)	۴۸,۹۳۸,۵۴۸,۴۷۶ ریال	۵۶,۱۷۶,۹۵۹,۲۸۴ ریال
مبلغ ضمانت‌نامه فرآیند ارجاع کار (ریال)	۳,۸۷۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال	۴,۲۳۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال
مهلت فروش اسناد	از روز پنج‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۰ لغایت روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۵	
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه	پنج‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۰	
تاریخ تحویل اسناد به دستگاه مناقصه‌گزار	تا ساعت ۱۰:۰۰ یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۷	
تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه	ساعت ۱۴:۰۰ یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۷	ساعت ۱۳:۰۰ یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۷
محل تحویل و بازگشایی اسناد	تهران- فلکه دوم صادقیه خیابان آیت اله کاشانی نبش سه راه جنت آباد منطقه برق قدس - اداره دبیرخانه و محل بازگشایی سالن جلسات منطقه	

نوع سپرده فرایند ارجاع کار: به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی و یا چک تضمین شده بانکی یا واریز وجه به‌حساب جاری شماره ۰۱۰۱۸۰۱۱۷۱۰۰۴ به‌نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بانک صادرات شعبه ملاصدرا و یا بلوکه از حساب مطالبات تأیید شده نزد شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ارائه نمایند.

- به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مبلغ فروش اسناد:

- جهت شرکت در هر مناقصه، مبلغ ۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال به‌صورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی: www.setadiran.ir اقدام به خرید اسناد نمایند. ضمناً کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران، بازگشایی پاکت‌ها و اعلام و قبول برندگی از طریق همین درگاه انجام خواهد شد و مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

- به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر درفراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرایط متقاضیان جهت شرکت در مناقصه:

- داشتن گواهی نامه صلاحیت پیمانکاری در رشته نیرو از سازمان برنامه و بودجه کشور الزامی می‌باشد.
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

نشانی‌های کسب اطلاعات بیشتر:

- سایت شبکه اطلاع‌رسانی معاملات شرکت توانیر: www.tavanir.org.ir
- سایت پایگاه ملی مناقصات: http://iets.mporg.ir
- سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ: http://www.tbtb.ir
- کانال اطلاع‌رسانی فراخوان معاملات شرکت در پیام رسان بله به نشانی: ble.ir/join/EUhUVVuZvC

امور بازرگانی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ (سهامی خاص)

آگهی تجدید مناقصه عمومی دو مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی خرید سرامیک بالهای مورد نیاز سایت ۲ پتروشیمی سبلان نوبت اول

شرکت صنایع پتروشیمی سبلان

شرکت صنایع پتروشیمی سبلان در نظر دارد خرید سرامیک بال‌های مورد نیاز سایت ۲ را پس از ارزیابی کیفی متقاضیان، به شرکت‌های سازنده داخلی واجد صلاحیت واگذار نماید.

متقاضیان می‌بایستی از سازندگان داخلی و دارای سابقه ساخت سرامیک بال به واحدهای متانول کشور باشند.

متقاضیان می‌توانند فرم ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه را از طریق وب‌سایت WWW.SABALANPICO.COM مشاهده و تکمیل نمایند.

- لذا به همین منظور از کلیه متقاضیان حائز شرایط دعوت به‌عمل می‌آید تا ظرف مدت یک هفته از تاریخ نشر این آگهی، فرم ارزیابی، نامه اعلام آمادگی، سوابق اجرایی و پاکات پیشنهاد فنی و مالی خود را به آدرس تهران- شهرک غرب، بلوار شهید دادمان، نرسیده به پل یادگار امام، کوچه احمد تنگستانی، نبش میلاد دوم، پلاک ۱۶، شرکت صنایع پتروشیمی سبلان ارسال نمایند. ضمناً شماره تماس (۲۹۸۳)۸۸۵۶۴۶۲۰-۰۲۱ برای کسب اطلاعات بیشتر در نظر گرفته شده است.

امور حقوقی و پیمان‌ها

دولت

۱۵ هزار واحد مسکونی ویژه دهک‌های پایین ساخته می‌شود

شتاب تولید و عرضه واحدهای حمایتی در شهرهای جدید

میانگین پیشرفت فیزیکی ماهانه واحدهای حمایتی در شهرهای جدید از ۰.۹درصد به ۲.۲ درصد در یکسال اخیر افزایش یافته است.

شهر جدید و شهرک به عنوان یکی از ظرفیت‌های موجود در قوانین کشور، می‌تواند در ساماندهی نظام سکونتی، اسکان جمعیت و فعالیت در کشور نقش مهمی ایفا کند. براساس برنامه هفتم توسعه کشور، مأموریت شهرهای جدید و شهرک‌ها را می‌توان در عرصه تأمین زمین، ساماندهی نظام اسکان به ویژه در جنوب کشور، برنامه‌ریزی و ساخت مسکن و تمرکززدایی از شهرهای بزرگ خلاصه کرد. تمرکز این برنامه‌ها بر پاسخگویی به نیاز سکونتی زوج‌های جوان و خانوارهای دهک‌های پایین درآمدی، نه تنها به‌عنوان یک رویکرد اجتماعی، بلکه به‌عنوان بخشی از سیاست عدالت فضایی و کاهش فشار جمعیتی بر کلان‌شهرها تعریف شده است.

در دولت چهاردهم و هم‌راستا با نهضت ملی مسکن، اجرای احکام برنامه هفتم در دستور کار قرار گرفته است، در این شهرها ساخت واحدهای حمایتی، وارد مرحله تحول‌محور شده است؛ مرحله‌ای که در آن، افزایش ظرفیت‌های سکونتی، تأمین همزمان خدمات زیربنایی و روبنایی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ساخت و مصالح پایدار و گسترش مشارکت با بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به‌عنوان محورهای عملیاتی پیگیری می‌شود. همچنین، ارتقای کیفیت طراحی شهری با رویکرد انسان‌محور، توسعه حمل‌ونقل عمومی کارآمد و کم‌کربن و ایجاد بسترهای سرزندگی اجتماعی و اقتصادی، از جمله راهبردهای اصلی است که دولت در شهرهای جدید دنبال می‌کند تا ضمن پاسخگویی به نیازهای کوتاه‌مدت، زمینه‌ساز پایداری بلندمدت و تحقق الگوی مطلوب توسعه شهری کشور باشد.

شتاب پیشرفت واحدهای نهضت ملی مسکن

بر اساس این گزارش، با اجرای برنامه‌های تسریع در فرآیند صدور پروانه، تأمین منابع مالی و تمرکز بر پروژه‌های دارای پیشرفت فیزیکی بالا، میانگین پیشرفت فیزیکی ماهانه در ساخت واحدهای حمایتی در شهرهای جدید از ۰.۹درصد به ۲.۲ درصد در دولت چهاردهم افزایش یافته است. این رشد در مراحل مختلف ساخت شامل فونداسیون، اجرای سقف و اسکلت، سفت‌کاری و نازک‌کاری تحقق پیدا کرده است. یکی از مسائل شهرهای جدید، اجرای همزمان نهضت ملی مسکن و مسکن مهر به عنوان برنامه‌ای که از دو دهه قبل باقی مانده، است.

تحویل مسکن مهر باقیمانده

بر اساس این گزارش، در ابتدای دولت چهاردهم تعداد واحدهای باقیمانده مسکن مهر ۳۳ هزار و ۸۰۰ واحد بود که هم‌اکنون این رقم به ۲۵ هزار و ۳۰۹ واحد رسیده است. تکمیل و تحویل واحدها همزمان با تأمین خدمات زیربنایی و روبنایی انجام می‌شود.

ارتقای کیفیت ساخت و ساز و سکونت در شهرهای جدید

علاووه بر برنامه تکمیل واحدهای باقیمانده مسکن مهر، ۱۵ هزار واحد مسکونی ویژه دهک‌های پایین جامعه در شهرهای جدید در حال ساخت است. در این برنامه تدوین الگوهای متنوع سکونتگاه از جمله پروژه‌های کم تراکم، محله محور، مجتمع‌های چند عملکردی و واحدهای ۶۰ تا ۹۰ متری متناسب با نیاز جوانان طراحی شده است. همچنین تسهیل مشارکت بخش خصوصی برای پیشبرد اهداف تأمین مسکن اقشار مختلف، بخش دیگری از برنامه دولت در توسعه شهرهای جدید است. از این رو، ترسیم راهکارهای مشارکت بخش خصوصی در شهرک‌سازی و بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساخت شهرک و شهر جدید در دستور کار قرار گرفته است.

مدیریت زنجیره، تأمین مصالح، خرید عمده و قرارداد با تأمین‌کنندگان برای کاهش قیمت مسکن، استقرار سیستم‌های خورشیدی جهت تأمین انرژی برق در اراضی شهرهای جدید نیز بخش دیگری از برنامه اجرایی دولت در شهرهای جدید است.

دولت چهاردهم با تأکید بر بازبینی فرآیند تهیه و تصویب طرح‌ها، افزایش بهره‌مندی از سامانه‌های اطلاعات مکانی و هدایت توسعه شهری بر مبنای ظرفیت‌های محیطی و اقلیمی، گام‌هایی مؤثر در راستای ارتقای کیفیت زندگی در شهرهای جدید برداشته است. همچنین، تحقق اهداف برنامه هفتم در زمینه تعادل‌بخشی فضایی، کنترل حاشیه‌نشینی، ساماندهی کاربری اراضی و تقویت هماهنگی بین دستگاهی در سطوح مختلف سیاست‌گذاری شهری، مستلزم تحول در ساختار و کارکرد طرح‌های شهری است که در دولت پیگیری می‌شود.

حمل و نقل

از معضلات شهرهای جدید و بخصوص شهرهای اقماری در نزدیکی کلان‌شهرها، حمل و نقل است. بسیاری از ساکنان این شهرها، اشتغال شان در کلان‌شهرها و شهرهای مادر است و روزانه مجبور به تردد بین محل سکونت و محل کار هستند. اتصال شهرهای جدید به شبکه ریلی از برنامه‌هایی است که دولت بر اجرا و سرعت بخشی به آن تأکید دارد. در حال حاضر مهم‌ترین پروژه‌هایی که در این شهرها اجرا می‌شود، اتصال شهر جدید گلبهار در خراسان رضوی و شهر جدید بهارستان در اصفهان به شهرهای مادر است. پروژه مترو گلبهار – مشهد و بهارستان اصفهان متناسب با اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای به پیش می‌رود و حدود ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد.

با وجود اعمال فشارها و محدودیت‌های زیاد رقم خورد

ارتقای رتبه جهانی کشتیرانی ایران

در سال گذشته ۲۷ میلیون تن کالا توسط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران جابه‌جا شده است

گزارش

سهیلا یادگاری
گروه اقتصادی

با وجود تحریم‌های شدید، کشتیرانی جمهوری اسلامی به رتبه ۱۶ جهانی در حمل کانتینر صعود کرده و آمار جابه‌جایی ۲۷ میلیون تن کالا را به جای گذاشته است؛ اما با تحولات جدید و البته لغو معافیت تحریمی چابهار، چالش‌های جدیدی پیش‌روی صنعت دریایی کشور قرار گرفته است.

صنعت کشتیرانی ایران، به‌رغم قرار گرفتن در کانون تحریم‌های بین‌المللی، نه تنها در تجارت و ترانزیت کالا توقف نداشته، بلکه با رشد کم‌سابقه‌ای در عرصه جهانی مواجه شده است. براساس آخرین آمار، کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۵ به رتبه ۱۶ جهانی در حمل کانتینری صعود کرده که سه پله نسبت به سال قبل بهبود نشان می‌دهد. همچنین براساس گزارش‌های رسمی منتشرشده، ناوگان کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران بیش از ۱۰۰هزار TEU بیشتر از سال گذشته حمل کرده است. عملکرد حمل‌ونقل دریایی نسبت به پنج‌سال پیش افزایش یافته و در سال گذشته، ۲۷میلیون تن کالا توسط کشتیرانی جمهوری اسلامی جابه‌جا شده است. این موفقیت در شرایطی به دست آمده که هزینه‌های عملیاتی به دلیل تحریم‌ها بشدت افزایش یافته و دسترسی به بنادر بین‌المللی محدود شده است.

توسعه حمل‌ونقل دریایی و بنادر کشور از مهم‌ترین سیاست‌های دولت در راستای تقویت تجارت خارجی، توسعه صادرات غیرنفتی، افزایش سهم ترانزیت و ارتقای جایگاه ایران در شبکه حمل‌ونقل بین‌المللی است. این سیاست در اسناد بالادستی از جمله برنامه هفتم پیشرفت و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر ارتقای ظرفیت تخلیه و بارگیری بنادر، توسعه زیرساخت‌های لجستیکی، به‌روزرسانی ناوگان دریایی و استفاده از فناوری‌های نوین تأکید کرده است.

ظرفیت اسمی تخلیه و بارگیری بنادر ۳۰۰ میلیون تن است. بهره‌برداری از این ظرفیت مستلزم توسعه همه جانبه هم ناوگان و هم زیرساخت‌های دریایی و بندری است. اما از سوی دیگر یکی از بخش‌هایی که در دهه‌های اخیر در تیررس تحریم‌ها قرار گرفته، بخش دریایی، بندری و کشتیرانی است. بنادر و کشتیرانی دروازه تجارت کشور است، به همین دلیل همواره تحریم‌کنندگان، کشتیرانی را محور اعمال سیاست‌های تحریمی علیه کشور قرار داده‌اند. افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل که اثر مستقیم بر قیمت نهایی کالاها دارد، مهم‌ترین پیامد این تحریم است. براساس آمار رسمی، نتیجه سیاست‌های تحریمی، افزایش هزینه‌های عملیاتی برای کشتیرانی و کاهش دسترسی به بنادر و کندی توسعه متوازن دریانوردی، بنادر و زیرساخت‌های حمل‌ونقل دریایی بوده است. اما موضوع این است که تحریم‌ها نتوانسته مانع تجارت شود و واردات، صادرات و ترانزیت کالا از بنادر و توسط ناوگان کشتیرانی در همه سال‌های تحریم بدون وقفه ادامه داشته است.

محمدرضا مدرس خیابانی، مدیرعامل کشتیرانی جمهوری اسلامی اعلام کرده با وجود تنگ‌ترشدن حلقه تحریم‌ها طی سال‌های اخیر توانستیم سالانه حدود ۲۷ میلیون تن کالا را جابه‌جا و با تأمین بی‌وقفه نیاز کشور، با اتکا به ناوگان ۱۴۳ فروندی و ۴ هزار دریانورد ایرانی، سهم قابل توجهی در تجارت جهانی ایفا کنیم.

مدرس خیابانی با اشاره به انجام ۸۵ درصد از تجارت جهانی از مسیرهای دریایی گفت: «بسیاری از کشورهای دنیا که از مزیت نزدیکی به آب‌های آزاد و بنادر برخوردار هستند، برنامه‌های راهبردی برای توسعه صنعت کشتیرانی و حمل‌ونقل دریایی تدوین و عملیاتی می‌کنند که بر این اساس گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران نیز با تدوین سند راهبردی خود ظرف پنج سال پیش‌رو، تلاش کرده تا در این عرصه نقش‌آفرین بوده و توجه همه‌جانبه‌ای به توسعه فعالیت‌های خود داشته باشد.»

> مدیرعامل کشتیرانی جمهوری اسلامی، با اشاره به لغو معافیت های تحریم بندر چابهار گفت: کشتیرانی ایران برای مقابله با این چالش‌ها، سند راهبردی ۵ ساله‌ای تدوین کرده که به صورت سالانه بازبینی می‌شود

بازگشت تحریم چابهار

در میان این موفقیت‌ها، خبر لغو معافیت تحریمی بندر چابهار توسط آمریکا از ۲۹ سپتامبر، چشم‌انداز نه چندان مساعدی را برای آینده این بندر استراتژیک ترسیم می‌کند. این در حالی است که چابهار اخیراً از رتبه چهارم به دومین بندر کانتینری ایران صعود کرده و نزدیک به ۱۰۰ هزار TEU کالا در سال جاری در این بندر جابه‌جا شده است. پیش‌بینی شده است این رقم سال آینده به بیش از ۱۵۰هزار TEU برسد.

براساس این آمار، مجموع بارگیری ۲۳۴/۸میلیون تن کالا(۸۲/۳میلیون تن ورودی و ۱۵۲/۵میلیون تن خروجی)، با ۱۰۳میلیون تن نفتی و ۱۳۱/۸میلیون تن غیرنفتی در سال گذشته در بنادر ثبت شده و عملیات کانتینری نیز ۱۳درصد رشد داشته و به ۳/۰۸میلیون TEU رسیده است. این دستاوردها، به‌رغم تحریم‌ها، ایران را به‌عنوان هاب تجاری اوراسیا تقویت کرده و نشان‌دهنده خودکفایی در تعمیرات، سوخت‌رسانی ولجستیک است.

بر اساس این گزارش عملیات ساخت اسکله نفتی ۵۰ هزار تنی بندر چابهار و احداث کریدور لجستیکی منتهی به بندر شهید بهشتی آغاز شده است.

مدیرعامل کشتیرانی جمهوری اسلامی، با اشاره به لغو معافیت های تحریم بندر چابهار گفت: «کشتیرانی ایران برای مقابله با این چالش‌ها، سند راهبردی ۵ ساله‌ای تدوین کرده که به صورت سالانه بازبینی می‌شود. با این سند راهبردی، کشتیرانی در مسیر توسعه گام برداشته و علاوه بر نوسازی ناوگان و ورود شناورهای تازه‌نفس، با اتکا به ظرفیت‌های گسترده سرمایه‌های انسانی دریانورد، خود زمینه را برای کسب سهم بیشتر از تجارت جهانی دنیا فراهم آورد. همچنین توسعه زیرساخت‌های بندری در بنادر راهبردی کشور از جمله چابهار نیز از جمله اقداماتی است که نشان از نگاه توسعه‌ای و راهبردی به توسعه فعالیت‌های بندری در این منطقه استراتژیک دارد.»

پیش‌بینی افزایش تخلیه و بارگیری تا پایان سال

به گفته مدیرعامل کشتیرانی جمهوری اسلامی تمامی این دستاوردها که منتهی به حمل ۲۷ میلیون تن بار و تأمین بی‌وقفه کالاهای مورد نیاز کارخانجات تولیدی و سفره خانوار شده است، به اتکای دانش، تخصص و مهارت دریانوردان ایرانی است، به نحوی که هم‌اکنون ناوگان کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران با حدود ۴ هزار دریانورد، توانسته این مأموریت را به سرانجام برساند.

وی ادامه داد: «بر این اساس در سنوات گذشته همواره تلاش شده تا با ارائه آموزش‌های به روز و مطابق با کنوانسیون‌های بین‌المللی، در مسیر افزایش سطح دانش و مهارت‌های تخصصی این بخش از نیروی انسانی گام برداشته شود. این درحالی است که به کمک برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته تعداد دریانوردان خارجی در ناوگان کشتیرانی جمهوری اسلامی به صفر رسیده است.»

میزان بارش در ۱۶ استان کاهش ۱۰۰ درصدی داشته است

افت ۷۱ درصدی ورودی آب به سدها در آغاز پاییز

گزارش

حدیث حدادی
گروه اقتصادی

بر اساس آمار رسمی، ورودی آب به سدهای کشور در سال جاری با کاهش چشمگیر ۷۱ درصدی مواجه شده است. این وضعیت بحرانی باعث شده تا حجم کل آب موجود در مخازن سدهای کشور به ۱۸.۵۷ میلیارد مترمکعب کاهش یابد و سدها تنها در ۳۶ درصد از ظرفیت خود پر شوند. آمارها از کاهش ۲۴ درصدی حجم آب موجود در سدهای کشور نسبت به سال گذشته حکایت دارد. این کاهش همزمان با افت ۷۱ درصدی ورودی آب به سدها رخ داده و میانگین پرشدگی مخازن سدهای کشور را به رقم هشداردهنده ۳۶ درصد رسانده است.

به گزارش خبرنگار روزنامه ایران؛ بر اساس آمار اعلامی دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور، میزان ورودی آب سدها در سال جاری ۰/۱۰ میلیارد متر مکعب بوده که در مقایسه با سال گذشته ۷۱ درصد کاهش داشته است. از همین رو حجم آب موجود در مخازن سدها نیز تا ۵ مهرماه سال جاری ۱۸/۵۷ میلیارد متر مکعب است که این امر به آن معناست که سدها تنها ۳۶ درصد پر شدگی دارند و حجم آب موجود در مخازن امسال، نسبت به سال گذشته ۲۴ درصد کاهش داشته است.

با توجه به این آمار سد شمیل و نیان هرمزگان بیشترین اختلاف را با سال قبل داشته به طوری که موجودی مخزن آن صفر بوده و در مقایسه با سال گذشته ۱۰۰ درصد کاهش داشته است. همچنین سد سفید رود گیلان با اختلاف ۸۳- درصدی نسبت به سال گذشته در این رتبه‌بندی در جایگاه دوم قرار گرفته است. میزان پرشدگی آن ۳ درصد بوده که موجودی مخزن آن را به ۳۰ میلیون متر مکعب رسانده است. علاوه برآن سد امیر کبیر تهران و البرز و سد استقلال هرمزگان نیز هر دو با درصد اختلاف ۷۵- در جایگاه بعدی قرار می‌گیرند. پس از اینها سد دوستی با اختلاف ۷۴- درصدی دراین رتبه‌بندی جای گرفته که موجودی مخزن آن ۴۷ میلیون متر مکعب است.

با توجه به اینکه شایعاتی در خصوص از مدار خارج شدن سد ماملو در فضای مجازی منتشر شده باید گفت براساس این آمار اعلامی میزان پرشدگی این سد در حال حاضر ۱۲ درصد با موجودی مخزن ۳۸ میلیون مترمکعب است که درصد اختلاف آن با سال قبل منفی ۴۸ درصد است. بنابراین این سد «هنوز از مدار خارج نشده است.»

نگاهی به وضعیت بارش‌ها از ابتدای سال آبی

میزان بارش‌ها بر اساس آمار اعلامی از سوی دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور در ۱۶ استان ۱۰۰ درصد کاهش در مقایسه با متوسط بارش در دراز مدت ۵۷ ساله داشته است. همچنین از اول مهر تا ۴ مهرماه سال آبی جاری میزان بارش‌ها ۲۲ استان صفر بوده است که همین امر خبر از پاییز کم بارش می‌دهد.

بیشترین بارش از ابتدای سال آبی تا ۴ مهر مربوط به استان گلستان بوده که ۲۳ میلیمتر میانگین آن ثبت شده است. در این دسته‌بندی استان مازندران بعد از گلستان جای گرفته به طوری که میزان بارش آن در سال آبی جاری ۱۷ میلیمتر ثبت شده است. پس از آن استان گیلان با ۷/۸ میلیمتر بارش در رتبه سوم این طبقه‌بندی جای گرفته است.

یادداشت

تبدیل ثروت معدنی به مزیت صنعتی؛ با نگاهی به تجارب استرالیا، آفریقای جنوبی و شیلی

رضا موسایی
پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس

چالش دیرینه کشورهای غنی از منابع، فراتر رفتن از خام‌فروشی و تبدیل موهبت‌های طبیعی به موتور محرک توسعه صنعتی پایدار است. این گزارش با کالبدشکافی سه آزمایشگاه برجسته سیاست‌گذاری صنعتی در حوزه معدن (استرالیا، آفریقای جنوبی و شیلی) نشان می‌دهد اگرچه مسیرهای توسعه متنوع‌اند، اما موفقیت همواره بر پایه اصولی چون یکپارچگی راهبردی و توازن میان اهرم‌های سیاستی استوار است.

شیلی: دولت به‌مثابه کاتالیزور؛ هم‌افزایی صنعت و نوآوری

شیلی مسیری متفاوت را پیموده و از یک الگوی کاملاً بازار آزاد به سمت مدلی مبتنی بر همکاری عمومی-خصوصی حرکت کرده است که در آن دولت نقش یک تسهیلگر را ایفا می‌کند.

نوآوری مبتنی بر نیاز: برنامه شاخص این کشور، «تأمین‌کنندگان کلاس جهانی» (WCSP)، یک پل ارتباطی میان نیازهای فناورانه غول‌های معدنی و توانمندی شرکت‌های نوآور داخلی است. در این مدل «نوآوری باز»، تقاضا، محرک اصلی برای خلق راه‌حل‌های بومی است.

تکامل سیاست‌گذاری: این مدل در ابتدا از یک ضعف ساختاری رنج می‌برد: ریسک مالی نوآوری تقریباً به طور کامل بر دوش تأمین‌کنندگان کوچک قرار داشت و حمایت دولتی محدود بود، اما سیاست‌های تکمیلی مانند «Alta Ley» با تقویت بودجه‌های پژوهشی و ایجاد شوراهای مهارتی، در حال پر کردن این خلأ هستند.

عصاره تجربه: مدل شیلی نشان می‌دهد چگونه می‌توان با تحریک تقاضا، نوآوری را از پایین به بالا هدایت کرد، اما درس بزرگ‌تر این است که حتی بهترین ایده‌های مشارکتی نیز بدون وجود یک شبکه حمایتی قدرتمند (مالی، مهارتی و پژوهشی) در سمت عرضه، به پتانسیل کامل خود دست نمی‌یابند.

استرالیا: معماری یک اکوسیستم نوآوری

استرالیا نمونه‌ای موفق از کشوری است که با سرمایه‌گذاری صبورانه بر دانش، از اقتصاد منبع‌محور به صادرکننده فناوری و خدمات مهندسی (METS) بدل شده است. راهبرد این کشور بر توانمندسازی سمت عرضه و خلق یک زیست‌بوم نوآوری جهانی استوار است.

زیرساخت‌های دانش و مهارت: تزریق سرمایه‌گذاری‌های عظیم و مستمر به شریان‌های تحقیق و توسعه، معافیت‌های مالیاتی هدفمند برای تشویق نوآوری و پرورش سرمایه انسانی متخصص، از طریق نظام آموزشی هماهنگ با صنعت.

خلق تقاضای هوشمند: دولت صرفاً به تقاضای طبیعی بازار اکتفا نکرد. از طریق قوانینی مانند «قانون مشاغل استرالیا»، با ملزم کردن پروژه‌های کلان به استفاده از ظرفیت‌های داخلی و شکستن انحصار قراردادهای بزرگ، بازاری تضمین شده برای شرکت‌های کوچک و متوسط بومی ایجاد کرد.

عصاره تجربه: موفقیت استرالیا حاصل یک استراتژی دووجهی و هماهنگ است: از یک سو، ساخت عمیق قابلیت‌های فناورانه و از سوی دیگر، مهندسی هوشمندانه تقاضا برای این قابلیت‌ها.

آفریقای جنوبی: توسعه صنعتی و عدالت اجتماعی

دولت پس از آپارتاید در آفریقای جنوبی، سیاست صنعتی را ابزاری برای تحقق دو هدف موازی قرار داد: رشد اقتصادی و کاهش نابرابری‌های تاریخی. این رویکرد، به اتخاذ سیاست‌های مداخله‌گرانه و تقاضامحور منجر شد.

اهرم‌های قدرتمند تقاضا: قوانین کلیدی مانند «منشور معدن» و «راهبرد توانمندسازی اقتصادی سیاه‌پوستان»، شرکت‌های بزرگ را وادار به رعایت سهمیه‌های مشخصی در مالکیت، استخدام و بویژه خرید کالا و خدمات داخلی (محتوای محلی) می‌کند. این سیاست‌ها، یک بازار داخلی قدرتمند و قابل پیش‌بینی را به وجود آورده است.

چالش عدم توازن: در حالی که سمت تقاضا با ابزارهای دستوری تقویت می‌شد، سمت عرضه از هماهنگی مشابهی برخوردار نبود. شکاف میان تقاضای ایجاد شده و ظرفیت واقعی عرضه داخلی (به‌خصوص در حوزه مهارت‌های پیشرفته) یکی از چالش‌های اصلی این مدل بوده است.

عصاره تجربه: آفریقای جنوبی ثابت می‌کند که می‌توان سیاست صنعتی را در خدمت اهداف اجتماعی به کار گرفت، اما این تجربه همچنین هشدار می‌دهد که رشد نامتوازن و تکیه بر سیاست‌های تحمیلی بدون توانمندسازی متناظر در سمت عرضه، می‌تواند به ناکارآمدی منجر شود.

لزوم معماری هوشمندانه سیاست

تجربه این سه کشور نشان می‌دهد کلید موفقیت، نه در میزان دخالت دولت، بلکه در کیفیت، هوشمندی و یکپارچگی سیاست‌های آن نهفته است. هیچ نقشه گنج واحدی وجود ندارد؛ بلکه مجموعه‌ای از اصول راهنما در دسترس است. موفقیت در گرو انتخاب هوشمندانه حلقه‌هایی از زنجیره ارزش و سپس ایجاد یک هم‌افزایی دقیق میان سیاست‌های محرک عرضه (توانمندسازی) و سیاست‌های محرک تقاضا (بازارسازی) است.

رکود سهام ناشی از چیست؟

چرخه معیوب

گزارش

همایون دارابی
کارشناس بازار سرمایه

اقتصاد ایران در ماه‌های اخیر با چالش روبه‌رو شده که فراتر از نوسانات معمول بازار ارز است: شکاف میان نرخ رسمی دلار نیمایی و نرخ بازار آزاد. این واگرایی، که نمودارهای اقتصادی آن را به‌روشنی نشان می‌دهند، در عمل منجر به تنبیه صادرکنندگان و تشویق واردکنندگان شده است. نتیجه مستقیم این رویکرد، رکود در بورس، تضعیف سرمایه‌گذاری مولد و منفی‌شدن تراز تجاری کشور بوده است – وضعیتی که زنگ خطر را به صدا درآورده است.

از منظر شرکت‌ها هم عدم تغییر نرخ ارز در ۹ ماه گذشته در حالی که تورم حداقل ۳۰ درصد هزینه بنگاه‌ها را بالا برده است سبب شده شرکت‌های ایرانی بعضاً به سمت توقف و رکود حرکت کنند.

رانت چگونه امنیت اقتصادی را تهدید می‌کند؟

شرکت‌های ایرانی، به‌ویژه بنگاه‌های صادرات‌محور که نقش کلیدی در ارزآوری دارند، زیر فشار چهارگانه‌ای قرار گرفته‌اند: ناترازی انرژی و از دست دادن تولید که در برخی از شرکت‌ها نظیر پتروشیمی‌ها سال گذشته به ۲۰۰ روز توقف تولید منجر شده است، تحریم‌ها، قیمت‌گذاری دستوری و نرخ ارز. اما عامل آخر فشار نهایی را به سودآوری و انگیزه این شرکت‌ها وارد کرده است. آنها مجبورند ارز حاصل از صادرات را با نرخی بفروشند که حداقل ۴۰ درصد کمتر از ارزش واقعی بازار است.

در مقابل، واردکنندگان با دسترسی به ارز ارزان، سودهای کلان به دست می‌آورند و با دامپینگ کالاهای خارجی، بازار داخلی را از دست تولیدکنندگان خارج می‌کنند. این چرخه، وابستگی به واردات را افزایش داده و توان رقابتی تولید داخلی را تضعیف می‌کند. نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که هر بخش که ارز ارزان‌تر و بیشتری دریافت کرده اینک به یک پاشنه آشیل مهم اقتصاد کشور تبدیل شده است.

بخش کشاورزی که ارز ۲۸۵۰۰ تومانی دریافت کرده اینک در حالی که قیمت‌ها (به عنوان مثال گوشت) از بازار جهانی نیز بالاتر رفته است وابستگی شدیدی به واردات نشان می‌دهد. این چالش نمونه‌ای از تأثیرات عمیق و مشکل‌ساز سیاست ارز ارزان است.

آمار رسمی، ابعاد این رانت پنهان را به‌وضوح آشکار می‌کند. در سال ۱۴۰۳، از مجموع ۶۶.۸ میلیارد دلار ارز تأمین‌شده برای واردات، مابه‌التفاوت نرخ رسمی و آزاد، یارانه‌ای به ارزش ۱,۵۰۹ هزار میلیارد تومان را به واردکنندگان هدیه کرده است. این روند در شش‌ماهه اول سال‌جاری نیز با تزریق ۸۲۶ هزار میلیارد تومان ادامه یافت. اگر شرکت‌ها می‌توانستند ارز خود را به قیمت واقعی بفروشند، ارزش سهام‌شان در بورس واقعی‌تر می‌شد، منابع ریالی هنگفتی برای طرح‌های توسعه‌ای فراهم می‌آمد و حتی تورم ناشی از تقاضای کاذب تا حدی کنترل می‌شد. این منابع می‌توانستند جایگزین سرمایه‌گذاری کاهش‌یافته دولت شوند و ناترازی‌های زیرساختی، بویژه در بخش انرژی، را برطرف کنند.

> نگاهی به گذشته نشان می‌دهد هر بخش که ارز ارزان‌تر و بیشتری دریافت کرده اینک به یک پاشنه آشیل مهم اقتصاد کشور تبدیل شده است. بخش کشاورزی که ارز ۲۸۵۰۰ دریافت کرده اینک در حالی که قیمت‌ها (به عنوان مثال گوشت) از بازار جهانی نیز بالاتر رفته است وابستگی شدیدی به واردات نشان می‌دهد. این چالش نمونه‌ای از تأثیرات عمیق و مشکل‌ساز سیاست ارز ارزان است

پاس گل

این مسأله، سرمایه‌گذاران را از بازار سرمایه دور کرده است. وقتی سود شرکت‌ها با مقررات دستوری از بین می‌رود، طبیعی است که افراد به جای خرید سهام، مستقیماً به سمت ارز و طلا هجوم ببرند. این رفتار نه‌تنها سرمایه‌گذاری مولد را تضعیف می‌کند، بلکه با افزایش تقاضا در بازارهای غیررسمی، به کاهش ارزش پول ملی دامن می‌زند. واگرایی تکراری میان رشد نرخ ارز آزاد و عملکرد ضعیف شاخص بورس در سال‌های اخیر، گواه روشنی بر این ادعاست.

فرصت محدود تغییر ریل سرمایه‌گذاری

در این شرایط بحرانی، انتظار می‌رود تیم اقتصادی دولت، به‌ویژه وزیر اقتصاد، دکتر مدنی‌زاده، که مسأله را عمیقاً درک کرده و خود بارها نسبت به آن هشدار داده است، اقدامات فوری برای نجات بنگاه‌ها انجام دهد. راه‌اندازی «بازار ارز تجاری» توسط بانک مرکزی نیز، هرچند گامی مثبت است، اما دامنه محدود آن نمی‌تواند زخم عمیق ارز چندنرخی را التیام بخشد. امید است اما وعده وزیر اقتصاد درباره ارائه «طرح شرایط اضطرار» هرچه سریع‌تر جامه‌عمل بپوشد.

ادامه این وضعیت، به‌ویژه با تهدید بازگشت تحریم‌ها، برای اقتصاد ملی پرهزینه است. تداوم آن به معنای منفی‌تر شدن تراز تجاری، تحلیل رفتن ذخایر ارزی و کاهش توان تولیدی کشور خواهد بود. امروز برخلاف هر منطق اقتصادی، صادرکننده مجازات می‌شود و واردکننده پاداش می‌گیرد، بازارهای صادراتی از دست می‌رود و صادرات به عنوان یگانه راه برای خروج اقتصاد کشور از رکود تورمی کنونی هر روز بیشتر دچار چالش می‌شود.

زمان جراحی بزرگ فرا رسیده: پایان نظام ارز چندنرخی و حرکت به سوی یکسان‌سازی نرخ ارز، تا انگیزه تولید احیا شود و سرمایه‌گذاری به سمت توسعه پایدار هدایت شود. در غیر این صورت، این شکاف به چالش برای اقتصاد ایران تبدیل خواهد شد.

خبر

رشد ۸۸ درصدی ارزش دارایی سرمایه‌گذاران خارجی در یک سال گذشته

به گزارش سنا، داده‌های آماری مدیریت نظارت بر بورس‌های سازمان بورس و اوراق بهادار نشان می‌دهد ارزش دارایی سرمایه‌گذاران خارجی در پایان شهریور امسال از مرز ۱۷همت عبور کرده است.

طبق داده‌های آماری مدیریت نظارت بر بورس‌های سازمان بورس و اوراق بهادار، ارزش دارایی سرمایه‌گذاران خارجی بازار سهام در پایان شهریور امسال به ۱۷هزار و ۶۱ میلیارد تومان رسید.

رشد ارزش دارایی سرمایه‌گذاران خارجی در شهریور ناشی از روند صعودی بازار و مازاد خرید نسبت به فروش بوده است. داده‌های آماری این گزارش نشان می‌دهد: ارزش دارایی سرمایه‌گذاران خارجی در شهریور پارسال حدود ۹همت بود. آمارها گویای این واقعیت است که ارزش دارایی سرمایه‌گذاران خارجی با رشد ۸۸ درصدی در شهریور امسال نسبت به شهریور پارسال همراه بوده است. همچنین، ارزش دارایی سرمایه‌گذاران خارجی بازار سهام در شهریور امسال در مقایسه با مرداد نیز با رشد ۲ درصدی همراه بوده است.

این گزارش حاکی است: در بهمن سال گذشته، شرکت «صنایع عمران اسپندار» با تغییر نام از «شرکت سرمایه‌گذاری سیمان اسپندار» و تغییر اعضای هیأت مدیره، در زمره اشخاص خارجی قرار گرفت؛ با توجه به اینکه شخص مزبور سهامدار عمده نماد ساربیل است و دارایی آن در این نماد در شهریور۱۴۰۴ بیش از ۷.۲ همت است، تغییر شخصیت آن به شخصیت خارجی، افزایش دارایی سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به شهریور سال گذشته را به دنبال داشته است.

کارشناس اقتصادی مطرح کرد:

اعتبارسنجی شرکت‌ها ازطریق صورتحساب الکترونیک، نقطه‌عطف شفافیت و عدالت اقتصادی

یک کارشناس اقتصادی با بیان اینکه صورتحساب الکترونیک صرفاً یک ابزار مالیاتی نیست بلکه یک زیرساخت کلیدی برای حکمرانی اقتصادی است، گفت: نظام اعتبارسنجی شرکت‌ها با استفاده از داده‌های واقعی اقتصادی به واسطه صورتحساب الکترونیک، سقف مشخصی برای صدور فاکتور هرواحد اقتصادی تعیین کرده است.

محمدحسین سحری کارشناس اقتصادی در رابطه با اهمیت استقرار صورت حساب الکترونیک گفت: یکی از مهمترین تحولات ساختاری در نظام مالیاتی ایران در سال جاری، استقرار نظام مالیاتی هوشمند با محوریت صورتحساب الکترونیک در پایه مالیات بر ارزش افزوده بوده است. این اقدام، نه‌تنها یک اصلاح تکنیکی در فرآیند وصول مالیات نیست، بلکه گامی اساسی در مسیر تحقق عدالت مالیاتی، کاهش فرارهای مالیاتی و ایجاد محیطی شفاف و پیش‌بینی‌پذیر برای فعالان اقتصادی به شمار می‌آید.

وی افزود: نظام مالیاتی هوشمند، با ثبت و رهگیری برخط معاملات اقتصادی، جایگزین سازوکارهای قدیمی و ممیزمحور شده و مزایای کلیدی فراوانی برای مودیان و دولت به‌همراه آورده است.

سحری با بیان اینکه یکی از مشکلات اصلی مودیان بخش مالیات بر ارزش افزوده، عدم تأیید فاکتور خرید به دلیل قرارگیری یک شرکت در لیست سیاه شرکت‌های صوری یا فاکتور جعلی بوده است، افزود: همواره مسئله فاکتورهای جعلی و شرکت‌های صوری، از جمله معضلات اصلی نظام مالیاتی کشور بود. شرکت‌هایی که صرفا روی کاغذ وجود داشتند، اما با صدور فاکتورهای غیرواقعی، ابزار دست برخی مودیان برای کاهش غیرقانونی مالیات یا بازپس‌گیری مالیات بر ارزش افزوده می‌شدند. نتیجه این روند، از یک سو کاهش قابل‌توجه درآمدهای مالیاتی دولت بود و از سوی دیگر فشار مضاعف بر مودیان شفاف و قانون‌مدار که بار اصلی مالیات را بر دوش می‌کشیدند.

این کارشناس اقتصادی گفت: این مشکل منجر به اخذ مضاعف مالیات از مودی شفاف می‌شد ولی با استقرار صورتحساب الکترونیک، این مشکل به‌طور کامل حل شده است.

اعتبارسنجی شرکت‌ها از طریق صورتحساب الکترونیک به نقطه عطفی در اصلاح این چرخه تبدیل شد.وی با اشاره به پایان یافتن فاکتورهای جعلی شرکت‌های صوری در بخش مالیات بر ارزش افزوده با استقرار نظام مالیاتی هوشمند، گفت: هر شرکت در سامانه هوشمند مالیاتی دارای یک پروفایل اعتباری مشخص است. میزان فاکتورهایی که می‌تواند صادر کند، مستقیما با حجم فروش واقعی، گردش حساب بانکی، سابقه فعالیت و سوابق مالیاتی گذشته آن شرکت مرتبط است. سحری افزود: این بدان معناست که دیگر هیچ شرکت صوری یا کاغذی قادر نخواهد بود فاکتورهایی با ارقام نامحدود صادر کند. به بیان دیگر، نظام اعتبارسنجی شرکت‌ها با استفاده از داده‌های واقعی اقتصادی به واسطه صورتحساب الکترونیک، سقف مشخصی برای صدور فاکتور هر واحد اقتصادی تعیین کرده است. این اقدام، به‌طور بنیادین مسئله فاکتورهای صوری و لیست سیاه مالیاتی را حل کرده و برای همیشه به یکی از مسیرهای مهم فرار مالیاتی پایان داده است. از این پس، تنها شرکت‌هایی امکان صدور فاکتور دارند که در بستر واقعی اقتصاد فعالیت کنند و حجم فعالیت آن‌ها با توان و گردش مالی‌شان همخوانی داشته باشد. وی در ادامه افزود: از سوی دیگر، صورت‌حساب الکترونیک به کاهش شدید مراجعات حضوری و بوروکراسی‌های پیچیده منجر شده است. در مدل پیشین، مودیان ناچار بودند بارها برای دفاع از پرونده‌های مالیاتی خود به ادارات مراجعه کنند و حتی در بسیاری موارد، اختلافات طولانی و پرهزینه‌ای میان آنان و ممیزان شکل می‌گرفت. این مراجعات علاوه بر تحمیل هزینه‌های مالی و زمانی، بستر مناسبی برای بروز روابط غیرشفاف نیز فراهم می‌کرد اما در مدل جدید، داده‌ها به‌صورت سیستمی و غیرقابل دستکاری ثبت می‌شوند و فرآیند رسیدگی به‌طور هوشمند انجام می‌گیرد. به این ترتیب، نقش ممیز به حداقل کاهش یافته و تعامل مستقیم میان مأمور مالیاتی و مودی به کمترین میزان رسیده است. این تغییر، هم رضایت مودیان را افزایش داده و هم به کاهش هزینه‌های مالیات‌ستانی منجر شده است. سحری در پایان گفت: صورت حساب الکترونیک مالیات بر ارزش افزوده، کمک بزرگی به تکمیل داده‌های زنجیره فروش کالا نیز منتج خواهد شد و شفافیت در این بخش را رقم خواهد زد. داده‌های حاصل از سامانه صورت‌ساب الکترونیک، نه تنها برای مالیات‌ستانی بلکه برای مدیریت کلان اقتصاد نیز کاربرد دارد. این داده‌ها می‌تواند به شناسایی الگوهای مصرف و تولید، رصد دقیق زنجیره‌های ارزش، مبارزه با قاچاق و حتی کنترل بازارها کمک کند. به بیان دیگر، صورتحساب الکترونیک صرفاً یک ابزار مالیاتی نیست بلکه یک زیرساخت کلیدی برای حکمرانی اقتصادی است.

مدیرکل امور مالیاتی استان گلستان:

بیمارستان گالیکش رکورددار مشارکت مودیان در طرح نشان‌دار کردن مالیات

مدیرکل امور مالیاتی استان گلستان گفت: بیمارستان گالیکش در طرح نشان‌دار کردن مالیات استان، بیشترین آمار مشارکت مودیان را با شرکت ۹۹۲ نفر و حدود ۳۰ میلیارد تومان اعتبار به خود اختصاص داده است.قربان حاجی مشهدی، با بیان اینکه ۵ هزار و ۴۴۱ گلستانی در طرح نشان‌دار کردن مالیات شرکت کرده‌اند، گفت: میزان مالیات نشان‌دار شده حدود ۴۶۱ میلیارد تومان بوده که حدود ۲۹ درصد آن وصول شده است. وی با اشاره به ۲۳ پروژه در طرح نشان‌دار کردن مالیات با اعتبار ۴۶۰ میلیارد تومان در استان گلستان، خاطرنشان کرد: این اعتبارات به پروژه‌های مختلف از جمله سالن‌های ورزشی، طرح‌های دانشگاهی و مدرسه‌سازی اختصاص یافته و به توسعه زیرساخت‌های استان کمک خواهد کرد.حاجی مشهدی به پروژه بیمارستان گالیکش اشاره کرد و گفت: با شرکت ۹۹۲ نفر، حدود ۳۰ میلیارد تومان اعتبار برای آن تأمین شده است و رکورددار مشارکت مودیان گلستانی در طرح نشان‌دار کردن مالیات است.

وی افزود: طرح بزرگراه کردکوی - بندرترکمن - آق‌قلا با ۸۳۸ نفر مشارکت و تأمین اعتبار حدود ۲۴ میلیارد تومان در رتبه دوم قرار دارد.

مدیرکل امور مالیاتی گلستان در ادامه گفت: در سال گذشته، ۷۰۷ میلیارد تومان مالیات ارزش افزوده و در ۵ ماهه ابتدایی سال جاری، ۵۰۶ میلیارد تومان به‌حساب شهرداری‌ها و دهیاری‌های استان واریز شده است.

حاجی مشهدی تصریح کرد: سهم شهرداری‌ها از این مبلغ ۲۷۵ میلیارد تومان، سهم دهیاری‌ها ۲۲۵ میلیارد تومان و سهم روستاهای فاقد دهیاری به‌حساب فرمانداری‌ها حدود ۶ میلیارد تومان بوده است.

مدیرکل امور مالیاتی هرمزگان خبرداد:

افتتاح ساختمان شهرداری و آتش‌نشانی لیردف از محل مالیات بر ارزش افزوده

مدیرکل امور مالیاتی استان هرمزگان با اشاره به پرداخت بیش از ۳۳هزار میلیارد ریال مالیات برارزش افزوده به شهرداری‌ها و دهیاری‌های استان در پنج ماه اول امسال، گفت: ساختمان جدید شهرداری و آتش‌نشانی شهر لیردف از محل مالیات بر ارزش افزوده افتتاح شد.

جعفر احسانی مهر، مدیرکل امور مالیاتی استان هرمزگان با اشاره به اهمیت نقش مالیات بر ارزش افزوده در تأمین منابع پروژه‌های عمرانی اظهار داشت: مالیات بر ارزش افزوده یکی از مهمترین منابع درآمدی کشور است که به‌صورت مستقیم در توسعه زیرساخت‌های شهری و روستایی هزینه می‌شود؛ ساختمان‌های شهرداری و آتش‌نشانی لیردف نمونه بارز تحقق این هدف مهم است.وی با تأکید بر اینکه استفاده صحیح و شفاف از منابع مالیاتی زمینه‌ساز افزایش اعتماد عمومی به نظام مالیاتی است، افزود: افتتاح این پروژه نشان می‌دهد وقتی مردم به نظام مالیاتی اعتماد کنند، نتایج ملموس آن را در بهبود کیفیت زندگی خود خواهند دید.

احسانی مهر در ادامه بیان کرد: اعتبارات مالیات بر ارزش افزوده در حوزه‌های مختلفی همچون بهداشت، آموزش، خدمات شهری و ایمنی هزینه می‌شود که ساختمان‌های شهرداری و آتش‌نشانی لیردف یکی از مصادیق مهم آن است.

وی ادامه داد: افتتاح ساختمان شهرداری و آتش‌نشانی لیردف، علاوه بر ارتقای خدمات شهری، نشان‌دهنده اثر مثبت و مستقیم مالیات بر ارزش افزوده در توسعه مناطق مختلف استان هرمزگان می‌باشد.

مدیرکل امورمالیاتی هرمزگان در پایان از پرداخت بیش از ۳۳هزار و ۶۰۰ میلیارد ریال از محل مالیات بر ارزش افزوده به‌حساب شهرداری‌ها و دهیاری‌های استان هرمزگان خبر داد و افزود: این مبلغ پرداختی ۴۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته است.

گفتنی است: ساختمان جدید شهرداری و آتش‌نشانی شهر لیردف با زیربنای ۱۲۰۰ مترمربع در سه طبقه ساخته شده و شامل آشیانه و واحدهای اداری آتش‌نشانی، دفتر شورا و شهرداری، بخش‌های اداری مختلف شهرداری و همچنین مهمانسرا می‌باشد.

شرایط فروش

آغاز واریز وجه طرح پیش‌فروش ریسپکت با موعد تحویل زمستان ۱۴۰۴

فرآیند واریز وجه برای منتخبین طرح پیش‌فروش عادی خودروی ریسپکت و دیگنیتی پرایم از صبح چهارشنبه ۹ مهر ۱۴۰۴ آغاز شد و تا پایان روز سه‌شنبه ۱۵ مهر ادامه خواهد داشت. در این مرحله، فقط افرادی که پس از استعلام از مراجع ذی‌صلاح شرایط لازم را کسب کرده‌اند، امکان تکمیل ثبت‌نام و پرداخت وجه را دارند.
در این طرح پیش‌فروش، خودروها با قیمت غیرقطعی عرضه می‌شوند و مبلغ نهایی بر اساس نرخ روز زمان تحویل، محاسبه خواهد شد. موعد تحویل ریسپکت تیپ ۲، هفته پایانی دی ماه ۱۴۰۴ اعلام شده و همچنین دیگنیتی پرایم با پیش‌پرداخت مشخص، برای هفته دوم آذر ۱۴۰۴ برنامه‌ریزی شده است. پیش پرداخت ریسپکت تیپ ۲، ۷۰۰ میلیون تومان و دیگنیتی پرایم، ۸۴۳میلیون تومان تعیین شده است. پرداخت وجه در این طرح فقط به صورت آنلاین و از طریق سامانه فروش رسمی شرکت انجام می‌شود و خریداران باید در بازه زمانی اعلام شده نسبت به تکمیل فرآیند اقدام کنند.

ماشین وارداتی

موسو گرند خان؛ پیکاپ کره‌ای با ظاهری خشن و قلب دیزلی

یک پیکاپ دو دیفرانسیل قدرتمند، حالا با نامی جدید در بازار ایران عرضه شده است؛ موسو گرند خان، تازه‌ترین محصول یکی از شرکت‌های وارداتی است که با نشان کره‌ای سانگ‌یانگ وارد بازار شده و قرار است در میان پیکاپ‌های بزرگ و نیمه‌لوکس بازار رقابت کند. طراحی ظاهری خشن و خطوط عضلانی بدنه باعث شده موسو گرند خان در نگاه اول حس قدرت را به بیننده منتقل کند. در نمای جلو، جلوپنجره مشکی با خطوط افقی کرومی، چراغ‌های کشیده و سپر بزرگ، چهره‌ای نزدیک به SUVهای آفرودی برای این پیکاپ ایجاد کرده است. در کابین موسو گرند خان با طراحی ساده اما کاربردی مواجه هستیم. قلب تپنده این پیکاپ کره‌ای، یک موتور ۲.۲ لیتری دیزلی توربوشارژ با قدرت ۱۸۷ اسب‌بخار و گشتاور ۴۲۰ نیوتن‌متر است که از طریق یک گیربکس ۶ سرعته اتوماتیک، نیرو را به هر چهار چرخ منتقل می‌کند. پس از ماه‌ها انتظار و گذراندن مراحل تأیید فنی و انتظامی، رسماً اولین سری پیکاپ‌های موسو گرند خان در تاریخ ۸ مهرماه ۱۴۰۴ به مشتریان نهایی تحویل داده شد. قیمت جدید اعلامی برای تیپ سیگنیچر(Signature) ۴ میلیارد و ۲۹۰ میلیون است و تیپ ساهارا (Sahara) نیز با بهای تمام شده نهایی ۳ میلیارد و ۷۹۰ میلیون توسط شرکت واردکننده تعیین شده است.

بازار خودرو

فرمان بازار خودرو به کاهش قیمت چرخید

بازار خودرو در هفته جاری روند نوسانی را تجربه کرد؛ به‌طوری‌که در آغاز هفته شاهد رشد قیمت‌ها بودیم، اما در پایان هفته قیمت‌ها به‌طور قابل توجهی کاهش یافت. افزایش قیمت‌ها در ابتدا تحت تأثیر رشد نرخ دلار و هیجانات روانی بازار رخ داد که باعث شد تقاضا برای خرید افزایش پیدا کند. با این حال، با فروکش کردن این هیجانات و تثبیت نسبی نرخ ارز، تقاضا کاهش یافته و بازار تحت فشار کاهشی قرار گرفت. کاهش قیمت‌ها در بسیاری از خودروهای پرتقاضا مشهود بود؛ به عنوان مثال، ساینا S دنده‌ای با ۵ میلیون تومان کاهش به ۶۱۵ میلیون تومان رسید و پژو ۲۰۷ اتوماتیک TU5P با افت ۶۰ میلیون تومانی، یک میلیارد و ۱۹۰ میلیون تومان معامله شد. همچنین، تارا اتوماتیک V4، ۱۰ میلیون تومان ارزان‌تر شد و به یک میلیارد و ۳۳۰ میلیون تومان کاهش یافت. در بخش خودروهای وارداتی، تویوتا راوفور دو دیفرانسیل ادونچر که در آغاز هفته قیمتی حدود ۱۰ میلیارد تومان داشت، در پایان هفته به ۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان کاهش یافت. بی‌وای‌دی سانگ پلاس نیز ۵۰ میلیون تومان ارزان‌تر شد و به ۴ میلیارد و ۹۵۰ میلیون تومان کاهش یافت.

سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس خبر داد

آیین‌نامه واردات خودرو در انتظار امضای رئیس مجلس

هیأت تطبیق مقررات مجلس مستندات دولت درباره واردات خودرو را پذیرفت

گزارش

یاسمن صادق‌شیرازی
گروه خودرو

بازار خودرو که بیش از دو هفته است در سایه ابهام درباره تعرفه واردات در وضعیتی نیمه‌تعطیل به‌سر می‌برد، حالا به یک امضا چشم دوخته است؛ امضای رئیس مجلس شورای اسلامی. ماجرا از آنجا آغاز شد که هیأت تطبیق مقررات مجلس در ۲۲ شهریور با ارسال نامه‌ای به معاونت حقوقی ریاست جمهوری، نسبت به مغایرت آیین‌نامه واردات خودرو با قانون بودجه سال ۱۴۰۴ ابراز تردید کرد.
این نامه، اگرچه حکم به تعلیق آیین‌نامه دولت نداد، اما فضای بازار را دچار سردرگمی کرد؛ تاجایی‌که روند ثبت سفارش‌ها و تخصیص ارز عملاً متوقف شد.
اکنون اما نشانه‌هایی از حل اختلافات دیده می‌شود. به گفته محمد رستمی، سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس، هیأت تطبیق پس از دریافت نسخه اصلاح‌شده آیین‌نامه مردادماه و بررسی مستندات همراه آن، ایرادات پیشین را برطرف‌شده تشخیص داده و گزارش خود را به ریاست مجلس ارسال کرده است. رستمی در گفت‌وگو با «ایران» تأکید می‌کند: «ایراداتی که هیأت تطبیق درباره آیین‌نامه واردات تشخیص داده بود، به نسخه خردادماه مربوط می‌شد، نه بخشنامه اصلاحی مردادماه. دولت حالا مستندات اصلاح‌شده‌ای را ارائه کرده که به تأیید دیوان عدالت اداری نیز رسیده و اساساً آن ایرادات مرتفع شده است. اما هنوز امضای رسمی رئیس مجلس باقی مانده که آیین‌نامه برای اجرا نهایی شود. اگر این اصلاحیه ایرادی نداشته باشد و ریاست مجلس آن را تأیید کند دولت می‌تواند تعرفه پلکانی واردات خودرو را اجرا کند.»

گره‌ای که با یک امضا باز می‌شود

در حال حاضر، همه چیز در انتظار تأیید رسمی ریاست مجلس است. از منظر حقوقی، تا زمانی که نظر هیأت تطبیق مقررات توسط رئیس مجلس امضا و به دولت ابلاغ نشود، اجرای کامل آیین‌نامه مردادماه ممکن نیست. همین بلاتکلیفی، بازار خودرو را در شرایط رکود و بی‌تصمیمی نگه داشته است. با این حال، از درون مجلس سیگنال‌های مثبتی به گوش می‌رسد. بسیاری از نمایندگان از ابتدا با کاهش منطقی تعرفه واردات خودرو موافق بوده‌اند. رستمی در این باره، می‌گوید: «مجلس با اصل کاهش تعرفه مخالف نیست. حتی در زمان بررسی لایحه بودجه، برای تعیین تعرفه، مجلس با تعرفه۶۰ درصد موافقت کرده بود اما نهایتاً عدد ۱۰۰ درصد در قانون مصوب شد.»
رستمی معتقد است: «در صورت امضای این اصلاحیه توسط رئیس مجلس، دولت می‌تواند سیاست تعرفه‌ای پلکانی خود را به‌صورت رسمی و قانونی ادامه دهد؛ سیاستی که هدف آن تسهیل واردات خودروهای اقتصادی‌تر، تقویت رقابت و مهار قیمت‌هاست.»

> دولت در طول ماه‌های گذشته تلاش کرده تا با طراحی تعرفه‌های پلکانی، هم مسیر واردات را تسهیل کند، هم در عین حال از تولید داخل حمایت کند و فضا را برای رقابت‌پذیری بیشتر باز نگه دارد. اما اکنون، همه این تلاش‌ها به تصمیم نهایی مجلس گره خورده است

رکود روانی در بازار خودرو

در نبود تصمیم نهایی، بازار خودرو عملاً در وضعیت قفل شده قرار گرفته است. بسیاری از واردکنندگان، به‌دلیل بلاتکلیفی تعرفه‌ها، از ثبت سفارش‌های جدید خودداری کرده‌اند و گمرکات نیز در انتظار بخشنامه قطعی هستند. از سوی دیگر، نگرانی مصرف‌کنندگان درباره بازگشت احتمالی تعرفه‌ها به نرخ ۱۰۰ درصد، به نوسان‌های روانی بازار دامن زده و رکود در معاملات را تشدید کرده است. به گفته فعالان بازار، مشتریانی که خودرو را با قیمت غیرقطعی خریداری کرده‌اند، اکنون نگران افزایش قیمت در صورت ابلاغ تعرفه‌های سنگین‌تر هستند. برخی فروشندگان نیز به‌دلیل نبود چشم‌انداز مشخص، فعلاً از اعلام قیمت خودداری می‌کنند.

تصمیمی برای پایان یک سال سیاست‌گذاری

دولت در طول ماه‌های گذشته تلاش کرده تا با طراحی تعرفه‌های پلکانی، هم مسیر واردات را تسهیل کند، هم در عین حال از تولید داخل حمایت کند و فضا را برای رقابت‌پذیری بیشتر باز نگه دارد. اما اکنون، همه این تلاش‌ها به تصمیم نهایی مجلس گره خورده است. امضای رئیس مجلس می‌تواند قفل تعرفه را باز کند، سیاست واردات را از بلاتکلیفی خارج کرده و بار دیگر پویایی را به بازار خودرو بازگرداند. در غیر این‌صورت، خطر تعمیق رکود، بی‌اعتمادی مصرف‌کننده و بر باد رفتن تلاش‌های ماه‌ها سیاست‌گذاری دولت، بیش از پیش احساس خواهد شد. آنچه اکنون مورد انتظار است، نه صرفاً حل اختلافات حقوقی، بلکه قاطعیت و انسجام در تصمیم‌گیری است؛ چرا که در صنعتی به‌شدت حساس مانند خودرو، تأخیر در سیاست‌گذاری می‌تواند مستقیماً به زیان مصرف‌کننده و کل زنجیره تأمین ختم شود.

> برش
> سخنگوی کمیسیون صنایع: ایراداتی که هیأت تطبیق درباره آیین‌نامه واردات تشخیص داده بود، به نسخه خردادماه مربوط می‌شد، نه بخشنامه اصلاحی مردادماه. دولت حالا مستندات اصلاح‌شده‌ای را ارائه کرده که به تأیید دیوان عدالت اداری نیز رسیده و اساساً آن ایرادات مرتفع شده است. اما هنوز امضای رسمی رئیس مجلس باقی مانده که آیین نامه برای اجرا نهایی شود. اگر این اصلاحیه ایرادی نداشته باشد و ریاست مجلس آن را تأیید کند دولت می‌تواند تعرفه پلکانی واردات خودرو را اجرا کند.

تحولی در سبد محصولات برقی مزدا

شاسی‌بلند آینده Mazda EZ-60 با قیمت اقتصادی از راه رسید

ترجمه

گروه خودرو

شرکت مزدا در تاریخ ۲۶ سپتامبر، به‌صورت رسمی از شاسی بلند جدید خود با نام EZ-60 رونمایی کرد. این خودرو که بخشی از استراتژی برقی‌سازی برند مزدا محسوب می‌شود، یک شاسی بلند میان‌سایز بوده و در سال ۲۰۲۶ با نام بین‌المللی Mazda CX-6e به بازارهای جهانی صادر خواهد شد.

قیمت‌گذاری و تیپ‌های عرضه‌شده

EZ-60 در بازار چین با شش تیپ مختلف عرضه شده که قیمت آنها از ۱۱۹,۹۰۰ یوان (معادل ۱۶,۸۰۰ دلار) آغاز شده و به ۱۶۰,۹۰۰ یوان (۲۲,۶۰۰ دلار) در نسخه‌های فول‌آپشن می‌رسد. به گزارش سایت carnewschina، این خودرو بر پایه پلتفرم EPA متعلق به چانگان توسعه‌یافته و در دو نسخه تمام‌برقی و هیبریدی با برد افزوده ارائه می‌شود. هر دو نسخه دارای طراحی بیرونی مشترکی هستند که تلفیقی از زبان طراحی خاص مزدا و ویژگی‌های مورد نیاز خودروهای انرژی نو است.

طراحی ظاهری؛ هماهنگ با آینده

در نمای جلویی، مزدا EZ-60 از عناصر طراحی مدرنی بهره می‌برد. جلوپنجره بسته که مختص خودروهای برقی است، همزمان با کاهش مقاومت هوا، ظاهری ساده و شیک به خودرو بخشیده است. لوگوی نورانی مزدا در مرکز جلوپنجره هنگام روشن بودن خودرو می‌درخشد. ترکیب چراغ‌های جلوی دوتکه و دی‌لایت‌های باریک نیز جلوه‌ای تیز و تکنولوژیک به چهره خودرو داده‌اند.

ابعاد بدنه و انتخاب‌های شخصی‌سازی

EZ-60 با ۴.۸۵۰ میلی‌متر طول، ۱.۹۳۵ میلی‌متر عرض و ۱.۶۲۰ میلی‌متر ارتفاع عرضه شده و فاصله محوری آن ۲.۹۰۲ میلی‌متر است. تمامی تیپ‌ها به صورت استاندارد با رینگ‌های ۱۹ اینچی ارائه می‌شوند و مدل‌های بالاتر امکان سفارش رینگ‌های ۲۱ اینچی را دارند. همچنین، مشتریان می‌توانند از میان ۷ رنگ بدنه، شامل دو رنگ خاص، انتخاب داشته باشند.

کابینی مدرن با تمرکز بر فناوری

طراحی داخلی EZ-60 به‌صورت فراگیر و تکنولوژی‌محور است. صفحه نمایش شناور ۲۶.۴۵ اینچی با کیفیت 5k به‌عنوان رابط مرکزی کنترل عمل می‌کند که با پردازنده‌ای قدرتمند بر پایه فناوری ۴ نانومتری پشتیبانی می‌شود. نمایشگر هدآپ دیسپلی ۵۰ اینچی به‌صورت استاندارد ارائه شده و نسخه سه‌بعدی ۱۰۰ اینچی آن نیز قابل سفارش است. هدآپ دیسپلی (Head-Up Display یا HUD) نمایشگری است که اطلاعات حیاتی رانندگی را مستقیماً روی شیشه جلو مقابل دید راننده نمایش می‌دهد، بدون اینکه راننده مجبور باشد چشم از جاده بردارد. در داخل کابین، صندلی‌های جلو با طراحی ویژه «بی‌وزنی» ارائه شده‌اند تا فشار کمتری به بدن وارد شود. این صندلی‌ها دارای امکاناتی مانند گرمایش، تهویه، ماساژ و تنظیمات برقی دارای چندجهت هستند. صندلی‌های ردیف دوم نیز با چینش تاشو طراحی شده‌اند که امکان افزایش فضای بار را فراهم می‌کند. در کنار این راحتی، سیستم صوتی حرفه‌ای با ۲۳ بلندگو و پشتیبانی از فناوری Dolby Atmos، تجربه شنیداری همه‌جانبه‌ای برای سرنشینان فراهم کرده است. این فناوری حس غوطه‌وری ایجاد می‌کند، گویی که صدای فرد و صدای شیء از اطراف کل بدنتان در فضای سه بعدی به گوش می‌رسد. همچنین، فرمان اسپرت دوشاخه با کف تخت و شارژر بی‌سیم نیز جزو دیگر امکانات مدرن این خودرو هستند. EZ-60 از نظر فناوری به طیف گسترده‌ای از حسگرها و دوربین‌ها مجهز است که امکان رانندگی نیمه‌خودران سطح۲ را فراهم می‌کنند. قابلیت‌هایی همچون کروز کنترل تطبیقی، حفظ بین خطوط، رانندگی در مسیرهای شهری و بین‌شهری و پارک خودکار در این خودرو ارائه شده‌اند. در بخش ارتباطات نیز، خودرو از داده پایه رایگان مادام‌العمر، اینترنت سرگرمی دو ساله رایگان و دستیار صوتی هوشمند پشتیبانی می‌کند.

> این خودرو بر پایه پلتفرم EPA متعلق به چانگان توسعه‌یافته و در دو نسخه تمام‌برقی و هیبریدی با برد افزوده ارائه می‌شود. هر دو نسخه دارای طراحی بیرونی مشترکی هستند که تلفیقی از زبان طراحی خاص مزدا و ویژگی‌های مورد نیاز خودروهای انرژی نو است

مشخصات فنی و عملکرد دوگانه

نسخه تمام‌برقی مزدا EZ-60 به یک موتور ۱۹۰ کیلوواتی در محور عقب مجهز شده که توسط یک باتری ۷۷.۹۴ کیلووات‌ساعتی LFP تغذیه می‌شود و بردی معادل ۶۰۰ کیلومتر طبق استاندارد (CLTC) ارائه می‌دهد. نسخه هیبریدی نیز از ژنراتور ۱.۵ لیتری به همراه باتری ۳۱.۷۳ کیلووات‌ساعتی استفاده می‌کند و با حفظ قدرت خروجی مشابه، بردی معادل ۲۰۰ کیلومتر در حالت تمام‌برقی دارد.

چشم‌انداز آینده محصولات برقی مزدا

به گفته چانگان مزدا، عرضه EZ-60 تنها آغاز مسیر گسترش محصولات انرژی نو این برند در بازار چین است. برنامه‌هایی برای عرضه مدل‌های جدیدتر در آینده نزدیک در نظر گرفته شده که پیش از ورود به بازارهای بین‌المللی، به تثبیت موقعیت مزدا در بازار داخلی چین کمک خواهند کرد.

نیم کلاچ

تشکیل «کمیته خودرویی» در قوه قضائیه

میانجیگری بین مشتریان و خودروسازان در زمینه تأخیر تحویل خودروها

سارا غضنفری
دبیرگروه خودرو

داستان‌های صنعت خودرو، بازار و خرید خودرو تبدیل به قصه عجیب و پیچیده‌ای شده است. از قیمت‌گذاری خودرو تا تأخیر تحویل خودروها توسط شرکت‌ها کار را به جایی رسانده که حالا قوه‌قضائیه هم به این ماجرا ورود کرده است. اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری که چند روز قبل برگزار شد به تشکیل یک کمیته خودرویی اشاره کرده و گفت: «با توجه به اختلاف بین خودروسازان و وزارتخانه‌های ذیربط درباره قیمت‌گذاری دستوری، جلسه‌ای در شورای اقتصاد مقاومتی به ریاست معاون اول قوه قضائیه و با حضور دستگاه‌های مرتبط، مدیران عامل خودروسازان، وزارت صمت، بازرسی کل کشور و سازمان تعزیرات حکومتی برگزار شد.
در این جلسه هم نظرات خودروسازان شنیده شد و هم نقطه‌نظرات نمایندگان دولت و دستگاه‌های نظارتی بررسی شد. خودروسازان اعلام کردند که قیمت‌های دستوری با هزینه‌های واقعی و گرانی مواد اولیه مطابقت ندارد و ادامه این وضعیت می‌تواند فعالیت آنها و بخش‌های مختلف صنعت را با چالش جدی مواجه کند.» سخنگوی قوه قضائیه درباره راهکار حل این مشکل افزود: «معاونت اول قوه قضائیه پیشنهاد تشکیل کمیته‌ای با حضور دستگاه‌های ذیربط را داد تا موضوع قیمت‌گذاری و راهکارهای قانونی را بررسی کند.
هدف این کمیته شنیدن نقطه‌نظرات هر دو طرف و اتخاذ تصمیمی است که هم به نفع مردم باشد و هم از توقف یا آسیب به صنعت جلوگیری کند. در حال حاضر جزئیات اختیارات کمیته و اقدامات آن هنوز مشخص نیست و باید منتظر نتایج و پیشنهادهای کمیته باشیم.
وظیفه اصلی این کمیته با دولت است تا اقدامات لازم و پیش‌بینی‌های قانونی را انجام دهد، اما دستگاه قضایی نیز در حد اختیارات خود موظف است موضوع را پیگیری و از تصمیمات غیرمنطقی که ممکن است به جامعه یا صنعت آسیب برساند، جلوگیری کند.
هدف این کمیته این است که تصمیم نهایی هم به نفع جامعه و مردم باشد و هم شرایط مناسبی برای ادامه فعالیت خودروسازان فراهم شود. هنوز بازه زمانی مشخصی برای تشکیل جلسات و اعلام نتیجه تعیین نشده است، اما امیدواریم نتایج این کمیته تصمیمات منطقی و متوازن را برای بازار خودرو به همراه داشته باشد.»
البته بعد از این جلسه در یک مصاحبه تلویزیونی، حجت‌الاسلام هادی صادقی، رئیس مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضائیه اعلام کرد؛ کمیته‌ای که تشکیل شده برای تعیین قیمت نیست. در واقع کار قوه قضائیه تعیین قیمت خودرو نیست؛ برای این است که ماجرای اختلاف مشتریان و خودروسازان به دادگاه کشیده نشود و این مسائل قیمت و تأخیر تحویل را بتوان حل کرد.
داستان از این قرار است که خودروسازان با قیمت‌هایی که وزارت صمت از طریق سازمان حمایت اعلام کرده کنار نمی‌آیند و می‌گویند هزینه تولید ما و تورم با این قیمت‌ها سازگاری ندارد. از سوی دیگر، دولت هم بر تعادل بازار و در نظر گرفتن قدرت خرید مصرف‌کننده تأکید دارد و معتقد است واقعاً جایی برای افزایش بیشتر قیمت خودرو وجود ندارد.

پیشنهاد خودرو

بی‌وای‌دی چین L؛ سدان خانوادگی کم‌مصرف با پیشرانه هیبریدی

بی‌وای‌دی چین L یک سدان خانوادگی سایز متوسط است که با طراحی مدرن و پیشرانه هیبریدی شارژی (PHEV) وارد بازار ایران شده است. این خودرو از محصولات جدید شرکت بی‌وای‌دی چین محسوب می‌شود که پیش‌تر مدل‌های هیبریدی و الکتریکی آن در بازارهای جهانی از جمله اروپا نیز عرضه شده است. طراحی ظاهری چین L با خطوط تیز و جلوپنجره بزرگ، جلوه‌ای مدرن و تا حدی اسپرت به خودرو بخشیده است. نمایشگر بزرگ لمسی در کنسول میانی، نورپردازی داخلی و فرمان چندمنظوره از جمله ویژگی‌های داخلی این خودرو هستند. پیشرانه هیبریدی چین L شامل یک موتور بنزینی ۱.۵ لیتری توربو همراه با یک موتور الکتریکی مجزا است که مجموع توان آنها حدوداً ۲۰۳ اسب‌بخار اعلام شده است. این خودرو در حالت تمام برقی تا حدود ۸۰ کیلومتر برد دارد که برای استفاده‌های روزمره شهری مناسب است. در سفرهای طولانی، موتور بنزینی وارد مدار می‌شود و مصرف سوخت ترکیبی کمتر از ۴ لیتر در هر صد کیلومتر گزارش شده است. قیمت مدل ۱.۵ لیتری توربوی این خودرو در بازار آزاد در حال حاضر حدود ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان است.

استاندار سمنان در نشست بررسی سانحه تصادف اتوبوس دانشجویان:

ناظران مقصر باید عزل شوند

گروه حوادث/ استاندار سمنان به دنبال حادثه تصادف اتوبوس حامل دانشجویان دختر در جاده سرخه که منجر به مرگ دو دختر دانشجو شد بر عزل ناظران مقصر در این حادثه و بازنگری در قراردادهای حمل‌ونقل دانشجویی تأکید کرد.

محمدجواد کولیوند روز چهارشنبه در نشست بررسی علل سانحه رانندگی اتوبوس حامل دانشجویان دانشکده پیراپزشکی سرخه سمنان با ابراز تأسف از این حادثه تلخ، خواهان رسیدگی فوری به مصدومان، تشکیل پرونده‌ای متقن برای ارائه به دستگاه قضایی و بازنگری در دستورالعمل‌های ایمنی شد.

وی افزود: «اغلب مصدومان این حادثه ترخیص شده‌اند، اما وضعیت چند نفر همچنان نیازمند مراقبت‌های ویژه است. این حادثه نباید در گذر زمان فراموش شود. همه ابعاد موضوع باید بررسی و گزارش روشن و مستند به مردم و خانواده‌ها ارائه شود.»

وی با اشاره به ضعف نظارت‌ها ادامه داد: «قراردادهای حمل‌ونقل دانشجویی باید با دقت بیشتری منعقد و کنترل شوند. ناظرانی که در این زمینه کوتاهی کرده‌اند باید به‌فوریت شناسایی و عزل شوند. نمی‌توان نسبت به جان فرزندان این سرزمین اهمال کرد. راهداری، پلیس راهور، دانشگاه علوم پزشکی و سایر نهادهای مرتبط، مکلف شده‌اند ظرف چند روز آینده گزارش دقیق و جامع خود را از علل و عوامل حادثه ارائه کنند. هدف این است که علاوه بر شناسایی مقصران، از تکرار حوادث مشابه جلوگیری شود. هیچ‌گونه اغماضی در برخورد با قصورکنندگان وجود نخواهد داشت.»

اتوبوس سرویس دانشجویی که با ۱۳ دانشجوی دختر از سمنان به سرخه می‌رفت صبح سه‌شنبه با دو کامیون برخورد کرد و در این حادثه ۲ دانشجو جان باختند.

سارق حرفه ای گریم کرد و دختر جوان را دزدید

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ دختر جوان وقتی متوجه شد پسر مورد علاقه‌اش سارق است به او جواب منفی داد اما با یک سناریوی عجیب انتقام‌گیری روبه‌رو شد.

به گزارش «ایران»، چندی قبل دختر جوانی با مراجعه به پلیس از ربوده شدنش توسط راننده خودروی عبوری خبر داد: «صبح سوار یک خودروی پژو شدم که راننده‌اش مرد میانسالی بود. ناگهان او تغییر مسیر داد و وقتی اعتراض کردم با چاقو تهدیدم کرد. بعد هم مرا به پارکینگ خانه‌ای برد و به زور از من چند سفته سفیدامضا گرفت و طلا و وسایل باارزشی که همراهم بود را نیز سرقت کرد. بعد با کارت عابربانکم کلی خرید کرد. حدود ۱۲ ساعتی گروگان او بودم و در نهایت مرا دوباره سوار خودرو کرد و در کنار خیابانی مرا رها کرد. تنها کسی که به او مشکوک هستم خواستگار سابقم است که از من کینه به دل گرفته بود.»

به دستور بازپرس جنایی، کارآگاهان به سراغ خواستگار سابق او رفتند. هر چند پسر جوان منکر سرقت بود اما دلایل و مدارکی که تیم تحقیق به دست آورده بود نشان می‌داد که او در این ماجرا نقش دارد. درنهایت پسر جوان به ربودن دختر مورد علاقه‌اش اعتراف کرد و به دستور بازپرس جنایی در اختیار کارآگاهان پلیس قرار داده شد.

گریم حرفه‌ای

پسر جوان که سابقه سرقت از منزل دارد اعتراف کرد برای اینکه شناسایی نشود صورتش را گریم کرده بود.

چرا این دختر را ربودی؟ کینه‌اش را به دل داشتم با احساساتم بازی کرده بود و وقتی فهمید سارقم جواب منفی داد و از آن مهم‌تر با نقشه‌ای حرفه‌ای طلا و دلارهایی را که از راه سرقت به دست آورده بودم از خانه‌ام سرقت کرد.

از کجا فهمید سارقی؟ یکی از بدخواهانم ماجرای سرقت‌هایم را به او گفته بود، البته من از وقتی با شقایق آشنا شده بودم دور خلاف را خط کشیدم. به دروغ به او گفته بودم در کار ساخت‌وساز برج هستم و خانواده‌ام ایران زندگی نمی‌کنند. برای جلب اعتماد بیشتر او، هر بار با یک خودروی اجاره‌ای مدل بالا دنبالش می‌رفتم. من به غیر از یک مادر پیر کسی را در زندگی ندارم که آن هم در شهرستان زندگی می‌کند اما وضع مالی‌ام خوب است و از راه سرقت تا قبل از اینکه دست به این کار بزنم، پول خوبی به دست آورده بودم.

چه شد اموالت را سرقت کرد؟ شقایق دختر زرنگی بود و اصلاً به روی من نیاورد که فهمیده است سارقم. یک روز به خانه‌ام آمد و با قهوه مسموم مرا بی‌هوش کرد و اموالی را که از راه سرقت به دست آورده بودم جمع کرد و برد. من نمی‌توانستم به پلیس شکایت کنم و بگویم که دزد به من زده است از طرفی نمی‌توانستم سکوت کنم و اجازه بدهم شقایق هر آنچه در این مدت به دست آورده‌ام را ببرد به همین دلیل نقشه ربودنش را طراحی کردم.

نقشه‌ات چه بود؟ برای اینکه مرا نشناسد از یک گریمور حرفه‌ای خواستم چهره‌ام را تغییر دهد و مرا به مردی حدوداً ۶۰ ساله تبدیل کند. بعد از آن به عنوان مسافرکش او را سوار خودرو کرده و به مخفیگاهم بردم و هر چه پول و طلا همراهش بود، گرفتم. البته آنجا از صدایم به من شک کرد ولی فکر نمی‌کردم شکایت کند.

ادعای داماد متهم به قتل در دادگاه:

پدرزنم می خواست مرا با زنجیر بزند

گروه حوادث-کامران علمدهی/ داماد عصبانی که پدرزنش را با چاقو کشته، در دادگاه مدعی شد ناخواسته مرتکب قتل شده است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، خبر این جنایت یکی از روزهای دی سال گذشته به پلیس در شرق تهران مخابره شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد که داماد ۴۳ ساله خانواده پس از درگیری با همسرش وقتی پدرزنش قصد میانجی‌گری داشته، او را با چاقو زده است. در نخستین گام کارآگاهان دریافتند متهم کارمند یک بیمارستان بوده است بنابراین به سراغ وی رفته و او را دستگیر کردند. با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه فرزندان مقتول برای متهم درخواست قصاص کردند. پس از آن متهم به جایگاه رفت و گفت: «من و همسرم و پسر ۱۹ ساله‌ام با پدر و مادرزنم در یک خانه زندگی می کردیم.

هربار که من و زنم بحث‌مان می‌شد، پدرزنم به بهانه میانجی‌گری دخالت می‌کرد و من حس خوبی نداشتم.

من در سردخانه یک بیمارستان کار می‌کردم؛ روز حادثه جسد ۳ کودک را دیده بودم و حالم خوب نبود. وقتی به خانه رسیدم، به زنم گفتم که امروز حوصله ندارم، به من کاری نداشته باش اما او باز هم شروع به بحث و جدل کرد که من کارد میوه خوری را برداشتم تا او را بترسانم اما پسرم گاز فلفل توی چشمانم پاشید و دیگر جایی را ندیدم، فقط متوجه شدم پدرزنم دارد با زنجیر مرا می‌زند که برای دفاع از خودم چاقو را پرتاب کردم و به او خورد.»

در این هنگام همسر متهم با نشان دادن عکسی از چاقوی خونین به قضات گفت: «او دروغ می‌گوید. نه گاز فلفلی به صورتش زده شد و نه کارد میوه خوری آنجا بود. بهرام بارها پدر و برادرم را تهدید به مرگ کرده بود. مگر می‌شود با آن چاقو فقط ترساند؟ او با قصد قبلی و با این چاقو که در عکس می‌بینید، پدرم را کشت و به کبد و ریه او آسیب زد.»

پس از آن پسر مقتول به جایگاه رفت و گفت: «متهم همیشه خواهرم را آزار می‌داد و من را هم تهدید به مرگ می‌کرد؛ حتی همان روز حادثه هم می‌خواست من را بزند. او دروغ می‌گوید که پدرم در زندگی‌شان دخالت می‌کرد. پدرم به او خانه و مغازه داده بود، همیشه هم حق را به او می‌داد، آن وقت این فرد جواب خوبی‌هایش را با چاقو داد.»

با پایان جلسه، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

خبر پلیس

رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا خبرداد

راه‌اندازی مرکز امنیت اقتصاد دیجیتال برای صیانت از سرمایه مردم

گروه حوادث/ رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا از فعالیت و نظارت مرکز امنیت اقتصاد دیجیتال برای صیانت از طلاهای دیجیتالی فروخته شده به مردم خبرداد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا، در نشست خبری با اصحاب رسانه با اشاره به نامگذاری شعار امسال فراجا «پلیس مقتدر، مشارکت همگانی، جامعه امن»، گفت: «ما معتقدیم امنیت باید در طول سال برای مردم فراهم باشد، چرا که دشمن همواره در تلاش است با ایجاد ناامنی و القای حس ناامنی، جامعه را تحت تأثیر قرار دهد.»

سکوهای طلایاب

رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا با اشاره به سکوهای طلایاب و فروش طلای دیجیتال گفت: «مرکز امنیت اقتصاد دیجیتال با جدیت و حساسیت، فعالیت این سکوها را رصد می‌کند. بر اساس آخرین برآورد، این سکوها بالغ بر ۲۰ میلیون کاربر دارند. تاکنون، به منظور صیانت از سرمایه مردم بیش از چهار تن طلا که به صورت پیامکی به مردم فروخته شده بود، تحت کنترل قرار گرفته است. با این حال، مرکز امنیت اقتصاد دیجیتال تا کنون اقدام به تعلیق ۱۶ سکوی متخلف و احضار ۲۰ نفر از مدیران سکوهای طلایاب کرده است.»

کلاهبرداری با عنوان «فروش وام»

سردار رحیمی گفت: «متأسفانه ۲ هزار و ۵۲۶ نفر از مردم به بهانه فروش وام مورد کلاهبرداری واقع شده‌اند. مردم باید دراین زمینه هوشیار باشند. موضوع دیگر عدم ایفای تعهدات ارزی شرکت‌ها و افراد حقیقی است. برخی شرکت‌ها ارز دریافت کرده‌اند ولی کالا وارد نکرده یا ارزش آن را به کشور بازنگردانده‌اند. تاکنون ۵۱ شرکت بالغ بر ۳٫۵ میلیارد یورو تعهد ارزی داشتند که با پیگیری پلیس و همکاری بانک مرکزی، تاکنون ۵۰۰ میلیون یورو به کشور بازگشته است. پرونده بیش از ۳۰۰ شرکت و فرد حقیقی دیگر نیز در دست بررسی است.»

کشف ۳۲۵ همتی پرونده‌های اقتصادی

سردار رحیمی با اشاره به عملکرد پلیس امنیت اقتصادی در شش‌ماهه اول سال، گفت: «در زمینه تشکیل پرونده‌های مرتبط با جرایم و مفاسد اقتصادی، جرایم گمرکی و مبارزه با قاچاق کالا و ارز، نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۳ درصد افزایش داشته‌ایم که بیانگر تلاش همه‌جانبه همکاران من در سراسر کشور است. همچنین ارزش پرونده‌هایی که پلیس در حوزه مبارزه با قاچاق کالا، ارز و جرایم اقتصادی رسیدگی کرده یا در حال رسیدگی به آنهاست، بالغ بر ۳۲۵ همت بوده که نشان‌دهنده افزایش ۷۹ درصدی نسبت به سال گذشته است.»

از گوشه و کنار ایران

پسر ۱۴ ساله در مدرسه جان باخت

دانش‌آموز زنجانی سر صف صبحگاهی در مدرسه بر اثر ایست قلبی جان خود را از دست داد. دکتر ابراهیم خسروشاهی، رئیس اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی زنجان به ایرنا گفت: «این پسر ۱۴ ساله در مقطع متوسطه اول در روستای سهرین از توابع بخش قره‌پشتلو شهرستان زنجان تحصیل می‌کرد که صبح دیروز دچار حادثه شد.»

وی اضافه کرد: «پس از گزارش موضوع، عوامل اورژانس به محل اعزام و متوجه شدند این دانش‌آموز دچار کاهش سطح هوشیاری شده است و قلب و ریه او کار نمی‌کند که به‌سرعت برای انجام عملیات احیا و انتقال او به بیمارستان اقدام شد، اما وی جان باخت. علت این ماجرا در دست بررسی است.»

یک جدول با دو شرح ۸۸۴۹

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:
۱- چراغی سرپوش‌دار - خوشبخت
۲- خط ویژه نابینایان - دلسوز، مهربان - مارکی بر تلفن همراه
۳- میل به غذا - مقصود - سپاس‌دارنده
۴- کپسول هندی خطرناک و غیرقانونی ترک اعتیاد - با «لرز» آید - مونس و ندیم - خروس مازندرانی
۵- یک عامی - هفتمین ماه سال میلادی - سخندان
۶- ناوارد و ناشی - پاک از تهمت - دایره
۷- پدید آوردن - در میان - رئیس ایل
۸- پسوند نواختن - سریالی در حال پخش به کارگردانی سیروس حسن‌پور - نعره و فریاد
۹- پسوند شباهت - واحد پول «کویت» - فاقد آرامش و امنیت
۱۰- ریه - گریه بلند - مرکز «کرواسی»
۱۱- کرم کدو - ادوات جنگ - خرس فلکی
۱۲- وصله ناپیدا - انقلابی هند - واحد سطح - پسوند نگاه دارنده
۱۳- پل پیروزی - فریاد بلند - پولی که ارزش حقیقی آن کم است
۱۴- پی بردن - لگام - سرقت
۱۵- برخلاف اراده و خواست شخصی - بی‌ریایی و سادگی

عمودی:
۱- دهکده - پادشاه اول
۲- تفت داده شده - آهسته و آرام - روز نسیه
۳- پیام‌رسان ایرانی - درودگر - میوه‌ای شبیه پرتقال
۴- دسر رنگارنگ - پروانه - همسر مرد - مقعر
۵- نرم‌افزاری برای طراحی و نقشه‌کشی - بستانکار - ویتامین انعقادی
۶- خرمای سیاه - مصیبت، آفت - راهی که موجب گمراهی شود
۷- معشوق، دلبر - ایده‌آل و مطابق آرزو - شیرینی پیچی
۸- تیرگی و تاری - با «ناز» آید - روبه رو شونده
۹- نازا - جنگ، نبرد - حرف نشانه مفعول
۱۰- راهکارهای حل مشکل - ولی - ماه کارگری
۱۱- رود «روسیه» - روزآمد - نوشتن است و آئین هم دارد
۱۲- مخفف توشه - بله آلمانی - چپاول - بی‌ثمر
۱۳- نظریه‌های مختلف در فلسفه - آباد نیست - پسر سهراب و نوه رستم
۱۴- فلز اصلی سکه‌ها - همیشه - گل پاییزی
۱۵- نخستین دانشگاه در تاریخ مدرن ایران - تعمیر ساختمان

جدول ویژه

افقی:
۱- فیلمی با هنرنمایی بهاره افشاری - بازیگر فیلم «آنچارتد» (۲۰۲۲)
۲- حیا - قوم باستانی - شهرهای ساحلی
۳- شهر «بلاروس» - لقب بانوان - محل آکروبات
۴- اندام گیاهی! - ماه سریانی - پدر - حق گردن‌کلفتی
۵- ویتامین نور خورشید - خودمختار - مرغ مردارخوار
۶- گل بومی جزایر قناری - سکه کم ارزش - کم‌رنگ
۷- شهر «چشمه‌علی» - دندان‌سای - سنگ عیارسنجی
۸- نام «فولچ» بازیگر اسپانیایی - دستگاهی که گازهای سمی ناشی از آبکاری توسط آن به تصفیه‌خانه انتقال داده می‌شود - کارد
۹- در چشم دشمنان! - لنگه به لنگه - اُمّ‌الشرائین
۱۰- دختر - غلاف فشنگ - از حواریون
۱۱- ضد «دشمن» - بنیانگذار حکومت ماد - مرغابی
۱۲- نام سازمان باسک - از مرکبات - بوی کهنگی - خروس مازنی
۱۳- هویج - فسخ شدن - گوناگون
۱۴- رموز - شجاع و متهور - سیاستمدار هندی
۱۵- دلتنگی حاصل از یادآوری گذشته‌های درخشان یا تلخ و شیرین - ضد یکدیگر

عمودی:
۱- نام مردانه - بُزآهوان
۲- قطعی برای چاپ کتاب - نجوم - بزدل و کم‌جرأت
۳- چابک و بلا - بالای خانه - رئیس شعبه رسیدگی به دعوی
۴- خورشید - فانی - برنامه و بازی گوشی‌های جدید - برنج شوشتری
۵- گیاهی طبی - دستیازی - نشان مفعول
۶- نقشه فرنگی - مخفف بدتر - شیوه جنگی
۷- صوت درد - از غذاها - شامگان
۸- چک مسافرتی - صفیر - به قول شاعر با مردم دانا نکوست
۹- الهه نگهبان شهرآتن - دینامیک - طایفه غرب ایران
۱۰- سلطان سلجوقی - عدد دریاچه! - ناخن ستور
۱۱- خمره بزرگ - سکه عهد هخامنشی - جمع حکم
۱۲- مردم - انسان یا جانوری در خود فرو رفته - روستایی توریستی در استان گلستان - جزایر دوگانه جنوبی
۱۳- کشور آسیایی - پناهگاه - بی‌کس
۱۴- کمیابی - کوچک و ناچیز - شفاف و شیشه‌ای
۱۵- نویسنده «خلیج» - بیماری خطرناک

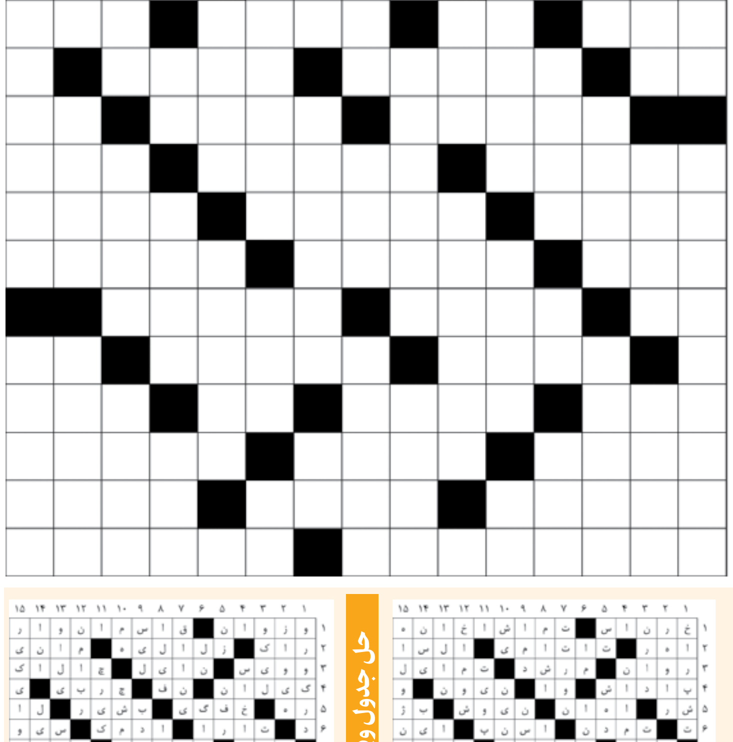

حل جدول ویژه شماره ۸۸۴۸

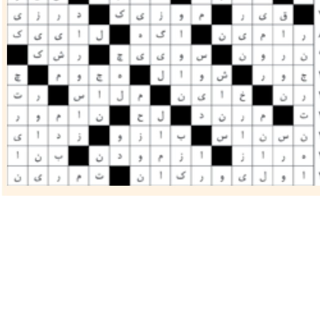

حل جدول عادی شماره ۸۸۴۸

جدول سودوکو ۴۸۵۷

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

	۲		۳		۸		۴	
		۸	۴				۷	۳
۴		۳	۹		۷			
۱			۸				۶	
۲	۶						۵	۱
	۳				۶			۴
			۶		۹	۲		۵
۵	۴				۲	۹		
	۱		۵		۳		۸	

متوسط

	۹				۵			۳
		۸		۲	۹			۱
۱		۶		۴		۹		
۶	۲	۵	۱			۷		
		۱			۶	۲	۳	۴
		۹		۶		۸		۷
۴			۷	۹		۱		
۷			۵				۴	

سخت

	۷						۹	۸
	۶	۲			۸			
		۵		۳				۷
				۴		۷		
	۳			۲			۵	
		۹		۵				
۵				۹		۲		
			۶			۳	۴	
۶	۲						۸	

خیلی سخت

۸		۵						
			۳		۱			
۲	۳			۹				
		۳		۲				۴
	۷		۶	۱	۸		۹	
۱				۴		۵		
				۶			۵	۹
			۹		۷			
						۸		۲

حل جدول سودوکو شماره ۴۸۵۷

خبر

پایان انحصار صداوسیما در پخش مسابقات ورزشی

گروه ورزشی / پس از آنکه نمایندگان مجلس حق پخش تلویزیونی را به‌عنوان یک حق قانونی برای باشگاه‌های ورزشی به رسمیت شناختند، اکنون گام دیگری در مسیر حرفه‌ای شدن فوتبال ایران برداشته شده است. هرچند اجرای کامل قانون حق پخش و انتقال درآمد آن به باشگاه‌ها، همچنان با چالش‌های جدی روبه‌رو است، اما لغو انحصار صداوسیما در پخش مسابقات می‌تواند تحولات سریعی در پوشش رسانه‌ای ورزش کشور رقم بزند. در ماده ۲۲ لایحه «نظام باشگاه‌داری کشور»، تبصره‌ای وجود داشت که انحصار تولید و پخش مسابقات ورزشی را در اختیار صداوسیما قرار می‌داد. بر اساس این تبصره، تمامی آثار تولیدی مسابقات ورزشی متعلق به این سازمان بوده و باشگاه‌ها موظف بودند برای ضبط، تولید و پخش زنده رقابت‌ها، تنها با صداوسیما همکاری کنند. به بیان دیگر، هرگونه پخش مسابقه باید صرفاً از طریق شبکه‌های تلویزیونی و سامانه‌های وابسته به صداوسیما صورت می‌گرفت تا همه مردم امکان تماشای آن را داشته باشند. اما روز گذشته در صحن علنی مجلس، این تبصره حذف و به این ترتیب انحصار صداوسیما در پخش مسابقات ورزشی شکسته شد. بر پایه مقررات جدید، صداوسیما همچنان می‌تواند به ضبط و پخش مسابقات ادامه دهد، اما دیگر محدودیتی برای سایر بسترها وجود ندارد. به عبارت روشن‌تر، از این پس سکوهای آنلاین، شبکه‌های دیجیتال و پلتفرم‌های خصوصی نیز می‌توانند مجوز پخش رقابت‌های ورزشی را دریافت و اجرا کنند.

توپ و تور

لیگ برتر بسکتبال مردان ایران امروز آغاز می‌شود

استقلال مدعی تازه، گرگان در مسیر دفاع از قهرمانی

فرخ حسابی/ لیگ برتر بسکتبال مردان ایران رسماً از امروز، دهم مهرماه آغاز می‌شود و فصل جدیدی از رقابت‌های نفسگیر و هیجان‌انگیز را پیش روی علاقه‌مندان قرار می‌دهد. این دوره با حضور ۱۲ تیم و ترکیبی از بازیکنان داخلی و خارجی، سطح کیفی و جذابیت بیشتری نسبت به سال‌های قبل خواهد داشت. یکی از نکات برجسته این فصل، ورود باشگاه استقلال تهران به لیگ برتر است؛ تیمی که با هدایت مهران شاهین‌طبع و جذب بازیکنان سرشناس و ملی‌پوش از جمله ارسلان کاظمی، کاپیتان تیم ملی، به طور جدی مدعی قهرمانی ظاهر شده است. استقلال که پیش‌فصل را با سه پیروزی قاطع پشت سر گذاشته، با ترکیبی از تجربه و جوانی، خواهان تثبیت جایگاهش در جمع مدعیان است.

از سوی دیگر، شهرداری گرگان که قهرمان فصل گذشته بود و با مشکلات مالی و حواشی متعدد دست و پنجه نرم کرد، با عزم راسخ برای دفاع از عنوان خود پا به مسابقات گذاشته است. گرگانی‌ها با جذب بازیکنان خارجی باکیفیت، بویژه جردن همیلتون، بازیکن سابق NBA و همچنین اتکا به استعدادهای بومی، درصدد حفظ افتخار و تکرار موفقیت‌های فصل گذشته هستند. بودجه ۱۰۰میلیارد تومانی این تیم نشان‌دهنده تعهد مدیریت برای خلق یک تیم برنده و رقابتی است.

برنامه هفته اول لیگ برتر، پنجشنبه، دهم مهرماه:

طبیعت اسلامشهر ..... گلنور اصفهان
رعد پدافند هوایی اصفهان ..... پترونوین ماهشهر
مهگل البرز ..... پاس کردستان
پالایش نفت آبادان ..... پایش پارت شاهرود
شهرداری گرگان ..... نفت زاگرس جنوبی
کاله مازندران ..... استقلال تهران

اتفاق روز

مربی آفریقایی دوومیدانی نیامده حاشیه‌ساز شد

صیامی: فعالیت آموس در ایران منع قانونی ندارد

گروه ورزشی / مربی آفریقایی دونده‌های نیمه‌استقامت، هنوز نیامده، حاشیه‌ساز شده است. نیجل آموس، نایب‌قهرمان المپیک ۲۰۱۲ لندن که پس از مربی اهل لتونی پرتابگران چکش، برای مذاکره با رئیس فدراسیون دوومیدانی بامداد دیروز وارد تهران شد، به دلیل سابقه دوپینگ، چالشی تازه برای احسان حدادی رقم زده است. آموس، مربی اهل بوتسوانا و دارنده مدال نقره ماده ۸۰۰ متر المپیک لندن ۲۰۱۲، سال ۲۰۲۲ به دلیل دوپینگ به سه سال محرومیت محکوم شد؛ هرچند محرومیت او در ۲۰ تیرماه امسال پایان یافته است. با اینکه از پایان محرومیت مربی ۳۱ ساله سه ماه می‌گذرد، منتقدان با اشاره به سابقه دوپینگ او، فدراسیون را زیر سؤال برده‌اند و نگرانی دارند که دونده‌های ایران نیز تحت تأثیر دوپینگ قرار بگیرند. با این حال، هاشم صیامی، نائب‌رئیس فدراسیون دوومیدانی، دراین باره می‌گوید: «درست است که آموس به تهران آمده، اما هنوز هیچ قراردادی با او امضا نشده و فعلاً پروسه مذاکره نهایی با مربی آفریقایی در جریان است. از طرف دیگر، محرومیت سه‌ساله آموس سه ماه پیش پایان یافته و هیچ قانونی وجود ندارد که مانع فعالیت مربی‌ای شود که پیش‌تر به دوپینگ متهم بوده است.» با وجود ادعای صیامی مبنی بر عدم امضای قرارداد، مربی دونده‌های نیمه‌استقامت تنها بلیت پرواز به تهران گرفته و مشخص نیست چه زمانی به کشورش بازخواهد گشت. بنابراین، اگر احسان حدادی و آموس به توافق برسند، او در کمپ تیم‌های ملی دونده‌های نیمه‌استقامت فعالیت خواهد کرد تا شاگردانش را برای بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ ناگویا آماده کند و به شرط کسب مدال و رکورد در سال آینده، قراردادش تمدید خواهد شد.

رئیس سازمان خصوصی‌سازی در گفت‌وگو با روزنامه ایران مطرح کرد

شفافیت مالی استقلال و پرسپولیس حق مردم است

سوال و جواب

سینا حسینی/ ۵۲۵ روز از واگذاری رسمی مالکیت دو باشگاه استقلال و پرسپولیس به بخش خصوصی می‌گذرد. هرچند اوضاع مالی این دو باشگاه نسبت به گذشته بهبود یافته و دیگر خبری از معضل کمبود منابع مالی برای آبی‌ها و قرمزهای پایتخت نیست، اما همچنان منتقدان بر این باورند که این دو باشگاه در ردیف بنگاه‌های زیان‌ده قرار دارند و نرخ زیان انباشته آنها به شکل نگران‌کننده‌ای در حال افزایش است. به همین بهانه، سراغ زهره عالی‌پور، رئیس سازمان خصوصی‌سازی، رفتیم تا دیدگاه‌های او درباره روند واگذاری استقلال و پرسپولیس به بخش خصوصی را جویا شویم. در ادامه، حاصل این گفت‌وگو را مرور خواهیم کرد.

۷۵ هفته از واگذاری رسمی دو باشگاه گذشته است. به عنوان رئیس دستگاه ناظر، روند واگذاری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این اقدام باید بسیار زودتر از این صورت می‌گرفت، زیرا قوانین بودجه سنواتی کشور به صراحت دولت را موظف کرده بودند که این دو باشگاه به بخش خصوصی واگذار شوند، اما مقاومت‌های طولانی و غیرمنطقی در برابر این واگذاری وجود داشت. خوشبختانه در سال ۱۴۰۳، این واگذاری به صورت عملیاتی انجام شد و به اعتقاد من، این یک گام مهم رو به جلو بود که می‌تواند آغازگر تحولی اساسی و بنیادین در حوزه مدیریت مالی و ساختاری باشگاه‌های ورزشی کشور باشد.

با این حال، برخی منتقدان نسبت به واگذاری خوش‌بین نیستند و معتقدند ایرادهای اساسی در مدل اجرا شده وجود دارد.

بدون شک مشکلات و چالش‌هایی در مسیر واگذاری وجود دارد، اما انجام این اقدام اجتناب ناپذیر بود. منتقدان بر این باورند که واگذاری دو باشگاه به کنسرسیوم بانکی یا صنایع پتروشیمی خلیج فارس، خصوصی‌سازی واقعی به معنای دقیق منطبق با سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی یعنی حضور بخش خصوصی نیست، اما نباید بدبینی مانع حرکت رو به جلو شود، زیرا در مراحل بعدی امکان جابه‌جایی و فروش سهام این دو باشگاه به بخش خصوصی واقعی وجود دارد. در مجموع، واگذاری استقلال و پرسپولیس را می‌توان به عنوان یک رویداد مبارک و امیدبخش ارزیابی کرد که می‌تواند پایه‌ای برای تحولات بزرگ‌تر و بنیادی‌تر در حوزه مدیریت باشگاه‌ها باشد.

شفاف‌سازی مالی همواره یکی از مطالبات اصلی افکار عمومی بوده است. آیا مدل شفاف‌سازی مالی پس از واگذاری را تأیید می‌کنید؟

تمام بنگاه‌های حاضر در بورس طبق قانون موظف به شفاف‌سازی هستند و مردم حق دارند در جریان جزئیات عملکرد مالی این بنگاه‌ها، از جمله باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس قرار گیرند. باشگاه‌ها نیز موظف‌اند صورت‌های مالی خود را به‌صورت شفاف و کامل از طریق سایت کدال در اختیار عموم قرار دهند. شفاف‌سازی مالی حق مردم است. نسل جوان ما تشنه شفاف‌سازی مالی است به همین علت آنها امروز می‌توانند با مراجعه به سایت کدال در جریان ریز هزینه‌کرد دو باشگاه و صورت‌های مالی این دو مجموعه باشند؛ اتفاقی که تا پیش از این وجود نداشت.

تهیه صورت‌های مالی دقیق و استاندارد برای دو باشگاه، زمان‌بر و مستلزم تلاش فراوان بود، اما خوشبختانه گام‌های مهمی طی یک دهه در این مسیر برداشته شد. امید است که سیستم حسابرسی باشگاه‌ها به بهترین نحو عمل کند تا صورت‌های مالی آنها با شفافیت کامل در دسترس عموم قرار گیرد و زمینه اعتماد و آگاهی عمومی فراهم شود.

مدل‌های موفق جهانی نشان می‌دهد که راه‌حل، اختراع دوباره نیست، بلکه بهره‌گیری از تجربه‌های آزموده‌شده و انطباق آنها با شرایط کشور خودمان است. به همین دلیل لازم است جلسات و گفت‌وگوهای جدی میان مسئولان استادان دانشگاه کارشناسان ورزشی و نهادهای سیاست‌گذار برگزار شود

نزدیک شدن سیستم مالی دو باشگاه به معیارهای استاندارد، یکی از دستاوردهای مثبت واگذاری بود، اما همچنان ایرادهایی وجود دارد. پیش‌بینی شما از ادامه این مشکلات چیست؟

استانداردسازی سیستم مالی دو باشگاه کاری پیچیده و دشوار بود. به اعتقاد من، یک «جراحی مالی» جدی انجام شد تا وضعیت مالی هر دو باشگاه به حد استاندارد نزدیک شود، اما این روند باید ادامه یابد و نباید تصور کرد که کار به اتمام رسیده است. با وجود فاصله وضعیت فعلی با شرایط ایده‌آل، تحولات انجام شده قابل قبول و امیدبخش است. دستگاه‌های ناظر نیز با حساسیت بالا وضعیت مالی دو باشگاه را رصد می‌کنند و در صورت مشاهده هرگونه تخلف یا انحراف از قوانین، بدون تردید وارد عمل خواهند شد تا تمامی فرآیندها مطابق مقررات و استانداردهای قانونی انجام شود.

در مقطع کنونی، فرآیند نظارت سازمان خصوصی‌سازی بر عملکرد مالی استقلال و پرسپولیس بر چه اساسی انجام می‌شود؟

قانونگذار تکلیف را روشن کرده است، شرکت‌های حاضر در بورس و فرابورس موظف‌اند گزارش‌های حسابرسی و صورت‌های مالی خود را در تاریخ‌های مشخص ارائه و شفافیت کامل را رعایت کنند. سازمان خصوصی‌سازی نیز در فواصل زمانی شش‌ماهه، گزارش‌های جامع مالی و بازرسی دو باشگاه را دریافت می‌کند و مدیران موظف‌اند عملکرد خود را دقیقاً بر اساس سازوکارهای قانونی ارائه دهند و صورت‌های مالی را برای اطلاع افکار عمومی در سایت کدال منتشر کنند. این سازوکار نظارتی، اطمینان می‌دهد که تمامی فعالیت‌های مالی باشگاه‌ها تحت کنترل و قابل رصد است.

مهم‌ترین دغدغه کارشناسان و صاحبنظران، نرخ بالای زیان انباشته دو باشگاه است. برای رفع این معضل چه راهکارهایی وجود دارد؟

اساس خصوصی‌سازی در سطح جهان بر این مبناست که بنگاه‌های دولتی زیان‌ده بتوانند از طریق مدیریت خصوصی، وضعیت مالی خود را سامان دهند. نگرانی در خصوص زیان انباشته منطقی است، اما باید توجه داشت که بنگاه‌ها باید در مسیر درست مدیریت قرار گیرند و با برنامه‌ای زمان‌بندی شده و تجاری سازی فعالیت ها، میزان زیان انباشته خود را کاهش دهند. طبیعتاً استقلال و پرسپولیس نیز با بهره‌گیری از مدیریت صحیح و راهکارهای کارشناسی می‌توانند این معضل را در مدت زمان مشخصی برطرف کنند. همچنین توصیه ها و نظرات کارشناسی لازم به مالکان هر دو باشگاه ارائه خواهد شد تا روند کاهش زیان انباشته به شکل اصولی و تدریجی پیش رود و در نهایت ثبات مالی و عملکردی دو باشگاه تضمین شود.

منتقدان بر این باورند که واگذاری دو باشگاه به کنسرسیوم بانکی یا صنایع پتروشیمی خلیج فارس خصوصی‌سازی واقعی به معنای دقیق منطبق با سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی یعنی حضور بخش خصوصی نیست

توصیه‌ها و نظرات کارشناسی لازم به مالکان هر دو باشگاه ارائه خواهد شد تا روند کاهش زیان انباشته به شکل اصولی و تدریجی پیش رود و در نهایت، ثبات مالی و عملکردی دو باشگاه تضمین شود

«عمومی سازی» به جای «خصوصی سازی صوری»

دکتر رضا محمد کاظمی
استاد دانشگاه و کارشناس تخصصی دادگستری در ورزش

بحث واگذاری باشگاه‌ها نباید با مفهوم «خصوصی‌سازی» یکی دانسته شود. خصوصی‌سازی بار حقوقی و ملاحظات خاص خود را دارد، در حالی که آنچه ما به دنبال آن هستیم، در حقیقت نوعی «عمومی‌سازی» است؛ انتقال مالکیت و مدیریت باشگاه‌ها به مردم و ذی‌نفعان واقعی، نه به یک بخش محدود و خاص. ای کاش آغاز این مسیر از همان جایی بود که تجربه‌ها و نمونه‌های موفق وجود داشت. مثلاً از باشگاه‌های وابسته به صنایع بزرگ مانند فولاد مبارکه سپاهان یا ذوب‌آهن اصفهان. چه کسانی شایسته‌تر از کارگران زحمتکش این کارخانه‌ها که خود سهامدار و مالک باشگاه‌هایشان شوند؟

در تاریخ ورزش جهان نیز نمونه‌های مشابه دیده می‌شود. برای مثال، در انگلستان، کارگران راه‌آهن سهام باشگاه منچستریونایتد را خریداری کردند و این اتفاق باعث شد باشگاه، هم سرمایه واقعی به دست آورد و هم جایگاه اجتماعی پیدا کند.

اگر چنین مدلی در کشور ما پیاده می‌شد، بسیاری از مشکلات امروز وجود نداشت. کارگران و کارکنان کارخانه‌ها که امروز گلایه دارند از منابعشان برای پرداخت قراردادهای میلیاردی بازیکنان خرج می‌شود، در آن شرایط خود را سهامدار می‌دانستند و نه تنها معترض نبودند، بلکه با افتخار در کنار تیمشان می‌ایستادند و سکوها را پر می‌کردند.

با این روش، باشگاه‌ها به معنای واقعی کلمه وارد فرآیند «واگذاری» می‌شدند و نه صرفاً تغییر اسم یا انتقال صوری. این همان چیزی است که در قوانین و مقالات معتبر دنیا نیز توصیه شده است.

در واقع، اگر واگذاری به درستی انجام می‌گرفت، ما می‌توانستیم ابتدا مسیر را از این باشگاه‌های صنعتی آغاز کنیم، تجربه بیندوزیم و سپس به سراغ دو باشگاه بزرگ ملی کشور برویم. بدین ترتیب حتی امکان جذب سرمایه‌گذاران ایرانی خارج از کشور نیز وجود داشت.

تأکید می‌کنم که خصوصی‌سازی به معنای امروزی آن، نه‌تنها مشکل را حل نمی‌کند بلکه تجربه گذشته نشان داده دوباره همان چرخه معیوب تکرار خواهد شد. آنچه باید اتفاق بیفتد «عمومی‌سازی» واقعی است؛ یعنی تبدیل باشگاه‌ها به شرکت‌های سهامی عام یا تعاونی‌های سهامی عام متشکل از هواداران. در این مدل، هواداران با ثبت‌نام رسمی و برخورداری از هویت شفاف، به سهامداران باشگاه تبدیل می‌شوند و نمایندگانشان در هیأت مدیره حضور پیدا می‌کنند.

در حال حاضر، واگذاری‌ها به شکل ناقص انجام شده است. بدین صورت که سهام به مردم داده‌اند، اما این سهامداران نقشی در تصمیم‌گیری‌ها ندارند. باشگاه‌ها بعضا با انتخاب‌های غیرکارشناسی اداره می‌شوند و ساختارها اصلاح نشده است. در حالی که اگر باشگاه‌ها به صورت شرکت‌های تعاونی یا سهامی عام سازماندهی می‌شدند، هواداران خود تصمیم می‌گرفتند که هزینه‌ها چگونه مصرف شود. آیا صرف خرید بازیکن شود، یا به سمت آکادمی و زیرساخت‌ها برود. این فرآیند مشارکتی می‌توانست جلوی بسیاری از انحرافات و هزینه‌های بی‌ثمر را بگیرد.

البته این تغییر مسیر نیازمند شجاعت و نگاه بلندمدت است. یعنی حتی اگر یک یا دو سال از قهرمانی‌ها دور بمانیم، اما در عوض زیرساخت‌ها را بسازیم و باشگاه را روی پایه‌های محکم بنا کنیم، آن وقت است که در آینده موفقیت پایدار به دست خواهیم آورد. اما با مسیر فعلی، شاهد از دست رفتن سال‌ها فرصت و ناکامی‌های مکرر در لیگ قهرمانان آسیا و سایر رقابت‌ها خواهیم بود.

مدل‌های موفق جهانی نشان می‌دهد که راه‌حل، اختراع دوباره نیست، بلکه بهره‌گیری از تجربه‌های آزموده‌شده و انطباق آنها با شرایط کشور خودمان است.

به همین دلیل لازم است جلسات و گفت‌وگوهای جدی میان مسئولان، استادان دانشگاه، کارشناسان ورزشی و نهادهای سیاست‌گذار برگزار شود تا مسیر واگذاری باشگاه‌ها از حالت شعاری و صوری خارج شده و به الگویی واقعی و علمی بدل گردد.

مختاری، رکورددارپرتاب وزنه ایران شکایت می کند

پرتابگر کشور چک با اعمال نفوذ مدال می‌گیرد

واکنش

گروه ورزشی / علیرضا مختاری، پرتابگر وزنه کلاس F53 ایران، معتقد است اعمال نفوذ دلیل اصلی از دست رفتن مدال نقره‌اش در مسابقات جهانی هند بوده است. او که در سومین روز رقابت‌ها با رکورد ۸.۶۵ متر صاحب مدال نقره شده بود، پس از اعتراض پرتابگر جمهوری چک به دو پرتاب صحیحش، نه تنها این پرتاب‌ها خطا اعلام شد، بلکه خودش از جدول مسابقات حذف شد.

مختاری رکورددار جهان با پرتاب ۹ متر و۱۰ سانتی‌متر، دراین باره گفت: «دیروز صبح سایت بازی‌ها را بررسی کردم و دیدم وضعیت کلاس ما چقدر عجیب است؛ یک پرتابگر چند سال است با اعتراض، مدال می‌گیرد. کسی که از سال ۲۰۱۹، وقتی پنجم جهان شد، ناگهان با اعتراض و حذف پرتابگران آمریکا و یونان مدال طلا گرفت. اگر این اعمال نفوذ نیست، پس چه چیزی می‌تواند باشد؟ سال ۲۰۲۳ هم همین اتفاق افتاد و امسال نیز، بجز من، حتی پرتابگر روسیه را حذف کردند و با رکورد ۸ متر و ۲۰ سانتی‌متر به راحتی مدال نقره گرفت. این حقه‌بازی کلاس ما را به نابودی کشانده است.»

او در ادامه به تأثیر فشارهای سیاسی اشاره کرد: «ظاهراً پرتابگر چک نفوذ زیادی در سیستم داوری دارد. در حالی که برخی کشورها مانند جمهوری چک اعمال نفوذ می‌کنند، ما هیچ نفوذی نداریم و با اینکه با پرتاب ۸ متر و ۸۵ سانتی‌متری می‌توانستم مدال طلای جهانی را کسب کنم، این‌گونه ضربه می‌خورم. توجیه نمی‌کنم، اما وقتی داوران با زدن پرچم سفید، پرتاب مرا تأیید می‌کنند، چگونه پس از مسابقه و تنها با یک نامه، پرتاب‌هایم رد و من حذف می‌شوم؟ مگر در مسابقات فوتبال حتی یک تیم با خطا هم برنده شود آیا امکان دارد بعد نتیجه تغییر کند؟!»

مختاری در پایان افزود: «با بازگشت به تهران قصد دارم نامه‌ای به کمیته پارالمپیک بنویسم تا حقم را از کمیته بین‌المللی پارالمپیک بگیرم.»

تیم ملی واترپلوی ایران آماده رقابت با آسیایی‌ها می‌شود

درخشش در هند برای رسیدن به فینال ناگویا

ورزش های آبی

گروه ورزشی / تیم ملی واترپلوی ایران پس از ورود به احمدآباد هند و برگزاری دو جلسه تمرینی در شهر میزبان، خود را برای آغاز رقابت‌های دور مقدماتی یازدهمین دوره مسابقات قهرمانی ورزش‌های آبی آسیا ـ انتخابی بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ ـ آماده می‌کند.

ترکیب اعزامی ایران شامل حامد کریمی، امیرحسین امیریان، امیر رضا جلیلی پور، مهدی برزگری، امید آقایی کریم، فربد بهزادصبوری، اشکان ایران‌پور، فربد برقعی، امین قویدل، علیرضا مهری، آرمان شمس، مرصاد ادهم، مهدی یزدان‌خواه، مهراب گلستانی‌راد و عرفان صدرنیا است.

ملی‌پوشان کشورمان ساعت ۱۰:۳۰ صبح شنبه در اولین دیدار خود در مرحله گروهی به مصاف تیم قدرتمند چین می‌روند.

در این دوره، ایران در گروه A با تیم‌های چین، هنگ‌کنگ و ازبکستان هم‌گروه است. در گروه B نیز تیم‌های ژاپن، سنگاپور، قزاقستان، هند و تایلند حضور دارند.

مهدی پنام‌تاش، سرمربی تیم ملی، قرعه ایران را سخت اما قابل عبور می‌داند: «درست است که گروه دشواری داریم، اما وقتی هدف، نتیجه‌گیری است، نام حریفان اهمیتی ندارد. باید از جان و دل تلاش کنیم تا با درخشش در آسیا، مسیر صعود به فینال بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ را هموار کنیم.»

او همچنین به توانایی‌های تیم جوان خود ایمان دارد: «تردیدی نیست که این تیم می‌تواند روی سکوی آسیا قرار بگیرد.

هرچند توقع کسب مدال از بازیکنان وجود دارد، اما سعی می‌کنم این انتظار به آنها فشار نیاورد تا بدون استرس بهترین عملکردشان را نشان دهند.»

تیم ملی ایران در اولین گام، شنبه هفته آینده ساعت ۱۰:۳۰ برابر چین به آب می‌زند؛ تیمی که پیش‌تر در رقابت‌های جهانی حضور داشته و اردوی مشترکی نیز با تیم ملی روسیه برگزار کرده است.

فناوری امید تازه‌ای برای حل بحران جهانی کم‌آبی ایجاد کرده است

جهان به دنبال تبدیل هوا به آب

فناوری

آرزو کیهان
گروه علم و فناوری

براساس داده‌های سازمان جهانی بهداشت، بیش از دو میلیارد نفر هنوز به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و این رقم در اثر تغییرات اقلیمی و رشد جمعیت رو به افزایش است.

رودخانه‌ها و سفره‌های زیرزمینی بیش از ظرفیت برداشت می‌شوند، بارش‌های نامنظم، امنیت آبی را تهدید می‌کند و گاه برای تأمین آب شهری، این مایه حیات از صدها کیلومتر دورتر منتقل می‌شود. در چنین شرایطی، فناوری‌های نوین ازجمله «تبدیل هوا به آب» جایگاهی ویژه پیدا کرده‌اند؛ روشی که به جای تکیه بر دریا یا رودخانه، مستقیم به رطوبت موجود در جو زمین متوسل می‌شود.

الهام از طبیعت

در فناوری تبدیل هوا به آب Atmospheric Water Generation (AWG)، بخار آب موجود در هوا به مایع تبدیل و سپس تصفیه می‌شود تا قابل آشامیدن شود. این فناوری در اصل الهام گرفته از فرآیندهای طبیعی همچون تشکیل شبنم صبحگاهی است. دو روش اصلی برای این کار وجود دارد. روش اول «چگالش» است که شبیه کولر گازی در مناطقی با رطوبت بالا عمل می‌کند و با سرد کردن هوا تا زیر نقطه شبنم، بخار موجود در آن را به قطرات آب تبدیل می‌کند. روش دوم «جذب رطوبت» است که با استفاده از مواد جاذب مانند نمک‌ها و ژل‌ها، بخار موجود در هوا را به دام می‌اندازد و سپس آن را با گرما آزاد می‌کند. این روش برای مناطق خشک و نیمه‌خشک کارآمدتر است زیرا در رطوبت پایین نیز می‌تواند آب تولید کند.

پروژه دیگری هم برای تولید آب از هوا مطرح است که از قورباغه‌های درختی و گیاهان الهام گرفته شده و می‌تواند با استفاده از یک غشای هیدروژلی، روزانه یک گالن آب آشامیدنی از هوا در لاس وگاس تولید کند.

«اچ. جرمی چو»، استاد مهندسی مکانیک در دانشگاه نوادا، در این باره می‌گوید: «شاید ابتدا این ایده به نظر علمی‌تخیلی بیاید، اما واقعاً امکان‌پذیر است.

هرچند این روش بسیار هزینه بر است اما برای کاربردهای کوچک که در آن به مقدار کمی آب آشامیدنی با کیفیت بالا نیاز دارید، مناسب است.»

مزایا و چالش‌های یک طرح

جذابیت اصلی فناوری AWG در دسترسی تقریباً نامحدود به هوا یعنی منبعی است که همه‌جا وجود دارد. علاوه بر این، برخلاف شیرین‌سازی آب دریا که به تأسیسات عظیم و انتقال پرهزینه نیاز دارد، در این روش یک دستگاه کوچک می‌تواند در یک روستا یا حتی خانه نصب شود و آب آشامیدنی تولید کند. به همین دلیل برای مناطق دورافتاده، جزایر کوچک یا شرایط بحرانی، ایده‌آل است. علاوه بر این، آب تولیدی معمولاً عاری از آلاینده‌های شیمیایی یا میکروبی است، چراکه از بخار آب تشکیل می‌شود. اما در کنار این فرصت‌ها، محدودیت‌هایی نیز وجود دارد. اولین چالش، مصرف انرژی است. سرد کردن حجم زیادی از هوا برای تولید آب، نیازمند برق فراوان است و در شرایطی که انرژی گران یا محدود باشد، کارایی اقتصادی آن زیر سؤال می‌رود. برآوردها نشان می‌دهد برخی واحدهای متوسط برای هر لیتر آب حدود یک کیلووات‌ساعت برق مصرف می‌کنند؛ رقمی که در مقیاس بزرگ بسیار پرهزینه است. دومین چالش، وابستگی به اقلیم است. در مناطقی با رطوبت زیر ۳۰ درصد، دستگاه‌های مبتنی بر چگالش عملاً کارایی چندانی ندارند. سومین مانع، قیمت اولیه بالای دستگاه‌هاست که می‌تواند از چند هزار دلار برای مدل‌های کوچک تا ده‌ها هزار دلار برای نمونه‌های صنعتی، متغیر باشد. پس این فناوری نمی‌تواند جایگزین شبکه‌های بزرگ آبرسانی شود ولی می‌تواند در شرایط اضطراری و در جوامع فقیر نقش‌آفرین باشد.

نمونه‌های موفق AWG

گزارش‌ها نشان می‌دهد بازار تولید آب از هوا در برخی اقلیم ها به سرعت در حال گسترش است. ارزش این بازار در سال ۲۰۲۴ حدود ۲٫۸ میلیارد دلار بوده و پیش‌بینی می‌شود این رقم تا ۲۰۳۴ به بیش از ۶ میلیارد دلار برسد. این رشد، ناشی از ترکیبی از عواملی چون تشدید بحران آب، فشار برای یافتن منابع پایدار و پیشرفت فناوری‌های نو بوده است.

از نمونه‌های کاربردی این فناوری می‌توان به ایالت آریزونای آمریکا اشاره کرد که یک جامعه بومی با نصب چند دستگاه AWG توانسته روزانه صدها گالن آب آشامیدنی تولید کند و وابستگی خود به تانکرهای سیار آب را کاهش دهد. در هند و خاورمیانه هم برخی سامانه‌های خورشیدی از انرژی خورشید برای تولید آب استفاده می‌کنند. در آفریقا نیز پروژه‌های آزمایشی نشان داده‌اند که ترکیب AWG درمدارس یا مراکز درمانی می‌تواند دسترسی پایدار به آب سالم را تضمین کند. در برخی مناطق دورافتاده و بومی‌نشین استرالیا هم دستگاه‌های کوچک خانگی برای تولید آب آشامیدنی نصب شده است. درامارات متحده عربی و عربستان سعودی هم چند پروژه آزمایشی با دستگاه‌های خورشیدی AWG اجرا شده تا وابستگی به شیرین‌سازی پرهزینه آب دریا کاهش یابد. در این میان سازمان‌های غیردولتی و یونیسف پروژه‌هایی را با این روش برای مدارس و مراکز درمانی روستایی در کنیا، نامیبیا و آفریقای جنوبی اجرا کرده‌اند تا کودکان به آب سالم دسترسی داشته باشند. همزمان، نوآوری در مصرف انرژی نیز در حال رخ دادن است. برخی شرکت‌ها از گرمای زائد کارخانه‌ها یا دیتاسنترها برای تأمین انرژی لازم استفاده می‌کنند. گروهی دیگر به دنبال ادغام دستگاه‌های AWG با سامانه‌های تهویه ساختمان هستند تا همزمان خنک‌سازی و تولید آب صورت گیرد. چنین ایده‌هایی می‌توانند دسترسی به آب آشامیدنی را تسهیل کنند.

ارتباط عجیب طوفان‌های خورشیدی و حمله قلبی زنان

فضا

گروه علم و فناوری - پژوهشگران برزیلی از ارتباط مستقیم بین طوفان‌های خورشیدی و افزایش میزان بروز حملات قلبی بویژه در زنان خبر داده‌اند.

به گفته این محققان، اختلالات ژئومغناطیسی ناشی از طوفان‌های خورشیدی می‌تواند احتمال بروز حملات قلبی را افزایش دهد.

این پژوهش با استفاده از داده‌های سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ انجام شده است. این دوره با شدت بالای فعالیت خورشیدی همراه بوده و دانشمندان با بررسی اطلاعات ۸۷۱ مرد و ۴۶۹ زن بستری شده بر اثر سکته قلبی و تحلیل تغییرات میدان مغناطیسی زمین، به این نتیجه رسیدند.

در این تحقیق، روزها بر اساس آرام، متوسط و آشفته بودن وضعیت ژئومغناطیسی خورشید دسته‌بندی شدند و نتیجه نشان داد هرچند تعداد حملات قلبی در مردان تقریباً دو برابر زنان است، اما زنان در روزهای مغناطیسی آشفته، به شکل چشمگیری آسیب‌پذیرترند. همچنین مشخص شد با شروع طوفان‌های ژئومغناطیسی خورشیدی، احتمال حمله قلبی برای زنان گروه سنی ۳۱ تا ۶۰ سال تا سه برابر افزایش یافته است. هنوز دلیل مشخصی برای آسیب‌پذیری بیشتر زنان یافت نشده و پاسخ به این پرسش نیاز به مطالعات بیشتری دارد.

دانشمندان تلاش می‌کنند با فناوری‌های نوین، وقوع چنین اختلالاتی را دقیق‌تر پیش‌بینی کنند و اگر در آینده رابطه آن با بیماری‌های قلبی تأیید شود، می‌توان بویژه برای بیماران قلبی که ممکن است بیش از دیگران در معرض خطر باشند، راهکاری اندیشید. خورشید در چرخه‌های ۱۱ ساله وارد دوره‌های اوج فعالیت می‌شود و پیش‌بینی می‌شود سال ۲۰۲۵ یکی از سال‌های پرحادثه از نظر طوفان‌های خورشیدی باشد، با این حال شدت تأثیر این اختلالات در نقاط مختلف زمین یکسان نیست.

حوزه فاوا

■ محمد رستمی، سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس اعلام کرد وزیر ارتباطات با انجام تحقیق و تفحص درباره سامانه‌ها و عوامل اصلی تولید و توزیع فیلترشکن‌ها در کشور موافقت کرده است. در نشست این کمیسیون، تقاضای تعدادی از نمایندگان برای انجام تحقیق و تفحص در خصوص سامانه‌ها و عناصر اصلی تولید، توزیع و فروش فیلترشکن‌ها در ایران و همچنین سامانه‌های مدیریت گذرگاه داده‌های کشور و مقابله با فیلترشکن‌ها مطرح و بررسی شد. در نهایت با موافقت وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، مقرر شد این تحقیق و تفحص با همکاری این وزارتخانه کلید بخورد.

■ محمدمحسن صدر، رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران درباره تأثیرات احتمالی مکانیسم ماشه بر حوزه فناوری اطلاعات اظهار کرد: «کشور ما سال‌هاست که درگیر تحریم است، بنابراین اعمال تحریم چیز جدیدی نیست. اگر از توان داخلی با تکیه بر جوانان در حوزه فناوری اطلاعات و ایجاد زیرساخت‌ها و همچنین پلتفرم‌های مناسب برای تسهیل کار کردن در این حوزه استفاده کنیم، بسیاری از تأثیرات تحریم را خنثی کرده‌ایم و حالا هم در این مسیر قرار داریم.»

■ حسین سادات حسینی، رئیس کمیسیون تخصصی موبایل و لوازم جانبی اتاق اصناف ایران از پیگیری مشکل گوشی‌هایی که چندی پیش با تخلف وارد کشور شده است، خبر داد. وی افزود: «به دنبال درخواست مسئولان قضایی برای جمع‌آوری اطلاعات همه گوشی‌های صنف تلفن همراه در سراسر کشور، اتحادیه‌های هر شهر موظفند این اطلاعات را به اتاق اصناف اعلام کنند تا در نهایت تصمیم‌گیری شود.»

تازه‌های موبایل

■ گوشی ردمی K90، شبه‌پرچمدار جدید شیائومی، با پردازنده‌ای غیرمنتظره در دیتابیس گیک‌بنچ رؤیت شد. این گوشی ظاهراً با تراشه اسنپدراگون ۸ الیت عرضه می‌شود.

از هوش مصنوعی چه خبر؟

■ چت‌جی‌پی‌تی در آمریکا به کاربران اجازه می‌دهد خریدهای خود را از فروشگاه‌های Etsy و Shopify از طریق پرامپت انجام دهند. ارائه چنین قابلیتی به OpenAI کمک می‌کند تا تجارت الکترونیک را بازتعریف کند.

کوتاه از فناوری

■ ایلان ماسک در توئیتی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد استارتاپ xAI در حال ساخت Grokipedia است. به گفته ماسک، این دانشنامه، از ویکی‌پدیا عملکرد بهتری خواهد داشت.

■ واتس‌اپ از قابلیت تصاویر زنده (Live Photos) آیفون پشتیبانی می‌کند و کاربران می‌توانند عکس‌های متحرک را همراه با صدای ضبط شده، ارسال و دریافت کنند.

IRAN DAILY
www.newspaper.iran-daily.com
1877

آگهی شناسایی شرکت‌های تأمین‌کننده "تجهیزات X-RAY و گیت‌های فلزیاب"
نوبت دوم
شرکت پتروشیمی گچساران در نظر دارد جهت شناسایی شرکت‌های تأمین‌کننده ذیصلاح درخصوص "تجهیزات X-ray و گیت‌های فلزیاب" نسبت به شناسایی شرکت‌های واجد صلاحیت اقدام نماید. لذا کلیه متقاضیان حقوقی و واجد شرایط (طبق اسناد ارزیابی کیفی) می‌توانند از تاریخ درج آگهی جهت دریافت اسناد ارزیابی به آدرس www.gpetroc.ir بخش آگهی‌ها / اطلاعات مناقصات مراجعه نمایند.
شرکت پتروشیمی گچساران

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (نوبت دوم انتشار)
مجتمع تحقیقاتی و صنعتی شهید حسین‌پور
در نظر دارد از طریق آگهی روزنامه نسبت به واگذاری انجام موضوع زیر اقدام نماید.

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
۱۹/م ع/۶۸۲۱/۷۳/۰۴	تأمین متریال، ساخت، تست و تحویل دهی مجموعاً ۳ عدد مکانیزم هد والو مورد نظر کارفرما	۵,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

•معیارهای کلی ارزیابی مناقصه‌گر: ۱-دانش، تجربه و سابقه اجرایی مرتبط با موضوع مناقصه ۲-توانایی مالی، فنی و تجهیزاتی ۳-حسن سابقه ۴-پروانه بهره‌برداری/ جواز کسب/مجوز فعالیت از اصناف مربوطه ۵-وضعیت موقعیت مکانی مناقصه‌گر ۶-وضعیت گواهینامه سمتا •مهلت دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۷ الی ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ غیر از پنجشنبه و ایام تعطیل رسمی از ساعت ۸ تا ۱۶ •مهلت تکمیل و تحویل پاکت‌های پیشنهاد: از تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ الی ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ در محل کارفرما • تاریخ گشایش پاکت‌های پیشنهاد: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ •مبلغ فروش اسناد مناقصه: مبلغ ۱۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال واریز به شماره شبا IR ۰۹۰۱۵۰۰۰۰۰۰۰۹۸۷۸۰۰۳۶۵۵۱۱ بانک سپه شعبه مرکزی شاهین شهر (فیش واریزی بانکی باید هنگام دریافت اسناد مناقصه ارائه گردد) قبل از واریز بایستی "شناسه پرداخت" از مدیریت بازرگانی -امور قراردادهای مجتمع دریافت گردد. •مناقصه‌گزار اختیار رد هریک یا تمام پیشنهادهای مناقصه‌گران را برای خود محفوظ می‌داند. •پرداخت هزینه درج آگهی در روزنامه به عهده برنده مناقصه می‌باشد. •تمامی جزئیات و شرایط شرکت در مناقصه در اسناد مناقصه ذکر شده است. •نشانی و تلفن: شاهین شهر، خیابان شهید بهشتی، نبش میدان مسرور، مجتمع تحقیقاتی و صنعتی شهید حسین پور
تلفن واحد بازرگانی: ۰۳۱۴۵۲۲۲۰۱۰ داخلی ۸۵۸۸۵ و فکس: ۰۳۱۴۵۲۳۰۷۰۱

آگهی مزایده عمومی
موضوع مزایده:
فروش بشکه‌های فلزی و پلاستیکی ضایعاتی پتروشیمی ایلام
شماره مزایده: ILPC-A-04-010 نوبت دوم
شرکت پتروشیمی ایلام به استناد مجوز صادره از کمیسیون معاملات در نظر دارد **فروش بشکه‌های فلزی و پلاستیکی ضایعاتی پتروشیمی ایلام** را طبق مشخصات مندرج در اسناد به مزایده بگذارد. لذا بدین‌وسیله از مزایده‌گران واجد شرایط دعوت می‌گردد از تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۶ به نشانی ذیل:
- www.ilampetro.com / بخش کمیسیون معاملات / زیر بخش مزایده مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام و حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ هر سه پاکت‌های الف، ب و ج خود را فقط به‌صورت فیزیکی در پاکت‌های مهر و موم‌شده به یکی از دو نشانی ذیل تحویل دهند: درج شماره موبایل و آدرس ایمیل بر روی پاکات الزامی می باشد.
- تهران، میدان شیخ بهائی، پلاک ۱۸، ساختمان رایان ونک، طبقه هفتم، واحد ۷۰۱، واحد کمیسیون معاملات
- ایلام، چوار، نرسیده به روستای آبزا، شرکت پتروشیمی ایلام، ساختمان مدیریت، واحد کمیسیون معاملات
بازدید از اقلام مزایده به‌صورت حضوری با درخواست کتبی، بلامانع است.
مزایده‌گر لازم است توانایی تودیع ضمانتنامه شرکت در مزایده به میزان ۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (سیصد میلیون ریال) را داشته باشد.
سایر اطلاعات و جزییات مربوطه در اسناد مزایده آمده است.
در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر، مزایده‌گران می‌توانند با شماره تلفن: ۰۸۴۳۸۳۹۰۰۰۰ داخلی ۲۲۱۳/۴۲۱۵ و یا تلفن همراه: ۰۹۹۱۲۰۵۳۷۵۶ تماس حاصل فرمایند.
آدرس: ایلام - چوار - نرسیده به روستای آبزا - شرکت پتروشیمی ایلام
تلفن: ۰۸۴-۳۸۳۹۰۰۰۰ داخلی ۲۲۱۳-۴۲۱۵ تلفکس: ۰۸۴۳۲۷۲۳۹۴۸ کدپستی: ۶۹۳۶۱۵۹۷۰۰
روابط عمومی شرکت پتروشیمی ایلام

اصلاحیه آگهی مناقصه عمومی
یک مؤسسه عمرانی در نظر دارد برونسپاری‌های زیر را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا بدین وسیله از کلیه پیمانکارانی که دارای سوابق مرتبط می‌باشند دعوت به‌عمل می‌آید ضمن واریز مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال (برای هر مناقصه) در وجه بانک سپه شعبه بلوار دریا به‌شماره حساب ۵۱۵۴۸۷۸۱۰۸۰۱۱ در ساعت اداری از تاریخ چاپ آگهی الی تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۶ با در دست داشتن معرفی‌نامه رسمی و اصل فیش واریزی به آدرس مندرج در آگهی مراجعه و نسبت به خرید اسناد اقدام نمایند:

ردیف	موضوع مناقصه پروژه قطعه سوم راه آهن چابهار-زاهدان	مبلغ ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه
۱	کلیه عملیات خاکریزی (شامل خاکبرداری از قرضه، بارگیری، حمل، پخش و میکس، کمپکت با تراکم های ۹۰، ۹۵، ۹۸ و ۱۰۰) (در ۳ بازه مجزا)	هربازه ۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	کلیه عملیات خاکبرداری در ترانشه با هرنوع طبقه بندی خاکی، حمل به دپو از ۱ تا ۳ کیلومتر (در ۴ بازه مجزا)	هربازه ۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۳	بارگیری، حمل و تخلیه مصالح خاکی از دپو و یا معدن قرضه به فاصله حمل ۱ الی ۶ کیلومتر (در ۵ بازه مجزا)	هربازه ۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۴	اجاره ماشین‌آلات سنگین و نیمه سنگین شامل (بلدوزر، بیل مکانیکی (پاکت و پیکور)، دریل واگن، پمپ دکل بتن، میکسر بتن، کمپرسی، گریدر، غلطک، آبپاش) (در ۱۰ بازه مجزا)	هربازه ۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۵	اجرای عملیات ابنیه فنی شامل ساخت و تکمیل گالری ترانشه‌ها (در ۵ بازه مجزا)	هربازه ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۶	اجرای عملیات ابنیه فنی شامل ساخت و تکمیل آبرو و دیوارهدایت ها (در ۳ بازه مجزا)	هربازه ۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۷	اجرای عملیات ابنیه فنی شامل ساخت و تکمیل تقاطع ها و پل های خاص (در ۳ بازه مجزا)	هربازه ۱۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۸	عملیات بارگیری و حمل و جاگذاری تیرهای بتنی پیش‌ساخته ۳۰ متری پل‌های خاص و تقاطع‌ها	۱۳,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۹	اجاره دستگاه جرثقیل ۳۰، ۲۵ و ۵۰ تنی جهت اجرای عملیات پل های خاص و تقاطع ها (۶ دستگاه مجزا)	هردستگاه ۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۱۰	اجرای عملیات سرند، بارگیری و حمل مصالح زیربالاست (در ۵ بازه مجزا)	هربازه ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۱۱	کلیه عملیات خاکریزی (شامل پخش و میکس، کمپکت با تراکم‌های ۹۰، ۹۵، ۹۸ و ۱۰۰) (در ۶ بازه مجزا)	هربازه ۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۱۲	کلیه عملیات تهیه و اجرای آسفالت محل تقاطع ها (در ۵ بازه مجزا)	هربازه ۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۱۳	اجرای عملیات ایستگاه های درجه ۳ بین راهی راه آهن (سه ایستگاه کیلومتر ۱۵۳، ۱۷۳ و ۱۹۲)	۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

شرایط: مناقصه‌گزار حق دارد هر یک از پیشنهادها را قبول یا رد کند یا بنا برتشخیص خود در هر زمان، حتی در آخرین مراحل، فرآیند مناقصه را لغو نماید و از این بابت هیچ مسؤولیت و تعهدی در برابر مناقصه‌گران نخواهد داشت.
۱- مازندران، ساری، میدان امام خمینی (ره)، بلوار جام جم، کوچه سعادت، جنب بیمه پاسارگاد، ساختمان مؤسسه راهیران مراجعه و نسبت به خرید اسناد مناقصه اقدام نمایند. شماره تلفن جهت کسب اطلاعات بیشتر: ۰۱۱-۳۱۰۹۱۰۰۰ (داخلی ۱۷۴)
۲- سیستان و بلوچستان، چابهار، نیک شهر، روستای مهبان، شماره تماس ۰۹۱۶-۷۱۸-۵۹۰۵ مسؤول فنی کارگاه
تاریخ و محل تحویل اسناد مناقصه: مناقصه‌گران پس از دریافت اسناد مناقصه حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۷/۱۶ اسناد مربوطه را در پاکت لاک و مهر شده به نشانی مناقصه‌گزار تحویل دهند.
هزینه چاپ هر نوبت آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت سهامی عام صنایع پتروشیمی شهید رئیسی گلستان
به شناسه ملی ۱۰۷۰۰۱۴۴۵۸۲ و به‌شماره ثبت ۵۷۵۷ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مؤسسه حسابرسی ایران مشهود به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۲۲۹۷۳ به‌عنوان حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و مؤسسه حسابرسی حافظ گام به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۸۴۰۳۸ به‌عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹ انتخاب گردید. صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۶۳۰۱ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۴/۳۰ مدیریت توسعه صنایع پتروشیمی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۶۳۴۰ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۴/۳۰ پتروشیمی اروند به شناسه ملی ۱۰۸۶۰۷۲۷۵۶۰ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۴/۳۰ عملیات غیر صنعتی و خدمات صنایع پتروشیمی به شناسه ملی ۱۰۸۶۰۷۲۷۶۹۰ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۴/۳۰ شرکت صنایع پلیمر گچساران به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۲۰۰۴۵۶ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۴/۳۰ انتخاب گردیدند. روزنامه‌های کثیرالانتشار ایران و دنیای اقتصاد جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردیدند. صورت‌های مالی برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰ مورد تصویب قرار گرفت.
شناسه ۲۰۱۵۷۵۷
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان - اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری گرگان

ایران در «ایران»

کیوی مازندران در راه بازارهای جهانی

ساری- مدیر جهاد کشاورزی بهشهر از آغاز فصل صادرات کیوی مازندران با ارسال اولین محموله‌ها به بازارهای بین‌المللی از طریق بندر امیرآباد خبر داد. سمیه حسنی اظهار کرد: «برای هفت کانتینر محصول کیوی به وزن ۱۷۳ تن، پس از بررسی‌های کلینیکی و اطمینان از عاری بودن از هرگونه عوامل آفت‌زا و بیماری‌های گیاهی، از پست قرنطینه گیاهی امیرآباد، گواهی بهداشتی گیاهی صادر شد. وی افزود: «این محموله که با استانداردهای لازم مورد تأیید قرار گرفت، به مقصد کشور ازبکستان صادر شد.»

حسنی گفت: «پیش‌بینی کارشناسان و مسئولان بخش کشاورزی حاکی از آن است که صادرات کیوی در سال جاری با رشد چشمگیری روبه‌رو خواهد شد. مدیر جهاد کشاورزی بهشهر اضافه کرد: «انتظار می‌رود این افزایش صادرات، نقش مؤثری در رونق اقتصادی مناطق کشاورزی، توسعه تجارت خارجی و همچنین افزایش درآمد ارزی برای کشور ایفا کند.»

کرمانشاه دومین استان کم‌تورم

کرمانشاه- طبق گزارش جدید مرکزآمار ایران، استان کرمانشاه در شهریور ۱۴۰۴، با نرخ تورم سالانه ۳۴.۲ درصد، دومین استان با کمترین نرخ تورم کشور باقی ماند؛ وضعیتی که نشان می‌دهد مدیریت بازار و کنترل قیمت‌ها در کرمانشاه بهتر از ۲۹ استان کشور است. بر اساس تازه‌ترین گزارش مرکزآمار ایران، نرخ تورم سالانه کشور(شاخص قیمت در یک سال منتهی به شهریورماه) با ۱.۲ واحد درصد افزایش، به ۳۷.۵ درصد رسید. در همین حال، استان کرمانشاه با ثبت نرخ تورم سالانه ۳۴.۲ درصد، همچنان عنوان دومین استان با کمترین نرخ تورم کشور را حفظ کرده است؛ رقمی که ۳.۳ درصد کمتر از میانگین کشوری است. در مقایسه با استان‌های کردنشین، کرمانشاه وضعیت به مراتب بهتری دارد.

مشوق‌های جدید برای سرمایه‌گذاران فارس

شیراز- مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی فارس از اجرای بسته مشوق‌های جدید برای واگذاری زمین به سرمایه‌گذاران در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان خبر داد و اعلام کرد که بخش نقدی قراردادها در مهر به ۱۰ درصد کاهش یافته و قیمت‌های شش‌ماهه اول سال تا پایان مهر معتبر خواهد بود.

عباس برنهاد با اشاره به تصویب این بسته مشوق‌ها توسط هیأت مدیره این شرکت گفت: «این اقدامات در پی پیشنهاد بسته حمایتی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران اجرایی شده و همسو با سیاست‌های دولت برای حمایت از تولید داخلی در شرایط پساجنگ است. وی افزود: «تمدید قیمت حق بهره‌برداری، اصلاح شرایط پرداخت و کاهش پیش‌پرداخت قراردادها از جمله امتیازاتی است که تا پایان مهر به متقاضیان سرمایه‌گذاری ارائه خواهد شد.

گیلان پیرترین و سیستان و بلوچستان جوان ترین استان‌های کشور هستند

«ایــران» پا به سن می‌گذارد

گزارش

گروه ایران زمین

اگر چه همیشه در آمارهای توصیف وضعیت سالمندی استان‌های گیلان و مازندران به عنوان سالمندترین استان‌های کشور معرفی می‌شوند اما پایش‌های تازه نشان می‌دهد رشد جمعیت سالمندی به موازات کاهش موالید و جمعیت در سایر استان‌ها هم نسبت به گذشته شتاب بیشتری گرفته است.

سیستان و بلوچستان به‌عنوان کم‌برخوردارترین استان کشور، جوان‌ترین استان نیز به‌حساب می‌آید.

در آخرین آمار دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور، این استان با ۶۷ درصد جمعیت زیر ۳۰ سال جوان‌ترین و ۳ درصد جمعیت بالای ۶۵ سال کمترین سهم سالمندی را در کشور دارد.

استان سیستان و بلوچستان همچنین رتبه نخست در نرخ باروری بیش از ۳ فرزند را به‌خود اختصاص داده است. بعد از این استان، هرمزگان، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد نیز جزو جوان‌ترین استان‌های کشور محسوب می‌شوند.

هر چند بیشترین سالمندان در گیلان، مازندران، مرکزی، تهران، اصفهان و سمنان زندگی می‌کنند اما شتاب سالمندی در استان‌هایی که قبلاً آمار سالمندان وزنه سنگینی نداشت، رو به افزایش است.

به گفته مدیرکل بهزیستی استان کرمانشاه، این استان هشتمین استان سالمند کشور است و با روند کنونی تا سال ۱۴۳۰ از هر سه کرمانشاهی یک نفر سالمند خواهد بود.

بهزاد شهبازی با اشاره به وضعیت سالمندی در استان کرمانشاه، اظهار کرد: «در حال حاضر نزدیک به ۲۶۰ هزار سالمند در کرمانشاه شناسایی شده که سن آنها بالای ۶۵ است.» وی ادامه داد: «از این تعداد ۶ هزار و ۷۲۱ نفر نیز سالمند معلول شناسایی شده‌اند.» مدیرکل بهزیستی استان کرمانشاه با بیان اینکه کرمانشاه از نظر تعداد سالمندان معمولاً استان هفتم یا هشتم کشور است، یادآور شد: «از بین شهرستان‌های استان نیز دالاهو پیرترین شهرستان بوده و به سمت بحران می‌رود. جوان‌ترین شهرستان نیز جوانرود است.»

مدیرکل بهزیستی استان کرمانشاه افزود: «در کنار افزایش امید به زندگی، با کاهش نرخ زاد و ولد نیز مواجه هستیم و مجموع این دو عامل پیری جمعیت را رقم می‌زند.»

مرکزی؛ سومین استان سالمند

مدیرکل بهزیستی استان مرکزی هم اظهار کرد: «در حال حاضر، ۲۲ هزار و ۶۹۶ نفر از سالمندان این استان تحت پوشش خدمات بهزیستی قرار دارند.»

محمد الهدادی با اشاره به آمار جمعیتی سالمندان در استان مرکزی گفت: «این استان به عنوان سومین استان سالمند کشور شناخته می‌شود و شمار افراد سالمند بالای ۶۰ سال بالغ بر ۲۲۰ هزار نفر است که حدود ۱۴ درصد از کل جمعیت استان را تشکیل می‌دهند که از این تعداد، بیش از ۹۲ هزار نفر در شهر اراک سکونت دارند.»

> هر چند بیشترین سالمندان در گیلان، مازندران، مرکزی، تهران، اصفهان و سمنان زندگی می‌کنند اما شتاب سالمندی در استان هایی که قبلاآمار سالمندان وزنه سنگینی نداشت رو به افزایش است

وی ادامه داد: «با وجود تعداد قابل توجه سالمندان، فعالیت‌های تفریحی و ورزشی متناسب با نیازهای آنان در استان به اندازه کافی فراهم نیست همچنین بسیاری از خانواده‌ها به دلیل کمبود آگاهی نسبت به اصول مراقبت از سالمندان، امکان نگهداری مناسب آنها را ندارند و به همین دلیل، این افراد در مراکز بهزیستی نگهداری می‌شوند تا از خدمات تخصصی بهره‌مند شوند.»

مدیرکل بهزیستی استان البرز هم گفت: «این استان دارای ۳۰۰ هزار سالمند است که بیش از ۲ هزار نفر آنان در ۱۸ مرکز تحت نظارت این اداره‌کل از خدمات توانبخشی، آموزشی، مراقبتی و حمایتی بهره‌مند هستند.»

وجیهه محمدی فلاح با بیان اینکه نرخ رشد سالمندی در استان البرز بالاتر از متوسط کشوری است، افزود: «اکنون ۱۸ مرکز تحت نظارت بهزیستی به سالمندان خدمات‌رسانی می‌کنند که شامل ۱۲ مرکز شبانه‌روزی با ظرفیت پذیرش یک‌هزار و ۲۱۰ نفر، سه مرکز خدمات در منزل با پوشش ۲۲۰ نفر، یک مرکز روزانه آموزشی با ۱۰۰ نفر و ۲ سوئیت و هتل سالمندی با ظرفیت حدود ۲۰۰ نفر است.» مدیرکل بهزیستی البرز اضافه کرد: «در این مراکز، خدماتی همچون توانبخشی، کاردرمانی، فیزیوتراپی، توان‌پزشکی، خدمات روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، مراقبت‌های پرستاری و پزشکی و نیز طرح‌های توانمندسازی با هدف افزایش کیفیت زندگی سالمندان ارائه می‌شود.»

بنگاه

استاندار خراسان رضوی: نباید شرایط سخت را به مردم تحمیل کنیم

مشهد- استاندار خراسان رضوی گفت: «تاب‌آوری بخش خصوصی و مردم ستودنی است، اما این به معنای آن نیست که دوباره شرایط دشوار برآنان تحمیل شود.»

به گزارش اداره‌کل روابط عمومی استانداری خراسان رضوی، غلامحسین مظفری در گفت‌وگو با خبرنگاران با قدردانی از تلاش فعالان اقتصادی کشور و استان گفت: «در شرایط سخت و شکننده اقتصادی، فعالان اقتصادی از تمام ظرفیت‌ها و توان خود بهره گرفتند و همچنان استوار ایستاده‌اند.» وی در ادامه افزود: «در خراسان رضوی نیز باید قدردان این تلاش‌ها بود، چرا که با وجود همه مشکلات توانستند رتبه کسب‌وکار استان را از جایگاه بیست‌ودوم به رتبه اول کشور ارتقا دهند؛ موفقیتی که نشان‌دهنده پشتکار، همبستگی و هم‌افزایی فعالان اقتصادی است.» استاندار خراسان رضوی با اشاره به جایگاه استان، عنوان کرد: «به‌عنوان نماینده دولت در استانی که ۸ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده و یکی از بزرگ‌ترین استان‌های ایران است، باید بگویم که ۹۰ درصد اقتصاد استان بر دوش بخش خصوصی قرار دارد. خراسان رضوی دارای ۶ هزار واحد صنعتی و جایگاهی ویژه در کشاورزی و خدمات است.»

مظفری با بیان دشواری‌های اقتصادی کشور، تصریح کرد: «واقعیت این است که شرایط کار و اقتصاد بسیار سخت است. اکنون نیز با بازگشت تحریم‌های اولیه شورای امنیت روبه‌رو هستیم که وضعیت را پیچیده‌تر خواهد کرد. هرچند برخی معتقدند به تحریم‌ها عادت کرده‌ایم، اما واقعیت این است که این شرایط بر همه فعالان عرصه‌های مختلف تحمیل می‌شود.»

وی با یادآوری تجربه خود از دوران مجلس هفتم گفت: «همان زمان نیز شاهد پیامدهای تلخ تحریم‌ها بودم. به همین دلیل امروز نیز بابت وضع موجود باید از مردم عذرخواهی کنم. متأسفانه کسانی که مقصر اصلی شرایط فعلی هستند، به جای پاسخگویی و محاکمه، اکنون طلبکارانه سخن می‌گویند.»

استاندار خراسان رضوی ادامه داد: «اگر امروز معیشت مردم و اقتصاد کشور دچار مشکل است و در تأمین برق، گاز و آب با ناترازی روبه‌رو هستیم، دلیل آن روشن است؛ تصمیمات اشتباه و دخالت سیاست در اقتصاد. باید می‌پذیرفتیم که اقتصاد علمی همچون ریاضی است، اما این باور جدی گرفته نشد. وقتی در اقتصاد نابجا دخالت شود، ساختارش فرومی‌ریزد و جامعه آسیب می‌بیند.» مظفری بیان کرد: «امروز در یکی از سخت‌ترین دوران‌ها قرار داریم. با این حال، تاب‌آوری بخش خصوصی مثال‌زدنی است و مردم نیز شکیبایی کرده‌اند، اما این هرگز به معنای آن نیست که ما حق داشته باشیم دوباره فشار و شرایط سخت برآنان تحمیل کنیم.»

وی با تأکید بر لزوم تغییر رویکردها، اظهار کرد: «درخواست من از حاکمیت و دولت این است که راه تعامل با دنیا را باز کنند، زیرا تداوم این شرایط سخت به سود کشور نخواهد بود. مردم پای نظام و ایران ایستاده‌اند چون وطن خود را دوست دارند، اما تحمل نیز حدی دارد و در واقع باید از فرصت‌ها برای خدمت بیشتر به مردم استفاده کنیم.» استاندار خراسان رضوی گفت: «باور ما این است که در هیچ شرایطی نباید انگیزه خدمت کاهش یابد. تأکید من به همه مدیران این بوده و هست که با تمام توان در کنار بخش خصوصی قرار گیرند و خود را جزئی از آن بدانند. شأن ما خدمت به مردم و فعالان اقتصادی است و اگر مدیری چنین باوری ندارد، باید جای خود را به فردی بسپارد که اعتقاد دارد در سخت‌ترین شرایط هم باید کار و تلاش کرد.»

مظفری افزود: «هرچند شرایط سخت و اشتباهات گذشته غیرقابل انکار است، اما امروز چاره‌ای جز تلاش، ایستادگی و یافتن راه‌حل نداریم. این شرایط باید به عنوان درسی برای عبور از بحران تلقی شود.»

وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به مراسم روز صنعت، تأکید کرد: «این مراسم نشان داد که حتی در سخت‌ترین شرایط نیز بخش خصوصی توانمند و پرقدرت کشور آماده خدمت است. وقتی در جمع فعالان اقتصادی قرار می‌گیرم، از شور و شوق آنان انرژی می‌گیرم و در عین حال شرمنده می‌شوم که با وجود مشکلاتی که به مردم و بخش خصوصی تحمیل کرده‌ایم، آنان همچنان با انگیزه کار می‌کنند و انتظارشان از ما چیزی جز صداقت و خدمت بی‌ریا نیست.»

استاندار خراسان رضوی در پایان خاطرنشان کرد: «اگر نیت ما خدمت به مردم و حمایت از بخش خصوصی باشد، خداوند نیز یاری خواهد کرد و می‌توانیم دستاوردهای بزرگ رقم بزنیم. همان‌گونه که توانستیم در شاخص کسب‌وکار ۲۲ رتبه ارتقا یابیم و به جایگاه اول کشور برسیم، در سایر حوزه‌ها نیز می‌توانیم موفق ظاهر شویم.»

مدیرکل تأمین اجتماعی شهرستان‌های استان تهران با اشاره به چالش‌ها و ظرفیت‌های موجود، دستاوردهای تأمین اجتماعی را تشریح کرد

نهاد بیمه‌گر در آستانه بازنگری و تحول

حسین عسکری/ خبرنگار: در روزگاری که صندوق‌های بازنشستگی کشور با بحران ناترازی منابع و مصارف دست‌به‌گریبان هستند و شمار بیمه‌پردازان فعال رو به افول گذاشته، سازمان تأمین اجتماعی بیش از هر زمان دیگری در کانون توجه افکار عمومی قرار گرفته‌است. برای آشنایی هرچه بیشتر با گستره رسالت این نهاد، همچنین چالش‌های پیش‌رو از تأمین منابع گرفته تا برنامه‌های توسعه خدمات دیجیتال، اصلاحات بیمه‌ای تا دغدغه‌های بازنشستگان و کارگران گفت‌وگویی با دکتر «راحله سادات حسینی» مدیرکل تأمین اجتماعی شهرستان‌های استان تهران انجام دادیم که در پی می‌آید. با ما همراه شوید.

به‌عنوان نخستین سؤال بفرمایید، با توجه به افزایش جمعیت بازنشستگان و کاهش ورودی بیمه‌پردازان، چه برنامه‌ای برای حفظ پایداری منابع صندوق‌های بازنشستگی در نظر گرفته‌اید؟

مسأله پایداری صندوق‌های بازنشستگی، یکی از بزرگترین چالش‌های اقتصادی و اجتماعی کشور در دهه‌های آینده است. ترکیب جمعیتی ایران به سرعت در حال پیر شدن است؛ بدین معنا که نسبت جمعیت فعال (بیمه‌پرداز) به جمعیت بازنشسته (مستمری‌بگیر) در حال کاهش شدید است و برای مقابله با این چالش، نیاز به یک برنامه جامع و چندوجهی است که معمولاً در سطح کلان و توسط دولت، مجلس و سازمان‌های مربوطه (مانند سازمان تأمین اجتماعی) طراحی و اجرا می‌شود. برنامه‌ها و راهکارهای ممکن برای حفظ پایداری این صندوق‌ها متعدد است؛ با این حال به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌کنم. راهکارهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت شامل اصلاح پارامترهای بازنشستگی، افزایش تدریجی سن بازنشستگی همگام با افزایش امید به زندگی، افزایش تعداد سال‌های پرداخت حق بیمه (سابقه کاری) برای واجد شرایط شدن برای دریافت مستمری کامل است، همچنین، تغییر فرمول محاسبه حقوق بازنشستگی به نحوی که میانگین حقوق در طول دوران کاری مبنای محاسبه قرار گیرد و همینطور افزایش درآمدهای صندوق‌ها و مهمتر از همه کنترل هزینه‌ها.

درخصوص راهکارهای بلندمدت و ساختاری نیز باید به اصلاح برخی قوانین تأمین اجتماعی (مانند افزایش تدریجی سن بازنشستگی و تغییر فرمول محاسبه) اشاره کرد، همچنین، حرکت به سمت سیستم چندلایه، توجه به سطح‌بندی حق بیمه‌های پرداختی با توجه به حقوق پرداختی نیز ذیل همین موضوع قرار می‌گیرد. در گام بعدی نیز باید به سیاست‌های کلان جمعیتی و اقتصادی اشاره کرد.

یکی از دغدغه‌های جدی بیمه‌شدگان، تأخیر در پرداخت مستمری‌ها و خدمات درمانی است. تاکنون چه اقدام‌هایی برای بهبود فرآیندهای پرداخت و ارتقای کیفیت خدمات درمانی انجام شده یا در دستور کار قرار داده‌اید؟

اقدام‌های انجام‌شده برای بهبود پرداخت مستمری شامل الکترونیکی‌کردن فرآیندها (حذف کاغذ) است. ضمنا، راه‌اندازی سامانه: "es.tamin.ir" نیز یکی از مهمترین اقدام‌ها در این راستاست. جایگزینی دفترچه الکترونیک و راه‌اندازی سیستم نسخه‌نویسی الکترونیک نیز از اقدام‌های مهمی است که در سازمان تأمین اجتماعی صورت گرفت. ناگفته نماند که باید مشکلات ساختاری و بودجه‌ای را نیز در فهرست موانعی که باعث کسری بودجه شدید صندوق‌های بازنشستگی می‌شود، افزود. تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی نیز که جای خود دارد.

اقتصاد کشور و اثربخشی ساختاری در بخش تولید گره خورده است.

نظام بیمه‌ای کشور با چالش ناترازی منابع و مصارف مواجه است. آیا اصلاحات ساختاری در مدل تأمین مالی سازمان در نظر گرفته شده‌است؟

حل مسأله ناترازی منابع و مصارف (کسری ساختاری بودجه) در صندوق‌های بازنشستگی، به ویژه سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان یک نهاد بین‌النسلی نیازمند اراده سیاسی قوی و اجرای «اصلاحات ساختاری عمیق» است. مهمترین سند رسمی که به‌طور خاص برای حل این مشکل باید طراحی شود، «قانون اصلاح قانون تأمین اجتماعی» است. این قانون دقیقا با هدف رفع ناترازی مالی و ایجاد پایداری بلندمدت در صندوق تأمین اجتماعی تصویب شد که مهمترین محورهای اصلاحات ساختاری آن نیز شامل تغییر در پارامترهای محاسبه مستمری، افزایش تدریجی سن بازنشستگی (به تدریج و متناسب با سابقه در هر سال افزایش خواهد یافت)، افزایش مدت زمان پرداخت حق بیمه (سابقه)، تغییر فرمول محاسبه حقوق بازنشستگی، تغییر در نرخ سهم بیمه (در برخی موارد)، حذف معافیت‌های اعمالی به کارفرمایان (معافیت‌های اعمالی از زمان ۸ سال جنگ تحمیلی) و... است.

بسیاری از کارگران فصلی، مشاغل غیررسمی و زنان خانه‌دار از پوشش بیمه‌ای محروم هستند چه برنامه‌هایی برای آن ترسیم شده‌است؟

در حال حاضر، سازمان با جدیت توسط بازرسان خود به جهت کشف بیمه شده به کارگاه‌ها مراجعه کرده تا درصورت مواجهه کارگران و یا کارکنانی که توسط کارفرمایان بیمه نمی‌شوند، اقدام‌های نظارتی و کنترلی داشته اما هنوز مکان‌هایی هستند که برای بازرسان قابل شناسایی نمی‌باشند. در مقابل عزیزان مشغول به‌کار درصورت عدم بیمه‌پردازی از طرف کارفرما می‌توانند مراتب را به شعب محدوده خود انتقال تا در اسرع وقت توسط بازرسان احراز هویت شوند. همچنین سازمان با بیمه‌های اختیاری و حرف مشاغل این شرایط را فراهم کرده تا اگر مشاغلی به‌عنوان مثال مشاغل خانگی و این قبیل موارد که کارفرمایی وجود ندارد بیمه شده راسا خود را بیمه کند. در تداوم خدمات سازمان با پیاده‌سازی طرح بیمه فراگیر خانواده ایرانی با دو موضوع بیمه زنان خانه دار و بیمه دانشجویی شرایط را فراهم کرده تا این اقشار نیز به راحتی و بدون هیچ حضور تنها با چند کلیک بتوانند از خدمات گسترده تأمین اجتماعی بهره‌مند شوند. بیمه زنان خانه‌دار و دختران با گروه هدف این طرح زنان و دختران ۱۸ تا ۵۰ ساله هستند که فاقد پوشش بیمه‌ای هستند. همچنین، زنان بالای ۵۰ سال درصورت داشتن سوابق بیمه‌پردازی می‌توانند از این طرح استفاده کنند. همچنین بیمه دانشجویی که دانشجویان عزیز هم می‌توانند از زمان دانشجویی، خود را بیمه کنند.

چه اقدام‌هایی برای دیجیتالی‌سازی خدمات تأمین اجتماعی و کاهش بروکراسی اداری انجام شده‌است؟

فاز دوم تحول دیجیتال تأمین اجتماعی تهران با پیاده‌سازی ۲۰ طرح تحولی و توسعه‌آفرین به زعامت مدیرعامل محترم سازمان کلید خورد؛ هوش مصنوعی آینده خدمات سازمان تأمین اجتماعی خواهد بود. در حال حاضر نقشه راه هوشمندسازی کامل (Smart Transformation Roadmap) در سازمان اجرا شده و با تکمیل زیرساخت‌های ابری و بهره‌گیری از هوش مصنوعی و کلان‌داده، تحولی بنیادین در خدمت‌رسانی به بیمه‌شدگان ایجاد خواهد شد.

هم‌اکنون، شهرستان‌های استان تهران در پایلوت بودن این طرح‌های تحولی پیشرو بوده و ۶۹ خدمت از خدمات سازمان به‌صورت غیرحضوری ارائه می‌شود. کانال‌های دیجیتال اصلی شامل «سامانه Es.tamin.ir»، «اپلیکیشن تأمین من» و «میزهای خدمت و پاسخگویی»، «پاسخگویی تلفنی ۱۴۲۰» مختص به خدمات شاخص غیرحضوری است. «حذف دفترچه فیزیکی، پرداخت الکترونیک حق بیمه، استعلام سوابق، برقراری پرونده‌های مستمری و درخواست گواهی‌های استعلامی بازنشستگی و... همگی در بستر دیجیتال و بدون نیاز به مراجعه انجام می‌شوند. در مدل جدید، مراجعه حضوری تنها برای موارد بسیار خاص خواهد بود و تعاملات، خودکار، هوشمند و مبتنی بر پیش‌بینی نیازهاست.

در سال‌های اخیر، شکایات زیادی درباره نحوه رسیدگی به پرونده‌های بازنشستگی و ازکارافتادگی مطرح شده؛ آیا اصلاحاتی در این روند در حال اجراست؟

موارد مطروحه در بازنشستگی شامل دستمزدهای غیرمتعارف، اصلاح عناوین شغلی، بررسی مشاغل سخت و زیان‌آور، ماده ۱۴۸ و اصلاح سن است. همچنین باید دستمزدهای غیرمتعارف نیز مد نظر قرار دارد به این معنی که برخی بیمه‌شدگان به‌منظور بهره‌مندی از مستمری بالاتر در زمان برقراری مستمری بازنشستگی اقدام به ارسال لیست‌های پرداخت حق بیمه با دستمزدهای خارج از عرف و مصوبات شورای عالی کار می‌کنند که این موضوع روند بازنشستگی آنان را با تأخیر مواجه می‌کند. درخصوص مشاغل سخت و زیان‌آور نیز باید گفت در حالی که تسهیلات بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور به‌منظور حفظ و صیانت از نیروی کار در نظر گرفته شده‌است، کمیته برخی از بیمه‌شدگان به‌منظور بهره‌مندی هر چه زودتر از بازنشستگی اقدام به ارائه تقاضای بررسی عناوین شغلی خود در کمیته‌های استانی مشاغل سخت و زیان‌آور می‌کند که این موضوع ضمن تأخیر در فرآیند بازنشستگی باعث شلوغی و ازدحام در دبیرخانه مستقر در ادارات کار و امور اجتماعی می‌شود. در ادامه باید بحث اصلاح عناوین شغلی را نیز به مباحث خود بیفزائیم؛ برخی بیمه‌شدگان برای بهره‌مندی از مستمری بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور اقدام به اصلاح عناوین شغلی فرد از مشاغل عادی به مشاغل سخت و زیان آور می‌کنند، درحالیکه این موضوع مستلزم ارائه مدارک مثبته و قابل دفاع است و در فرآیند رسیدگی به درخواست این افراد خلل ایجاد شده و فرآیند را طولانی می‌کند. استفاده از شرایط ماده ۱۴۸ قانون کار یا افزایش سن و مبحث از کار افتادگی نیز از دیگر موارد قابل بیان در این مبحث است.

سازمان تأمین اجتماعی چه نقشی در حمایت از تولیدکنندگان و کارفرمایان در شرایط اقتصادی دشوار ایفا می‌کند؟ آیا تسهیلات یا معافیت‌هایی برای حفظ اشتغال در نظر گرفته شده است؟

بخشودگی جرائم ناشی از عدم پرداخت حق بیمه در حوزه اختیارات سازمان نبوده و نیاز به تصویب قانون دارد، اما به‌طور مثال سازمان جهت حمایت از تولید و کارفرمایان آسیب دیده ناشی از جنگ ۱۲ روزه اقدام‌های ویژه را به‌عمل آورده است. آن هم در شرایطی که در حال حاضر هزینه‌های سازمان از درآمدش بیشتر شده اما بازهم کارفرمایان را به‌عنوان شرکاء اصلی خود می‌داند و در همین چارچوب در بستر قوانین تعامل لازم را به‌عمل خواهد آورد. اما در مجموع اقدام‌هایی از جمله تقسیط لیست‌های معوق حق بیمه، پیشتازی در پرداخت‌ها، حمایت‌های کوتاه‌مدت هدفمند، انعطاف‌پذیری بیمه‌ای جزو اقدام‌هایی است که با هدف حفظ اشتغال انجام می‌شود.

عکس: رضا معطریان

لیلی رشیدی در گفت وگو با «ایران»:

تفاوت نسلی نه تنها آزاردهنده نیست جذاب هم هست

داستان باغی که آلبالوهایش را از دست داده است

گفت وگو

حامد قریب
گروه فرهنگی

«باغ بی‌آلبالو»، عنوان تازه‌ترین نمایشی است که لیلی رشیدی به همراه محمد عاقبتی، کارگردانی آن را به طور مشترک انجام داده‌اند. گرچه این نمایش اقتباسی آزاد از نمایشنامه «باغ آلبالو» اثر چخوف است، اما در عین حال داستانی تازه و امروزی را برای مخاطبان به نمایش می‌گذارد. زیرا با بهره گرفتن از تجربیات کارگردانی «تادئوش کانتور» تلاش شده تا پیشنهادی تازه در اجرای نمایشنامه «باغ آلبالو» ارائه شود. به طوری که در این اجرا شاهد هستیم، بازیگران علاوه بر روایت داستان، در مواجهه‌ای زنده با لیلی رشیدی، بخشی از دغدغه‌های شخصی خود را نیز با مخاطبان به اشتراک می‌گذارند.

به بهانه اجرای نمایش «باغ بی‌آلبالو» در پردیس تئاتر و موسیقی دکر(باغ کتاب)، پیرامون موضوعات متعددی چون دغدغه مهاجرت، میل به رفتن، تنهایی انسان معاصر و پیوندهای کمرنگ شده با گذشته با لیلی رشیدی به گفت‌وگو پرداختیم. رشیدی در این گفت‌وگو از تفاوت نسلی با بازیگران نوجوانش می‌گوید و این تفاوت را نه مانع، بلکه جذابیتی برای کار معرفی می‌کند. این اثر تجربه‌ای متفاوت در کار با گروهی از نوجوانان و جوانان علاقه‌مند به تئاتر است که به گفته سازندگان، ماحصل سه سال تمرین به شمار می‌آید.

حضور کارگردان روی صحنه، بیرون آمدن بازیگران از نقش و روایت لحظه‌ای از زندگی شخصی‌شان، تماشاگر را با دنیای واقعی آنها آشنا می‌کند و لایه‌ای تازه به اجرا می‌افزاید. رشیدی در این گفت‌وگو ابراز امیدواری می‌کند که شور و انرژی این نسل، نویدبخش آینده روشن تئاتر ایران باشد؛ به شرط آن‌که حمایت و فضای کافی برای رشدشان فراهم شود.

با توجه به اینکه در این کار با یک گروه از جوان‌ها و نوجوان‌ها کار کرده‌اید، از ابتدا بگویید این پروسه چگونه شکل گرفت و چقدر طول کشید؟ همچنین چه شد که تصمیم گرفتید این کار را روی صحنه ببرید؟

مدت‌ها کلاس‌های تئاتری داشتم که بیشتر برای کودکان بود اما از یک زمانی، کلاس برای نوجوانان را هم شروع کردم. در یکی از این کلاس‌ها، من و محمد عاقبتی با هم حضور داشتیم. تقریباً می‌توان گفت که هسته اصلی گروه نمایش «باغ بی‌آلبالو» از آن کلاس (یعنی سه سال پیش) شکل گرفت. زیرا بچه‌های نوجوانی پیش ما آمدند که دلشان می‌خواست بمانند و همکاری با ما را ادامه دهند. بنابراین آنها با اشتیاق پای کار ماندند و ما هم که به آنها علاقه‌مند شده بودیم، از کار کردن با آنها لذت می‌بردیم و با عشق و علاقه کار را ادامه می‌دادیم. زیرا شاهد پیشرفت آنها بودیم.

در ابتدا کار را با خواندن و تحلیل چند نمایشنامه چخوف مانند «سه خواهر»، «دایی وانیا»، «مرغ دریایی» و «باغ آلبالو» شروع کردیم. به صورتی که از هرکدام از این آثار، صحنه‌هایی را انتخاب و آنها را تمرین می‌کردیم. سپس چند صحنه از کارهایی را که تمرین کرده بودیم برای خانواده‌ها اجرا کردیم که تجربه اجرا برای مخاطبان را به بچه‌ها منتقل کند. در ادامه پردیس تئاتر باغ کتاب به ما لطف کرد و سالنی را که بزرگ‌تر از کلاس بود، در اختیارمان قرار داد. همین فضا به ما امکان داد تا ایده‌های اجرایی را گسترش دهیم.

البته از یک جایی به بعد مهدی چاکری به ما پیوست و ما از او خواستیم تا صحنه‌هایی را که کار کرده بودیم برای اجرا بنویسد اما در نهایت به این نتیجه رسیدیم که یک نمایشنامه را دستمایه کار خود قرار دهیم که «باغ آلبالو»ی چخوف انتخاب و در نهایت تبدیل به «باغ بی‌آلبالو»ی کنونی شد.

ما در این نمایش به دنبال بیان مسأله خودمان [بزرگترها] نبودیم؛ در واقع در طول تمرین‌ها، ما مدام درگیر این موضوع بودیم که مسأله بچه‌ها چیست تا بتوانیم آن را در نمایش بیان کنیم. بنابراین تمرین‌ها را بر این مبنا جلو بردیم و پس از شش، هفت ماه تمرین به اجرای نهایی رسیدیم. البته در دو ماه آخر، تقریباً هر روز و به‌صورت مداوم تمرین داشتیم تا نتیجه‌ای بگیریم که مورد قبول‌مان باشد.

هدف ما این بود که این اجرا برای بچه‌ها، تجربه‌ای جدی و ملموس باشد و آن را به‌عنوان یک اجرای حرفه‌ای در کارنامه خود داشته باشند نه صرفاً یک تجربه آموزشی. البته باید تأکید کنم که این بچه‌ها، هر روز بهتر می‌شوند و استعداد خود را روی صحنه نشان می‌دهند. زیرا صحنه تئاتر از هر کلاس و دانشگاهی، بهتر است.

کار کردن با نوجوانان و کودکان در یک پروژه تئاتر چه ویژگی‌ها و چالش‌هایی داشت؟ چطور با تفاوت نسلی که بین شما و بازیگران‌تان وجود دارد، مواجه شدید و آن را مدیریت کردید؟

تفاوت نسل وجود دارد ولی نه‌تنها آزاردهنده نیست، بلکه جذابیت کار هم از همین تفاوت‌ها ناشی می‌شود. من هرگز نخواستم هم‌سن آنها شوم و به هیچ وجه انتظار ندارم آنها شبیه من شوند؛ هدف این بود که زبان و دغدغه‌هایشان را بفهمیم و در عین حال هویت حرفه‌ای خود را حفظ کنیم. در تمرین‌ها گاهی بحث و ناراحتی پیش می‌آمد؛ گاهی بچه‌ها از من ناراحت شدند و گاهی هم من از آنها ناراحت شدم. اما یکدیگر را دوست داشتیم و از آن مهم‌تر علاقه مشترکی به تئاتر و اجرای نمایش‌مان داشتیم. همین موضوع باعث می‌شد با درک متقابل، اختلاف‌ها برطرف شود. در واقع این پیوند عاطفی و حرفه‌ای بین ما و بچه‌هاست که تمرین‌ها را به تجربه‌ای مشترک تبدیل کرده است.

> ما خواستیم در اجرا نشان دهیم که آن «باغ آلبالو» که آدم‌ها به عنوان یک گذشته زیبا و آرمانی به آن اشاره می‌کنند، در واقعیت وجود ندارد و بیشتر یک تصویر ذهنی یا خاطره ایده‌آل شده است

عنوانی که برای این نمایش انتخاب شده، «باغ بی‌آلبالو» است که در نگاه اول مخاطب را کنجکاو می‌کند. این عنوان چگونه انتخاب شد و چه نسبتی با نمایش دارد؟

خیلی ساده انتخاب شد. در واقع یک روز همه دور هم نشستیم و هرکس اسمی را پیشنهاد داد. ترمه، کوچک‌ترین عضو گروه که نقش فیرس (پیرترین شخصیت نمایش) را بازی می‌کند، پیشنهاد «باغ بی‌آلبالو» را مطرح کرد و با رأی‌گیری گروه همین نام تصویب شد. البته من چند اسم دیگر هم پیشنهاد دادم و کمی مقاومت کردم، اما اسم‌های من در رأی‌گیری‌ها رد شد. اکنون فکر می‌کنم عنوان اثر کاملاً با محتوای نمایش همخوانی دارد و درست انتخاب شده است.

ما خواستیم در اجرا نشان دهیم که آن «باغ آلبالو» که آدم‌ها به عنوان یک گذشته زیبا و آرمانی به آن اشاره می‌کنند، در واقعیت وجود ندارد و بیشتر یک تصویر ذهنی یا خاطره ایده‌آل شده است. حتی در دکور هم عمداً تصویری از یک باغ زیبا نیاوردیم؛ زیرا نمی‌خواستیم با نمایش زیبایی مصنوعی از باغ آلبالو، مخاطب را گمراه کنیم. می‌خواستیم بگوییم زیبایی‌ای که بعضاً به آن دل بسته‌ایم ساخته ذهن بوده و ممکن است در واقعیت خبری از آن نباشد.

این موضوع که به آن اشاره کردید، شاید مخاطب را به تصوری برساند که غم‌انگیز است. ما شاهدیم که بیشتر بازیگران اثر در فواصلی از نمایش به دغدغه مهاجرت خود اشاره می‌کنند. با توجه به این موضوع، این‌طور به نظر می‌رسد که زیبایی در جای دیگری، غیر از خانه خودمان است. در این باره توضیح دهید.

به هر حال در تمام نمایشنامه‌های چخوف، موضوع رفتن بسیار پررنگ است. ما نیز در حین تمرین نمایش، بسیار درباره آن حرف می‌زدیم. به طور کلی شخصیت‌های چخوف، آنجایی را که هستند دوست ندارند. در «سه خواهر» آرزوی رفتن به مسکو مطرح است، در «مرغ دریایی» و «باغ آلبالو» هم نوعی نارضایتی از وضعیت کنونی و میل به رفتن دیده می‌شود. در آثار او، یک‌سری آدم هستند که هیچ کاری نمی‌کنند ولی جایی را که هستند نیز دوست ندارند. اما شاید جای دیگری را که می‌روند هم دوست نداشته باشند.

وقتی ما این متن‌ها را با بچه‌ها می‌خواندیم، می‌دیدیم که این مسأله برای آنها هم آشناست؛ به همین خاطر می‌توان گفت که چخوف به زمانه ما نزدیک است. از طرف دیگر، میل به رفتن و تجربه زندگی در نقاط دیگر، دغدغه جوانان امروز است. بنابراین چرا باید از واقعیت این قضیه فرار کنیم؟ فکر می‌کنم، دلیل رفتن، تنها این نیست که مملکت ما چیزی کم دارد؛ در واقع میل به رفتن موضوعی جهانی است. احتمالاً جوان‌های سوئیس هم دلشان می‌خواهد به آمریکا بروند. واقعیت پیچیده‌تر از این حرف‌هاست: وابستگی‌ها و پیوندهای عاطفی نسل امروز نسبت به گذشته تغییر کرده. در واقع اکنون ارتباطات آسان‌تر شده است. در زمان ما اگر کسی می‌رفت ممکن بود هفته‌ها یا ماه‌ها نتوانی او را از نزدیک ببینی؛ اما امروز می‌توان هر روز تماس تصویری برقرار کرد. همین موضوع سبب شده تا دور شدن جغرافیایی برای جوانان امروز کم‌دغدغه‌تر از ما باشد و ساده‌تر انجام شود.

وقتی به نسل‌های پیش از این نگاه می‌کنیم، باید بگوییم که تعلق به خاک مسأله جدی‌تری به شمار می‌آمد. به صورتی که ترک ایران برای این نسل، اتفاق دوری بود. همان طور که می‌بینیم، خود شما هم در ایران ماندید. شاید یکی از دلایل این موضوع، آموزشی است که خانواده به ما منتقل می‌کرد و شاید ریشه در خواندن یا تماشای آثار ملی-میهنی داشت. اکنون نیز شاهد موج ایران گرایی هستیم که در وجوهی از زندگی ما دیده می‌شود. با این همه چه اتفاقی رخ داده که بخشی از نسل زد امروز، چنین علقه‌ای ندارند؟

فکر می‌کنم دلایل مختلفی دارد. نمی‌توان این موضوع را کاملاً بد دید. همان طور که گفتم، ارتباطات در زمانه امروز ساده‌تر شده است. اگر من در دوران جوانی مهاجرت می‌کردم، شاید هفته‌ای یک‌مرتبه می‌توانستم با خانواده خود تلفنی صحبت کنم اما نسل امروز می‌توانند هر روز با خانواده خود تماس تصویری برقرار کنند.

علاوه بر این، اکنون رفت‌وآمدها و دورهمی‌های خانوادگی بسیار کم شده و انسان‌ها رو به تنهایی رفته‌اند. همه یاد گرفته‌اند که چطور با تنهایی خود کنار بیایند. ما در گذشته فکر می‌کردیم که چقدر غم‌انگیز است که تنها به مسافرت یا کافه برویم ولی اکنون در کافه‌ها، جوان‌های بسیاری را می‌بینید که تنها نشسته‌اند. در واقع موضوع تنهایی، دیگر آن معنی بدی که در ذهن ما داشت را ندارد.

البته لازم است به موضوع دیگری نیز اشاره کنم. چرا در نمایش ما، شخصیت‌ها در نهایت به رفتن می‌رسند؟ چون خانواده باغ آلبالو، دست روی دست گذاشته و هیچ کاری نمی‌کنند. ما می‌توانیم کاری انجام دهیم که نرویم. از سوی دیگر با شخصیت آنیا دختر جوان خانواده مواجهیم که به نحوی نماینده کسی است که حتی از عشق خود (تروفیموف) نیز به راحتی جدا می‌شود.

تنهایی انسان معاصر، یکی از موضوعات روز جهان است که هنرمندان بسیاری، با الهام از این موضوع به خلق آثاری در نقاط مختلف جهان زده‌اند. اما بخش مهمی از حال خوب این نمایش، کنار هم بودن گروه بازیگران کودک و نوجوان این اثر است نه تنها بودن‌شان. در این باره توضیح دهید؟

فکر می‌کنم در دنیا و به خصوص کشور ما، شرایط به‌گونه‌ای رقم خورده که آدم‌ها دوست دارند بروند. زیرا به دنبال چیزهای بهتری هستند. شخصاً نمی‌خواهم دنبال دلیل این موضوع بگردم، چون وظیفه من نیست. اما اینکه بچه‌ها دل‌شان می‌خواهد بروند، یک واقعیت است. اگر ما می‌خواهیم مردم بمانند، باید شرایطی فراهم کنیم که زندگی و کار در همین‌جا معنا و امکان داشته باشد. چرا فکر نمی‌کنیم که خیابان ولیعصر ما، همین باغ آلبالو است؟ وقتی به تمام درخت‌های چناری که قطع شد، نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که چه زیبایی از این خیابان را از بین برده‌اند. تمام درخت‌های چناری که قطع شدند، چه زیبایی از آنجا را که از بین بردند؟

در این اجرا لحظاتی وجود دارد که کارگردان اثر روی صحنه آمده و در تعامل کامل با بازیگران است. همچنین شاهد این هستیم که گاهی بازیگران از نقش خود بیرون آمده و درباره خودشان صحبت می‌کنند. اتفاقی که می‌توان آن را نوعی فاصله‌گذاری نامید که مخاطب را به گروه نمایش و به طور خاص بازیگران اثر نزدیک می‌کند. این ایده از کجا آمد و با چه دلیلی پی گرفته شد؟

وقتی در تمرین‌ها با محمد عاقبتی و مهدی چاکری حرف می‌زدیم، به دنبال این بودیم که چگونه نمایش را در میانه قطع کنیم تا آنها از خودشان بگویند. زیرا فکر می‌کردم برای من به عنوان مخاطب جذاب است که در نمایشی، با دغدغه‌های یک نوجوان ۱۶ ساله آشنا شوم. به این صورت، یک ارزش افزوده‌ای به نمایش اضافه می‌شد که مخاطب با دیدن آن، در جریان فکر بازیگران کودک و نوجوان آن نیز قرار می‌گرفت.

بنابراین کارهایی را در این راستا انجام دادیم. به عنوان مثال به آنها تمرین نوشتن مونولوگ دادیم تا درباره آرزوها، ترس‌ها و دغدغه‌هایشان بنویسند. مهدی چاکری نیز پیشنهاد داد که با بهره‌گیری از ایده تادئوش کانتور که خودش در نمایش‌هایی که کارگردانی می‌کرد حضور داشت، ما نیز چنین ایده‌ای را پیاده کنیم.

به این ترتیب، مهدی چاکری پیشنهاد داد تا من در اجرا باشم تا به واسطه آن بتوانیم در لحظاتی از اجرا به بچه‌ها نزدیک شویم. علاوه بر این، یک پیشنهاد اجرایی هم بود که با استفاده از آن می‌توانستیم هر نقش را به دو نفر بدهیم که راهکاری برای نقش‌آفرینی همه بازیگرانی بود که در کارگاه‌ها با ما بودند.

قطع و وصل‌هایی که تعویض بازیگران را به همراه دارد، کمک کرده تا تماشاگر حس نزدیکی بیشتری با بازیگران پیدا کند؛ انگار نه‌تنها یک قصه تماشا می‌کند، بلکه با بخشی از زندگیِ واقعیِ بازیگران نیز روبه‌رو می‌شود. لحظاتی هست که یک بازیگر وسط اجرا از نقش فاصله می‌گیرد، مستقیم با تماشاگر صحبت می‌کند و از دغدغه‌های خودش می‌گوید؛ این لحظات بسیار اثرگذار هستند.

> تفاوت نسل وجود دارد ولی نه‌تنها آزاردهنده نیست، بلکه جذابیت کار هم از همین تفاوت‌ها ناشی می‌شود. من هرگز نخواستم هم‌سن آنها شوم و به هیچ وجه انتظار ندارم آنها شبیه من شوند؛ هدف این بود که زبان و دغدغه‌هایشان را بفهمیم و در عین حال هویت حرفه‌ای خود را حفظ کنیم

چشم‌انداز شما از شرایط تئاتر ما در آینده چیست؟

وقتی با این بچه‌ها کار می‌کنم و شور و شوق آنها را می‌بینم، احساس می‌کنم آینده روشن است. نسل جدید باهوش، خلاق و پرانرژی است و قطعاً خیلی از چیزها را بهتر از ما انجام خواهد داد.

البته نیاز به فضاهای بیشتر، حمایت و شرایط حرفه‌ای وجود دارد؛ اگر اینها فراهم شود، تئاتر ما قطعاً رشد خواهد کرد. امیدوارم نهادها، مدیران و جامعه حمایتی معنی‌دار از این استعدادها داشته باشند تا این انرژی‌ها هدر نرود.

برش

به خاطر دارم که در دوره‌ای، تلویزیون بر سر ماجرایی که امروز خنده‌دار است، من را ممنوع‌الکار کرده بود. دوره پرکاری تلویزیون بود و من نمی‌توانستم کار کنم. پدرم از من پرسید که چرا کار نمی‌کنی؟ گفتم اجازه کار کردن ندارم. پدرم در پاسخ گفت: «برو و مربی مهدکودک شو.» آن زمان خندیدم ولی پدر اصرار داشت که بروم و با بچه‌ها کار کنم. اکنون فکر می‌کنم منظور پدر را متوجه شدم. زیرا من به کار کردن با بچه‌ها و نوجوانان علاقه‌مندم و برایم شیرین و لذت‌بخش است. به همین دلیل از یک زمانی شروع به کار کردن با بچه‌ها کردم. اکنون افرادی با من سلام و علیک می‌کنند که ۲۵ ساله هستند و می‌گویند که وقتی ۱۰ ساله بودند با من کار کردند.

واقعاً دلم می‌خواست پدرم امروز بود و این اجرا را می‌دید؛ او عاشق دیدن پروژه‌های نوجوانان بود و می‌دانم که بودنش می‌توانست برای ما حائز اهمیت باشد.

نمایی از نمایش باغ بی آلبالو / عکس: مهدی آشنا

از الماس دریای نور تا تاج کیانی و جقه نادری؛ در موزه جواهرات ملی نگهداری می شوند

راز و رمزهای تاریخی و هنری گنجینه ایران

گزارش

آناهید خزیر
گروه زیست بوم

در دل تهران، گنجینه‌ای خاموش اما پرشکوه آرام گرفته است؛ موزه‌ای که هر نگین و گوهرش، قصه‌ای از فراز و فرود تاریخ ایران را روایت می‌کند. «موزه جواهرات ملی ایران» تنها نمایشگاهی از الماس‌ها و زمردهای درخشان نیست، بلکه آیینه‌ای از هنر، ذوق و شکوه پادشاهی‌ها و دست‌ساز هنرمندان این سرزمین است؛ جایی که ارزش گوهرها را نمی‌توان به رقم و عدد سنجید، چرا که ارزش حقیقی‌شان در داستان‌های دیرینه و جاودانه‌ای نهفته است که بر دل هر بیننده می‌نشیند.

مجموعه‌ای از گرانبهاترین جواهرات جهان

موزه جواهرات ملی ایران یکی از موزه‌های دیدنی است. گنجینه بی‌مانند «خزانه جواهرات ملی» مجموعه‌ای از گرانبهاترین جواهرات جهان است که در سده‌های گوناگون گردآوری شده است. خزانه جواهرات در سال ۱۳۳۴ بنیان‌گذاری شد و در سال ۱۳۳۹ با تأسیس بانک مرکزی ایران افتتاح و به این بانک سپرده شد و اکنون نیز در صیانت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است. این موزه، مجموعه عظیمی از جواهرات، سنگ‌های قیمتی و اشیای گرانبها را که از دوره صفویه تا قاجاریه جمع‌آوری شده‌اند، در خود جای داده است. این مجموعه شامل تاج‌ها، گنبدها، انگشترها، دستبندها، گردن‌بندها و سایر اشیای تزئینی است.

گنجینه‌ای بی‌مانند و گرانبها از جواهرات ایران در موزه‌ای نگهداری می‌شود که هر قطعه آن داستان و سرگذشتی دیرینه و خواندنی دارد. از این رو، آن جواهرات نه تنها گویای تاریخ درازدامن ایران است بلکه نشان از ذوق‌ورزی و آفرینش‌گری مردم این سرزمین دارد و نموداری از هنر ایران است. هیچ کس نمی‌داند بهای آن جواهرات چه اندازه است. حتی کارشناسان و ارزیابان جواهرات جهان نیز نتوانسته‌اند ارزش آن گنجینه را با رقم و شماره برآورد کنند.

جواهراتی که سرگذشتی دیرینه دارند

تا پیش از صفویه، اقلامی از جواهرات در خزانه دولتی وجود داشته است و براساس نوشته‌های سیاحان خارجی (ژان باتیست تاورنیه، شوالیه شاردن، برادران شرلی، وارنیگ و...) پادشاهان صفوی گوهرها و جواهرات قیمتی را جمع‌آوری کرده و حتی کارشناسان دولت صفوی جواهرات را از بازارهای هند، عثمانی و کشورهای اروپایی مانند فرانسه و ایتالیا خریداری کرده و به اصفهان، پایتخت حکومت می‌آورده‌اند.

تا روزگار صفویان، به درستی دانسته نیست که پادشاهان ایران جواهرات سلطنتی را چگونه نگهداری می‌کردند. آن جواهرات، به گمان بسیار، در اینجا و آنجا پراکنده بود. تا آن که شاهان صفوی آنها را گردآوری کردند و در جامه‌ها و پوشش‌های زرین خود به کار بردند. نادرشاه افشار نیز به شمار آن جواهرات افزود. این کوشش در روزگار شاهان قاجاری افزونی بیشتری گرفت و پادشاهان این سلسله، جواهرات زرین دیگری به مجموعه خود افزودند.

گنجینه‌ای از نفایس و سنگ‌های پربها

اکنون این گوهرهای گرانبها را در «موزه جواهرات ملی ایران» می‌توان دید و با گنجینه‌ای از نفایس و سنگ‌های پربها که در درازنای تاریخ در کوره پرتلاطم زمان، دگرگونی و شکل گرفته آشنا شد. در این موزه برخی از گرانبهاترین و شناخته شده ترین گوهرهای جهان نگهداری می‌شود. یکی از این جواهرات «الماس دریای نور» است که از بزرگ‌ترین الماس‌های شناخته شده در جهان به شمار می‌رود. شاید این الماس در میان جواهرات ملی ایران به لحاظ ارزش، مقام اول را دارا باشد. این الماس معروف و الماس کوه نور، به دلیل نزدیکی نام، پیوسته یک زوج به شمار می‌آمده‌اند، در حالی که از نظر تراش و رنگ هیچ وجه مشترکی با یکدیگر ندارند. هر دو گوهر از آن نادر شاه بود، اما الماس کوه نور، بعد از مرگ نادر شاه، توسط احمدشاه درانی به افغانستان برده شد. بعد از احمدشاه، به شاه شجاع منتقل شد و پس از شکست شاه شجاع به دست سردار هندی، نامور به شیر پنجاب، الماس مزبور به تصرف سردار نامبرده درآمد. این گوهرها بعدها به دست کمپانی هند شرقی افتاد و بدان وسیله به دربار انگلستان راه جست و به ملکه ویکتوریا هدیه شد. هم‌اکنون نیز این گوهر در تاج ملکه الیزابت نصب است.

باور ناصرالدین شاه از گوهرهای تاج کوروش

الماس دریای نور، پس از قتل نادرشاه، به نوه او شاهرخ میرزا رسید، سپس به دست امیرعلم خان خزیمه و بعداً به دست لطفعلی خان زند افتاد. هنگامی که لطفعلی خان به دست آقا محمدخان قاجار شکست خورد، گوهر مذبور به گنجینه جواهرات قاجار منتقل شد. ناصرالدین شاه بر این باور بود این گوهر یکی از گوهرهای تاج کوروش بوده است و خود او بسیار به این گوهر گرانبها دلبستگی داشت و زمانی آن را به کلاه و گاهی به سینه خود نصب می‌کرد و حتی تولیت دریای نور را منصبی مخصوص قرار داد و این افتخار مهم را به اعیان و بزرگان کشور محول می‌کرد. دریای نور بعدها داخل موزه دولتی شد و اینک زینت بخش خزانه جواهرات ملی است. وزن دریای نور ۱۸۲ قیراط است و رنگ آن صورتی است که کمیاب‌ترین رنگ الماس است.

پهلوی تاج کیانی را بر سر نگذاشت

«تاج کیانی» به دستور فتحعلی شاه قاجار ساخته شد و نامور به تاج کیانی است که آراسته به الماس، زمرد، یاقوت و مروارید است. این تاج در زمان فتحعلی شاه ساخته شد و مورد استفاده سلاطین قاجاریه قرار گرفت. این تاج اولین تاجی است که پس از دوران شاهنشاهی ساسانی به این صورت ساخته شده است. رضاشاه نخواست این تاج را بر سر بگذارد و دستور به ساخت تاج دیگری برای خود داد. «تاج پهلوی» تاجی مورد استفاده پهلوی اول و دوم بود. این تاج از طلا و نقره ساخته شده و آراسته به الماس‌های برلیان بسیار اعلا، دانه‌های درشت زمرد، یاقوت کبود و مروارید است. کلاه تاج ابره مخمل قرمز است و در قبه آن که دانه زمرد خیاره در چنگ نشانده، قرار دارد. تاج، در چهار طرف، دارای چهار کنگره پله پله به شکل تاج‌های شاهنشاهان ساسانی است که در وسط و زیر کنگره پیشین آن، خورشیدی زرین با شعاع‌های الماس نشان و دانه الماس زرد درشت نصب شده است و در پشت همین کنگره، جقه پایه‌دار اسلیمی و در پشت آن پر قو قرار دارد.

شمار گوهرهای نشانده شده بر تاج چنین است: ۳۳۸۰ قطعه الماس به وزن ۱۱۴۴ قیراط، ۵ قطعه زمرد به وزن ۱۹۹ قیراط و ۲ آنه، ۲ قطعه یاقوت کبود به وزن ۱۹ قیراط و ۳۶۸ حبه مروارید غلطان جور. وزن تاج از زر و گوهر و مخمل، با هم، ۴۴۴ مثقال، یعنی در حدود دو کیلو و هشتاد گرم است.

یاقوت، الماس و زمرد نشان جقه نادری

«جقه نادری» نیز آراسته به الماس و زمرد، که در وسط آن یک دانه زمرد دانه درشت خوشرنگ نصب شده است. در زیر جقه، سه آویز زمرد خوشرنگ امرودی آویخته شده است. قسمت بالای جقه، هفت شقه است و در دو طرف شقه‌ها نیز دو ریسه و برگ و گل الماس نشان ساخته‌اند و از نوک شقه‌های جقه، دو آویز زمرد بسیار اعلای سعیدی امرودی آویخته شده است. در بالای دانه وسط، هلال الماس نشان و در پایین، در دو سو، شبیه درفش، طبل، لوله توپ و سرنیزه روی زه زین نصب شده است. پارچه درفش به سه ردیف یاقوت، الماس و زمرد کمرنگ تقسیم شده است. تمام جقه، آراسته به الماس‌های فلامک خوش آب و درشت و ریز است. پهلوی اول، از جقه مزبور گاهی استفاده می‌کرد. وزن جقه ۳۳ مثقال و ۱۶ نخود است. در این گنجینه جواهرات دیدنی بسیار دیگری نظیر کره جواهرنشان، تخت طاووس (تخت خورشید)، تخت نادری، فیروزه‌ها، سنگ‌های گرانبها، مرواریدهای خوش تراش، تاج و نیم تاج‌ها، جقه‌ها (پیش کلاه‌ها)، تُنگ‌های مینا، شمعدان‌ها، انفیه‌دان‌ها، گل سینه‌ها و بسیاری چیزهای دیگر را باید افزود. این جواهرات و قطعه‌ها، در ۳۶ گنجه دسته‌بندی شده‌اند. دیدن جواهرات و گوهرهایی که بیشتر آنها دست‌ساز هنروران ایرانی است، گردش دلپذیر و جذابی است و می‌تواند شکوه و تاریخ ایران را در سده‌های گوناگون به تصویر بکشد و سروده فردوسی را فریاد آورد که «هنر نزد ایرانیان است و بس».

> دیدن جواهرات و گوهرهایی که بیشتر آنها دست‌ساز هنروران ایرانی است، گردش دلپذیر و جذابی است و می‌تواند شکوه و تاریخ ایران را در سده‌های گوناگون به تصویر بکشد و سروده فردوسی را فریاد آورد که «هنر نزد ایرانیان است و بس»

یک سال پس از اعلام خشک شدن «نبادان»، کارشناسان میراث فرهنگی از زنده بودن «قنات» خبر می‌دهند

سرو ۴ هزار ساله ابرکوه دوباره نفس کشید

گزارش

سال گذشته بود که کشاورزان ابرکوه و مسئولان امور آب و هیأت امنای «قنات نبادان» در جلسه‌ای رسمی، «چهار تکبیر» بر مرگ قنات تاریخی نبادان زدند؛ قناتی که هزاران سال، رگ حیاتی باغ‌های منطقه بود و سرو ۴۰۰۰ ساله ابرکوه را سیراب می‌کرد. خبر مرگ قنات، مثل داغی بزرگ بر دل مردم ابرکوه نشست.

اما یک سال بعد، ماجرا شکل دیگری به خود گرفته است. محمدرضا فلاحتی، معاون میراث فرهنگی استان یزد، حالا به «ایسنا» می‌گوید: «قنات هنوز زنده است. در مادرچاه آن آب وجود دارد و می‌توان با لایروبی و بازسازی مسیر، دوباره جریان زندگی را به آن برگرداند.»

این سخن، در تضاد با اظهارات مسئولان امور آب و هیأت امنای «قنات نبادان» است که سال گذشته در همان جلسه رسمی، «فوت قنات» را اعلام کردند؛ تصمیمی که به گفته کارشناسان، بیش از آنکه علمی باشد، نتیجه برداشت‌های غیراصولی و بهره‌برداری‌های نادرست کشاورزان از سفره‌های آب زیرزمینی بود.

محمدحسین گلستانی‌پور، کنشگر میراث فرهنگی ابرکوه، این اعلام «فوت» را «اشتباهی بزرگ» می‌خواند و می‌گوید: «آب هنوز در دل زمین جریان دارد. کافی است قنات لایروبی شود تا دوباره زنده شود.» در همین حال، ذات‌الله نیکزاد، عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی، هشدار می‌دهد: «نادیده گرفتن قنات، یعنی حذف سنت‌های کهن مدیریت آب در ایران. اگر قنات‌ها را از مدار خارج کنیم، بخشی از تاریخ و فرهنگ این سرزمین را نابود کرده‌ایم.»

چاهی که برای قنات کشیده شد

در طرف دیگر ماجرا، کشاورزانی قرار دارند که سال‌هاست برای نجات زمین‌هایشان به موتورپمپ‌ها و لوله‌های پلاستیکی متکی‌اند. آنها معتقدند که آب قنات، به دلیل تبخیر و فرونشست، دیگر توان تأمین نیازشان را ندارد. همین باعث شد که مسیر سنتی قنات بسته شود و آب مادرچاه مستقیم وارد لوله‌کشی‌ها شود؛ اقدامی که نهایتاً به «خشک اعلام شدن» مظهر قنات انجامید. اکنون، میراث فرهنگی می‌خواهد پرونده را دوباره باز کند. فلاحتی تأکید می‌کند: «ما در حال پیگیری حقوقی هستیم و تلاش می‌کنیم با مسئولان امور آب و هیأت امنای قنات نبادان جلساتی برگزار شود تا راهکاری برای احیای قنات پیدا کنیم. هدف ما بازگشت قنات به حیات طبیعی خودش است، نه فقط استفاده از آب چاه.»

نبادان تنها یک قنات نیست؛ شریان حیاتی است که باغ‌ها، آسیاب‌ها، سرداب‌ها و حتی یخچال‌های تاریخی را در مسیر خود زنده نگه داشته بود و سرو ۴۰۰۰ ساله ابرکوه را آبیاری می‌کرد. سرنوشتی که امروز در گرو تصمیمی است میان کشاورزان، مسئولان امور آب و هیأت امنای قنات نبادان و میراث فرهنگی. اگر این میراث چهار هزار ساله دوباره به جریان بیفتد، نه تنها سرو ابرکوه همچنان آب خواهد نوشید، بلکه سنتی زنده در مدیریت آب ایران نیز تداوم خواهد یافت.

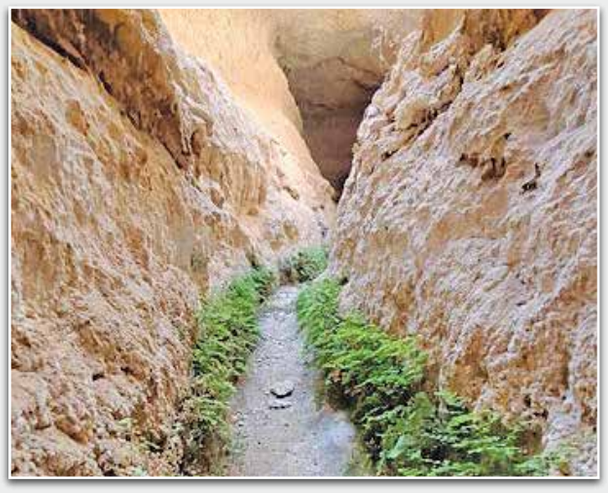

> اگر این میراث چهار هزار ساله دوباره به جریان بیفتد، نه تنها سرو ابرکوه همچنان آب خواهد نوشید، بلکه سنتی زنده در مدیریت آب ایران نیز تداوم خواهد یافت

نقش برجسته چهار هزار ساله ایلامی کشف شد

نیایش در صخره‌های آیاپیر

گزارش

باستان‌شناسان راز دیگری از تاریخ سترگ «آیاپیر» ایذه را کشف کردند؛ شهری که به گالری و موزه روباز نقش‌برجسته‌های کشور معروف است. تیمی از باستان‌شناسان به سرپرستی حسین فیضی و ایوب سلطانی، در دل صخره‌های آیاپیر، روی سنگی به اندازه یک کف دست، پادشاهی ایلامی که دستانش را به سوی خدای خورشید برافراشته، کشف کردند.

کشفی در سکوت کوهستان

صخره‌های «کنگلومرا»ی آیاپیر ایذه زیر آفتاب سوزان خوزستان، قرن‌ها راز خود را پنهان کرده بودند. در اینجا بود که چشم تیزبین حسین فیضی، مدرس دانشکده باستان‌شناسی شوش و ایوب سلطانی، مدیر پایگاه مسجدسلیمان، به همراه فرزاد نجفی و مهدی فرجی، به نقش کوچکی روشن شد که تاریخ چهار هزار ساله را در خود داشت. این نگارکند تنها ۲۶ سانتی‌متر است، اما دنیایی از معنا در خود جای داده است. حسین فیضی با چشمانی درخشان توضیح می‌دهد: «پادشاه بر تختی ساده نشسته، دست راستش به نشانه نیایش به سوی قرص خورشید بلند شده است. اینجا خدای خورشید و عدالت -«ناهونته»- مورد ستایش قرار گرفته است.» ایوب سلطانی می‌گوید: «حجاری این اثر بر سنگ «کنگلومرا»ی نامتجانس، نشانی از مهارت استثنایی هنرمند ایلامی دارد؛ جایی که هر ضربه قلم می‌توانست به فاجعه بینجامد، اما هنرمند با ظرافت، این نیایش را برای همیشه ثبت کرده است.»

پیوند با تمدن‌های همسایه

فیضی با دقتی علمی به تحلیل اثر می‌پردازد و می‌گوید: «این نقش کوچک، حلقه گمشده ارتباط فرهنگی ایلام با میان‌رودان است. ترکیب‌بندی آن با مهرهای استوانه‌ای «اور» و «شیماشکی» پیوند دارد، گویی هنرمندان ایلامی و میان‌رودانی از رودخانه‌های فرهنگی مشترکی سیراب می‌شدند.»

سلطانی با نگرانی به سنگ ناهمگون کنگلومرا اشاره می‌کند و می‌گوید: «با وجود حفظ نقش در طول چهار هزار سال، این اثر اکنون در معرض تهدید است. ما نیاز فوری به اسکن لیزری و مستندسازی دقیق داریم تا این میراث برای نسل‌های آینده حفظ شود.» نقش‌برجسته کوچک تازه کشف شده، سیزدهمین نقش‌برجسته ایلامی در ایذه است که باورهای دینی و هنر مردمی را که چهار هزار سال پیش در این سرزمین زندگی می‌کردند، روایت می‌کند.

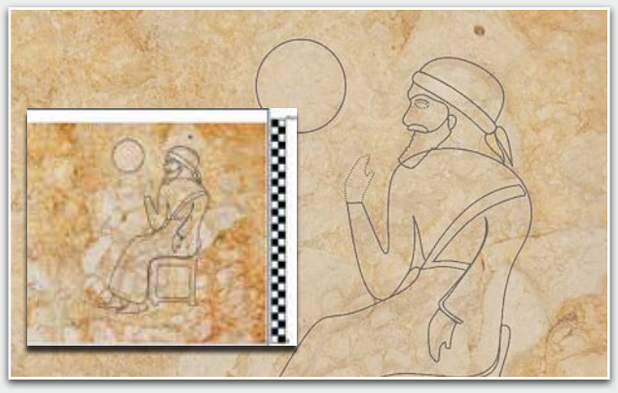

عکس نوشت

تالاب درگه‌سنگی نقده هم خشک شد

در قلب آذربایجان غربی، جایی که روزی آواز پرندگان مهاجر با رقص فلامینگوها در هم می‌آمیخت، امروز تنها صدای خش‌خش نی‌های خشک شده به گوش می‌رسد. تالاب بین‌المللی «درگه‌سنگی» نقده، این نگین درخشان طبیعت، تابستان امسال را هم تاب نیاورد و در برابر خشکسالی سر تسلیم فرود آورد. سیداکبر قایمی، رئیس اداره حفاظت محیط زیست نقده می گوید: «رودخانه گادر، مادر تالاب درگه‌سنگی بود. هر سال تا تیرماه، سیلاب زندگی در رگ‌های این تالاب جاری می‌شد. اما امسال رودخانه زودتر از همیشه خشک شد و تالاب هم تا پایان شهریور، آخرین قطره آبش را از دست داد.»

تصویر سال گذشته این تالاب اما کاملاً متفاوت بود. او می گوید: «سال گذشته درگه‌سنگی پر از آب بود، آنقدر که تا اوایل پاییز هم می‌درخشید. فلامینگوها میهمانان همیشگی این تالاب بودند، چرا که عمق کم آبش برایشان ایده‌آل بود.» با خشک شدن تالاب، ساکنان بالدارش نیز راهی شدند. پرندگان بومی و مهاجر، درگه‌سنگی را ترک کردند و به تالاب‌های همسایه از جمله سولدوز و سد حسنلو پناه بردند. این کوچ اجباری، زیست‌بوم منطقه را دستخوش تغییراتی کرده که هنوز پیامدهایش کاملاً مشخص نیست. در میان این خبرهای ناخوش، روایت تالاب‌های «آق‌قلعه» و «سولدوز» امیدوارکننده است. این دو تالاب به لطف آبگیری از سد حسنلو، همچنان میزبان درناهای خاکستری و فلامینگوها هستند. اما در مقابل، تالاب‌های «طالقان» و «یادگارلو» نیز همانند درگه‌سنگی، کاملاً خشک شده‌اند. این روزها، نی‌زارهای خشکیده درگه‌سنگی، مانند دست‌های التماس‌کننده‌ای به سوی آسمان هستند. آنها بی‌صدا فریاد می‌زنند که طبیعت این سرزمین به کمک نیاز دارد. شاید زمان آن رسیده که به صدای این نی‌زارها گوش بسپاریم، پیش از آنکه دیگر نی‌زاری برای فریاد زدن باقی نمانده باشد.

گاوبانگی در جنگل ابر

در دل جنگل ابر شاهرود، فصل گاوبانگی آغاز شده است؛ فصل امواج مه‌آلودی که درختان کهنسال را در بر می‌گیرد و آوای عاشقانه مرال‌ها در دشت طنین می‌اندازد. اما این نغمه عاشقانه، شکارچیان فرصت‌طلب را نیز به کمین می‌کشاند. علی‌اکبر قربانلو، رئیس اداره حفاظت محیط زیست شاهرود، با محکوم کردن شکار مرال به روش گاوبانگی، این عمل را ناجوانمردانه خوانده و تأکید می‌کند: «مرال‌ها از سرمایه‌های ملی کشور هستند و حیات آنان امانتی در دستان ما برای نسل‌های آینده است.» برای حفاظت از این گنجینه جنگل‌های هیرکانی، محیطبانان شاهرودی چادرهای خود را در دل جنگل ابر برپا کرده‌اند. دو پایگاه چادری با حضور شبانه‌روزی محیطبانان و همیاران طبیعت، پناهگاهی امن برای مرال‌ها ایجاد کرده است. قربانلو با اشاره به آغاز این طرح از نیمه شهریور، خاطرنشان می‌کند: «حضور فعال محیطبانان تا پایان فصل گاوبانگی در نیمه مهر ادامه خواهد داشت. این مراقبت‌ها نه تنها از مرال‌ها، که از تمامی زیست‌بوم ارزشمند جنگل ابر محافظت می‌کند.» جنگل ابر با ۳۵ هزار هکتار وسعت، بخشی از جنگل‌های هیرکانی و میزبان گوزن قرمز یا مرال است. این زیستگاه به دلیل همجواری با جنگل‌های شمال کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قربانلو از همه هموطنان می‌خواهد که در حفاظت از این میراث طبیعی مشارکت کنند و در صورت مشاهده هرگونه تخلف شکار، مراتب را به محیط زیست گزارش دهند.

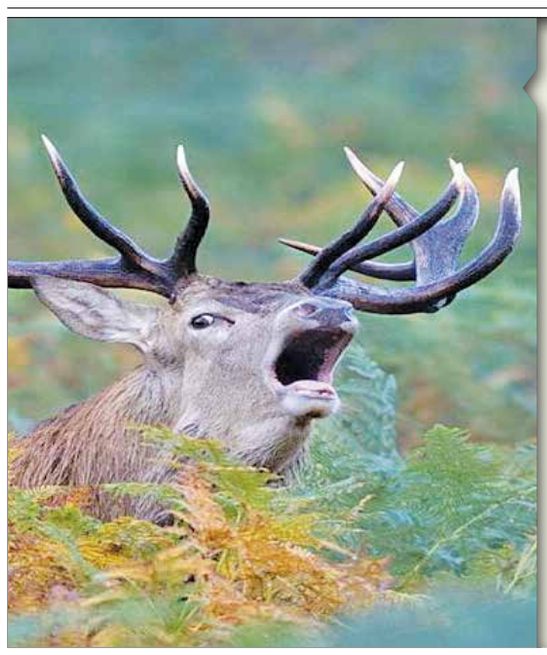

وفاداری به صورت یا معنا

نگاهی تطبیقی به دو برگردان فارسی کتاب یک روز از زندگی عابد سلامه نوشته ناتان ترال

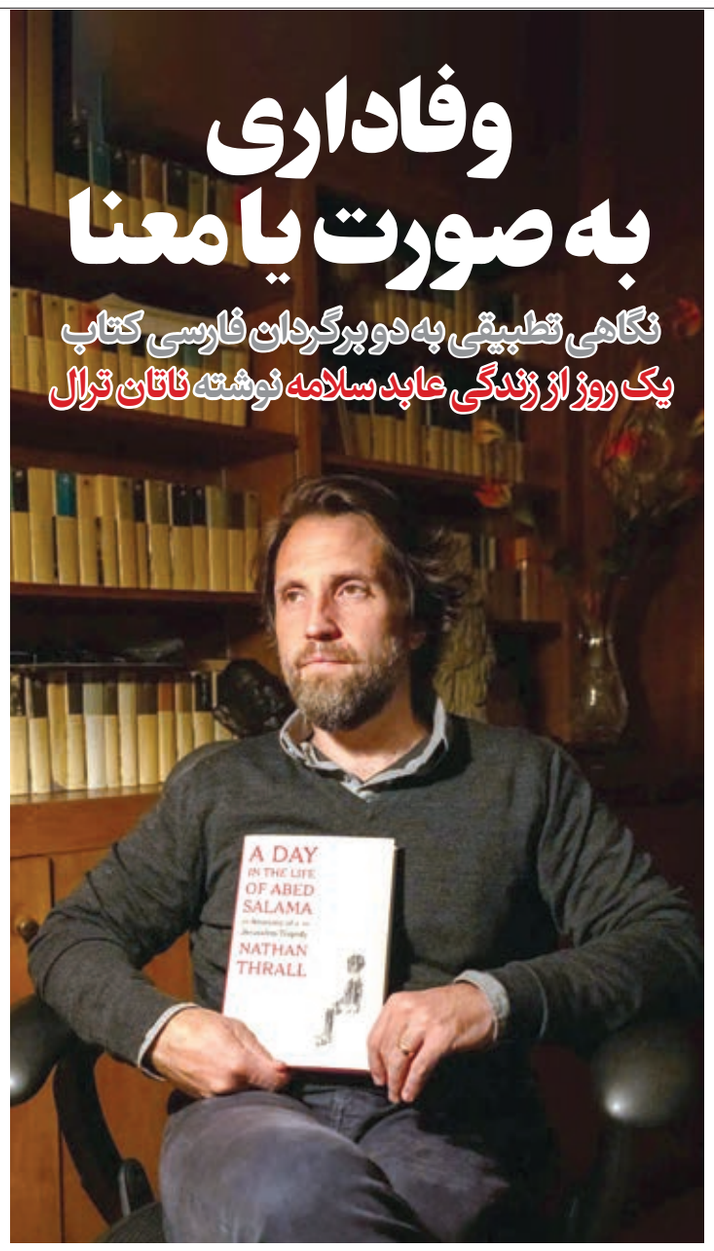

نقد ترجمه

راضیه خوئینی
گروه کتاب

هر هفته، ناتان ترال؛ روزنامه‌نگار آمریکایی-یهودی از میان دروازه‌های دانشگاه عبری اورشلیم می‌گذشت، بی‌تفاوت به حقایق تلخ از محله فقیرنشین فلسطین؛ محله عناتا در شمال‌شرقی قدس اشغالی. منظره‌ای غرق در فقر و صف‌های بی‌پایان برای ایست‌های بازرسی دائمی همیشه از محوطه مدرن این دانشگاه به چشم می‌آمد. زندگی در سایه بی‌رحمی، پشت دیوار حائل جریان داشت، تا اینکه حادثه‌ای هولناک در نزدیکی خانه‌اش او را به عابد سلامه، پدری فلسطینی، رساند؛ حادثه‌ای که او را به تألیف کتابی تکان‌دهنده واداشت: «یک روز از زندگی عابد سلامه: موشکافی یک تراژدی در بیت‌المقدس/ A Day in the Life of Abed Salama: Anatomy of a Jerusalem».

دیواری میان خوشبختی و بدبختی

ماجرا با شوق کودکانه میلاد، پسر پنج‌ساله عابد، برای اردوی مدرسه در سال ۲۰۱۲ آغاز می‌شود؛ اردویی که هرگز پایان خوشی ندارد. اتوبوس کودکان در جاده‌ای بارانی با تریلری پرسرعت برخورد می‌کند و شعله‌ور می‌شود. تلاش پدر برای یافتن جسد فرزندش او را در میان پیچ‌وخم‌های بوروکراسی و محدودیت‌های نظامی اسرائیل گرفتار می‌کند؛ مسیری پر از تحقیر و رنج که ترال را واداشت پرده از واقعیت زندگی فلسطینیان در سایه دیوار حائل بردارد؛ دیواری که مرز میان «خوشبختی» شهرک‌نشینان و «بدبختی» ساکنان عناتا است.

ترال با کتاب «یک روز از زندگی عابد سلامه» موفق می‌شود از سیم خاردار سیاست و حزب‌گرایی عبور کند تا تصویری تکان‌دهنده از معنای پدر یا مادر فلسطینی بودن ارائه دهد. این کتاب تأثیرگذار، خواننده را با مجموعه‌ای دقیق از تاریخ، روابط و تجربیات انسانی آشنا می‌کند که همگی از دل یک حادثه دلخراش در خانواده‌ای فلسطینی جریان می‌گیرد. این کتاب فراتر از گزارش یک حادثه است. ترال با ترکیب پژوهش میدانی، روایت تاریخی و نثر شاعرانه، تصویری چندلایه از زندگی فلسطینیان ترسیم می‌کند؛ جایی که کوچک‌ترین امور روزمره تا بزرگ‌ترین تراژدی‌ها در زندگی این مردم زجرکشیده زیر سایه کنترل اسرائیل معنا می‌یابند. او در کنار رنج این مردم، شجاعت، عشق و همبستگی انسانی را نیز به تصویر می‌کشد.

ترال همچنین در کتاب دیگری با عنوان «تنها زبانی که آنها می‌فهمند: سازش اجباری در اسرائیل و فلسطین/ The Only Language They Understand: Forcing Compromise in Israel and Palestine» به تشریح این مفاهیم پرداخته است. آثار او در نشریات معتبر جهانی منتشر و به بیش از بیست زبان ترجمه شده‌اند. از دلایل اهمیت آثار ترال می‌توان به قلم بی‌طرف و بی‌پروایش و همچنین نگاه انسان‌دوستانه‌اش؛ بی‌توجه به منافع شخصی‌اش اشاره کرد.

ترال، یهودی ساکن اورشلیم ابتدا گزارش‌ها و مقالاتی درباره این حادثه نوشت، اما بی‌عدالتی و شرایط غیرمعمول فلسطینی‌ها، او را چنان متأثر کرد که پس از مدتی تحقیق تصمیم گرفت کتابی را به شرح مصیبت‌های خانواده سلامه اختصاص دهد. این روایت جایزه پولیتزر در حوزه آثار غیرداستانی را در ماه مه ۲۰۲۴ برای این روزنامه‌نگار یهودی به ارمغان آورد. همچنین این تراژدی با عنوان «Une journée dans la vie d'Abed Salama : Anatomie d'une tragédie à Jérusalem» در فرانسه با ترجمه فردریک ژولی، توسط انتشارات گالیمارد منتشر شده است.

واکاوی دو ترجمه

این اثر تاکنون با دو ترجمه به فارسی عرضه شده است: «یک روز از زندگی عابد سلامه: موشکافی یک تراژدی در بیت‌المقدس» با ترجمه مشترک ناهید صفایی و ماه‌فرید منصوریان از زبان انگلیسی (نشر چشمه) و «یک روز از زندگی عابد سلامه: واشکافی یک رخداد غم‌انگیز در اورشلیم» با ترجمه مریم مهدوی (کتابستان معرفت) که از ترجمه فرانسوی آن به فارسی برگردانده شده است. این تنوع ترجمه فرصتی فراهم آورد تا به مقایسه تطبیقی آن‌ها با نسخه اصلی (انگلیسی) اثر بپردازیم؛ مقایسه‌ای که در این گزارش بر اساس چارچوب نظری آنتوان برمن، ترجمه‌شناس برجسته فرانسوی، سامان می‌گیرد. برمن در نظریه مشهور خود با عنوان «سیزده گرایش ریخت‌شکنانه» نشان می‌دهد چگونه اغلب ترجمه‌ها ناخواسته دچار دگرگونی می‌شوند؛ از منطقی‌سازی و واضح‌سازی گرفته تا آراسته‌سازی، تضعیف کمی و کیفی، همگون‌سازی و در نهایت، از میان رفتن شبکه‌های زبانی و دلالتی متن اصلی. این گرایش‌ها در ترجمه، اگرچه به ظاهر کار را برای خواننده زبان مقصد ساده‌تر می‌کند، اما در حقیقت فاصله‌ای میان متن اصلی و ترجمه‌شده ایجاد و خواننده را از متن مبدأ یعنی نوشتار اولیه نویسنده دور می‌سازد. به بیان دیگر، مترجمان غالباً ناخودآگاه به سمت زبان مادری و فرهنگ خود تمایل می‌یابند و همین امر به دگرگونی یا تغییر ساختار اثر می‌انجامد. اگر چه رویکرد برمن به ترجمه سخت‌گیرانه تلقی می‌شود و برخی منتقدان آن را غیرعملی می‌دانند، اما چارچوب پیشنهادی او همچنان ابزاری کارآمد برای نقد و بررسی ترجمه‌ها در جهان محسوب می‌شود. در همین راستا، بخش‌هایی از دو ترجمه فارسی «یک روز از زندگی عابد سلامه» را با متن‌های انگلیسی و فرانسوی آن مقابله کرده‌ایم.

یک روز از زندگی عابد سلامه

واشکافی یک رخداد غم‌انگیز در اورشلیم

- نویسنده: ناتان ترال
- مترجم: مریم مهدوی
- انتشارات: کتابستان معرفت
- تعداد صفحه: ۲۶۰ صفحه
- قیمت: ۳۴۰ هزار تومان

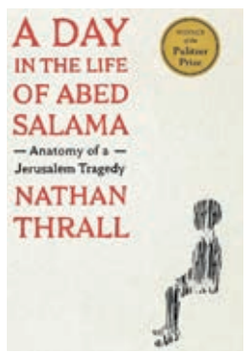

یک روز از زندگی عابد سلامه

موشکافی یک تراژدی در بیت‌المقدس

- نویسنده: ناتان ترال
- مترجم: ناهید صفایی و ماه‌فرید منصوریان
- انتشارات: چشمه
- تعداد صفحه: ۲۴۳ صفحه
- قیمت: ۳۴۰ هزار تومان

متن انگلیسی

Year by year, Palestinians from Anata found themselves absorbed into the urban fabric of an expanding Jerusalem, which had swallowed up the Old City and the rest of East Jerusalem, as well as the lands of more than two dozen outlying villages, all annexed by Israel.

صفایی و منصوریان (چشمه): سال به‌سال، بافت شهری بیت‌المقدس گسترش می‌یافت و شهر قدیمی و بقیه بیت‌المقدس شرقی و زمین‌های ده‌ها روستای دورافتاده را که اسرائیل ضمیمه کرده بود، می‌بلعید.

Abed lived a few dozen feet downhill from the girls' school, on the second floor of a two-story limestone house.

صفایی و منصوریان: عابد چند ده متر دورتر از مدرسه دخترانه در طبقه دوم یک خانه دو طبقه ساخته شده از سنگ آهک زندگی می‌کرد.

ترجمه فرانسه

Année après année, les Palestiniens d'Anata se retrouvèrent pris dans la dynamique urbanistique de Jérusa-lem, qui ne cessait plus de s'étendre. Cette dynamique avait avalé la vieille ville et le reste de Jérusalem-Est, tout autant que les terres de plus d'une vingtaine de vil-lages situés à sa périphérie, toutes annexées par Israël.

مهدوی (کتابستان معرفت): سال به‌سال جای فلسطینی‌ها در عناتا تنگ‌تر می‌شد. در عوض، اورشلیم جدید مثل هیولایی گرسنه شهر قدیم و بقیه اورشلیم شرقی (قدس شرقی) و زمین‌های چندین روستای دورافتاده را بلعید و بزرگ و بزرگ‌تر شد و البته این‌ها همه کار اسرائیلی‌ها بود.

Abed vivait à trois kilomètres et quelques de l'école des filles, un peu plus bas sur la colline, au second étage d'une maison en pierre à chaux qui en comprenait deux.

مهدوی: عابد و خانواده‌اش در پایین‌دست تپه، چند قدم آن طرف‌ترِ مدرسه دخترانه و در طبقه دوم یک خانه سنگی دو طبقه زندگی می‌کردند.

● در مقایسه با متن فرانسه در می‌یابیم که فردریک ژولی، مترجم فرانسوی نسبت به متن انگلیسی تا حد زیادی وفادار بوده، اما می‌توانست ترجمه دقیق‌تری ارائه بدهد. مثلاً la dynamique urbanistique به جای «the urban fabric» استفاده کرده است. از آنجا که دینامیک شهری بیشتر روی (فرآیند پویایی و توسعه در زمینه‌های فنی و برنامه‌ریزی شهری) تأکید دارد تا «گسترش مساحت بافت شهری»، این تغییر می‌تواند به تفسیر متفاوتی منجر شود ولی در عین حال با آوردن عبارات دیگر مفهوم را تا حدودی رسانده است.

در بُعد تصویرسازی، فعل swallowed up تصویری قوی از حس سیطره و تجاوز ارائه می‌دهد. در حالی که فعل فرانسوی avalé، معادل درستی است، اما چون جمله با دینامیک شهری آغاز شده، تصویر استعاری آن کمی ضعیف‌تر و فنی به نظر می‌رسد. مهدوی این فعل را «بلعید» ترجمه کرده که نشان از پایان فعل و اشغالگری صهیونیست‌ها دارد؛ ولی صفایی و منصوریان با انتخاب «می‌بلعید» (ماضی استمراری)؛ متن را به روح اصلی روایت نزدیک‌تر کرده و تداوم این روند را نشان داده‌اند. از منظر واژگانی، مهدوی بیشتر به انتقال مفاهیم و روح کلام ناتان ترال چسبیده و بی‌توجه به ترجمه واژه‌ها، دست به نوآوری زده است؛ واژه‌هایی که هرچند شمایل و معنای تازه‌ای به متن می‌دهد، اما روح کلام نویسنده را حفظ کرده است. در عوض، صفایی و منصوریان با انتخاب واژه‌های نزدیک‌تر به بافت متن ترال وفاداری بیشتری به او نشان داده‌اند؛ مانند استفاده از معادل دقیق «بافت شهری... گسترش می‌یافت».

همچنین صفایی و منصوریان عبارت «found themselves absorbed» را به «جای فلسطینی‌ها در عناتا تنگ‌تر می‌شد» تغییر داده که این می‌تواند حس منفی و ناامیدی موجود در متن اصلی را انتقال بدهد؛ اما باز از ظاهر نوشتار نویسنده دور شده است. مهدوی با توضیحات خارج از متن اصلی؛ حس واقعی و بار معنایی را منتقل کرده؛ ولی بر اساس نظریه برمن شاهد اطناب (طولانی شدن جمله)، منطقی‌سازی و واضح‌سازی بیش از حد متن هستیم. همچنین آراسته‌سازی متن به سلیقه مترجم را در تشبیه اورشلیم جدید به «هیولایی گرسنه» شاهدیم؛ اصطلاحی که باعث شده ترجمه بار احساسی قوی‌تری درباره حس خشونت و سیطره در مقایسه با ترجمه‌های دیگر پیدا کند. عبارت (و اینها همه کار اسرائیل بود) نیز در متن اصلی وجود ندارد. این اقدام مهدوی علاوه بر اطناب باعث واضح‌سازی متن شده است که هدف نویسنده نبوده؛ زیرا نویسنده در لفافه، از annexed یعنی ضمیمه کردن استفاده کرده است. بنابراین می‌بینیم که ترجمه صفایی و منصوریان با انتخاب «اسرائیل ضمیمه کرده بود»، به متن اصلی نزدیک‌تر است. در مقابل اگرچه ترجمه صفایی و منصوریان وفاداری بیشتری به متن ناتان ترال دارد؛ ولی شاهد خلاصه‌سازی بیش از حد و (تضعیف کمّی) متن از ۴۶ کلمه انگلیسی به ۲۴ واژه هستیم. همچنین در ترجمه اسامی خاص مانند مکان‌ها و سازمان‌ها شاهد دو ترجمه متفاوت به فارسی هستیم. برای مثال در ترجمه اسم خاص (اورشلیم / Jérusalem-Jerusalem) از آنجا که نویسنده یهوی-آمریکایی است و متن (زبان مبدأ) انگلیسی و عبری است؛ می‌بینیم که مهدوی تا حدودی به انتقال محض اسامی پرداخته و تلاش کرده به متن نویسنده اثر وفادار بماند؛ البته در برخی موارد شفاف‌سازی کرده و اسم خاص قدس یا بیت‌المقدس را داخل پرانتز در مقابل اورشلیم آورده است تا خواننده دچار سردرگمی نشود. اما صفایی و منصوریان کاملاً این اسم را به زبان مقصد و به فرهنگ مسلمانان برگردانده‌اند. چرا که در هر صورت، سرزمین‌های اشغالی فلسطین؛ قدس و بیت‌المقدس منطقه مورد مناقشه مسلمانان با صهیونیست‌ها است و نشر چشمه به جهت احترام به زبان مقصد (خوانندگان مسلمان و فارسی‌زبان) بر سنت اسلامی-عربی (بیت‌المقدس) تمرکز کرده و به گفتمان فلسطینی در بازگرداندن «تاریخ و حافظه نام‌ها» وفاداری بیشتری نشان داده است. این وفاداری به فلسطینیان را حتی در ترجمه جلد کتاب هم شاهدیم. اما طبق نظریه برمن شاهد تخریب سیستم‌بندی‌های متن و تخریب شبکه‌های بومی در برخی عبارت‌های به کار رفته در نشر چشمه هستیم. مانند: «سال‌به‌سال، بافت شهری بیت‌المقدس گسترش می‌یافت و شهر قدیمی و بقیه بیت‌المقدس شرقی و زمین‌های ده‌ها روستای دورافتاده را که اسرائیل ضمیمه کرده بود، می‌بلعید.»

از طرف دیگر در هر دو ترجمه فارسی و حتی فرانسوی دقت اعداد تقلیل یافته است. برای مثال در متن انگلیسی «the lands of more than two dozen outlying villages» به معنای «زمین‌های بیش از دو جین یا ۲۴ روستای دورافتاده» در فرانسوی به بیش از بیست روستا ترجمه شده که شاهد ساده‌سازی بیش از حد و غیردقیق ترجمه هستیم؛ این عدد در کتاب چشمه به «ده‌ها» و در کتابستان معرفت به «چندین» ترجمه شده که هیچ کدام بارمعنایی و عدد دقیق را نمی‌رسانند. همچنین تصویر استعاری انگلیسی کم‌رنگ‌تر شده است. حتی برای ترجمه «a few dozen feet downhill» با ترجمه تحت‌اللفظی «چند جین/ دوازده فوت پایین‌تر از...» و a few معمولاً به معنای حدود ۲ تا ۳ دوجین (یعنی ۲۴ تا ۳۶) است، می‌بینیم که ژولی؛ مترجم فرانسوی کاملاً متفاوت عمل کرده و از فاصله من درآوردی (سه کیلومتری و بیشتر از مدرسه دخترانه، کمی پایین‌تر از تپه...) استفاده کرده است. در متن انگلیسی اصلاً نه به تپه اشاره شده و نه به سه کیلومتری؛ هر چند که hill به تنهایی معنای تپه دارد؛ ولی downhill یعنی سراشیبی و پایین‌تر. مهدوی با اینکه از روی متن فرانسوی ترجمه کرده از عبارت «عابد و خانواده‌اش در پایین‌دست تپه، چند قدم آن طرف‌ترِ مدرسه دخترانه و در طبقه دوم یک خانه سنگی دو طبقه زندگی می‌کردند.». صفایی و منصوریان برای ترجمه واحد شمارش «فوت یا پا؛ برابر ۱۲ اینچ، معادل ۳۰٫۴۸ سانتی‌متر» آورده‌اند «چند ده متر» از آنجا که واحدهای شمارش «جین-۱۲» و «فوت» در زبان فارسی مصطلح نیستند در هر دو ترجمه شاهد نوآوری‌هایی هستیم که در نوع خود ارزشمند هستند؛ ولی فاصله دقیق را که حدود ۷ تا ۱۰ متر بیشتر نیست، نرسانده‌اند.

متن انگلیسی

Anyone who knew Abed in his youth would have told you that he was destined to end up with a certain someone. But that someone was not Haifa or Asmahan. It was a girl called Ghazl. They met in the mid-1980s, when Anata was quiet and rural, more village than town. Ghazl was a fourteen-year-old freshman at the Anata girls' school. Abed was a senior at the boys' school across the street. Back then, everyone knew each other in Anata. More than half the village came from one of three large families all descended from the same ancestor, a man named Alawi. Abed's family, the Salamas, was the largest. Ghazl's, the Hamdans, was the second largest.

ترجمه صفایی و منصوریان: هر کس که در دوران جوانی عابد را می‌شناخت، می‌گفت سرنوشت او با سرنوشت یک دختر معین گره خورده. اما آن دختر حیفا یا اسمهان نبود؛ دختری بود به نام غزل. آنها در اواسط دهه ۱۹۸۰ با هم آشنا شدند، زمانی که عناتا منطقه روستایی خلوتی بود، بیشتر شبیه دهکده تا شهری کوچک. غزل دختری چهارده ساله بود که در دبیرستان دخترانه عناتا درس می‌خواند. عابد سال آخر دبیرستان پسرانه آن طرف خیابان بود. آن روزها در عناتا همه همدیگر را می‌شناختند. بیش از نیمی از اهالی روستا متعلق به سه خانواده بزرگ بودند که همگی جد مشترک داشتند، مردی به نام علوی. خانواده عابد، سلامه‌ها، بزرگترین طایفه بودند. خانواده غزل، حمدان‌ها، دومین طایفه بزرگ بودند.

ترجمه فرانسه

Toute personne proche d'Abed dans sa jeunesse vous aurait dit à cette époque qu'il était destiné à convoler avec une certaine personne. Mais ce n'était ni Haïfa ni Asmahan. C'était une jeune fille qui s'appe-lait Ghazl.Ils s'étaient rencontrés au milieu des années 1980, à une époque où Anata était une agglomération rurale et tranquille, plus un village qu'une ville. Ghazl avait à ce moment-là quatorze ans et était en première année à l'école des filles d'Anata. Abed, lui, était en terminale à l'école des garçons, de l'autre côté de la rue. À l'époque, tout le monde se connaissait à Anata. Plus de la moitié du village descendait de l'une des trois grandes familles locales qui partageaient le même ancêtre, un homme du nom d'Alawi. La famille d'Abed, les Salama, était la plus importante. Celle de Ghazl, les Hamdan, était la deu-xième plus importante.

ترجمه مهدوی: هر کس عابد را در جوانی دیده بود، می‌دانست که او دلباخته کیست. آن کس نه هیفا بود نه اسمهان، بلکه دختری بود به نام غزل. عابد و غزل اولین بار در میانه دهه ۱۹۸۰ با هم آشنا شدند. عناتا آن روزها خلوت و آرام بود و بیشتر حال وهوای روستا را داشت تا شهر. غزل چهارده ساله بود و دانش‌آموز سال اول دبیرستان دخترانه عناتا. عابد هم در دبیرستان پسرانه روبه‌رویش سال آخر را می‌گذراند. آن وقت‌ها همه در عناتا همدیگر را می‌شناختند. بیش از نیمی از اهالی منتسب به یکی از سه خاندان بزرگ شهر بودند و این سه خاندان نیز نسب‌شان به مردی به نام علوی می‌رسید. خاندان سلامه که عابد هم یکی از آنان بود پرجمعیت‌ترین‌شان بودند و بعد از آنها خاندان حَمدان، یعنی غزل و خانواده‌اش، قرار داشتند.

● در مقایسه تطبیقی با متون انگلیسی و فرانسه می‌بینیم که مهدوی به واژه «سرنوشت» که در هر دو متن آمده، اشاره‌ای نکرده و به جایش از «دلباخته» استفاده کرده. اما صفایی و منصوریان دقیقاً نثر نویسنده را با به کارگیری «سرنوشت» حفظ کرده‌اند؛ البته هر دو ترجمه بار معنایی یکسانی دارند. همچنین مترجم فرانسوی «jeune fille» به معنی یک دختر جوان را به متن اضافه کرده، در حالی که نویسنده فقط دختر را ذکر کرده و مهدوی با هوشمندی بیشتری از آوردن جوان خودداری کرده است. همچنین شاهد کوتاهی بیشتری از سوی مترجم فرانسوی هستیم در جایی که به جای اشاره به گستردگی جمعیت طایفه‌ها از «importante» یعنی میزان اهمیت طایفه‌ها استفاده کرده است.

نویسنده در متن انگلیسی از freshman به معنای سال اول دبیرستان استفاده کرده که در ترجمه فرانسوی و حتی فارسی، مترجم مجبور به استفاده از چند کلمه و اطناب متن شده است، en première année à l'école، دانش‌آموز اول دبیرستان که در ترجمه مهدوی دیده می‌شود. در ترجمه صفایی و منصوریان نیز سال اولی بودن غزل را نیاورده و به ذکر دبیرستانی بودنش اکتفا شده است. در این مرحله شاهد تخریب کمّی و کیفی این واژه گاهی با اطناب و گاه با حذف معنایی آن هستیم. ترجمه مهدوی اگرچه بار معنایی را کامل رسانده، ولی برای ترجمه یک کلمه از سه واژه استفاده کرده است. روندی که اغلب در ترجمه مهدوی شاهدیم که متن ترجمه را درگیر اطناب می‌کند؛ مانند: «خلوت و آرام – حال و هوای روستا- بزرگ و بزرگتر شدن روستا».

متن انگلیسی

Homes had outhouses, and women carried water from a nearby spring in large jars balanced on their heads. Children bathed in giant buckets brought into their living rooms once a week, on Fridays, afterward lining up with wet hair and clean clothes to thank their fathers with a kiss on the hand, receiving in turn a kiss on the forehead and a blessing of comfort and bliss, na'eeman.

صفایی و منصوریان: خانه‌ها محوطه بیرونی داشتند، و زنان کوزه‌های بزرگ را از چشمه‌ای در نزدیکی خانه‌ها پر می‌کردند، آنها را روی سرشان می‌گذاشتند و به خانه می‌آوردند. بچه‌ها هفته‌ای یک بار، جمعه‌ها، در سطل‌های بسیار بزرگی که در اتاق‌های نشیمن می‌گذاشتند حمام می‌کردند. پس از حمام یکی‌یکی با موهای خیس و لباس‌های تمیز به‌صف می‌شدند تا با بوسیدن دست پدرهایشان از آنها تشکر کنند، پدرها هم پیشانی آنها را می‌بوسیدند و برای‌شان دعا می‌کردند که زندگی راحت و سعادتمندی (نعیماً) داشته باشند.

ترجمه فرانسه

Les toilettes se trouvaient à l'extérieur et les femmes ramenaient l'eau d'une source située à proximité dans de grandes jarres qu'elles plaçaient en équilibre pré-caire sur leurs têtes. Une fois par semaine, le vendredi, les enfants prenaient un bain dans de grandes barriques qu'on apportait dans les pièces principales des maisons, après quoi ils se mettaient en rang, cheveux humides et vêtements propres, pour remercier leur paternel en lui embrassant les mains et en recevant à leur tour un baiser sur le front et une bénédiction heur soient avec toi, nayman.

مهدوی: خانه‌ها حیاط داشت و زنان کوزه به‌سر از چشمه‌ای در آن حوالی آب می‌آوردند. هر جمعه، تشت بزرگی را پر از آب می‌کردند و در اتاق می‌گذاشتند و بچه‌ها در آن حمام می‌کردند، بعد هم با موهای خیس و لباس‌های تمیز به‌خط می‌شدند تا دست پدرشان را به نشانه تشکر ببوسند. پدرها هم، در جواب، بوسه‌ای به پیشانی آنها می‌زدند و با گفتن «نعیماً» برای بچه‌ها دعای خیر می‌کردند.

● در ترجمه متن فرانسوی Les toilettes به outhouses به معنای بیرون بودن دستشویی‌ها از محوطه داخلی منزل ترجمه شده است. در ترجمه صفایی و منصوریان «خانه‌ها محوطه بیرونی داشتند» آمده و در نوشته مهدوی «خانه‌ها حیاط داشت» انتخاب شده است. ولی به نظر می‌رسد دستشویی صحیح‌تر است اما به دلیل رعایت نزاکت احتمالاً از آوردن آن خودداری کرده‌اند. همچنین در ترجمه صفایی و منصوریان شاهد طولانی‌تر شدن جمله هستیم. در حالی که ترجمه مهدوی با جمله‌ای کوتاه مفهوم را کامل رسانده است. همچنین برای ترجمه «نعیما» مهدوی آن را به شکلی روان‌تر در دل متن گنجانده که با مذاق فارسی زبانان بیشتر سازگار است و از آوردن پرانتز برای توضیح واژه عربی «نعیماً» خودداری کرده است.

متن انگلیسی

They drove cars on Israel's multilane highways, bought food at its supermarket chains, and used Hebrew at its office towers, malls, and cinemas.

صفایی و منصوریان: فلسطینی‌ها در بزرگراه‌های چند خطه اسرائیل رانندگی می‌کردند، مواد غذایی‌شان را از سوپر مارکت‌های زنجیره‌ای آن می‌خریدند و در برج‌های اداری، مراکز خرید و سینماهایش به زبان عبری سخن می‌گفتند.

ترجمه فرانسه

Ils roulaient sur les autoroutes à plusieurs voies d'Israël, faisaient leurs courses dans ses chaînes de supermarchés et avaient recours à l'hébreu lorsqu'ils se trouvaient dans ses immeubles de bureaux ses centres commerciaux et avaient recours à l'hébreu lorsqu'ils se trouvaient dans ses immeubles de bureaux, ses centres commerciaux et ses salles de cinéma.

مهدوی: آنها با خودروهای‌شان در بزرگراه‌های چند لاینه رفت وآمد می‌کردند و خوراکی‌های‌شان را از فروشگاه‌های زنجیره‌ای می‌خریدند و تابلو سردرِ برج‌های اداری و تفرجگاه‌ها و سینماهای شهر را به عبری می‌نوشتند.

● در مقایسه تطبیقی این عبارت شاهد تخریب معنایی و زیرساختی متن از سوی مهدوی هستیم. چرا که واژه اسرائیل را کاملاً حذف کرده و رانندگی را به رفت وآمد تعبیر کرده است. همچنین به کار بردن زبان عبری توسط فلسطینیان در برج‌های اداری، مراکز خرید و سینماهای اسرائیلی را به عبری نوشتن تغییر داده و حتی «سردر برج» را به متن افزوده تا شفاف‌سازی کند؛ روندی که ترجمه را از نوشته ناتان ترال بسیار دور کرده است. بنابراین شاهد تخریب کمّی و کیفی بافت متن و از بین رفتن سیستم‌بندی‌های نثر ترال در ترجمه او هستیم. هر چند که متن مهدوی بسیار روان و فارسی‌سازی شده که اتفاقاً شاید با مذاق خواننده فارسی زبان بیشتر سازگار باشد.

نتیجه‌گیری

در ترجمه‌های فارسی و فرانسوی، نظام‌بندی و ضرب‌آهنگ متن اصلی تحت‌تأثیر تفاوت‌های ساختاری زبان‌ها قرار گرفته است. تغییر شمار واژگان، جابه‌جایی علائم نگارشی و دستور زبانی، ضرب‌آهنگ متن ترال را تضعیف کرده است؛ موضوعی که حتی در نسخه فرانسوی مشهود است و ناشی از تفاوت‌های ریشه‌ای میان زبان‌هاست. بنا بر سیزده گرایش تحریف‌کننده آنتوان برمن، هر یک از ترجمه‌ها به نوعی تحت‌تأثیر این گرایش‌ها قرار دارند. ترجمه صفایی و منصوریان به‌عنوان وفادارترین ترجمه شناخته می‌شود که معانی اصلی را به‌طور کامل منتقل کرده و تحریف کمتری نسبت به متن اصلی دارد. در مقابل، ترجمه مهدوی با توصیفات قوی‌تر و بار احساسی بیشتر، حس ناامیدی و خشونتی که پیام اصلی نویسنده است، به‌خوبی منتقل می‌کند و تجربه متفاوت‌تری از متن به ارمغان می‌آورد.

«ایران» از افزایش طلاق در بین میانسالان و سالمندان گزارش می‌دهد

جدایی خاکستری با انبوهی خاکستر

گزارش

مهسا قوی قلب
گروه اجتماعی

آمارهای رسمی سازمان ثبت‌احوال در سال‌های پایانی دهه ۹۰ به عنوان نمونه در سال ۱۳۹۷ حاکی از این بود که حدود ۶ هزار و ۳۰۰ مرد و هزار و ۹۵۰ زن سالمند به زندگی مشترک خود پایان دادند و در بیش از هزار و ۶۰۰ مورد، هر دو طرف بالای ۶۰ سال بودند. این روند در سال‌های بعد نیز ادامه یافت. در میان گزارش‌های سال‌های اخیر، رشد طلاق زوج‌هایی که بیش از ۲۹ سال زندگی مشترک داشته‌اند، به دغدغه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان تبدیل شده است، چرا که با افزایش این قبیل طلاق‌های موسوم به طلاق خاکستری به تعداد سالمندان تنها در کشور نیز افزوده می‌شود. طبق اعلام مرکز آمار و برخی پژوهش‌های داخلی، در استان‌هایی مانند تهران، طی یک دهه اخیر نرخ طلاق در سالمندان دو برابر شده و روند افزایشی آن در سطح ملی نیز دیده می‌شود.

فهیمه نظری، جامعه‌شناس و پژوهشگر حوزه خانواده درباره طلاق خاکستری به «ایران» می‌گوید: « در گذشته‌های نه چندان دور، طلاق در ذهن بسیاری از مردم به عنوان پدیده‌ای مربوط به سال‌های اول زندگی مشترک شناخته می‌شد، جایی که شور و هیجان اولیه جای خود را به اختلافات واقعی می‌دهد و زوجین به دلیل نداشتن مهارت کافی، بار زندگی را تاب نمی‌آورند. اما در سال‌های اخیر در ایران پدیده‌ای نوظهور و نگران‌کننده به چشم می‌خورد. منظور از اصطلاح طلاق خاکستری، اشاره به طلاقی است که پس از چند دهه زندگی مشترک و در میانسالی یا حتی سالمندی رخ می‌دهد. این تغییر نشان می‌دهد که بحران طلاق نه تنها در جوانی، بلکه در نیمه دوم زندگی نیز گریبان خانواده ایرانی را گرفته است.»

به گفته او، اصطلاح طلاق خاکستری (Gray Divorce) اولین بار در ادبیات جامعه‌شناسی خانواده در آمریکا رواج یافت و به جدایی زوج‌هایی اشاره دارد که بیش از ۲۰ یا ۳۰ سال از زندگی مشترک‌شان گذشته و معمولاً در دهه‌های پنجم و ششم عمرشان هستند. رنگ خاکستری استعاره‌ای از موهای سپید و دوران میانسالی است. در ایران نیز با تغییر ساختار جمعیتی و افزایش طول عمر، این پدیده به سرعت در حال گسترش است. آمار رسمی در این زمینه اندک است، اما بررسی‌های میدانی و گزارش‌های مراکز مشاوره نشان می‌دهد که سهم قابل توجهی از طلاق‌ها مربوط به زوج‌های بالای ۴۵ یا حتی ۵۰ سال است.

چرا طلاق خاکستری افزایش یافت؟

دلیل جدایی در زوج‌های جوان بیشتر نبود شناخت و نداشتن تفاهم ذکر می‌شود، اما چه عاملی میانسالان و سالمندان را بعد از چند دهه زندگی به جدایی می‌کشاند؟ نظری درباره مهم‌ترین دلایل افزایش طلاق خاکستری در ایران می‌گوید:« جامعه ایران در دهه‌های اخیر با سرعتی بی‌سابقه به سمت فردگرایی حرکت کرده است. زنان و مردان میانسال امروز، برخلاف نسل‌های قبل، دیگر تحمل یک زندگی بدون رضایت عاطفی را فضیلت نمی‌دانند. ارزش‌های جدید، بر کیفیت زندگی تأکید دارد و این نگاه سبب می‌شود افراد حتی پس از نیم قرن زندگی مشترک، تصمیم به جدایی بگیرند. مورد دیگر این است که بسیاری از زوج‌ها پس از ازدواج بیشتر برای فرزندانشان زندگی می‌کنند، اما با بزرگ‌شدن فرزندان و خروج آنها از خانه، «لانه خالی» شکل می‌گیرد. بدین ترتیب ناگهان زن و شوهر درمی‌یابند که چیزی جز فرزندان آنها را کنار هم نگه نمی‌داشته است. این خلأ عاطفی و فقدان ارتباط واقعی، می‌تواند به طلاق خاکستری منجر شود.»

به اعتقاد این جامعه‌شناس، زنان ایرانی در دهه‌های اخیر وارد دانشگاه، بازار کار و عرصه‌های اجتماعی شده‌اند. بنابراین استقلال اقتصادی و آگاهی اجتماعی زنان، قبح طلاق را در این گروه کاهش داده است. زنی که درآمد دارد و هویت اجتماعی مستقل برای خود تعریف کرده، در برابر رابطه‌ای فرسایشی و بدون عشق، کمتر احساس اجبار به ماندن دارد. افزایش امید به زندگی نیز از موارد دیگر است. میانگین امید به زندگی در ایران از حدود ۵۰ سال در دهه ۱۳۵۰ به بیش از ۷۵ سال در دهه ۱۴۰۰ رسیده است. بدین معنا که یک فرد ۵۵ ساله می‌تواند همچنان دو دهه دیگر عمر فعال پیش‌رو داشته باشد. همین چشم‌انداز باعث می‌شود که افراد به جای «تحمل برای پایان عمر»، تصمیم به آغاز دوباره بگیرند. او می‌گوید:« متأسفانه در سال‌های اخیر از طلاق قبح‌زدایی شده است؛ این در حالی است که در فرهنگ سنتی ایران، طلاق با انگ اجتماعی شدیدی همراه بود. اما در دو دهه اخیر با افزایش نرخ طلاق در میان جوانان، این تابو بشدت تضعیف شده است. رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و روایت‌های روزمره از زندگی طلاق‌گرفته‌ها، این پیام را منتقل می‌کند که جدایی امری غیرعادی نیست.»

> اصطلاح طلاق خاکستری، اشاره به طلاقی است که پس از چند دهه زندگی مشترک و در میانسالی یا حتی سالمندی رخ می‌دهد. این تغییر نشان می‌دهد که بحران طلاق نه تنها در جوانی، بلکه در نیمه دوم زندگی نیز گریبان خانواده ایرانی را گرفته است

نظری به فشارهای اقتصادی، بیکاری، کاهش درآمدها و هزینه‌های سنگین زندگی و تنش میان زوج‌های میانسال نیز اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «در شرایطی ممکن است یکی از طرفین بازنشسته یا بیکار شده باشد، در این حالت نارضایتی‌های قدیمی دوباره سر باز می‌کند و مسیر جدایی هموارتر می‌شود. فقدان مهارت‌های ارتباطی و مشاوره تخصصی نیز دلیل دیگر است؛ نسل فعلی زوج‌های میانسال، برخلاف جوانان امروز، کمتر از آموزش‌های مهارت زندگی، کارگاه‌های مشاوره و رسانه‌های آموزشی بهره‌مند بوده‌اند. اختلافات حل‌نشده، دهه‌ها در سکوت انباشته شده و در نهایت در میانسالی به شکل انفجار بروز می‌یابد.»

به گفته این جامعه‌شناس، مطابق با رویکردهای جامعه‌شناسی، طلاق در ایران از «انحراف» به «انتخاب» تغییر معنا داده است. در واقع با تغییر ارزش‌های اجتماعی، هنجارهای سنتی کارکرد پیشین خود را از دست داده‌اند. او می‌گوید:« قبح طلاق که زمانی نظم اجتماعی خانواده را حفظ می‌کرد، در بستر ارزش‌های جدید فردگرایانه و استقلال‌طلبانه رنگ باخته است. همین‌طور، نشانه‌ها و معانی طلاق نیز تغییر یافته است. طلاق دیگر شکست نیست، بلکه برای بسیاری آزادی، شروع دوباره و انتخاب عقلانی معنا می‌شود. همین تغییر معنایی، راه را برای طلاق خاکستری هموارتر کرده است. باید یادآوری کرد طلاق خاکستری برای کسانی که در میانه راه زندگی هستند شاید در ظاهر دارای پیامدهایی از جمله احساس آزادی و رهایی است، اما در عین حال باعث تنهایی، افسردگی و کاهش حمایت اجتماعی، شوک عاطفی برای فرزندان بزرگسال، کاهش انسجام خویشاوندی و ایجاد شکاف میان نسل‌ها، افزایش بار اقتصادی بر دولت و نهادهای حمایتی، رشد خانواده‌های تک‌نفره در سنین بالا و تغییر الگوی سالمندی می‌شود.»

اما در این شرایط چه باید کرد؟ نظری توصیه می‌کند: « تقویت مشاوره‌های خانواده برای میانسالان و آموزش مهارت‌های ارتباطی در طول زندگی تأثیر مهمی در تحکیم زندگی مشترک دارند؛ همچنین رسانه‌ها هم در زمینه قبح طلاق باید کار کنند و با نگاه واقع‌گرایانه و نه صرفاً عادی‌سازی افراطی، موضوع را بازنمایی کنند. از سویی دیگر از آنجایی که بحران طلاق به میانسالی کشیده شده، سیاست‌گذاران اجتماعی نیز باید با نگاهی تازه، خانواده را نه فقط در آغاز، بلکه در میانه و پایان مسیر زندگی حمایت کنند.»

خشونت‌های جسمی و کلامی دلیل اصلی طلاق خاکستری

محمدرضا ایمانی روان‌شناس و رفتارشناس اجتماعی نیز با بیان اینکه نرخ طلاق در دوره سالمندی همانند بسیاری از کشورهای دنیا افزایش داشته است، می‌گوید:« جمعیت سالمندی کشور در سال ۱۴۰۴ به ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر می‌رسد، اما در همین جمعیت، نزدیک به ۷ میلیون نفر به دلیل فوت همسر، طلاق یا ازدواج نکردن تنها مانده‌اند. مسائل و مشکلات فراوانی در این زمینه وجود دارد و می‌توان بر اساس اهمیت آنها را تحلیل کرد. اما کاهش تاب‌آوری عاطفی، اجتماعی و اقتصادی را می‌توان از مهم‌ترین عوامل مؤثر در طلاق سنین سالمندی دانست، به این معنی که افراد در شرایط سخت، سواد رابطه و درک متقابل از یکدیگر را ندارند و نحوه برخورد و ارتباط عاطفی با همسر را نمی‌دانند و پس از حتی ۳۰ سال زندگی مشترک با بزرگ شدن فرزندان مسائل به انحای مختلف خود را بروز می‌دهد.»

به گفته ایمانی، بخشی از عوامل اجتماعی هم در طلاق خاکستری دخیل است. یعنی فرآیندهای زندگی به نوعی تعبیر می‌شود که افراد می‌توانند جدا شوند و به صورت مستقل برای زندگی خود تصمیم بگیرند. او می‌گوید: « در حال حاضر مردان به عنوان جریان محرک و حامی در مسائل اقتصادی خانواده نقش بزرگی دارند. دو سوی این قضیه مسأله ایجاد می‌کند، یکی اینکه فشار اقتصادی بر مردان به عنوان نان‌آور خانواده بسیار سخت و سنگین است و با بزرگ شدن فرزندان حمایت‌های اقتصادی از آنها دشوارتر می‌شود. از سویی دیگر هم استقلال مالی است که خانم‌ها پیدا کرده‌اند و به مدد آن جدایی را راحت‌تر می‌پذیرند و مبنای آنها بر این است که با جدایی می‌توانند زندگی مستقلی را ایجاد کنند که این خود یک مسأله و چالش بزرگ است.»

ایراد گرفتن، غرزدن و متلک‌پرانی بین زوجین زیاد است، اما در شهرهای کوچکترخشونت‌های جسمی نیز وجود دارد. ایمانی می‌گوید:« نکته‌ای که باید به صورت جدی به آن توجه شود، اعتیاد پدر یا مادر یا هر دو به فرزندان است که این اعتیاد باعث می‌شود، پیوستگی عاطفی با فرزندان به نزاع‌های زوجین دامن بزند.»

سندروم آشیانه خالی

این روان‌شناس معتقد است، پذیرش طلاق در کشور بالا رفته و افراد به راحتی می‌پذیرند طلاق بگیرند، بدون اینکه به آسیب‌ها و تبعات بعد از آن فکر کنند. او می‌گوید:« در دوره سالمندی بسیاری به سندروم آشیانه خالی دچار می‌شوند که در آن از سمت خانواده و برخی مواقع جامعه طرد می‌شوند. در سنین بالا آستانه تحمل پایین می‌آید و متأسفانه افراد تصمیمات عجولانه‌ای می‌گیرند. زنان در دوره سالمندی و بازنشستگی نمی‌توانند با حضور مردان در ساعات طولانی در خانه کنار بیایند و از طرف دیگر وقتی مرد در طول زندگی مشترک نتوانسته باشد ارتباط عاطفی درستی با همسرش ایجاد کند، مشکلات و تعارضات بین آنها به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد. در بسیاری موارد بحران میانسالی در خانواده‌ها نادیده گرفته می‌شود. در کشور ما هم سرمایه‌گذاری درستی در این مقوله اتفاق نیفتاده است. از همان دوران کودکی باید آموزش‌های لازم در این حوزه ارائه شود تا افراد بدانند در بزرگسالی و پس از ازدواج چه مسئولیت‌ها و نقش‌هایی به عهده دارند و چگونه می‌توانند تعارضات را رفع کنند، همچنین حمایتگری را بیاموزند و در سالمندی هم عصای دست یکدیگر باشند.»

گشتی در راسته دستفروشان کتاب خیابان انقلاب

ببخشید؛ لطفاً ۱۰ کیلو کتاب به من بدین!

گزارش

نیلوفر منصوری
گروه اجتماعی

تا چشم کار می‌کند، دستفروش است و آدم‌های جورواجوری که پیاده‌روهای این راسته را به قبضه خود درآورده‌اند. عده‌ای، از قدیمی‌های این کار هستند و عده‌ای هم تازه وارد. راسته خیابان انقلاب همان طور که از قدیم مرکز کتابفروش‌هاست، پاتوق دستفروش‌های کتاب هم هست. در بساط دستفروش‌های کتاب همه جور کتابی پیدا می‌شود؛ بیشتر از همه کتاب‌های دست دوم، و به ادعای فروشندگان‌شان، کمیاب و نایاب؛ کتاب‌هایی که به دلیل نوع موضوع یا دیدگاه نویسنده چاپشان متوقف شده و علاقه‌مندان دربه در دنبال همین ممنوع شده‌ها هستند. کتاب‌های درسی و تخفیف‌دار، کتاب‌های تاریخی، مذهبی، روان‌شناسی، خودشناسی، عرفانی، عاشقانه، جنایی، سیاسی و حتی گاه نسخ خطی البته اگر اصیل باشند. هر چند بساط دستفروشی کتاب در حوالی میدان انقلاب پدیده جدیدی نیست و دسترسی به انواع کتاب‌ها را به آسان‌ترین کار ممکن تبدیل کرده، اما مشکل آنجاست که در بین این کتاب‌ها، کتاب‌های روز و مجوزدار نیز پیدا می‌شود. کتاب‌هایی که به صورت غیرقانونی کپی می‌شوند و ناشر و نویسنده اثر سهمی از فروش آنها نمی‌برند. علاوه بر آن دستفروش‌ها بدون هیچ نظارتی، به کتاب‌های بدون مجوز چوب حراج می‌زنند و در مقایسه با سال‌های قبل مشتریان بیشتری را جلب می‌کنند.

دستفروشان بساطشان در راسته پیاده‌رو انقلاب پهن است. پارچه‌ای کهنه و ساده با تعداد زیادی کارتن موز. برخی از کتاب‌ها به صورت منظم در بساط پهن می‌شوند و برخی دیگر بدون هیچ نظم و ترتیبی مثل تپه روی هم تلنبار می‌شوند. گاهی هم نیمی از عرض خیابان با انواع کتاب‌ها پوشانده می‌شود. بساط دستفروشان کتاب درست مقابل مغازه‌های کتابفروشی، گویی رونقی به این خیابان داده است؛ هر چند در بین آنها چند دستفروش لوازم‌التحریر، شال و روسری، شمع و عود، انواع جوراب، کیف فروشی و تابلو فروش هم وجود دارد. افراد علاقه‌مند کم‌کم در مقابل بساط آنها می‌ایستند و برای خرید کتاب مورد نظرشان، کتاب‌ها را زیرورو می‌کنند.

> در بین کتاب‌هایی که در بساط این دستفروش به شکلی نامنظم روی هم ریخته شده است، همه نوع کتاب به چشم می‌خورد. برخی کتاب‌ها جلد نو دارند و برخی نیز تاریخ چاپ آنها متعلق به سال‌های دور است

بازار خاکستری

در میان مشتریانی که مقابل بساط کتابفروشی‌ها جمع شده‌اند، خانم میانسالی با وسواس مشغول پیدا کردن کتاب مورد نظر خود است. او می‌گوید: «قیمت کتاب خیلی بالا رفته و من هم دوست دارم کتاب بخوانم، چون قیمت این کتاب‌ها مناسب و ارزانتر از کتابفروشی است، می‌توانم چند کتاب بخرم.» به نظر می‌رسد او از فعالان محیط زیست است چون با قاطعیت می‌گوید: «این کتاب‌ها با هزینه بالایی که طبیعت پرداخت کرده، تولید شده‌اند و تا زمان بازیافت هم هزینه‌های زیادی به دنبال دارند. بنابراین بهتر است این کتاب‌ها تا جایی که ممکن است، استفاده شوند تا به این شکل علاوه بر صرفه‌جویی اقتصادی، ضربه کمتری هم به محیط زیست وارد شود.»

خانم میانسال به کتابی که در دست دارد اشاره می‌کند و می‌گوید: «کتابی که از دستفروشان کتاب می‌خرم باید تمیز و بدون خط خوردگی باشد. برخی کتاب‌ها آنقدر هایلایت یا خط خطی و کثیف هستند که انسان رغبتی به دست گرفتن آنها ندارد. بعد از خرید کتاب، آن را جلد می‌کنم و بعد از مطالعه آن را به شخص دیگری می‌فروشم تا او هم بتواند از آن استفاده کند. به نظرم این شکلی کتاب‌ها در اختیار افراد مختلف قرار می‌گیرند و بی‌استفاده یک گوشه جمع نمی‌شوند.»

خانم جوانتری هم که کتابی در دست دارد و صفحات آن را مرور می‌کند، ارزان بودن و در دسترس بودن را مهم‌ترین عامل خرید از این بساط‌ها می‌داند و می‌گوید: «قیمت پایین کتاب دلایل زیادی دارد. جنس کاغذ این کتاب‌ها معمولاً مرغوب نیست. کتاب‌هایی که از کتابخانه شخصی خریداری شده و دست دوم هستند هم معمولاً قیمت پایینی دارند. بسیاری از کتاب‌ها جلد درست و حسابی ندارند، حتی یکسری از کتاب‌ها صفحه اول ندارند و یا روی کتاب یا داخل کتاب مهر کتابخانه یا اسم شخصی هم وجود دارد.»

نبش چهارراه انقلاب - دوازدهم فروردین، مملو از بساط دستفروشان است که بیشترشان از راه فروش کتاب روزگار می‌گذرانند. مهران، مرد خمیده و سیگار به دستی است که سیگار را با سیگار روشن می‌کند. حدود ۴۰ سال است که در این محل کتاب می‌فروشد. همان‌طور که جواب مشتریان را می‌دهد و دستگاه کارتخوان در دست دارد، می‌گوید: «کتاب‌هایی که ما می‌فروشیم با نمونه مشابه‌ای که در کتابفروشی‌هاست، فرق می‌کند. ما نسخه اصلی و بدون سانسور کتاب را می‌فروشیم. البته برخی از این کتاب‌ها به صورت غیرمجاز و زیرزمینی چاپ می‌شوند.»

در بین کتاب‌هایی که در بساط این دستفروش به شکلی نامنظم روی هم ریخته شده است، همه نوع کتاب به چشم می‌خورد. برخی کتاب‌ها جلد نو دارند و برخی نیز تاریخ چاپ آنها متعلق به سال‌های دور است. اما به دلیل ارزان‌تر بودن مشتریان زیادی دارند. در میان کتاب‌هایی که روی هم ریخته شده کتاب کهنه و قدیمی را نشان می‌دهد. این کتاب در سال ۵۵ توسط فردی به یکی از کتابخانه‌های شهر اهدا شده. فروشنده می‌گوید: «این کتاب‌ها متعلق به کتابخانه‌های شخصی است که به صورت کیلویی می‌خریم. قیمت این کتاب‌ها کیلویی ۲۰ تا ۵۰ هزار تومان است.»

اینجا کتاب خیلی ارزان است

یکی از بساط‌ها پسر جوانی است که جلوی یکی از مغازه‌های کتابفروشی بساط کرده. چوب گردگیری از پر پرنده در دست دارد و مدام گردوخاک کتاب‌هایی که داخل پلاستیک است را می‌گیرد. هرازگاهی چند نفری جلوی بساطش جمع می‌شوند، کتاب‌ها را ورق می‌زنند و قیمت می‌گیرند. او درباره قیمت پایین کتاب‌ها می‌گوید: «این کتاب‌ها برای انتشاراتی هستند که تازه شروع به کار کرده‌اند و تخفیف می‌دهند که شناخته شوند. مثلاً این کتاب ۳۴۸ هزار تومان به قیمت پشت جلد است و با تخفیف ۱۷۰ هزار تومان به فروش می‌رود.» او درباره کتاب‌هایی که به صورت تکثیر و افست چاپ می‌شوند هم توضیح می‌دهد: «متأسفانه این کتاب‌ها اثر نویسنده‌هایی است که برای تولید محتوای آن زحمت زیادی کشیده‌اند، اما بدون اجازه انتشارات و نویسنده یا مترجم اثر کتاب‌ها را چاپ می‌کنند که پیگرد قانونی دارد. کتاب باید آرم و لوگوی انتشارات را داشته باشد.» او مشخصات کتاب، فیپا، آدرس ناشر و شابک کتاب را نشان می‌دهد و می‌گوید: «فروش کتاب‌ها با چاپ زیرزمینی کار غیراخلاقی و دزدی فرهنگی است.»

محمد به همراه دو دوست جوانش، چند سالی است که جلوی یکی از مغازه‌های کتابفروشی بساط کرده‌اند. هرازگاهی چند نفری جلوی بساطش جمع می‌شوند، کتاب‌ها را ورق می‌زنند و قیمت می‌گیرند. بعضی‌ها می‌خرند و بعضی‌ها فقط نگاه می‌کنند. محمد کارش را پنج سال پیش شروع کرده، از ۷ صبح بساطش را پهن می‌کند و تا ۸ شب پای بساطش می‌ایستد: «این کتاب‌ها فقط به چند دلیل خریداری و فروخته می‌شود؛ اول فوت فرد، دوم مهاجرت یا مسافرت، سوم کمبود فضا، چهارم تغییر تفکر و اشباع شدن از خواندن.»

برش

دادزنی برای عقب نماندن از دستفروش‌ها

علاوه بر دستفروشان، بعضی از مغازه‌دارها که در پاساژهای قدیمی فعالیت می‌کنند نیز از این قاعده مستثنی نیستند و برای عقب نماندن از فروش کتاب‌های دست دوم، با استخدام تعدادی «دادزن» خریداران کتاب‌های دست دوم را به داخل پاساژ هدایت می‌کنند. یکی از کتابفروشان نزدیک خیابان دوازدهم فروردین ساعت‌هاست که مغازه خود را باز کرده، در حالی که به بساط دستفروشان کتاب نگاه می‌کند، می‌گوید: «اینکه دستفروشان به مردم می‌گویند کتاب‌های ما سانسور نشده، دروغ است. متأسفانه عین همان کتابی را که در کتابفروشی موجود است به شکل قاچاق و البته با کیفیت بسیار پایین‌تر تکثیر می‌کنند و بعد هم با ۵۰ درصد تخفیف به مردم می‌فروشند. در بساط‌های دست دوم فروشی سه نوع کتاب به فروش می‌رسد؛ کتاب‌های دسته‌دوم، ممنوعه و پرفروش که با تکثیر و کپی با قیمت کمتر فروخته می‌شوند. متأسفانه هیچ نظارتی هم نمی‌شود. هرچند من کار آنها را تأیید نمی‌کنم اما کار آنها به نوعی فرهنگسازی خواندن کتاب است.»

عماد رحمانی، نویسنده و کارگردان پویانمایی «افسانه سپهر»:

قصه های بومی سکوی پرش رقابت جهانی است

گفت و گو

گروه فرهنگی

«افسانه سپهر» تنها فیلم پویانمایی راه یافته به بخش مسابقه فیلم‌های بلند بخش ملی در سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان است. این فیلم به تهیه‌کنندگی مهدی جعفری جوزانی پس از «شمشیر و اندوه» دومین انیمیشن به تهیه کنندگی او بوده که اولین نمایش خود را در چهل و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر تجربه کرد و پس از چند حضور بین‌المللی، حالا به جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان راه پیدا کرده است.

عماد رحمانی کارگردان پویانمایی «افسانه سپهر» معتقد است؛ شناخت پیداکردن نسبت به ذائقه و علاقه‌مندی مخاطبان کودک و نوجوان کار بسیار سخت و دشواری است. متأسفانه برخی از اظهارنظرها در فضای مجازی، نوعی نگرش منفی را نسبت به این گروه سنی به وجود آورده است. در صورتی که واقعیت به گونه‌ای دیگر است. خوشبختانه در مجموعه ما تعدادی از نوجوانان به عنوان کارآموز مشغول فعالیت هستند و ارتباط با آنها باعث شده تا شناخت بیشتری نسبت به این نسل پیدا کنیم.

عماد رحمانی کارگردان فیلم پویانمایی «افسانه سپهر» گفت: «نخستین اکران این فیلم سال گذشته در جشنواره فیلم فجر اتفاق افتاد و خوشبختانه میزان واکنش‌های مثبت به آن فراتر از انتظار ما بود. «افسانه سپهر» با توجه به فضای آن و نوع روایت ماجراجویانه خود، با استقبال مخاطبان هدف مواجه شد. با اینکه این فیلم به صورت بین‌المللی نیز عرضه شده و در مناطقی نظیر روسیه و آسیای مرکزی مورد توجه قرار گرفت و به زبان روسی نیز دوبله شده است.»

او با اشاره به بازخوردها در بازار اروپا و آمریکا عنوان کرد: «در اروپای غربی یکی از تهیه‌کنندگان به نام سینمای انیمیشن به تیم ما اضافه شد که او در این حرفه نامی معتبر به حساب می‌آید. خوشبختانه تاکنون «افسانه سپهر» با واکنش مثبتی در بازارهای اروپایی و آمریکایی مواجه شده است.»

رحمانی ادامه داد: «برای من همواره فرآیند خلق و ارتباط با مخاطب دارای اهمیت بوده است. اولین تجربه سینمایی من در زمینه تولید فیلم انیمیشن، «شمشیر و اندوه» بود که آن را برای مخاطبان نوجوان و بزرگسال تولید کردیم. من پیش از کارگردانی در زمینه پویانمایی، در حوزه بازی‌های رایانه‌ای فعالیت می‌کردم و به دلیل شباهت کلی میان بازی‌های رایانه‌ای و انیمیشن، توانستیم با این حوزه قرابت و نزدیکی پیدا کنیم. البته جهان درونی میان بازی‌های رایانه‌ای و انیمیشن بسیار با یکدیگر متفاوت است و به همین دلیل تصمیم گرفتیم تا مخاطبان هدف خود را بیش از پیش و بهتر از قبل مورد شناسایی قرار دهیم. در نتیجه از نظرات کارشناسان محتوایی، روانشناسی و... در تیم تولید بهره گرفتیم.»

او افزود: «فعالان حاضر در سینمای انیمیشن کشور در تلاش هستند تا خود را به سطح اول استاندارد کیفی در این صنعت نزدیک کنند. در این مسیر نیاز است تا مزیت‌های تولیدات داخلی مورد تأکید و توجه قرار گیرد. قصه‌های مختص زیست ایرانی، فضاسازی، شوخی‌های برآمده از فرهنگ داخلی از جمله مواردی است که می‌تواند برای مخاطب جالب توجه باشد و او را به خود جذب کند. ایران دارای ریشه‌های فرهنگی و تمدنی قابل احترامی است و برای مثال افسانه‌ها و روایت‌های بسیار خوب و جذابی در بستر فرهنگی کشور وجود دارد. اگر در تولیدات خود به این موارد توجه نشان دهیم، مخاطب داخلی متوجه تمایز انیمیشن‌های ایرانی و جهانی خواهد شد و به تماشای تولیدات داخلی رغبت پیدا می‌کند. تجربه بین‌المللی کشورهایی نظیر چین نیز موفقیت این استراتژی را اثبات می‌کند.»

این فیلمساز بیان کرد: «در «افسانه سپهر» و بر مبنای معیارهای موجود، چهار سرزمین به تصویر کشیده شده است و تلاش کردیم افسانه‌های مختلفی در سیر روایت، مورد بازنمایی قرار گیرد. برای روایت این فیلم موقعیتی بی‌زمان و مکان درنظر گرفته شده است و در عین حال در مرحله دوبله، از لهجه‌ها و گویش‌های مختلف موجود در ایران برای کاراکترها بهره بردیم. بزرگ‌ترین هدف ما ساختن فضایی سرشار از شوخی‌ها و موضوعات برخواسته از فرهنگ ایرانی در دوبله این فیلم بود تا مخاطب بتواند هرچه بیشتر با این انیمیشن ارتباط برقرار کند.»

> شناخت پیداکردن نسبت به ذائقه و علاقه‌مندی مخاطبان کودک و نوجوان کار بسیار سخت و دشواری است. متأسفانه برخی از اظهارنظرها در فضای مجازی، نوعی نگرش منفی را نسبت به این گروه سنی به وجود آورده است. در صورتی که واقعیت به گونه‌ای دیگر است

رحمانی یادآور شد: «نسل تازه، کودکان و نوجوانان امروز بسیار باهوش هستند. عموماً در خصوص این گروه سنی در جامعه تصور نادرستی وجود دارد و بسیاری، آنها را افرادی سطحی می‌دانند، اما زمانی که با آنها ارتباط بیشتری پیدا می‌کنیم و دقیق‌تر این نسل را واکاوی می‌کنیم، هوش و عمق فکری آنها در مسائل گوناگون بسیار به چشم می‌آید.»

این فیلمساز تأکید کرد: «جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در طول سال‌های حیات خود با دو ویژگی مهم شناخته شده است. این رویداد نشان می‌دهد که سینمای کودک و نوجوان هنوز زنده است و نفس می‌کشد. این گروه سنی یک سوم تعداد کل مخاطبان سینمای ایران را تشکیل می‌دهند و حتی به تدریج شاهد هستیم که سهم بیشتری از اکران را نیز به خود اختصاص می‌دهند. جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان فرصتی برای تعامل چهره به چهره میان سازندگان آثار و مخاطبان هدف فراهم می‌کند و این موضوع می‌تواند به نوعی جریان‌سازی منجر شود. خوشبختانه این روزها تولید فیلم انیمیشن در ایران رونق بسیاری پیدا کرده است و تقریباً در طول سال، چرخه اکران از وجود فیلم انیمیشن خالی نیست.» وی اضافه کرد: «رویارویی با مخاطبان جشنواره فیلم‌های کودک و نوجوان در سال گذشته نشان داد که این گروه سنی علاقه‌مند هستند تا با عوامل تولید فیلم‌های انیمیشن ارتباط بیشتری داشته باشند. خوشبختانه در این رویداد توجه زیادی به نقش خبرنگاران و داوران کودک و نوجوان شده است و نیاز است تا این موضوع حتی بیش از گذشته مورد تأکید قرار بگیرد.»

رحمانی در پایان با اشاره به ظرفیت‌های جشنواره مختص گروه سنی کودکان و نوجوانان، گفت: «در جشنواره فیلم فجر شکل خاصی از رقابت میان آثار وجود دارد اما در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان فضا صمیمانه‌تر است و شاید به همین دلیل است که چهره‌های معتبر با رغبت به‌عنوان داور در این رویداد حاضر می‌شوند.»

ذهن کودکان امروز ساده نیست، آنها تفکری پیچیده دارند

برش

بنیامین شجاعی کارگردان هنری انیمیشن «افسانه سپهر» گفت: «من پیش از این در صنعت بازی‌های رایانه‌ای فعالیت می‌کردم و نسبت به سینمای انیمیشن برای ورود احساس خوبی نداشتم. در تولید بازی‌های رایانه‌ای عموماً خلق فضایی واقع‌گرایانه اهمیت بیشتری دارد و بنابر این تجربه، در اولین فیلم پویانمایی این گروه یعنی «شمشیر و اندوه»، پرداختن به فضایی رئال و واقع‌گرایانه مورد توجه قرار گرفت. اما بعدها و در «افسانه سپهر» فضایی فانتزی را تجربه کردیم که این موضوع برای گروه تولید بسیار چالش برانگیز بود.»

وی ادامه داد: «سال گذشته با پویانمایی «شمشیر و اندوه» حضور در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان را تجربه کردیم که خوشبختانه مخاطبان گروه سنی نوجوان بسیار با اثر همراه شدند. برای من جالب بود که در نشست پرسش و پاسخ این فیلم، سؤالات بسیار تخصصی از سوی این گروه سنی مطرح شد، در صورتی که در جشنواره فیلم فجر عموماً پرسش‌ها بسیار ساده‌تر و ابتدایی بودند و حتی چندان ارتباطی با حوزه انیمیشن نداشتند. بنابراین وجود بازخوردهای اینچنینی باعث شد تا برای ادامه مسیر در سینمای انیمیشن انگیزه بسیار بیشتری پیدا کنم.»

شجاعی افزود: «نوع پرسشگری حرفه‌ای خبرنگاران نوجوان این جشنواره برای من بسیار جالب است و این موضوع نشان می‌دهد نسل جدید فرزندان این سرزمین دارای چه توان و پتانسیل بی‌نظیری هستند. نباید در مرحله تولید، ذهن کودکان و نوجوانان را ساده و ابتدایی در نظر بگیریم، چراکه بسیاری از آنها به تماشای آثار گروه سنی بزرگسال می‌نشینند و این موضوع در نوع نگاه و سلیقه آنها اثرگذار است. تولید اثری که بتواند به صورت همزمان مورد اقبال گروه‌های سنی مختلف قرار بگیرد، امری سخت و پیچیده است و زمان زیادی را برای رسیدن به چهارچوبی درست در این زمینه باید صرف کرد. برای مثال سبک و شیوه راه رفتن کاراکترهای فانتزی با شخصیت‌های رئال بسیار متفاوت است و باید نسبت به این موضوع توجه جدی نشان داده شود.»

این کارگردان تصریح کرد: «برای شناخت بهتر نسل جدید ما تلاش می‌کنیم تا پیوسته به تماشای آثار مختلف این حوزه بنشینیم و نقاط قوت و ضعف آنها را در مواجهه با مخاطب تحلیل کنیم. امروزه شرایط به گونه‌ای است که برای جذب مخاطبان کودک، تنها ۱۰ دقیقه فرصت در اختیار دارید و اگر نتوانید موجبات اشتیاق آنها را نسبت به دنبال کردن قصه فراهم کنید، تماشاگر را از دست خواهید داد. با اینکه در برخی از آثار ذهنیت کودکان بسیار سطحی و ابتدایی در نظر گرفته می‌شود، اما باید این نکته را در نظر گرفت که کودکان امروز دارای تفکری پیچیده هستند و این موضوعات از جمله مهم‌ترین مواردی است که باید در ساخت و تولید آثار مختلف لحاظ شود.» شجاعی در پایان گفت: «خوشبختانه در استودیو مهوا امکانات زیادی از جانب تهیه‌کننده در اخیار فیلمسازان و بازی‌سازان قرار داده می‌شود. ما نیز در تلاش هستیم تا با تلاش‌های شبانه‌روزی و تولید کارهای متفاوت، در جهت افزایش کیفیت محصولات گام برداریم. این روزها کیفیت تولیدات انیمیشن ایران بسیار از سطح منطقه خاورمیانه فراتر است و با کمی تلاش بیشتر می‌توانیم در سطح شرق آسیا و حتی اروپا نیز حرف‌هایی برای گفتن داشته باشیم.»

به وقت دیده شدن

تأملی در موقعیت بازیگری امیرحسین فتحی

یادداشت

آوا فیاض
بازیگر و کارگردان تئاتر

بعضی داشته‌ها همان‌قدر که از بیرون فرصت دیده می‌شوند، برای خود شخص تهدید هستند.

به دنیا آمدن در یک خانواده شناخته شده یعنی هویت فرد از همان اول بر اساس نام خانوادگی‌اش تعیین می‌شود، نه عملکرد یا دستاورد شخصی.

در بازیگری، پسر یا دختر فلانی بودن شاید کاتالیزوری برای ورود به این عرصه باشد، اما ساخت هویت فردی و اثبات استعداد و توانایی شخصی خیلی سخت‌تر و زمان‌برتر از زمانی است که یک فرد ناشناس پا به این حوزه می‌گذارد؛ چرا که اجازه آزمون و خطا دارد و بدون پیش‌زمینه فقط به خروجی نهایی کار او دقت می‌شود.

امیرحسین فتحی یکی از مثال‌هایی است که شاید اگر پسر یک کارگردان حرفه‌ای و کاربلد نبود، خیلی زودتر از اینها نقش‌های متفاوت از او می‌دیدیم، نه لزوماً به معنای کیفیت بیشتر، بلکه فضا داشتن برای تجربه‌های متعدد.

نقش «کامیار» در سریال شغال که این روزها در حال پخش است، وقت دیده شدن امیرحسین فتحی است. انرژی و تلاش‌های او برای به تصویر کشیدن این کاراکتر چندلایه با انتخاب یک بازی بیرونی و متفاوت نسبت به نقش‌های قبلی‌اش، در کل کار دیده می‌شود اما این تلاش‌ها گاه به درستی به ثمر نشسته و گاه غلو شده به چشم می‌آیند.

این بازی بیرونی، جایی که لایه جدیدی از کاراکتر کامیار را در سکانس استخر با پدرش (مهدی سلطانی) می‌بینیم، بسیار درست و تأثیرگذار است. دوربین حرکت اضافه ندارد و اجازه می‌دهد تماشاگر قصه کاراکتر را بشنود.

فتحی در این سکانس قرار است رازی از کودکی خود را فاش کند که دلیل اصلی رفتارهای خشن، عصبی و عدم توانایی او در رفتار بالغانه است. فتحی طوری کامیار را بازی می‌کند که بدون شکستن غرور، التماس کردن یا ترحم خریدن، بزرگ‌ترین دردش را به پدرش می‌گوید و جوری او را گوشه رینگ می‌گذارد که جز سکوت چیزی باقی نمی‌ماند. او در این سکانس از آن کامیار بی‌عقل، پررو و منزجرکننده، در حرکتی ظریف با تلفیق حس درونی و بازی بیرونی به آرامی لایه تازه‌ای از شخصیت‌اش را رو می‌کند. حالا شاید همچنان تماشاگر گناه تجاوز را بر او نبخشد، اما دیگر کامیار را سیاه نمی‌بیند و احتمالاً بتواند درکش کند.

یا در سکانس اولین گفت‌وگو با زن پدرش (شبنم مقدمی) حس اضطراب پنهان شده زیر اعتمادبه‌نفس ساختگی و صحبت در مورد کتاب هیتلر را به خوبی بازی می‌کند.

همین جنس از بازی، در سکانس‌هایی نپخته و غلوآمیز شده است؛ به‌خصوص در سکانس‌هایی که سطح کیفی بازیگران تراز نیست. اینجاست که نقش مهم کارگردان در هدایت بازیگر و انتخاب درست موقعیت به چشم می‌آید. برای مثال انتخاب بازیگر زن نقش مقابل کامیار (تارا) به قدری اشتباه است که پاسکاری‌های عاطفی و حسی اتفاق نمی‌افتد. بی‌تجربگی بازیگر نقش تارا در بیان دیالوگ، انتقال حس و درک درست از موقعیت سکانس کاملاً مشهود است. وقتی حس از یک کاراکتر منتقل نمی‌شود، در سکانس‌های پرتنش مانند دعوا در خانه کامیار که منجر به خودزنی او می‌شود یا درگیری در کافه، بار اضافه روی دوش کاراکتر دیگر می‌افتد. اینجا اگر بازیگر از تجربه کافی برخوردار نبوده و کارگردان نیز حد و اندازه بازی بیرونی را کنترل نکند و انتخاب درستی در اندازه نما و زاویه نداشته باشد، آن میزان از خشم و واکنش کامیار نیز زیاد از حد دیده می‌شود. بالانس در حس و کیفیت ارائه بازیگران بر عهده کارگردان است که از بیرون کلیت قاب را می‌بیند.

اما در کنار تمام سکانس‌های پردیالوگ و پراکت، یک پلان کوتاه است که توانایی فتحی در بازیگری را بیش از قبل نشان می‌دهد؛ جایی که آوا در آینه دستشویی رستوران، تصویر کامیار را می‌بیند. تمرکز قاب روی کاراکتر آواست، اما نگاه عمیق کامیار که ترس، استیصال و شرمندگی را توأمان دارد، در همان آینه به خوبی منتقل می‌شود.

این بازی درونی شاید در امتداد نقش صابر عبدلی در «شهرزاد» مانند سکانس شوخی‌های عاشقانه با شیرین کنار حوض یا نقش سیاوش در «جیران» مانند سکانس دیدار با جیران و شاه، هنگام اسارت و شکنجه باشد.

فتحی بازیگری است که با تغییر لحن و حالت چشم‌ها می‌تواند حس را به خوبی منتقل کند و نیازی به حرکات پررنگ بیرونی ندارد اما هر بازیگری دوست دارد نقش‌های متفاوت بازی کند و حالا بعد از نقش سامان در سریال «قطب شمال»، این دومین‌بار است که در یک نقش اصلی متفاوت در پروژه‌ای مستقل از پدرش، بازی کرده است. پس از گذشت سال‌ها از ورود او به بازیگری، این دو فرصت اخیر شاید باعث شود کارگردانان جسارت سپردن نقش‌های جدید را به خود امیرحسین فتحی پیدا کنند، نه به پسر حسن فتحی.

> به دنیا آمدن در یک خانواده شناخته شده یعنی هویت فرد از همان اول بر اساس نام خانوادگی‌اش تعیین می‌شود، نه عملکرد یا دستاورد شخصی

روی خط خبر

«ذرات آشوب» راهی بغداد شد

نمایش «ذرات آشوب» به نویسندگی و کارگردانی ابراهیم پشت‌کوهی برای حضور در بخش مسابقه ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر بغداد راهی عراق شد. ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر بغداد از ۱۰ تا ۱۶ اکتبر برابر با ۱۸ تا ۲۴ مهر در کشور عراق برگزار خواهد شد. سیدجواد یحیوی، یاشار نادری، گاتا عابدی، خیام حسینی، پدرام زمانی، رضا آرامش، فهیمه موسوی، مینا ترکمن، گندم احمدی، شبنم روزبهانه، پژمان برزگر، طاها صالحی و ایرج تدین بازیگرانی هستند که در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازند. /مهر

۴ فیلم ایرانی در جشنواره کودک و نوجوان شارجه

جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان شارجه در امارات میزبان نمایش ۴ فیلم کوتاه از سینماگران ایرانی خواهد بود. فیلم‌های کوتاه «خلیل» ساخته سیدپیام حسینی، «مجازات» ساخته پویا مفید، «فردا، امروز نیست» ساخته سیدمهدی کرباسی و «بالرینا» به کارگردانی مشترک فریما خلیلی و سهیل بابایی در این جشنواره به نمایش گذاشته می‌شوند. جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان شارجه از ۶ تا ۱۲ اکتبر (۱۴ تا ۲۰ مهرماه) در امارات برگزار می‌شود. /ایسنا

گالری سهراب میزبان نمایشگاه «پیروان پوسیدگی»

«پیروان پوسیدگی» عنوان نمایشگاه نقاشی «میترا ابراهیمی» است که از ۱۱ تا ۲۲ مهرماه در گالری سهراب برپا می‌شود. به گفته میترا ابراهیمی هنرمند نقاش: «این مجموعه شامل ۲۳ اثر با تکنیک ترکیب مواد روی مقوا در ابعاد مختلف است و در فاصله سال‌های ۱۴۰۱ به این سو متأثر از شرایط اجتماعی خلق کرده‌ام. در این مجموعه فیگور انسان را با المان‌های طبیعی که زنده نیستند و هیچ گونه باروری و رشدی ندارند، ترکیب کرده‌ام و به بیانی استعاری رسیده‌ام. /ایران

انتشار فراخوان یازدهمین جشنواره موسیقی «بَیت و حَیران»

یازدهمین جشنواره سراسری موسیقی «بَیت و حَیران» به دبیری حسن حسن‌زاده ۱۱ تا ۱۳ آذرماه امسال در دو بخش رقابتی و غیررقابتی و با حضور هنرمندان موسیقی نواحی سراسر کشور در شهرستان سردشت آذربایجان غربی برگزار می‌شود. هدف از این جشنواره، تقویت، بسط و گسترش فرهنگ فولکلور و موسیقی بومی نواحی ایران، فراهم کردن زمینه‌ای مناسب برای رشد و ترویج گنجینه ارزشمند موسیقی و ارج‌گذاری به تلاش هنرمندان است. /ایرنا

irannewspaper.ir

پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۴ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۸۴۹
• اذان ظهر ۱۱/۵۴ • اذان مغرب ۱۸/۰۵ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۲ • اذان صبح فردا ۰۴/۳۸ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۰۱

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیر مسئول:**
صادق حسین جابری انصاری

• **سردبیر:**
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی علیه السلام:
دوستی و محبّت، میوه فروتنی است.

غررالحکم، ج ۳ ص ۳۲۷، ح ۴۶۱۳

نقل قول

مولانا و شمس می‌توانند به داد انسانِ سردرگمِ امروز برسند

بـرای من و همکاران عزیزم، سـاخت فیلم «مسـت عشـق» صرفاً سـاخت یک اثر سـینمایی نبود بلکه سـفری معنوی به سـرزمین ملاقـات دو روح، دو جان و دو معنـای عمیق از زندگی بود که در وجود شـمس تبریـزی وجلال‌الدین محمد بلخـی جـاری و زنده اسـت. بر ایـن باورم کـه در طـول قرن‌ها و با گذر نسـل‌ها بسـیاری از دل‌هـا از برکـت این دیـدار میان شـمس و مولانـا گرمـا گرفته‌اند و در روزگار خـود، معنـا ومفهومـی برای ادامـه زندگی یافته‌انـد. امروز پیـام مولانا معنایی تـازه دارد. ما درعصـر بی‌معنایی زندگی می‌کنیم؛ در دورانی که انسـان‌ها گـم شـده‌اند و غبارهـای بی‌شـماری راه را بـرای تصمیم‌گیـری و جهت‌گیری در زندگـی دشـوار کرده‌انـد. در چنین زمانـی، انسـان‌هایی چون حضـرت مولانا و شـمس تبریـزی می‌توانند به داد انسـانِ سـردرگمِ امروز برسـند. مـن وهمکارانم همین که توانسـته باشـیم با خلـق لحظاتی دل مخاطبان‌مـان را به اندیشـه‌های شـمس و مولانـا نزدیک‌تر کنیم بزرگ‌ترین موفقیت اسـت.

از صحبت‌های حسن فتحی در اکران‌ویژه «مست عشق»

اهدای نشان درجه یک هنری به جعفر دهقان

در مراسـم گرامیداشت هفته دفاع مقدس، آیین اهـدای گواهینامـه درجه یـک هنری بـه «جعفـر دهقـان» بازیگـر پیشکسـوت سـینما و تلویزیون با حضور رئیس سـازمان سینمایی برگزار شـد. جعفر دهقان در این مراسـم گفـت: «اولویتـم انتخـاب کارهای دفـاع مقـدس بـود و خوشـبختانه طوری شـد که پرکارترین و بهترین بازیگر سینمای دفـاع مقدس بـه انتخـاب مردم در سـال شـدم و خودم را مدیون و متعهد نسـبت به بچه‌های جنـگ می‌دانسـتم و همانقدر که آنها از مـن راضی باشـند، برایـم کافی بوده اسـت./ سـازمان امور سینمایی

اعتراض انجمن بازیگران آمریکا به اولین بازیگری هوش مصنوعی

پس از اعتراض شـماری از بازیگران درجه یک هالیوودی به اولین بازیگری که توسط هوش مصنوعی سـاخته و در یک فیلم به کار گرفته شـده اسـت، انجمـن بازیگران آمریکا با انتشـار بیانیه‌ای این امر را محکوم کرد. بـازی دادن بـه زنی با عنـوان «تیلی نـوروود» اولین بازیگری که توسـط هوش مصنوعی سـاخته شـده، توسـط انجمن بازیگران آمریـکا (SAG-AFTRA) محکوم شد. این مخلوق به موضوعی بحث‌برانگیز در هالیوود بدل شده و بازیگران معتقدند کـه «خلاقیت انسـان‌محور اسـت و باید باقـی بماند.»/ مهر

تجلیل از بیاض امیرعطایی به پاس سال‌ها تلاش در عرصه ساخت «ساز»

آیین تجلیل و پاسداشـت مقـام هنری بیاض امیرعطایـی، سـازنده سـازهای ایرانـی بـه بهانـه هفتادمین سـالروز تولد ایـن هنرمند پیشکسـوت روز جمعـه ۱۱ مهر سـاعت ۱۷ در فرهنگسـرای ارسـباران برگـزار می‌شـود. در ایـن آیین فیلم مسـتند «کمانچـه» با تحقیق و نویسـندگی لاله جوشنی و کارگردانی محمود یارمحمدلـو رونمایی می‌شـود و پـس از آن به نمایش درمی‌آید. اسـتاد بیـاض امیرعطایی، سـال ۱۳۵۱ با اسـتاد ابراهیم قنبری‌مهر آشنا شد. شـروع کار سازسـازی‌اش با ساخت ساز تـار و تـراش تمبـک و کمانچه یک‌تکـه برای هنرآموزان هنرستان موسیقی آغاز شد./ ایران

در نشست خبری سی‌وهفتمین جشنواره فیلم کودک مطرح شد

فصل سینمای کودک در روزگار بی‌رمق این ژانر

گزارش

گـروه فرهنگـی- نشسـت خبـری سـی‌وهفتمین جشـنواره بین‌المللی فیلم‌هـای کـودکان و نوجوانان صبح چهارشـنبه ۹ مهـر با حضـور اصحاب رسانه در بنیاد سـینمایی فارابی برگزار شـد. حامد جعفـری، دبیر جشـنواره و مدیرعامـل بنیـاد فارابـی، در ایـن نشسـت از ضرورت‌های برگـزاری این رویـداد، وضعیـت نه‌چنـدان مطلوب سـینمای کودک و برنامه‌های جشنواره سـخن گفت.

جعفـری در آغـاز با اشـاره به سـابقه جشـنواره که از سـال ۱۳۶۱ شروع شد و در شهرهای مختلف از جمله تهران، همدان و کرمـان برگزار شـده، تأکید کـرد: «این جشـنواره در همه سـال‌ها تنهـا میعـادگاه جـدی برای سـینمای کـودک و نوجـوان بـوده و حتـی در دوره‌هایی کـه تعطیل شـد، کیفیت و کمیـت تولیـدات بهبود پیـدا نکرد.»

او توضیـح داد کـه سـی‌وهفتمین دوره بـا نمایـش فیلم‌هـا در اصفهان و همزمـان در ۱۸ اسـتان دیگـر برگزار می‌شـود و افتتاحیه رسـمی آن ۱۱ مهر با ادای احتـرام به شـهدا خواهد بود.

بـه گفتـه دبیـر جشـنواره، امسـال ۳۹۳ اثـر متقاضی حضـور بودند که در نهایت ۸ فیلم بلند داسـتانی، ۱۹ فیلم کوتاه و ۱۱ اثر انیمیشـن انتخاب شدند. در بخـش بین‌الملـل نیـز از میـان ۱۸۳ اثـر، ۱۸ فیلـم پذیرفته شـده‌اند کـه تنـوع جغرافیایـی قابل‌توجهی از کشـورهای مختلـف دارند.

سه بزرگداشت در جشنواره

جعفـری از برگـزاری سـه مراسـم نکوداشـت خبر داد: بزرگداشت زهره شـکوفنده، پیشکسـوت عرصه دوبله؛ داریـوش فرضایـی (عمـو پورنگ) به پـاس فعالیت‌هـای کـودک و نوجوان و مهـدی مسعودشـاهی برای سـال‌ها مدیریـت فرهنگی.

بازتاب جنگ ۱۲روزه در آثار

موضـوع جنـگ اخیـر غـزه نیـز در ایـن نشسـت مطـرح شـد. جعفری توضیـح داد در میـان آثـار رسـیده به جشـنواره تعـدادی فیلم بـا محوریت کودکان و جنـگ ۱۲روزه حضـور دارند کـه کیفیت بالاتری داشـته و در برنامه امسـال جای گرفته‌انـد. او تأکید کرد: «جشـنواره مأموریـت سـاخت ندارد، بلکه نمایشـگاه آثار اسـت.

اگـر تعداد آثار بیشـتر می‌بـود، بخش مجزایـی بـرای کـودکان غـزه در نظر می‌گرفتیـم.»

ضعف تولیدات، انگیزه برگزاری

یکـی از محوری‌تریـن بخش‌هـای نشسـت، تأکیـد دبیـر جشـنواره بـر کم‌رمقـی تولیـد در سـینمای کـودک بـود. او گفـت: «از میـان ۲۵ فیلـم بلند رسـیده تنهـا ۸ اثر انتخاب شـد کـه نشـان می‌دهـد وضعیـت تولید مطلـوب نیسـت. امـا همیـن رویداد می‌توانـد انگیـزه‌ای برای فیلمسـازان باشـد تا مسـیر خود را ادامـه دهند.»

> از میان ۲۵ فیلم بلند رسیده تنها ۸ اثر انتخاب شد که نشان می‌دهد وضعیت تولید مطلوب نیست. اما همین رویداد می‌تواند انگیزه‌ای برای فیلمسازان باشد تا مسیر خود را ادامه دهند

جعفـری در همین‌بـاره اضافـه کـرد بنیـاد فارابـی تنهـا از آثـاری حمایـت خواهـد کـرد کـه کیفیـت و ظرفیـت جـذب مخاطـب داشـته باشـند.

سیاست‌های حمایتی و آینده جشنواره

جعفـری از برنامه‌ریـزی بـرای ایجـاد دبیرخانه دائمی جشـنواره سخن گفت و تأکید کرد که بایـد فرصت‌های تازه‌ای بـرای عرضه فیلم کودک ایجاد شـود. او به سـهم یک‌سـوم جمعیت کشـور که کـودک و نوجـوان هسـتند اشـاره کرد و افـزود: «اگـر جریان‌سـازی نکنیـم و بخـش خصوصـی وارد کار نشـود، ایـن سـینما همچنـان در حاشـیه خواهـد ماند.»

او با اشـاره بـه تجربه ناموفق انباشـت آثـار در فارابـی، بـر لـزوم رسـاندن فیلم‌هـا به مخاطب تأکید کـرد: «وقتی فیلم خوب به دسـت مخاطب نرسـد، قـدرت اثرگـذاری‌اش از بیـن می‌رود.»

جعفـری همچنین دربـاره همـکاری با صداوسـیما گفـت: «تعاملاتـی شـکل گرفتـه اما بـه دلیـل درخواسـت‌های مالی سـنگین برخی برنامه‌سازان هنوز به نتیجه نرسـیده اسـت.»

برنامه‌های جانبی و نمایش در تهران

بـه گفتـه دبیـر جشـنواره، فیلم‌هـای امسـال عـلاوه بـر اصفهـان در پردیس‌هـای فرهنـگ، مـوزه سـینما، مگامال و سـروش تهران نیز به نمایش درمی‌آینـد. او همچنیـن از اختصـاص سـانس صبح برای مدارس طبق تفاهم آموزش و پرورش با سـازمان سـینمایی خبر داد.

المپیاد فیلمسازی و اقتباس ادبی

جعفری در بخش دیگری از سـخنانش از برگـزاری المپیـاد فیلمسـازی در فاصلـه‌ای پس از جشـنواره خبـر داد و گفـت، کیفیـت این رویـداد برایشـان مهـم اسـت. او همچنیـن بـر اهمیت فیلم‌های اقتباسـی تأکید کـرد و آنها را فرصتـی برای جذب مخاطب دانسـت.

نگاه به آینده

در پایـان، دبیـر جشـنواره تأکیـد کرد که کیفیـت برگزاری امسـال مهم‌ترین هدف اسـت و پس از آن آسیب‌شناسی و بررسی مسـائل ادامه خواهد داشت. او ابـراز امیـدواری کرد که دسـت‌کم دو فیلـم از بخش مسـابقه داسـتانی بلند بتواننـد بعدهـا در گیشـه هـم موفـق باشند.

جشـنواره سـی‌وهفتم از ۱۲ تا ۱۶ مهر در اصفهـان و همزمان در برخی اسـتان‌ها برگـزار می‌شـود و دو مراسـم اختتامیه جداگانـه بـرای فیلم‌هـای کوتـاه و انیمیشـن (۱۴ مهـر) و فیلم‌هـای بلند داسـتانی (۱۶ مهـر) خواهد داشـت.

برش

غفلت سینما از نوجوانان دفاع مقدس

سومین نشسـت «قرار هفت» با موضوع کنشـگری نوجوان و سـینمای دفاع مقدس در بنیاد سینمایی فارابی برگزار شـد. نشسـت با نمایش نسـخه بازسـازی شـده «باشـو غریبه کوچک» آغاز شـد و رسول صدرعاملـی و محمدرضا شـریفی‌نیا دربـاره کم‌توجهی سـینمای ایران به نوجوانان سـخن گفتند.

صدرعاملـی با اشـاره به نقش محـوری نوجوانـان در جنگ گفت: «بخـش بزرگی از بار جنـگ و زندگی بـر دوش نوجوانان بود، اما سـینما آنها را بازتاب نداده اسـت.» او تفکیک سـینمای کـودک و نوجوان را ضروری دانسـت و افزود: «نوجوان در سـینما باید مسـئولیت‌پذیر تصویر شـود، نه صرفاً سـرگرم شـود. ما حتی جشـنواره مسـتقل نوجوان نداریم.»

شـریفی‌نیا نیز تأکید کـرد: «۴۵ درصد اسـرای جنگ دانش‌آموز بودنـد، اما آثار کمی درباره آنها سـاخته شده است. سانسور باعث شد بسـیاری از فیلم‌ها، از جمله باشو، سـال‌ها اکران نشـوند.» او افزود که نشـان دادن تبعات جنگ ضرورتی انکارناپذیر است.

هر دو سـخنران بر لزوم استقلال سـینمای نوجوان و حمایت جـدی از آن تأکید کردند. نشسـت «قرار هفت» به همت جشـنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان و با همکاری بنیاد فارابی برگزار شـد.

گذری بر سی و دومین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان

باغ ملی و حیرت هجده سالگی

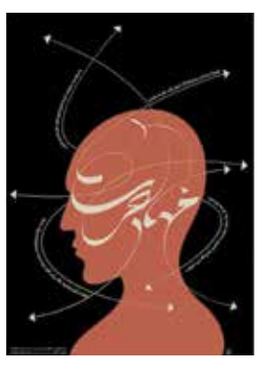

یادداشت

سعید اسلام‌زاده
روزنامه نگار هنری

دخترهـا و پسـرهای هجـده سـاله و بیسـت و چنـد سـاله، با دسـت‌های خاکـی و رنگی از آکریلیک و رنگ روغن و سـیاه از زغال طراحی کـه گاهی برای پـاک کـردن دستشـان را روی لبـاس می‌کشـند... باهـم بحـث می‌کنند و می‌خندنـد و آنچه را در ذهـن دارند با صـدای بلند بیـن دوسـتان می‌گویند و ترسـی ندارنـد که کارشـان را بقاپند، چـون صادقند و بـا هنر روراسـتند... یک طـرف بچه‌های سـرامیک‌اند با آن عینک‌هـای محافـظ پای کـوره یا کف حیـاط نشسـته و با خاک و آب دسـت بـه سـاختن می‌برنـد... در کارگاهـی دیگـر هـم بچه‌هـای طراحی بـا مداد کنتـه و زغـال و حتـی رنـگ، مرزهای طراحـی و نقاشـی را مـدام گسـترش می‌دهند... یـا آنهـا کـه با قلـم صفر، رنگ‌های فیروزه‌ای و زرد و سـبز و سرخ را در تذهیب و گل و مرغ می‌نشانند... آنهـا را چه می‌گویـی که پـای لپ‌تاپ بـا ایده‌هایشـان کلنجـار می‌رونـد یـا دوربیـن بـه دوش نـگاه می‌کننـد تـا عناصر بیـرون از خود را با چشمشـان پیونـد دهنـد... همـه ایـن هجـده سـاله‌ها و بیست و چند سـاله‌ها راهی را انتخـاب کرده‌انـد کـه دشـواری‌اش کم از راه‌های دیگر نیسـت و زیسـتن با هنر اسـت. زندگی در حیـرت... مدام شـگفت زده شـدن و لحظه‌هایـی را با مـردم دنیا قسـمت کردن.

این تصویری اسـت از یک جشنواره. هر جشـنواره‌ای که یک سـویش جوان‌ها باشـند من آن طـرف می‌ایسـتم. این جشـنواره‌ها در ذات آنقـدر پویایـی دارنـد که چندین روز سـرپا بـودن و از ایـن طرف بـه آن طـرف دویـدن را به چشـمت نمی‌آورد.

وقتـی کـه اختتامیـه تمـام می‌شـود و بچه‌هـا را بـا دسـتبند جشـنواره و دیپلم‌های افتخار به خانه می‌فرسـتی تازه می‌فهمی که چقـدر پاهایت درد را در خـودش پنهان کـرده بود.

این وصف جشـنواره هنرهای تجسـمی جوانان بود که سـی و دومین دوره‌اش در دانشـگاه هنر باغ ملی برگزار شـد.

جشنواره‌ای که با پاییز آمد

در وصـف ویژگی‌هـای این جشـنواره پیشـتر همین‌جـا نوشـته بـودم کـه وقتـی ۱۵۴ نفـر از همـه اسـتان‌های کشـور می‌آیند و در رشـته های هنری تقسـیم می‌شـوند و بـا اسـتادان کار می‌کننـد تـا آثاری بسـازند کـه داوری شـود رخـدادی یکتـا در هنـر ایـران ا ست.

هرکـس بـه ایـن جشـنواره راه بیابـد برنـده اسـت. برگزیـدگان روز پایانـی فقـط نمک جشـنواره‌اند. چـون همه آنهـا، دوبـاره در ورکشـاپ‌های بعـد از جشـنواره حضـور خواهند داشـت. جنـگ ۱۲ روزه نقطه‌ای در داسـتان ما بود که می‌خواسـتیم کاری به سـامان برسـد تـا جوانهـا شـادی و نشـاط و بـودن و سـرودن را در تجربه‌ای هنری درک کننـد.

اصـلاً بـرای همین بـود که «ریشـه در خاک» از شـعر فریدون مشیری بیرون آمـد و در خط و شـعار و موضوع کارها نمایـان شـد کـه؛ مـن اینجا ریشـه در خاکم.

> هر جشنواره‌ای که یک سویش جوان‌ها باشند من آن طرف می‌ایستم. این جشنواره‌ها در ذات آنقدر پویایی دارند که چندین روز سرپا بودن و از این طرف به آن طرف دویدن را به چشمت نمی‌آورد

هنر ریشه‌های آدمی را به خاکش گره می‌زند

محکـم می‌کنـد مثل ریشـه‌های سـرو ابرقـو. یـا چنارهـای هفـت جـوش امامزاده‌های پای کـوه. می‌توانی از اینها شعار بسازی و چند صباحی را بگذرانی و می‌توانی به نقطه شـعور برسانی و هنر را نیاز امروز و فردا بدانـی. مثل یک قطعه تـار میرزا حسـینقلی یـا خطی از شـعر نیمـا کـه از صبـح می‌گوید و روشـنی: قوقولـی قـو خـروس می‌خواند...

یا سـیاه مشـق کلهر و نقشـی از قوللر یا سپهری...

آنقـدر ریشـه دارد این درخـت که گاهی یاد انسـانی می‌افتـی که ۳۵ هزار سـال پیش در غار نقشـی از حیوان و انسـان را بـر دیوار غار کشـید.

و حـالا این معجـزه جوانی اسـت که به اکسـیر حیـات مـی‌ارزد. وقتی کـه پای هجـده سـالگی می‌ایسـتی و حیـرت می‌کنـی از هـر چـه جنـس هنر اسـت و عشـق و مانـدن. مانـدگاری. راز ایـن هجده سـالگی کشـف اسـت.

کشـفی در جسـت‌وجوی خود و بیرون مثـل بچه‌هایی که در روزهای جشـنواره دیدم کـه در حیـاط باغ ملی دانشـگاه هنـر می‌چرخیدنـد و جوانـی را معنـا می‌کردنـد پای تابلـو و وقتی که دسـت بـه رنگ و گـچ و چوب و آهـن و قلم نی می برد ند.

روزهای جشنواره امسال را از اتاق داوری و انتخاب هنرجو برای کارگاه شروع کردم

هنرمندانی کـه با ذوق و دقـت کار این جوانها را می‌دیدند و گاهی چشمانشان برق می‌زد و می‌گفتند: بماند... دسـت آخـر که باید حـذف می‌کردند می‌دیدم که چه افسوسـی می‌خورند.

روز افتتاح این جشنواره در آفتاب صبح اولیـن روز پاییز مگر از خاطره‌ها می‌رود وقتی که در قلب تهران، در میانه تاریخ ایسـتاده باشـی و بچه‌ها را با اسـتادان بـه کلاس بفرسـتی. و می‌دانسـتی که پنجشـنبه غروب بعد از ۲ روز و نیم کار، چه دل دلی می‌کنند و در سرشـان چه می‌گـذرد، که کارشـان چه می‌شـود در نگاه داوران.

مـن فقـط ایـن سـوی داسـتان را می‌بینـم، سـویه جوانـی را. یـک بـار دیگـر بایـد دوربیـن را بچرخانیـم و آن سـوی اسـتادانه‌اش را هـم از نظر بگذرانیـم. و آنچه را در نگاه اسـتادان بـه جوانان می‌آمد و چه لذتی داشـت وقتی احمـد وکیلـی و محمدعلی بنی اسـدی بـا لـذت از کار بچه‌هایشـان حـرف می‌زدنـد.

پـای صحبـت بچه‌هـا که نشسـتم هر یـک از جایـی آمـده بـود. از اردبیـل، شـیراز، اصفهان و سـمنان و هر جایی که در نقشـه ایران نامش آمده. همگی از دوسـتی‌ها گفتند؛ دوسـتی‌هایی که می‌دانسـتند پایـان می‌یابد.

از کلاس طراحـی بـه نقاشـی... از سـرامیک به عکاسـی. فرقی نمی‌کرد، هنـر مهم بـود که آنهـا را بـه هم وصل می‌کـرد در قلـب تهـران، در دانشـگاه هنـر، جشـنواره هنرهـای تجسـمی جوانان... بـرای این ۱۵۴ هجده سـاله تا بیسـت و چند سـاله‌ها بهانـه بود تا بیاینـد و اسـتادان را ببیننـد، کار کنند و بیشـتر یاد بگیرنـد و خودشـان را در محـک تجربـه بگذارند.

جایزه هم کـه پیش رو بـود. در رقابتی کـه اگـر اسـم دوستشـان در شـب اختتامیـه اعلام می‌شـد سـوت و کف و هـورا بـود که بـه هـوا می‌رفت.

خصلت این جشـنواره را بایـد در همین ریشـه در خاک بـودن جسـت‌وجو کرد جشـنواره‌ای کـه مثـل یـک شـجره در ایـن سـی و دو دوره بـه همـه هنرهـا و هنرمنـدان شـاخه دوانده درسـت مثل پیچکـی کـه از دیوار بـالا رفتـه و ایوان همسـایه را سـبز کرده، درختـی محکم کـه می‌توانی بـه آن تکیه کنـی و جوانان ایـران در باغ ملـی به هنر تکیـه کردند.